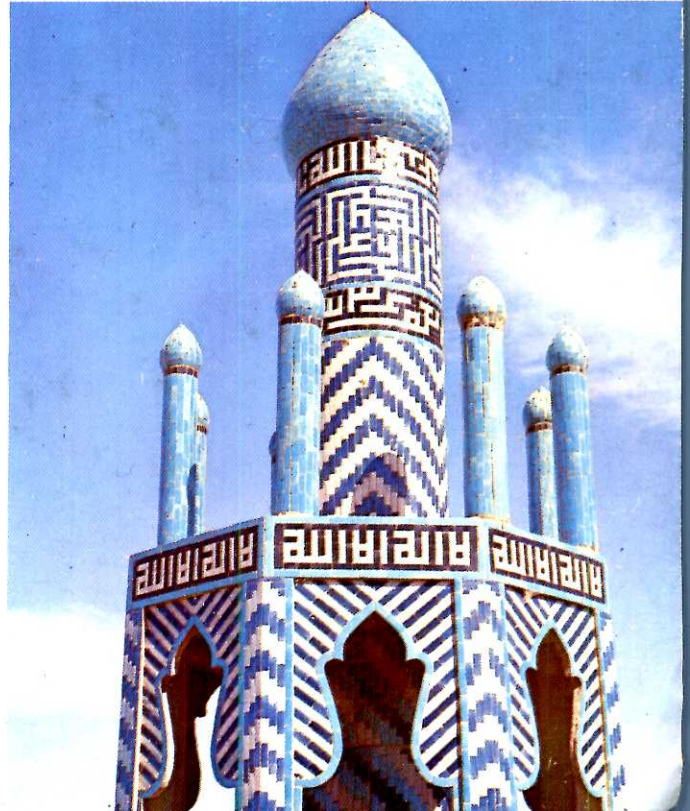
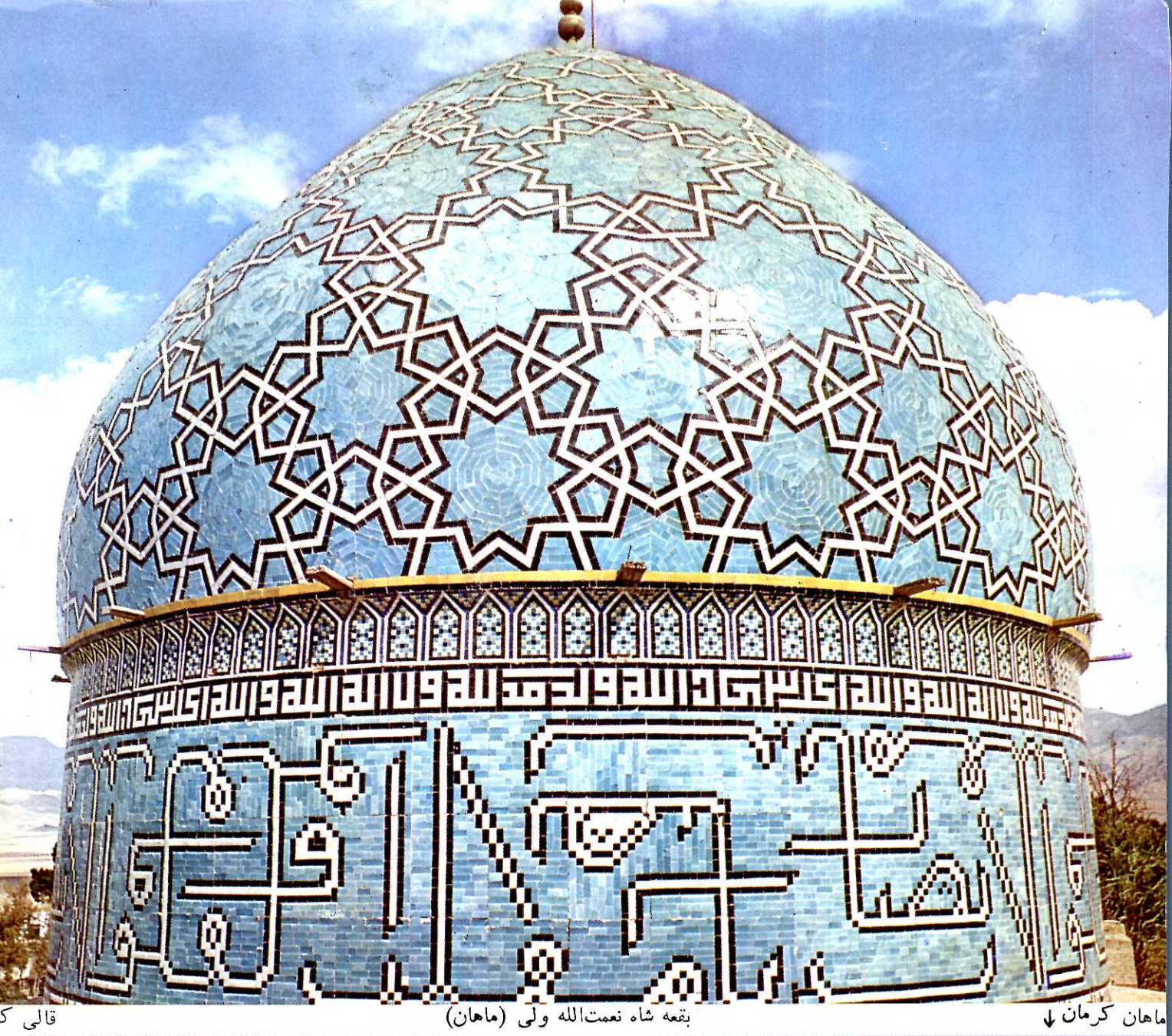
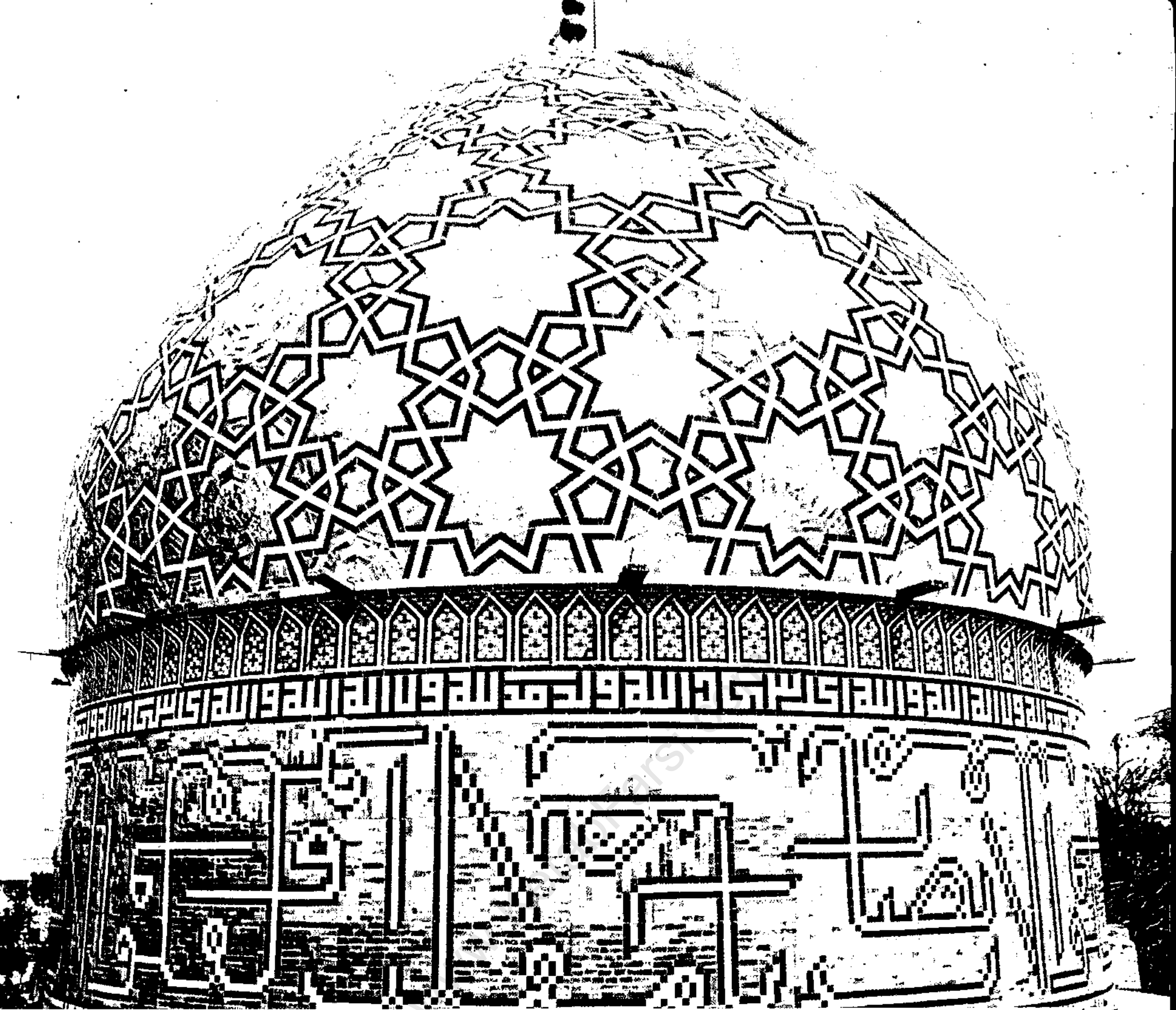


تشی





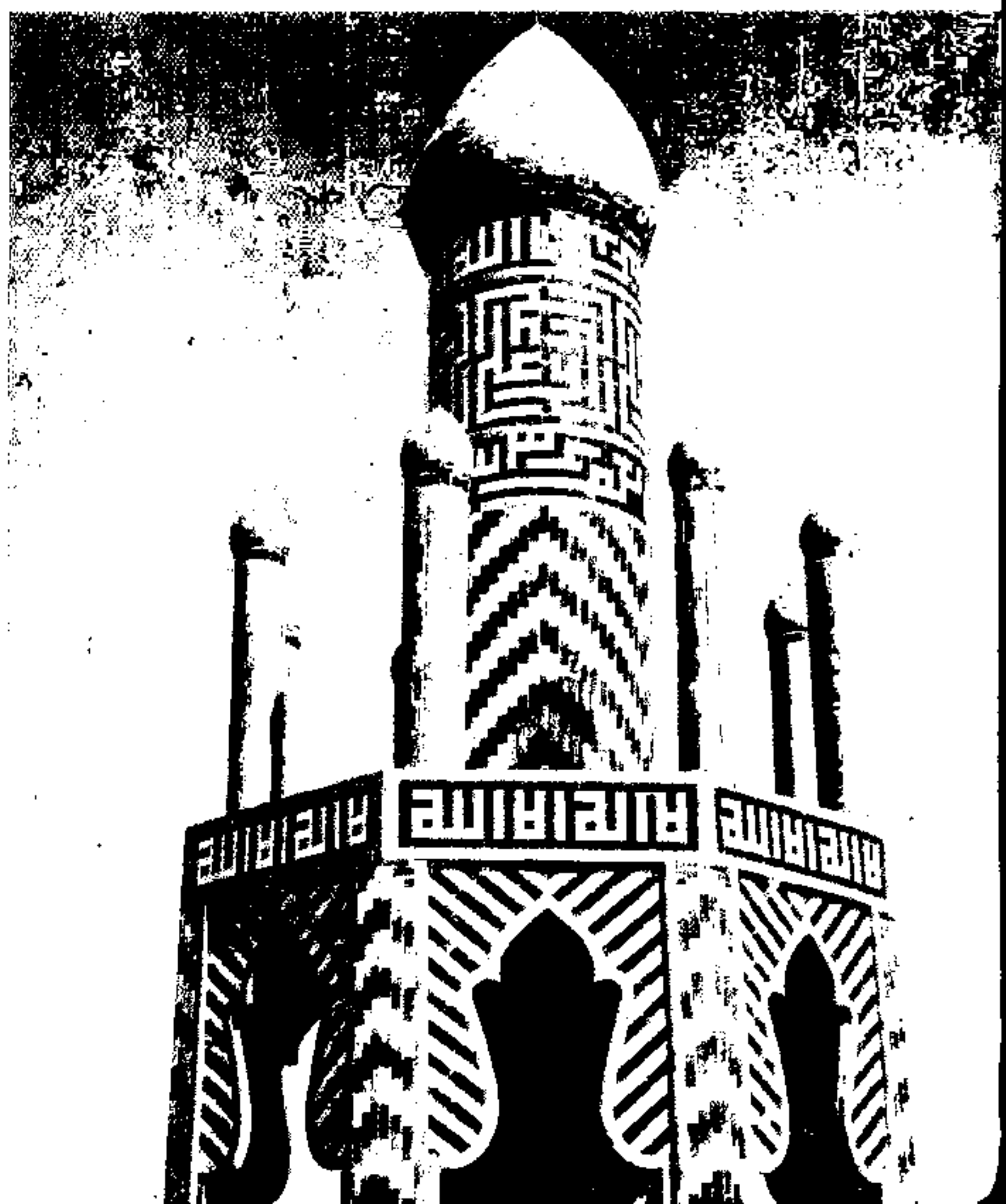
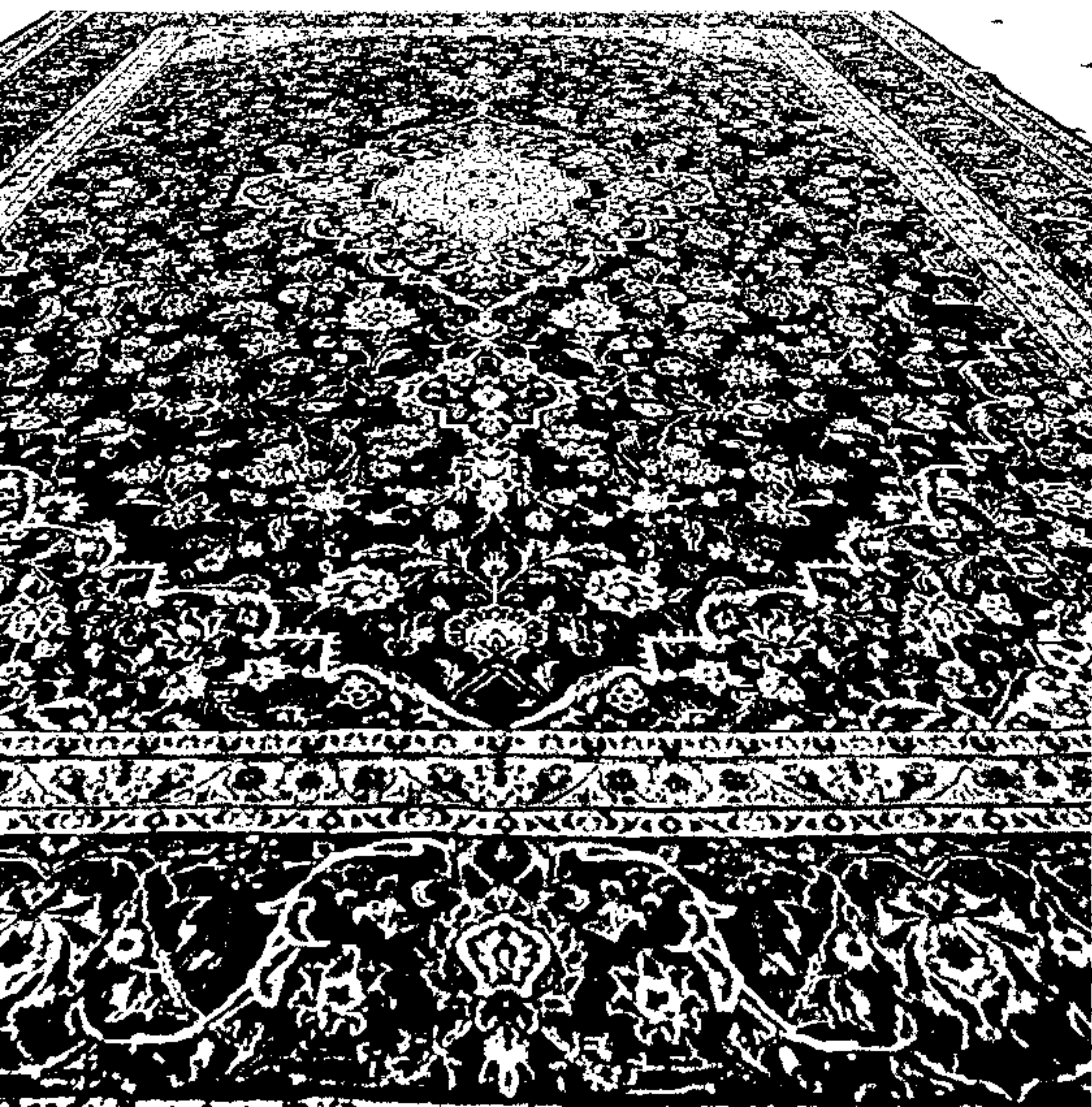




قالی ک

بقعه شاه نعمت الله ولی (ماهان)

ماهان کرمان ↓



مطالب این شماره



روی جلد : لاله

پشت جلد : سنبل

داخل جلد :
عکس‌هایی از کرمان

اسلایدهای رنگی و عکس‌های سیاه و سفید
از : غلامحسین ملک‌عراقی

جدول صفحه ۴۰
از کاظم کمالی

تنظیم صفحات :
باهمکاری مصطفی اسداللهی

چاپ : سکه

صفحه	عنوان :
۲	فرمان تحصیل رایگان
۳	فرمان بهداشت رایگان
۴	حضور هیچگونه نظامی خارجی ... مصاحبه شاهنشاه آریامهر
۶	ایران در تحولات اقتصادی و سیاسی جهان
۷	صلح هدفی است که ...
۹	در برابر ۱۰ میلیون بیمه شده عبدالله فرخی
۱۲	افق‌های بهاری عبدالرضا امیرابراهیمی
۱۶	کرمان جمشید مهریویا
۲۵	استالینسم و انقلاب روسیه
۴۱	شیشه‌های رنگین غلامرضا مریدی
۴۸	«میگو» در ایران دکتر محمد ستاری
۵۰	تغییرات حقوق و دستمزد محمدحسن وطنی
۵۴	سنگ
۵۷	جاده هراز اعتماد
۶۱	سیزده‌بلر ج - م
۶۵	رویدادها

بهای تلاش : ۲۵ ریال

شماره چهل و پنجم

تلاش

بهمن و اسفند ۱۳۵۲

نویسندگان و گویندگان مسؤول نوشته‌ها و گفته‌های خود هستند.
نقل مطالب تلاش بدون ذکر نام مجاز نیست.

محل اداره : خیابان شاه - کوچه پنجم - شماره ۲۷ - بها ۲۵ ریال.



جناب امیر خاستن جویدانخت وزیر

ظہر حق کی نسبت تائین سائل فادہ و شرف سعادت فرزند ان کشور داریم و متعقدیم کہ نوباوگان نوجوانان امروزہ دوران تمدن بزرگ و طیفہ خطری برای زندگی این
عصرین بعدہ خواهند گرفت، انکو ذامکانات از ہر جہت فراہم است بوجہ این فرمان مقرریداریم کہ دولت مطالعات پیش بینی های لازم را برای تحقق یافتن اقدامات زیر بنیاد
بطوریکہ از آغاز سال تحصیلی آیندہ بر عمل اجرا دآید :

۱- دولت سائل تحصیل ایگان کلمہ کودکان دانش آموزان مکات از کدو کستان تا آخر دورہ رہنمائی تحصیلی فراہم سازد و ضوابط و آئین نامری لازم
تیز کند و تصویب برساند، بدیجی است بوجہ این ضوابط دانش آموزی کہ بطور تکرر مرود شود یا استعداد او دانش تحصیل نہ شدہ باشد بخوابد و انست از این مکات
استاد کند، برای اجرای این امر دولت میتواند از طریق تسدید مدارس ابتدائی در ہنسانی غیر دولتی یا باپرداخت حق تحصیل دانش آموزان طبق برنامہ مصوب
وزارت آموزش پرورش مدارس غیر دولتی برابر مقررات خاصی اتمام نماید، وزارت آموزش پرورش ضوابط اقدامات فاطمی برای لابردن سطح علمی و تحصیلی
کلمہ مدارس ابتدائی در ہنسانی معل آورد.

۲- دولت وزارت آموزش پرورش بکارهای نوشتہ زیر بطریق بدینکہ از اول سال تحصیلی آیندہ ہر یک از کدوگان دانش آموزان درس مسرک کشور چود دولتی و غیر دولتی
از کدو کستان تا آخر دورہ رہنمائی تحصیلی ہر روز صبح نیم تیر شیر ذیادہ خدائی شاہکی از نظرمین پروتین جانین آن باشد و یک قطعہ نان شیرینی بطور ایگان دادہ شود
۳- برای انکہ از سطوات اطلاعات بہترین معلمان و تمام مدارس کشور بہت تدریس استفادہ شود وزارت آموزش پرورش ضوابط اموریت ارد کہ در اسرع وقت طرح
تدریس از طریق تدریس یون باورہ ای و همچنین نصب تلمذ یونیون گاست د کلمہ مدارس کشور را پیادہ کند.

۴- اجرای این فرمان دولت مکلف است تا نوروز امسال تجدیدات خود را بہ کارگزارش بد، کاخ نیاردان، تاریخ اول اسفندہ ۱۳۵۲ شمسی

محمد
ج



جناب امیر عباس ہودا تخت وزیر

تقریباً علاقہ ای کہ بہ سدرستی گلہ افراد این مرزد بوم داریم و متعقدیم تائین سلامت مردم کشور پایہ داساس جس ہر نامہ ای تو معودہ
 پیرفت ہوئی تمدن بزرگ است و از طرفی پیشگیری از بیماریہا یکی از ارکان اساسی بهداشت در مان میدانیم بوجہ این فرمان مقرر میداریم:
 ۱۔ دولت در کوتاہترین زمان ممکن بوسیلہ وزارت بہداری اقدامات لازم را برای بیماریابی، جلوگیری از
 بیماریہای واکیر، پیشگیری از بیماریہائی کہ بوسیلہ واکسیناسیون بای مختلف امکان پذیر است، ہمبہود محیط زیست و آلودگی
 بهداشت بعموم مردم محل آورد بطوریکہ موردی از بیماریہای قابل پیشگیری در محیط ارتباط کثرت از دستہائی دشمنی شائعہ نشود۔
 ۲۔ برای ہر یک از افراد کثرت شناسانہ بهداشتی تہیہ شود بخوبی کہ گلہ مواہق بهداشتی آنها، بیماریہا،
 واکسیناسیونہای انجام شدہ ذخیرہ در آن منعکس گردد۔

بدین است تائین بہداشت عمومی از وظایف دولت است و بر ذہن ہر یکہ ہمکاری خودیاری مردم لازم است بصورت رایگان خواہد بود۔

کاخ یادوران۔ تاریخ ثبت دہم انقذہ ہزار و سیصد و پنجاہ و دوشمی ۱۳۵۲

حضور هیچگونه نظامی خارجی در خلیج فارس مجاز نخواهد بود

اشاره:

شاهنشاه آریامهر ، «فرانک جایلز» معاون سردبیر روزنامه «سندی تایمز» چاپ لندن را در کاخ نیاوران به حضور پذیرفتند و به سؤالات او درباره مسائل مربوط به پیشرفت‌های ایران، امنیت خلیج فارس، کشمکش‌های اعراب و اسرائیل، بیت‌المقدس و انتقاد کنندگان از سیاست‌های ایران پاسخ فرمودند که در زیر می‌خوانید:

شاهنشاه در پاسخ اولین سؤال معاون سردبیر سندی تایمز درباره امنیت خلیج فارس فرمودند: «مسئولیت خلیج فارس باید بعهده کشورهای ساحلی این منطقه باشد، هیچگونه حضور نظامی خارجی در خلیج فارس مجاز نخواهد بود.»

سردبیر سندی تایمز می‌نویسد:

این پاسخ شاهنشاه ایران به نخستین پرسش من بود که طی يك مصاحبه طولانی و اختصاصی در کاخ نیاوران با معظم‌له مطرح کردم . شاهنشاه با همان قدرت و قاطعیت درخور رهبری که ابراز می‌دارند کشورش پنجمین قدرت جهان خواهد شد بیان فرمودند ، اما در تمام مدتی که با شاهنشاه گفتگو می‌کردم هرگز صدای خود را بالا نبردند یا هنگام تأکید بر روی موضوع‌ها لحن خود را چندان تغییر ندادند. این نشانه اعتماد و اعتقاد درونی عمیق شاهنشاه ایران است .

من مصاحبه خود را با این سؤال شروع کرده بودم که چرا در حالیکه انگلستان موفق شده بود با دوگردان نظامی ویک یا دو کشتی جنگی متوسط صلح را در خلیج حفظ کند

ایشان لازم دیدند که مبالغ بیسابقه‌یی برای خرید اسلحه و ایجاد يك سازمان دفاعی منظم صرف کنند.

شاهنشاه پاسخ دادند: «وقتی انگلستان بطور مستحکم در خلیج فارس مستقر بود هیچکس نامی از عمل بعثی و یا کوبایی در یمن جنوبی نشنیده بود. فرض کنید عمان که نیروهای نظامی ایران در آنجا در کنار نیروهای عمانی سلطان قابوس در نبرد علیه شورشیان «ظفار» شرکت دارند بدست افراد ناباب که می‌توانند باتوپهای دورزن خود کنترل تنگه هرمز را به دست گیرند و یا کسانی که می‌توانند يك نفت کش ۵۰۰۰۰۰ تنی را غرق کنند و خلیج را برای همیشه آلوده سازند بیفتند. آنگاه چه خواهد شد؟»

شاهنشاه افزودند: «بعلاوه چه فرقی بین نیروهای ایرانی و نیروهای انگلیسی یا فرانسوی و یا آلمانی هست؟ هدف ما دفاع از خود در مقابل تهدیداتی است که از هر سو ممکن است متوجه کشور ما شود ما آماده‌ایم با برادران همکیش یعنی کشورهای عربی خلیج فارس ترتیبات لازم را برای همکاری منطقه‌یی در زمینه دفاعی بدهیم اما تاکنون پاسخی از آنها دریافت نکرده‌ایم.»

معاون سردبیر سندی تایمز می‌نویسد این پاسخ شاهنشاه بطور طبیعی به سؤالات مربوط به موضوع ایران در مناقشات اعراب و اسرائیل منتهی می‌شد. شاهنشاه بعنوان رئیس يك کشور مسلمان غیر عرب اغلب در گذشته بخاطر داشتن مناسبات با اسرائیل و عدم پشتیبانی از اهداف اعراب مورد انتقاد اعراب قرار گرفته‌اند.

از شاهنشاه پرسیدم، اوضاع بعد از جنگ اکتبر گذشته را چگونه می بینید؟

شاهنشاه پاسخ دادند: «فکر می کنم این جنگ بیهودگی مذاکره درباره مرزهای امن و مطمئن را نشان داده است. جایی امن تر از ترعه سوئز وجود ندارد، اما این ترعه نتوانست اسرائیل را در مقابل حمله مصون دارد. بر اثر این جنگ اعراب حیثیت خود را بازیافتند و اسرائیل که تا آن زمان پرنخوت و لجوج بود تکان خورد و این تکان مفید بود.

شاهنشاه دیپلماسی پرزیدنت سادات و اقدامات جاری طرفین را بسوی جداسازی نظامی بگرمی مورد تمجید قرار دادند و فرمودند پیش بینی چگونگی و زمان حل نهایی که شامل حال فلسطینی ها و بیت المقدس شود غیرممکن است ولی علیرغم هر اتفاقی که رخ دهد، «اماکن مقدسه مسلمانان را نمی توان به دست یهودیان سپرد».

سپس به بحث درباره آینده ایران کشوری که سرعت رشد فعلی آن با قیمت های ثابت به رقم بیسابقه ۴۰ درصد رسیده پرداختیم.

شاهنشاه توضیح دادند که این رشد ادامه خواهد یافت ولی تنها به نفت که ذخایر آن بهر حال محدود است متکی نخواهد بود بلکه به توسعه صنعتی و کشاورزی کشور اتکاء خواهد داشت. «ما باید منابع زیرزمینی خود را توسعه دهیم... شاید انرژی خورشیدی را بعنوان يك منبع نیرو مهار کنیم. ایران از آفتاب فراوان برخوردار است.» در این جا شاهنشاه از پنجره به ریزش آرام برف که امسال در تهران بسیار باریده و مورد گفتگو قرار گرفته نگریستند و لبخند سردی بر لبانشان نقش بست آنگاه فرمودند:

ما در کلیه زمینه ها در پی نیروی اتم البته فقط برای مقاصد مسالمت آمیز خواهیم بود. ما صنعت پتروشیمی و داروسازی ایجاد می کنیم... و هر صنعت مهم جهان را باید دارا باشیم. تمام این اقدامات براساس مشارکت کارگران و دهقانان و زارعان در مالکیت کارخانه ها و مؤسسات خواهد بود. «پنجاه درصد جمعیت ایران زیر ۱۵ سال است و این یکی از بزرگترین عوامل قدرت ماست.» بزودی ظرف چند سال بهترین استانداردهای آموزشی بوسیله نوارهای کاست تلویزیونی که از طرف ماهواره های مصنوعی پخش خواهد شد حتی در دورافتاده ترین دهکده ها نیز در دسترس مردم قرار خواهد گرفت. اما شاهنشاه هشدار دادند که این جامعه بزرگ نو که ایران بسوی آن پیش می رود، يك جامعه بی بند و بار یا تنبل نخواهد بود».

این نگرانی و تنفر آشکار شاهنشاه از بی بند و باری، ذهن معظم له را مشغول کرده است. از شاهنشاه پرسیدم: آیا این خطر را درك می کنید که در صورت افزایش زیاده از حد قیمت نفت هرج و مرجی که دارد در اقتصاد کشورهای صنعتی ایجاد می شود، موجب خواهد شد که این کشورها نتوانند کالاهای و خدمات مورد نیاز ایران را تأمین کنند؟ نگرانی و تنفر آشکار شاهنشاه از بی بند و باری مجدداً در چهره ایشان ظاهر شد و فرمودند:

«این شما هستید که قیمت ها و تورم خودتان را بما تحمیل می کنید» و «این ما هستیم که مجبوریم مضرات جامعه بی بند و بار شما را تحمل و جبران کنیم. قیمت گندم و سیمان سه برابر و قیمت شکر ۱۶ برابر شده است. معذلت تنها از افزایش بهای نفت انتقاد می شود. کشورهای فقیر در حال توسعه چه باید بکنند؟ زندگی آنها که فقط به نفت بستگی ندارد بلکه به گندم و شکر هم نیاز دارند».

در مورد قیمت آینده نفت خلیج هم باید بگویم، بستگی به توانایی کشورهای صنعتی در کنترل تورم قیمت هایشان دارد. ما از خود در مقابل قصور جامعه غرب در سامان بخشیدن به اوضاع داخلی و متوقف کردن صدور تورم اقتصادشان به کشورمان دفاع می کنیم».

هنگامی که درباره روابط ایران با جامعه اقتصادی اروپا سؤال کردم، صدای شاهنشاه دوباره همان لحن محکم را گرفت و فرمودند:

ما اوضاع و احوال موجود را که در آن بسیاری از کشورهای غیراروپایی از امتیازاتی در جامعه اقتصادی اروپا بهره مند می شوند ولی ایران از آن امتیازات محروم است، نمی پذیریم شما باید بدنبال ما بنوید، نه ما بدنبال شما، زیرا در آینده ما می توانیم ۵۰ درصد از نیاز گاز اروپا را تأمین کنیم. اگر این وضع ادامه یابد ما پول شما را می گیریم و در جای دیگر خرج می کنیم اگر شما برای ما قیافه بگیریید ما هم برای شما قیافه می گیریم.

به بحث درباره صحنه سیاسی داخلی ایران پرداخته شد. من گفتم کسانی که از شاهنشاه انتقاد می کنند و مدعی هستند که رژیم ایران بتدریج خفقان آورتر می شود. شاهنشاه تأیید نمودند که ممکن است کمی سخت گیرتر شده باشد اما آنها تنها در مقابل تروریست ها و خرابکارها است.

«انتقاد کنندگان از من درباره این کشور چه می دانند؟ آنها برای این کشور چه کار کرده اند؟ ما را نگاه کنید و با آنچه ده سال قبل بودیم قیاس کنید. این انتقاد کنندگان از ما نیستند که موجب این موفقیت ها شده اند. نگرانی اصلی کسانی که در داخل و خارج ایران اقدامات شاهنشاه را برای کشورش ستایش می کنند این است که اگر گلوله يك ضارب و ياك رویداد غیرقابل اجتناب دیگر او را از پای در آورد چه پیش خواهد آمد. معظم له مسلماً در این باره عمیقاً اندیشیده است صرف نظر از پیش بینی های قانون اساسی که نیابت سلطنت را تازمانی که ولیعهد سیزده ساله ایران به بیست سالگی نرسیده، به ملکه تفویض می کند، شاهنشاه وصیت نامه سیاسی خود را نیز تنظیم کرده است.

شاهنشاه فرمودند: «من آنرا امضاء کرده و به چند تن منتخب داده ام و چیزی را به عهد اقبال نسپرده ام» و بالاخره بدون اینکه انتظار يك پاسخ واقعی داشته باشم.

پرسیدم درباره يك دولت کارگری در لندن چه فکر می کنید؟

شاهنشاه بدون تأمل پاسخ فرمودند: «هر دگرگونی که در سیاست انگلستان پدید آید نمی تواند تغییری در روابط ایران و انگلیس بگذارد، ما منافع طبیعی مشترك داریم و آنچه تغییر نمی کند درك این منافع است».

ایران در تحولات اقتصادی و سیاسی جهان عامل مهمی بشمار می‌آید.

روز ۱۵ اسفندماه - آقای ویلی برانت صدراعظم جمهوری فدرال آلمان بدنبال نخستین دور مذاکرات خود با آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران ضیافتی بشام بافتخار ایشان در کاخ صدارت عظمی ترتیب داد. در سر میز شام آقای ویلی برانت بیاناتی باین شرح ایراد کرد:

آقای نخست‌وزیر، تقریباً ده سال پیش شاهنشاه مسئولیت تشکیل کابینه را برعهده شما گذاشتند. دوام دولت شما تأیید کننده آن ثباتی است که کشور شما از آن برخوردار است، ایران در تحولات اقتصادی و سیاسی جهان، عامل مهمی بشمار می‌آید آنهم در زمانی که دنیا دچار بحران شده و قدرتهای کهن فقط به زحمت می‌توانند بر مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود غلبه کنند کشور شما موفق به صعود اقتصادی حیرت‌انگیزی شده است که با یک سیاست پیگیر توازن و امنیت و آرامش پیوند خورده است. وزنه کشور شما در سیاست خارجی با این اراده مردم و دولت شما نیز همراه است که با اصلاحات اجتماعی بحل مسائل خود پردازند. ایجاد مناسبات داخلی ثابت و عادلانه وظیفه‌ی است که برای کشوری مصمم و در حال پیشرفت مانند ایران باشد بسیار مطرح می‌گردد، کشور شما برخوردار از ثروت زیرزمینی خود و در عین حال هوشمندانه و با قدرت برنامه صنعتی کردن خود را با موفقیت بزرگ پیش می‌برد، در زمانی که ایران در شمار غنی‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان درخواهد آمد یعنی عمران کشور شما همان برنامه‌ی است که شما براساس اصول انقلاب خود بمرحله اجرا گذاشته‌اید، ما باعلاقه و احترام شاهد این تحولات بزرگ هستیم. این آگاهی که آلمان فدرال توانست سهمی اندک در این برنامه داشته باشد برای مردم کشور ما اسباب خوشنودی است. ما بعنوان دوست و همکار حاضریم مسائلی را که مشترکاً در برابر ما قرار دارد در آینده نیز با اشتراك هم حل کنیم. شما آقای نخست

وزیر به آلمان فدرال آمده‌اید تا با ما درباره گسترش همکاری در همه قلمروها و درباره مسائل حیاتی سیاست جهانی گفتگو کنید. ما در این رهگذر حتماً درباره اندیشه‌های سازنده‌ی بحث خواهیم کرد که اعلیحضرت شاهنشاه ایران با آنها مباحثات بین‌المللی را برانگیخته‌اند. این اندیشه‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از ملت‌های ما نمی‌تواند به تنهایی عمل کند بلکه در شبکه‌ی از وابستگی‌ها، مسئولیت‌ها و وظایف قرار دارند. این فقط مربوط به مناسبات مالی بین‌المللی ما که براساس داوری رئیس کشور شما، دولت شما و طبق عقیده ما نباید آنرا به هرج و مرج برانیم نیست، این در مورد روش ما در برابر ملت‌های کم‌رشدی نیز صادق است که نه دارای مواد خام هستند و نه تاکنون در جریان صنعتی شدن بمقدار کافی شرکت کرده‌اند، از اینجا دین و وظیفه ما ناشی می‌گردد که در جهان نه فقط صلح ظاهری را حفظ کنیم بلکه تا آنجا که در توان داریم برای صلح اجتماعی نیز در میان ملت‌ها بکوشیم.

ما آقای نخست‌وزیر با یکدیگر بیگانه نیستیم ما خاطره دیدار ۵ سال پیش شما را از آلمان فدرال بیاد داریم و من باخوشحالی خاص بیاد میهمان‌نوازی سخاوتمندانه‌ی هستم که دو سال پیش در کشور زیبای شما بهمسرم و من ارزانی گردید. از آن پس مناسبات ما پیشرفتهایی درخور اعتناء کرده است و علاقه‌های دیرینه‌ی که از نسل‌های پیش. ملت‌های ما را یکدیگر پیوند می‌دهد مانند همیشه پا برجاست. ما با احترام فراوان از شخصیتی یاد می‌کنیم که ملت ایران برهبری ایشان وارد یکی از مهم‌ترین دورانهای تاریخ خود شده است، اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه بعنوان زمامداری دورنگر و خردمند مکان ایران را در جهان مدرن تضمین فرمودند. من سلامت اعلیحضرت همایونی، سلامت ملت ایران و سلامت میهمان و دوستان امیرعباس هویدا را آرزو مندم.

در پاسخ سخنان صدراعظم جمهوری
فدرال آلمان آقای امیرعباس هویدا
نخست‌وزیر چنین گفتند:

صلح هدفی است که باید همه جهانیان را در بر گیرد

جناب صدراعظم، حضار محترم.

از اقبال گرم و احساسات صمیمانه‌یی که جناب صدراعظم نسبت بمن ابراز فرمودند قلباً سپاسگزارم. اشارات احترام‌آمیز آنجناب به شاهنشاه آریامهر، بکشور ایران و شخص من در وهله اول تجلیل و تکریم گویایی است که نسبت بدوستی تاریخی دو کشور طی قرن‌ها رابطه بین ایران و آلمان بعمل می‌آید.

رابطه‌یی که با علائق معنوی ناشی از احترام متقابل دولت به سنن ادبی و فرهنگی یکدیگر تحکیم یافته است. در سراسر تاریخ طولانی و ثمربخش این روابط انعقاد تعداد کثیری مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای صنعتی و بازرگانی با استحکام مناسبات ما افزوده و کشور بزرگ شما را در ردیف مقدم‌ترین همکاران بازرگانی ما قرار داده است. مردم ایران همانگونه که خود شخصاً شاهد بوده‌اید به نبوغ سازنده ملت بزرگ آلمان همواره بدیده احترام و تحسین مینگریسته است. از نظر شخص من هر سفری که باین کشور اعجاب‌انگیز می‌کنم برای من بعبارتی سیر مسحور کننده‌یی است بدنیای رؤیایی گذشته چون بطوریکه خود آنجناب مشاهده فرموده‌اند دیدار من در این کشور خاطرات سالهای اولیه خدمت مرا بعنوان دبیر دوم سفارت ایران در اشتوتگارت زنده می‌کند. مسرت عمیق من از اینکه خود را دوباره در این جمهوری فدرال می‌بینم باتوجه باینکه این بار بدعوت جناب صدراعظم باینجا آمده‌ام بیش از پیش تقویت می‌شود. از دوران خدمت من بعد از جنگ جهانی در اشتوتگارت تا امروز آلمان و در واقع تمام جهان راهی پس دراز پیموده‌اند. امروز مرزهای بین‌المللی اروپا اهمیت بیشتری کسب کرده و عصر توافق و همکاری بر دوران سوءظن و درگیری برتری یافته است. تمام آنهایی که مانند ما در ایران از هدف تفاهم و رفع بحران اروپا اقبال می‌کنند جناب برانت صدراعظم را سازنده این تفاهم می‌شناسند زیرا جانبداری تزلزل‌ناپذیر آنجناب از هدف همکاری، اروپایی بزرگ بود

که سایه شوم انهدام و ویرانگری را از مرزهای اروپا دور کرد. او بود که با شجاعت و دوراندیشی بجستجو برخاست تا از فراز گورستان شهدای جنگ سایه‌های نفرت را محو سازد و جای آنرا به آشتی و مسالمت سپارد. اگر تنها بخاطر پیگیری هدف صلح هم باشد نام ایشان همواره در اذهان مردم جهان باقی خواهد ماند. با همه این احوال جناب صدراعظم من می‌دانم که آنجناب بانظر من موافقت دارند که ما باید امیدوار باشیم و عملاً بکوشیم که این تفاهم بیکران و نامحدود باشد زیرا صلح را نمی‌توان براساس مناطق مختلف تجزیه و تقسیم کرد. صلح هدفی است که باید همه جهانیان را در بر گیرد.

جناب صدراعظم - این بار سفر من به جمهوری فدرال آلمان هنگامی صورت می‌گیرد که در زمینه سیستمهای پولی و تجاری جهان تغییرات شگرفی صورت گرفته است زیرا در طی سی سال بعد از جنگ جهانی دوم یکی از خصوصیات برجسته بازرگانی جهان عدم تعادل پیگیری است که برفع کشورهای صنعتی و علیه کشورهای تولید کننده مواد خام وجود داشته است. در سال ۱۹۴۷ قیمت یک بشکه نفت ایران ۲۱۷ دلار بود. سیزده سال بعد در سال ۱۹۶۰ این قیمت به ۱۷۹ دلار تنزل یافت. در طول سالهای ۱۹۶۰ همچنان باین میزان باقی ماند درحالیکه ایران وسایر کشورهای در حال رشد ناچار بودند کالاهای صنعتی مورد نیاز خود را باقیمت‌های فزاینده‌یی وارد کنند. در حدود یک ربع قرن گروهی از کشورهای صنعتی از نفت ارزان بعنوان نیروی محرکه رشد شتاب‌آمیز اقتصاد خود استفاده می‌کردند درحالیکه کشورهای در حال رشد مجبور بودند در برابر واردات خود قیمت‌های گراف‌تری بپردازند. از آنهاییکه مدعی هستند نفت ارزان و تنها نفت ارزان نه گندم ارزان نه شکر ارزان نه دانه‌های روغنی ارزان نه فولاد ارزان و نه کالاهای صنعتی ارزان کلید حل مسائل کشورهای رویرشد است باید سؤال کنم که چرا در سالهای ۱۹۶۰ وفور نفت ارزان به رفع مشکلات ناشی

از بدبختی فقر و بیسوادی و آلودگی این کشورها كمك نكرد. چرا دهسال باصطلاح پیشرفت و عمران بانومیدی و عدم موفقیت روبرو شد؟ چرا كنفرانس های بازرگانی و عمرانی سازمان ملل متحد بهدفع های خود نرسید؟ در واقع آنچه كه از نفت ارزان بدست آمد افزایش فاصله بین کشورهای رشد یافته و کشورهای در حال رشد و بین غنی و فقیر بود. حال نظر شخصی ما پیرامون تغییراتی كه در عرصه بازرگانی بین المللی رخ داده هرچه باشد يك نکته مسلم است و آن اینکه قانون اساسی عرضه و تقاضا بقیمت عادلانه تر و منطقی تری در بازار جهانی مواد خام از جمله نفت انجامیده است در مورد نفت من مایلیم شرح مختصری بیان كنم.

پیش از آنكه كنفرانس کشورهای صادر كننده نفت اوپك در تهران تشكيل شود كمیته اقتصادی اوپك قیمتی معادل هربشكه ۱۴ دلار برای نفت خلیج فارس پیشنهاد كرد. موقعی كه این مسأله برای مذاكره به كنفرانس آمد هیأت نمایندگی ایران بارهنمودهای شاهنشاه آریامهر پیشنهاد كرد كه بهترین راه برای برقراری قیمت جدید آنست كه هزینه تهیه سایر منابع انرژی بمنظور ایجاد تعادل بین قیمت نفت و منابع مزبور مورد محاسبه قرار گیرد. بسیاری از كشورها باقیمت ۱۴ دلار موافق بودند و يك كشور با ۹ دلار موافقت داشت تا اینکه بالاخره رقم ۱۱٫۶۵ دلار براساس هزینه تهیه منابع انرژی مورد موافقت قرار گرفت.

امید است كه این قیمت جدید كه هم عادلانه و هم منطقی است باعث شود كه از هدر رفتن این كالای گرانبهای جلوگیری بعمل آید و درعین حال موجبات اكتشاف سایر منابع انرژی فراهم شود. این تحولات هردو لازمند و صرف نظر از آنكه چه کسی صاحب نفت باشد مشتقات بیشمار و مورد نیاز نفت، ما را بر آن می دارد كه از این ماده بعنوان گرانباترین منابع طبیعی در نسل حاضر و نسل آینده حفاظت كنیم زیرا نفت خلاف گندم و شكر كه قابل تهیه و تولیدند ماده ای است كه جایگزین ندارد. ذخایر روبه كاهش نفت بسرعت و بیهوده بهدر می رود ولی از آنجایی كه شاهنشاه دوراندیش ایران آگاه بودند كه افزایش قیمت نفت ممكن است برنامه های عمرانی کشورهای در حال رشد را متوقف سازد و در اقتصاد جهان مشكلاتی بوجود آورد راه حل سازنده و جامعی برای كشور های در حال رشد و هم کشورهای رشد یافته پیشنهاد فرمودند. برنامه شاهنشاه حاوی دویخش عمده بود: در بخش اول پیشنهاد شده بود كه ۱۲ كشور صادر كننده نفت و ۱۲ كشور صنعتی سالی در حدود ۱۵۰ میلیون دلار بصندوقی بمنظور اعطای وام آسان بكشورهای فقیر بپردازند تا وقفه ای در آهنگ رشد آنها روی ندهد. بدین ترتیب سالانه در حدود ۳ بیلیون دلار پول از این طریق بدست می آید كه در جهت امور غیر سیاسی زیر نظر هیأتی از نمایندگان کشورهای وام دهنده و وام گیرنده با رأی مساوی بكار خواهد افتاد. هیأت رئیسه این صندوق كه از نمایندگان کشورهای اوپك، کشورهای صنعتی و کشورهای گیرنده كمك تشكيل خواهد شد از طرف خود يك هیأت اجرایی بیطرفی را براساس شخصیت افراد نه مشخصات ملی آنها تعیین خواهد كرد. امور اداری این صندوق توسط بانك جهانی و صندوق بین المللی پول اداره

خواهد شد. این نخستین بار در تاریخ وام های بین المللی است كه سازمانی بوجود می آید تا براساس نیاز و نه بمقتضای بستگی های سیاسی و ملی در حالیکه خود کشورهای دریافت كننده كمك هم در آن صاحب رأی هستند بملل فقیر جهان كمك كنند - بهر كس باندازه نیازش بدون توجه به پیوندهای سیاسی و ایدئولوژیكش. بخش دوم برنامه شاهنشاه مربوط به مشكلاتی است كه بعضی از کشورهای صنعتی طی دو تا سه سال آینده بسته بمیزان موازنه پرداخت ها ممكن است با آن مواجه شوند. شاهنشاه پیشنهاد فرموده اند كه هريك از کشورهای اوپك سپرده ای نزد صندوق بین المللی پول به نسبت مازاد درآمد ارز خارجی خود با ربح معمول تجارتی بپردازند. این پول از طرف صندوق بین المللی برای كمك به کشورهای صنعتی جهان كه ممكن است طی دو تا سه سال آینده بامشكل عدم موازنه پرداخت ها روبرو باشند بمصرف خواهد رسید. پس از مدت مزبور این كشورها باید بتوانند خود را با شرایط و مقتضیات جهان هم آهنگ سازند. ایران مایل است و هم اکنون تمهید كرده است مبلغی كه از يك بیلیون دلار كمتر نباشد برای این برنامه ها بپردازد یعنی ۱۲۵ تا ۱۷۵ میلیون دلار برای اعطای وام آسان و ۷۰۰ میلیون دلار یا كمی بیشتر با ربح بازرگانی بعنوان سپرده در صندوق بین المللی پول و بقیه برای خرید اوراق قرضه بانك جهانی، اساس پیشنهاد شاهنشاه را در كشور من باید در دهسال انقلاب ایران جستجو كرد. شاهنشاه آریامهر همواره اصلاحات داخلی و رفاه و آسایش ملت خود را بموازات همکاری بین المللی طرح ریزی كرده اند. من معتقدم كه با عرضه كردن كمكها و پول ایران با ابعادی چنین وسیع، ما روح همکاری بین المللی و كمك متقابل را بوجهی بارز از خود نشان داده ایم. در حقیقت ابتكار شاهنشاه اولین بازتاب مثبتی است كه بتقاضای کشورهای صنعتی با اقدام مستقیم کشورهای صادر كننده نفت برای رفع بحران پولی و تجاری جهان نشان داده می شود. ملل صنعتی جهان كه رفاه و آسایش آنها برای اجرای موفقیت آمیز برنامه های عمرانی ضرور است باید اطمینان حاصل كنند همانگونه كه ما در ایران بسرعت از حالت يك كشور عقب افتاده بر فاه و آسایش می رسیم سهم خود حتی بیش از سهم خود در راه برقراری توازن و ثبات اقتصادی جهان خواهیم كوشید.

جناب آقای صدراعظم - احساسات دوستی و علاقه به همکاری هرچه بیشتری كه آنجناب بدان اشاره فرمودند در مغز و قلب ما ایرانیان انعكاسی عمیق بجای می گذارد. ما همواره از شركت صنایع و تكنولوژی آلمان در برنامه های عمرانی ایران استقبال کرده ایم و امروز هم بهمین نحو بویژه آنكه همانگونه كه فرمودید روابط بین دو كشور ما هرگز چنین صمیمانه نبوده است. با اینکه ما در دو قاره جدا از هم زندگی می كنیم و با اینکه در حال حاضر در دو سطح متفاوت از رشد صنعتی قرار داریم معذالك در عرف سیاسی تعهدات متقابل در جهت پیشرفت و آزادی بر سر نوشت، ما را بهم پیوند می دهد. بهمین واسطه است كه من همیشه معتقد بوده ام كه همکاریهای ایران و آلمان در ابعادی وسیع تر از آنچه تا كنون وجود داشته نه تنها امكان پذیر است بلكه ضروری است و این همان است كه ما باید در طی اقامت من در این كشور انجام دهیم.

سازمان بیمه‌های اجتماعی در برابر ۱۰ میلیون بیمه شده

معتمدی :

- بنفع سازمان بیمه‌های اجتماعی است که بیمه شده را در نخستین لحظه مراجعه با بهترین دارو مداوا کند.
- سازمان بیمه‌های اجتماعی هر سال ۱۰۰ میلیون تومان دارو از خارج وارد می‌کند.
- برای جلب پزشکان به خدمت در بیمه‌های اجتماعی دانشجویان طب را کمک هزینه و بورس تحصیلی می‌دهند.
- سازمان بیمه‌های اجتماعی گذشته از ۶۰۰ تخت اختصاصی از خدمات درمانی ۸۴ بیمارستان آزاد استفاده می‌کند.
- هم اکنون نزدیک به ۵۰ میلیون نفر در سازمان بیمه‌های اجتماعی بیمه هستند.

برطرف کردن عوامل ناخشنودی که احتمالاً درپاره‌یی از واحدهای درمانی وجود دارد با فضل‌الله معتمدی رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل سازمان بیمه‌های اجتماعی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم:

وقتی صحبت از علت‌های ناراحتی بیماران میان می‌آید و راه‌های چاره‌را جستجو می‌کنیم، مدیرعامل سازمان بیمه‌های اجتماعی سه عامل را بطور اختصار اینچنین بیان می‌کند: داروی خوب - پزشک خوب - فرصت کافی برای معالجه. اینها عواملی است که می‌تواند رضایت بیمار را از هر حیث فراهم آورد و او را به سازمان و به نوع درمان و دارو معتقد و مؤمن کند. بیشک این اعتقاد

دارو و درمان یکی از نیازهای مبرم و حتی هراجتماعی است و دسترسی بآن از حقوق مسلم افراد و جامعه‌ها شناخته شده است. در ایران چند سالی است که به امر بهداشت و درمان توجه مخصوص می‌شود و هدف از آن اینست که با تعمیم انواع بیمه‌ها افراد در کمترین مدت ممکن و با سهل‌ترین شرایط بتوانند به خدمات درمانی دسترسی یابند.

از آنجا که دسترسی به دارو و درمان و تعمیم بیمه‌ها برای طبقات و گروه‌های کم درآمد بیشتر حائز اهمیت است از این نظر توجه به بیمه کارگران اهمیت خاصی می‌یابد و نیاز به توجه مسؤولان درمانی کشور به گسترش کمی و کیفی بیمه کارگران بیش از هر زمان دیگری جلوه گر می‌شود. به همین علت برای شناخت نیازهای کارگران و

وایمان در بهبود بیماری تأثیر بسزا خواهد داشت.

معتمدی می‌گوید مشکل اینست که بیمار بعلت عدم آگاهی کافی از مقررات ما اغلب مشکلاتی برای خود و کارکنان سازمان فراهم می‌آورد. بعنوان مثال همینکه از او پولی بعنوان حق بیمه کسر می‌گردد تصور می‌کند که فردای همان‌روز می‌تواند از مزایای بیمه استفاده کنند. بهمین علت راه می‌افند و به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند و بناچار پشت در می‌مانند. حال اگر این بیمار آموزش کافی دیده و از مقررات بیمه‌های اجتماعی اطلاع داشته باشد می‌داند بیمه شده‌یی که کمتر از ۹۰ روز حق بیمه پرداخت کرده نمی‌تواند از مزایای درمانی استفاده کند. یا مثلاً بیمه شدگان اغلب در ساعات معینی از روز به درمانگاه و مراکز درمانی وابسته به بیمه‌های اجتماعی مراجعه می‌کنند و بهمین علت با ازدحام سایر همکاران خود روبرو می‌شوند و از این نظر هر کدام عجله دارند که زودتر خود را به طبیب برسانند.

براساس بررسی‌هایی که از طرف سازمان بیمه‌های اجتماعی بعمل آمده معلوم شده است که از ساعت هشت و نیم تا ده صبح هر ساعت ۵۰ بیمار به پزشک مراجعه می‌کنند. از ساعت ۱۰ تا ۱۱ تعداد مراجعان به ۱۰ نفر می‌رسد و از ساعت ۱۱ تا ۱۲ این رقم به ۳ نفر تقلیل می‌یابد.

وقتی پیشنهاد می‌کنیم که چرا از نمره برای بیماران استفاده نمی‌کنید، معتمدی پاسخ می‌دهد که چون بیشتر بیماران با هم به درمانگاهها می‌آیند استدلال می‌کنند که فقط یکساعت از کارگاه خود مرخصی گرفته‌اند و فرصت ندارند که بروند در ساعت و یا ساعتهای بعد بیایند. در اینجا مدیر عامل بیمه‌های اجتماعی معتقد است که برای رفع این مشکل باید بیمه شدگان را در مراکز کارگاهی و یا در مراکز آموزش سازمان بیمه‌های اجتماعی آموزش داد و با کمک نمایندگان بیمه شدگان طرحهایی ریخت تا بتوان در کمترین مدت ممکن از حداکثر استفاده بهره‌مند شد.

کمبود پزشک

در مورد مشکلات مربوط به پزشکان معتمدی کمبود پزشک را خاطر نشان می‌کند و می‌گوید که: می‌دانید در ایران پزشک مانند بسیاری از کشورها کم است و بهمین علت اغلب سازمانها و مؤسسات درمانی و بهداشتی با کمبود پزشک روبرو هستند. سازمان بیمه‌های اجتماعی نیز به‌رغم تمام کوششهایی که برای جلب همکاری پزشکان کشور بعمل آورده از این مشکل عمومی مستثنی نیست و بهمین علت با کمبود پزشک مواجه است.

از مسأله کمبود پزشک که بگذریم

موضوع مراجعه بیش از حد بیماران در ساعات معینی از روز پیش می‌آید و همین مسأله موجب می‌شود که پزشک با عجله و حتی گاهی بدون معاینه و فقط از روی مشخصاتی که بیمار از حالات جسمی خود به پزشک اظهار می‌دارد نسخه‌یی بنویسد و همین نسخه‌نویسی موجب می‌شود که اثر دارو تا حد زیادی کاهش یابد و بهمین علت بیمار فکر کند که بجای قرص باو «گچ» داده‌اند. چون باید این حقیقت را قبول کنیم که نسخه و دارو وقتی می‌تواند بحال بیمار مؤثر باشد که تشخیص صحیح باشد و گرنه قرصها و داروهایی که برحسب معاینه غلط تجویز گردد بی‌اثر خواهد بود و کارگر حتماً خواهد گفت که بجای قرص باو گچ داده‌اند.

یا مثلاً تعدادی از پزشکان بعلت خستگی و یا گرفتاریهای خانوادگی بایماران آنطور که باید و شاید برخورد نمی‌کنند و همین برخورد نامعقول سبب نارضایتی بیماران و سلب اعتماد آنان از سازمان خواهد شد. در حالیکه سازمان میل ندارد ایجاد نارضایتی برای کارگر بکند. چون این وضع گذشته از اثر روحی که در روحیه بیمه شده می‌گذارد باعث تشدید بیماری می‌شود و خرج سازمان را بالا خواهد برد. بهمین علت سازمان می‌کوشد که بیمار را در درمانگاه مداوا کند زیرا اگر در درمانگاه که خرجش مثلاً حدود ۲۰۰ ریال است مداوا نشد باید به درمانگاه تخصصی برود و آنوقت مخارج همین بیمار ۱۰۰۰ ریال می‌شود و اگر ناچار از مراجعه به بیمارستان باشد برحسب تعداد روزی که احتیاج به تخت دارد هزینه بیشتری خواهد داشت. در تعقیب این هدف و درمان بیمار در نخستین مراحل مراجعه، سازمان بیمه‌های اجتماعی هر سال ۱۰۰ میلیون تومان پول دارو می‌دهد و داروی خود را از بهترین نوع و مستقیماً از خارج تهیه می‌کند. معتمدی برای رفع مشکل کمبود پزشک می‌گوید که: برای اینکار يك آییننامه خاص گذرانده‌ایم که براساس آن به دانشجویان دانشکده طب که در دو سال آخر دوره دانشکده هستند ماهانه ۱۵۰۰ تومان هزینه تحصیلی خواهیم داد بشرط آنکه تعهد کنند که دوبرابر مدتی را که از کمک هزینه تحصیلی استفاده می‌کنند در سازمان بیمه‌های اجتماعی خدمت کنند.

همچنین به پزشکان آزادی که مشغول دیدن دوره تخصصی هستند ماهانه ۱۷۰۰ تومان کمک هزینه پرداخت می‌گردد. ضمناً اگر پزشکی از پزشکان سازمان در امتحانات دوره تخصصی پذیرفته شد. ماهانه ۳۶۰۰ تومان باو داده می‌شود بشرط آنکه هفته‌یی ۳ شب در مراکز درمانی سازمان کشیک بدهد.

گذشته از این، سازمان بیمه‌های اجتماعی به پزشکان و دارندگان مشاغل وابسته به

پزشکی وامور بیمه‌گری بورس‌های تحصیلی خارج از کشور می‌دهد و این قبیل افراد در تمام مدتی که در خارج از کشور خدمت می‌کنند حقوق و مزایای خود را از سازمان دریافت خواهند کرد.

مراجعه آزاد به پزشک

استفاده از طب آزاد برای بیمه‌شدگان را پیش می‌کشیم و در توجیه نظر خود می‌گوییم. مگر نه اینکه انتخاب پزشک از طرف بیمار خود در درمان بیماری و بهبود بیمار بسیار مؤثر است، پس چرا از خدمات پزشکان آزاد برای بیمه شدگان استفاده نمی‌کنید بطوریکه بیماران خود بتوانند آزادانه پزشک و مؤسسه درمانی مورد نظر را انتخاب کنند؟

معتمدی در پاسخ این سؤال معتقد است که البته استفاده از خدمات درمانی پزشکان آزاد و مؤسسات درمانی خصوصی خوبست اما دروضع موجود، سازمان بیمه‌های اجتماعی نمی‌تواند اطمینان داشته باشد که بتواند نیازهای خود را از بخش خصوصی برطرف سازد و در صورت استفاده فرضی چنین طرحی در تهران، امکان استفاده از خدمات پزشکی در شهرستانها که با کمبود سخت پزشک و مؤسسات درمانی مواجه است عملی نخواهد بود.

در اینجا به لزوم ایجاد يك واحد مسؤول

امور درمانی برای کشور اشاره می‌کنیم که کار او باید این باشد که بتواند خطمشی و سیاست درمانی کشور را تعیین کند. با ایجاد این واحد مؤسسات درمانی هماهنگی لازم را در دادن سرویس به بیماران و بیمه شدگان بدست می‌آورند و بیمه شده و بیمار و پزشک باوضع یکنواختی روبرو خواهند شد. در آنصورت پزشک می‌داند که به چند بیمار در روز باید وقت ملاقات بدهد و در ازاء هر خدمت و ویزیتی که می‌کند چقدر دریافت خواهد داشت. مؤسسات درمانی کنونی نیز خدمات درمانی را برای گروه‌های خاصی از اجتماع که اکنون تحت پوشش خود دارند بایک خطمشی و سیاست واحد اجرا میکنند و بیماران نیز می‌دانند که با کمال آزادی می‌توانند پزشک مورد نظر خود را انتخاب کنند و در هر بیمارستانی که مایل باشند بستری شوند. این وضع باعث ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای خدمات پزشکی می‌شود و موجب پایین آمدن هزینه درمان و رقابت صحیح میان پزشکان و بیمارستانها و مؤسسات درمانی خواهد شد. گذشته از آن اجرای يك سیاست درمانی واحد در سراسر کشور موجب می‌شود که از عدم تمرکز واحدهای درمانی در مرکز جلوگیری بعمل آید و پزشکان جوان و کادر درمانی مملکت به رفتن به شهرستانها و خدمت در نقاط مختلف کشور تشویق شوند.

معتمدی معتقد است که البته در صورت ایجاد چنین سازمان مسؤولی بیمه‌های اجتماعی نیز مانند سایر مؤسسات درمانی و بهداشتی کشور در مسیر خطمشی و سیاست درمانی کشور قرار می‌گیرد و در آن صورت اگر استفاده از خدمات پزشکان آزاد مورد عمل قرار گیرد بیشك سازمان نیز از آن پیروی خواهد کرد.

برنامه‌های اصلاحی

سؤالی می‌کنیم که تا پیش از اجرای طرح سیاست درمانی کشور، بیمه‌های اجتماعی برای بهبود کمی و کیفی خدمات درمانی چه برنامه‌هایی دارد؟

معتمدی می‌گوید سازمان بیمه‌های اجتماعی هم‌اکنون ۱۷۰ درمانگاه عمومی و اختصاصی و ۱۷ بیمارستان اختصاصی با ۶۰۰ تخت دارد و ۱۳۰۰ پزشك رسمی استخدام کرده است.

گذشته از این سازمان برحسب نیاز، از پزشکان قراردادی نیز استفاد می‌کند و در ازاء تعداد بیمارانی که «ویزیت» می‌کنند بآنان دستمزد پرداخت خواهد کرد و از خدمات درمانی ۸۴ بیمارستان آزاد (غیر وابسته به بیمه‌های اجتماعی) استفاده می‌کند. در حال حاضر این سازمان بالغ بر يك میلیون کارگر که با خانواده خود جمعیتی معادل ۵۰ میلیون را تشکیل می‌دهند بیمه کرده است و در آینده با توجه به اوامر شاهنشاه آریامهر در زمینه تعمیم بیمه باید تعداد بیمه‌شدگان به ۱۰ میلیون برسد. همچنین در حال حاضر سالانه ۲۱۴ میلیون تومان حقوق بازنشستگی و مستمری از کارافتادگی و پیری وفوت به بیمه‌شدگان و مستمری بگیران کارگر پرداخته می‌شود. تعداد مستمری بگیران سازمان هم‌اکنون ۴۹ هزار نفر است که با عائله خود جمعیتی معادل ۷۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهند. اما در آینده رقم میزان مستمری بازنشستگی با افزایش حداقل دستمزد کارگران و تعداد آنان بیشتر خواهد شد و پیش‌بینی شده است که تا پایان سال ۱۳۵۶ میزان پرداختی سازمان از این بابت به سالی ۶۰۰ میلیون تومان برسد.

برای رفع نیازهای آینده معتمدی می‌گوید: گذشته از گسترش واحدهای درمانی سازمان در سراسر کشور، بمنظور بالابردن هرچه بیشتر سطح خدمات درمانی در این سازمان و تأمین رفاه کارگران و بیمه‌شدگان، سازمان بیمه‌های اجتماعی طرح‌هایی در دست تهیه دارد که از آن جمله استفاده از کامپیوتر و خدمات ماشینی برای تنظیم امور بیمه‌شدگان و تسریع در مراجعات و بایگانی پرونده‌ها و مشخصات بیماران است و این طرح از اوایل سال ۱۳۵۳ بمرحله اجرا در می‌آید.

با اجرای این برنامه کارتهای انفرادی برای همه بیمه‌شدگان و تك تك اعضاي

خانواده آنان آماده می‌شود و بیمه شده و افراد خانواده او بدون نیاز به همراه که در وضع موجود بیشتر نان‌آور خانه است می‌توانند به مراکز درمانی بیمه مراجعه کنند و تحت درمان قرار گیرند. ابتکار گذشته از جلوگیری از بیکار شدن کارگر حتی برای چند ساعت موجب تسهیل مراجعه بیمه شده به پزشك و درمان و بهبود بیمار خواهد شد. همچنین با اجرای این طرح بیمه شده می‌تواند از خدمات درمانی در سراسر کشور استفاده کند و بدون کوچکترین وقفه‌یی در هنگام مسافرت و یا مرخصی از مؤسسات درمانی شهر دیگر (غیر از شهر محل سکونت خود) استفاده کند.

گذشته از این، طرح تفویض اختیارات بیشتر به مسؤولان شهرستانها را باید نام برد که به رؤسای بیمه‌های اجتماعی در شهرستانها امکان می‌دهد بدون نیاز به دستور از مرکز نسبت به اجرای برنامه‌های خود و رفاه حال بیمه‌شدگان تصمیم بگیرند و در واقع با اجرای این برنامه هدف سازمان براینست که واحد مرکزی بصورت يك واحد ستادی در آید و در واقع شبکه‌های سازمان در شهرستانها امور اجرایی را تا حدود مقرر رأساً بعهده بگیرند.

مسأله سوم برنامه آموزش در دو سطح، برای پزشکان و کادر اجرایی سازمان است که بصورت آموزشهای پیش از خدمت و حین خدمت عملی می‌شود و دیگر آموزش کارگران و بیمه‌شدگان است که با کمک کارفرمایان و خود کارگران امیدواریم عملی گردد و بیمه‌شدگان کشور هرچه بیشتر بامور مربوط به بیمه و درمان خود آگاهی حاصل کنند.

عبدالله فرخی



سعی داشت صدایی برخیزد. به جسد که رسید، در چشمهای نیم بسته و کدر مرد نوری نبود. خم شد و گوش به سینه جسد نهاد. سکوت هولناک. بعد، پلک های مرده را پایین کشید. وقتی بلند شد نفس عمیقی فروداد و نگاهی به جای تفنگدار وبالای تپه افکند. آنجا مردی بود و تفنگی و سالها رنج و تعقیب. ارباب اینرا می دانست و همچنین مهارت هول انگیز او را در تیراندازی.

از کنار جسد ریگی لغزید، جست زنان افتاد و به سکوت تلنگر زد. ارباب لرزید و جسد را نگاه کرد. بنظرش آمد حفره تاریک چشم مرده با سرزنی او را تماشا می کند. بعد نگاهش روی کوهستان به پرواز درآمد و در پی آن براه افتاد. پس از چند لحظه، از پشت آبرویی عمیق، تند و چابک گذشت و به تفنگ خود رسید. صبر کرد تا کوه روشن شد و آنوقت سنگی بطرف صخره مجاور انداخت و به پناهگاه تفنگدار خیره شد. سنگ با صدایی خفه فرو افتاد و ارباب برق لوله تفنگی را که آن بالا جابجا شد، دید. بعد بادقت به کوه و افق ها چشم انداخت. ابری خاکستری سایه ای بزرگ و سیاه را با خود می کشید و باتانی از روی کوهپایه ها می گذشت. ارباب تفنگش را حمایل کرد و منتظر ماند. در لحظه ای که بعد فرارسید، قله در ابر غرق شد و سایه دامنه کوه را فرا گرفت. ارباب از کنار تخته سنگی بلند و پر شکاف عبور کرد که جابجا ابرهای کوچک آنرا بریده بود و از خاکریزه کوتاه انتهای آن به بالا خزید.

در نیمه شب گرم تابستان، ماه بدر از کنار افق بالا آمد و زمین را روشن کرد. گوی بزرگی داشت و برنگ می و با حاشیه سرخ و طلایی. مهی سفید دره ها و پستی ها را می انباشت و سکوت ژرف، کوه و دشت را فرا گرفته بود. تنها از عمق ناپیدای طبیعت گاهی ناله شوم و سبعی برمی خاست و روی فضا می لرزید. حریر مهتاب از روی سایه ها می گذشت، شب را می شست و آییننه آسمان می شد. نور کوه را می بلعید و روی دست جریان می یافت و در افق فرو می رفت و در پی آن ظلمت می گریخت و کوهستان سنگی در روشنایی ماه، غریبان می ماند.

در دامنه کوه پشت توده ای سنگ ماسه که لابلای آن از بوته های خار پوشیده بود مهتاب لوله تفنگی را از تاریکی بیرون کشیده و روی آن برق می زد. قنداق تفنگ در دستهایی زمخت و گره دار قرار داشت و بالای آن چشمهایی بیابانی.

ماه با کلافهای ابر و سایه های زمین بازی می کرد و لبه آسمان بر افق های فیروزه ای می سایید. نگاه تفنگدار روی تپه ای زیر دامنه کوه در جستجو بود و چنان نگاه می کرد که انگار سنگریزه را می دید. از کنار افق یک تکه ابر پررنگ می لغزید و کوه و دشت را در سایه خود غرق می کرد. در لحظه ای که بعد فرارسید، ابر گذشت، و تپه از شب بیرون آمد.

مرد تفنگدار تپه را دید و همچنین لکه ای را که ناگهان روی آن ظاهر شده بود. خطر زنده می شد. انگشت مرد دور ماشه حلقه زد. باز ابر آمد. باز هم تازیانه باد پرده ابر را از هم درید و نوری سفید از پنجره آسمان فرو ریخت. تپه و لکه سیاه از ظلمت بیرون افتاد. سر تفنگ قراول رفت و نعره گلوله کوه و دشت را پوشاند، به آغوش فضا افتاد و از نقطه ای دور پاسخ داد.

وحشت سکوت را پر کرد. بعد، فریاد انسان و بعد شب که بیرحمانه شکست. جسمی سقوط کرد و آشنایی از شن و سنگ سرازیر گردید. آنوقت تفنگ دیگری از زیر تپه غریبن آغاز کرد.

پنج گلوله صغیر زنان پناهگاه مرد را گریزد و خاک بهوا پراکند. لکن تفنگ او خاموش ماند و ناله مرد تفنگچی که پایین تپه افتاده بود، فضا را می برید.

ارباب تفنگ خود را روی خاک نرم گذاشت و با فشار دست جای آنرا محکم کرد و بعد به آسمان نگریست و سپس همراه تاریکی از تپه سرازیر شد و سراغ تفنگچی خود رفت. سکوت ترس آور بود و جرم سیال مرگ فضا را می انباشت. هر قدم او به خاک می چسبید و با احتیاط فرو می رفت.

افق های بهاری

عبدالرضا - امیر ابراهیمی





آنسوی تخته سنگ يك تپه خاکی بود که تا زیر صخره بزرگ می‌رفت و سطح آن را اینجا و آنجا بوته‌های خار می‌پوشاند. صخره‌ای بلند و ترسناک با پرتگاهی در زیر و دندانهای سنگی در سینه آسمان. و این تنها راهی بود که از پشت، راه برده‌قان تفنگچی می‌بست. گودال تاریک دره، مهابت کوه و عبور ناپذیری صخره، قلب مرد را غرق در نومیدی می‌ساخت. فکر می‌کرد اگر شب بگذرد، صبح فردا تفنگدار بار دیگر خواهد گریخت.

در لحظه‌ای بعد بازهم تمام زوایای صخره را زیر نظر گرفت. کمی آنطرف‌تر، قلوه سنگی در تنه صخره جلب نظر می‌کرد. پای لرزان خود را آهسته روی آن نهاد و کمی سنگ را فشرد. محکم بود و می‌توانست روی آن بایستد. اکنون در کام خطر قرار داشت و ناگهان دریافت که جز ژرفای بی‌انتهای دره راهی در بازگشت نیست. در این زمان از جای خود جست زد، بدنش را در طول صخره بالا کشید و دستها را به لبه سنگ چنگال کرد.

تلاشی سخت و پراضطراب آغاز گردید. پای چپ آهسته و ترسان براه افتاد و تا دورترین جایی که می‌شد رفت. در این حال انگار پنجه‌های پای مرد از ورای جلد چرمین خود همه چیز را می‌دید. لکن پا در پی آنهمه تلاش نومید و خسته بازگشت و مبهوت در فضا معلق ماند. اکنون نگاه مرد در آسمان گم بود و زندگیش روی صخره کوه آویزان.

خطر هر لحظه پررنگتر می‌شد. عرق سرد روی پوست او خط می‌کشید و زمان آهسته می‌گذشت. بار دیگر به جستجوی زندگی رفت. پوتین‌اش سنگ را دره‌دره بومی کرد، با وسواس هر نقطه را بارها میکاوید و گاه تنه صخره را کلنگ می‌زد. لکن این بار نیز پای او خسته و وامانده بازگشت و به‌لنگر خود در فضا سوار شد.

پایین در عمق دره، نجوای ملایم رودخانه، شب کوهستان را پر می‌کرد و باد در شکاف سنگها آواز حزین می‌خواند. ارباب در نبرد مرگ و زندگی مملو از تهور و هراس و شعله‌های عصیان بود و قدرتی فوق بشر در وجودش سر می‌کشید. قلب در گلویش می‌تپید و فک‌هایش ناله می‌کرد. بار دیگر بازوها با فشاری عظیم به حرکت درآمد تا بدن او را از صخره عبور دهد. عرق چون قطرات باران صورتش را می‌پوشاند. دستها به لرزه و ارتعاش افتاده بود. اما تقلا می‌کرد بجایی نرسید. کوه تسخیرناپذیر ماند و مرد سست و نومید. آهسته بجای خود لغزید و پا روی قلوه سنگ نهاد. نفس عمیقی کشید، خنکی نسیم چهره‌اش را باد زد و دانه‌های درشت عرق روی چهره‌اش خط‌های چندش‌آوری رسم کرد. زمان منظم و آرام پیش می‌راند. ماه در اوج بود. ابرهای پنبه‌ای چون شراعی‌های کوچک می‌خرامیدند و به شرق می‌رفتند. روی امواج نیلی آسمان، ستاره‌ها چراغهای دریایی امید بودند. و در عمق دشت، فغان شغالان وحشت در فضا می‌پراکند.

اینجا در قلب طبیعت شب نهیب سرنوشت بود و خدا و دیگر هیچ. نگاه ارباب به پهنه آسمان گره داشت و در قلبش خوف پایان کار. بخود تکانی داد و کمی جابجا شد. تمام

سنگینی او روی قلوه سنگ آمد. فشار دستها را که به لبه صخره قفل بود و از خستگی قطع می‌شد، کم کرد. سنگ زیر فشار تازه دوام نیاورد. ریگی با صدایی دردناک از کنار قلوه سنگ کنده شد. سنگ لرزید و ساق پای او به تشنج افتاد. هراسان انگشت‌ها را به لبه صخره گره زد. قلب دیوانه شده بود. قلوه سنگ بیشتر می‌لرزید. اعصاب مرد رعشه می‌گرفت... پس از چند لحظه کشنده، سنگ از جا کنده شد و به‌تندی دره سقوط کرد. آشار وحشت روی مرد ریخت. فریاد گلویش را پاره کرد. سکوت شب خرد شد و طنین غمناک آن روی صخره‌ها برگشت...

اکنون مرد با جان به‌دستها چسبیده بود و مرگ زیر آونگ پاهایش. ده انگشت خشکیده از فنا جدایش می‌ساخت و رود نقره‌ای تهره آواز زندگی می‌خواند.

حس می‌کرد که مرگ چاره‌ناپذیر است. منتظر بسود هر آن بندها گسیخته شود و در کام دره فرو افتد. شب بی‌اعتنا می‌گذشت. مقاومت مرد با آخر می‌رسید و سستی و لغزش قلابهای عمر او بیشتر می‌شد. وحشت مطلق چون هزاران افعی او را می‌گرید و سوز برفهای زمستان را روی پوست حس می‌کرد. آسمان را تا جایی که می‌شد، با حسرتی اشک‌آلود تماشا کرد. کوه خطی شکسته روی شب کشیده بود و ستاره‌ها با شادی چشمک می‌زدند.

ناگهان لوله تفنگی دید و بعد شبخی سیاه که به کنگره صخره اضافه شد. هراس مرگی که از دو سو دهان گشود در چشمهای شکافته وی شکل او افتادند.

آخرین ذرات قوای او تمام می‌شد و بازوهایش می‌لرزید. چشمها را بست و آرزو کرد در بستری بخوابد که تا ابد همچنان مطبوع و بی‌رنج است...

انگشتها آهسته از جا حرکت کرد. قلاب زندگی می‌شکست. تفنگ یاغی قراول بود. ارباب از هوش می‌رفت. از وسط دشت نیم تاریک، باد صداهای دره‌می را برمی‌داشت و در فضا می‌گرداند. شعله فرو مرد و قلاب شکست...

دو پنجه فولادی، ناگهان از بالای صخره جهید و میج‌های ارباب را درخود گرفت. قدرتی بیابانی او را بالا کشید، در آغوش گرفت و به جایی برد که اطرافش سنگ بود و زیرش بالاپوش نمود. در این زمان سایه‌ها کوتاه بود و آسمان بی‌ابر و درخشان.

تفنگچی خود روی خاک نشست. کیسه توتون را از جیب قبای کرباسی درآورد و چپقی ساخت. نور کبریت چند شیار گود و افسرده را از صورتی تکیده بیرون کشید. مرد پکی فکوره‌زده و به دود آبی‌رنگ که می‌رقصید و در فضا محو می‌شد و پیشانی ارباب را که زیر مهتاب شبیه مرمر بود، چشم دوخت.

این مرد همان مردی بود که سایه‌اش سالها روی زندگی او سنگینی داشت. همه‌جا بدنالش بود و همیشه با تفنگ. صحنه‌های گذشته در ذهن دهقان بیدار شد و قلبش از اندوه و تعب می‌آکند.

نگاهی سرد به‌او، به این خدای روستا، به لباس او، به پوتین‌های چرمی، قطار فشنگ و لوله مات تفنگش انداخت.

تفنك نو بود و محكم و پابندی چرمی و براق. از تماشای آن سیر نمی‌شد. بعد تفنك لکنته و از شكل افتاده خود را تماشا کرد. آنوقت رو از ارباب و سلاح او برگرداند و متوجه افق شد. گذشته از فضا جدا شد و پیش آمد.

خاطرات بآرامی جریان یافت و در ذهن تفنگچی بازی آغاز کرد. «او مردی دهقان بود که جز بیل هرگز چیزی نمی‌شناخت. حالا به کوه زده بود و انگشتهای زمخت و گره‌دارش قبضه تفنك می‌فشرده. در شکاف کوهها و پشت گردنه‌ها از نظر پنهان می‌شد در حالیکه اندوه و غربت همراهش بود و خاطره تنها دخترش در قلب. آن سالها شبی بخانه برگشت تا دخترش، یادگار همسری خاک شده، مثل همیشه باستقبالش برود. ولی نه آنشب و نه هرگز دیگر کسی در آستانه در انتظار نکشید و بعد دهقان ماتم زده سر گذاشت در پی عمرش که در دستهای این مرد له شده بود. دختر شیخ شد و پدر همه جا به جستجوی او آواره. روی زمین خدا به رسو گریخت در حالیکه گمان می‌برد ارباب و نوکران او پشت هرسنگ، هر بوته و هر خانه کلی کمین کرده‌اند. حالا سالهای سال گذشته بود و رعیت عاصی و حشت ارباب شده بود وحشت ارباب و نوکران او و حالا خود ارباب آمده بود تا وحشت را پاک کند.»

اکنون مرد روستایی روی خاک چمباتمه زده بود و خاموش نگاه می‌کرد و دود چپق او روی پرده شب تصاویر شگفت می‌ساخت.

مرد بهوش آمده بود و دنیا بنظرش از خیال و رؤیا می‌آمد. جاذبه و سحر آنچه گذشته بود بعدی عظیم می‌نمود که او با نگاهی پراالتهاب و حیران به دهقان خیره مانده بود. نگاه مردان بهم آمیخت و شب آرام و نگران تنفس می‌کرد. دهقان آخرین پك را به چپق زد و دریایی دود به فضا فرستاد. بعد چپق را از نو چاق کرد و دستش با تعارف بسوی ارباب دراز شد. تعارف خالص به شفافیت بلور. نگاه سرکش ارباب زیر مغناطیس سرد چشمان دهقان رام نمی‌گردید. دست مرد انتظار می‌کشید.

سرانجام پلكهای ارباب فرو افتاد و چپق را گرفت. هنوز آخرین رشته دود توتون در فضا می‌رقصید و شكلك می‌ساخت که مرد تفنگدار از جای برخاست و تفنگ را بدوش انداخت. نخست به آسمان چشم دوخت و سپس به ارباب و به تفنك او. فولاد بنفش در بستر چوب گرم دار، دلریا و وسوسه انگیز بود.

تردید در احساس بزرگ او وارد شد. مردد ماند. اما بعد با فروتنی و حالی شکوهمند از سلاح او روی برگردانید و لحظه‌ای به نقطه نامعلومی در شب خیره ماند. سپس شست راست را در بند تفنك لکنته خود لنگر کرد و با گامهای آهسته براه افتاد. راهی که بالا می‌رفت آبروی خشکی بود که بقله کوه می‌رسید و پشت آن زمینی بود پست و شوره زار تا سرحد کویر. دهقان کم کم از نظر دور می‌شد و ارباب چشم به شیخ او دوخته بود. تحسین و نفرت در قلبش موج می‌زد. برای مردی که دست در حلقوم مرگ فرو برده بود و او را بیرون کشیده بود.

چیزی مهیب پیش آمده بود. رعیتی ناچیز زندگی او را هیچ کرده بود و وجودش را معدوم. از او بزرگوارتر بود و فقر او مجلل تر. تمام قدرت و ثروت او در این شب غمبار زیر پای دهقان له شده بود و در فنا غرق می‌شد.

از دور صبح می‌آمد. باروشنایی مبهمی پشت افق شرق. مرد تفنگدار اکنون روی قله کوه راه می‌رفت و ضد نور نیمرخ او را از شب جدا می‌ساخت. ارباب در هیجان و نفرت غوطه می‌زد. از جایی نزدیک درنده‌ای ناله وحش سر می‌داد. نسیم سرد صبحدم در گریبان ارباب می‌دوید. انگار سرانگشت منجمد مردی را که زیر تپه مرده بود روی گردن خود حس می‌کرد.

در این هنگام ارباب تفنك را سردست آورده بود. قنداق سلاح همراه با سپاس، نفرت و انتقام هم وزن کوه بالا رفت تا به شانه‌اش رسید. لبه پرتگاه و دستهایی که او را رها بخشید و گلوله‌هایی که مردان او را بخاك افکند سراسر آسمان خدا را نقش می‌کرد.

نگاه ارباب با لوله تفنك به شیخ دهقان و قله کوه دوخته شد و انگشت ماشه را فشار داد....

مدت درازی بود که حتی بوی دیش و تند باروت هم در فضا محو شده بود. اما ارباب همچنان انعکاس شوم گلوله‌ای را که پرید می‌شنید و مردی را که خم شد و افتاد همچنان می‌دید.

پشت ابرهای مغرب، ماه خود را پنهان می‌کرد. اولین بارقه سحر در جرم شب می‌دوید و روشنی دور بردندانه‌های مشرق خط می‌کشید.

ارباب بحرکت درآمد. انگار در خواب راه می‌رفت و از میان مه غلیظ و تیره‌ای عبور می‌کرد. کوه، سپیده دم، زندگی و رنجها دیگر هیچکدام واقعی نمی‌نمودند و او در وهمی سنگین و خاکستری تنفس می‌کرد.

ندامت او را می‌گرید و در هر قدم که صعود می‌کرد عظیم تر می‌شد. گاهی به تفنك نگاه می‌کرد که چون نکبت ابدی با او بود و زمانی به‌ماه که همراه شعله‌های انتقام او در افول.

بقله رسید و بالای سر دهقان ایستاد. نسیم سحر زلف مرده را نوازش می‌داد.

يك دست او روی سینه‌اش قرار داشت و دست دیگرش به پهلوی او پیخته و از آستین کرباس آن خون شیار زده بود و دست او را خضاب کرده بود.

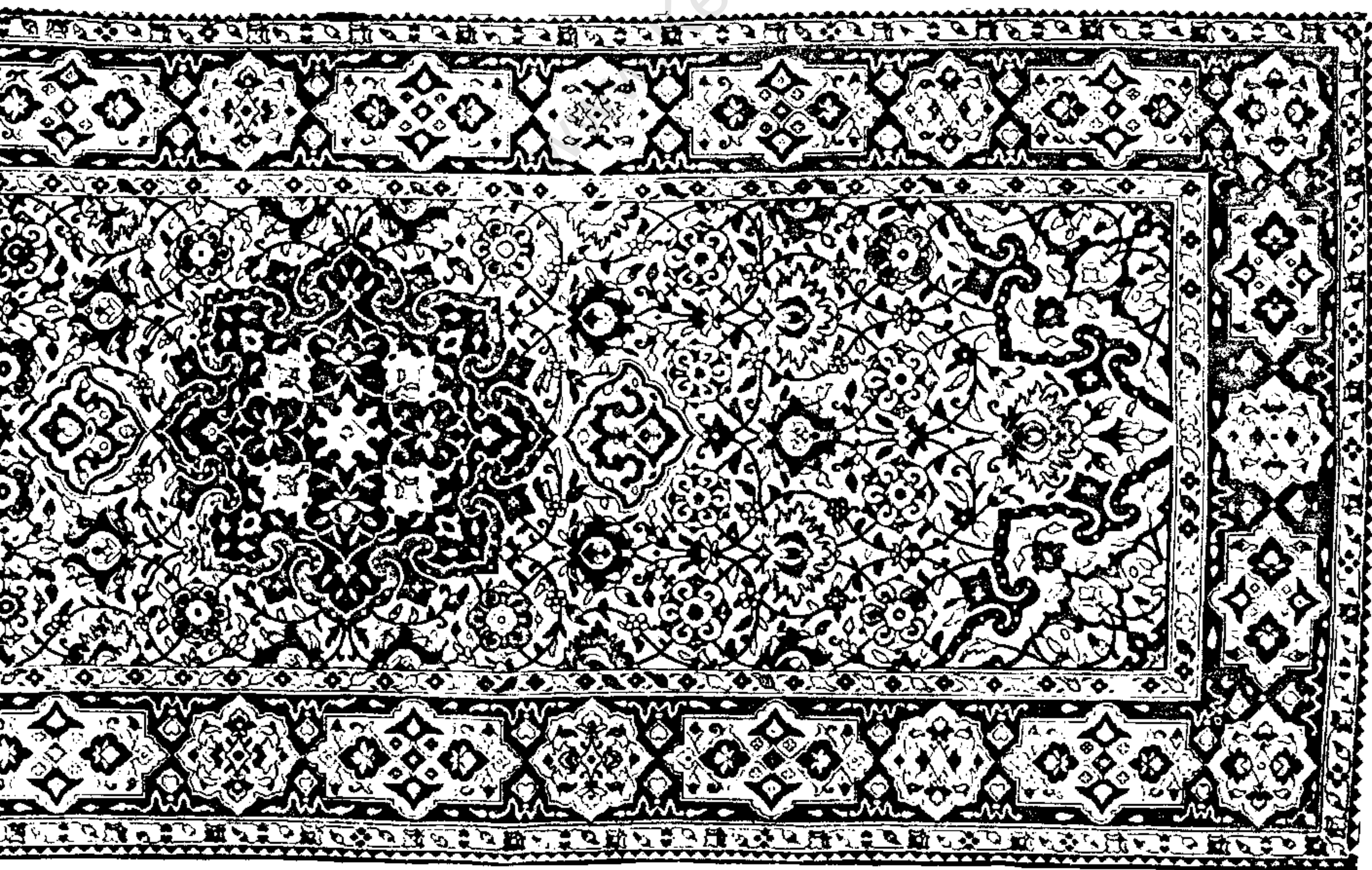
روشنایی صبحدم برچهره درهم و آشفته ارباب رنگ می‌گرفت و نسیم در موهای تفنگدار مرده می‌دوید. ارباب خم شد و برپیشانی او بوسه نهاد.

اکنون ماه بیرنگ بود و چون پولك صدف به گوشه آسمان خزیده و در نور خالص روز غرق می‌شد.

دره عظیمی که باد فغانهای مرمره شب را در آن گردش می‌داد، کم کم از تاریکی بیرون می‌آمد. دیگر ناله طولانی کرک نبود و دیگر وحشت، شب را پر نمی‌ساخت.

کرمان

کرمان امروز دیگر آن شهر خسته ، غریب و حاشیه‌نشین کویر نیست. غم ورنج و غبار از چهره این شهر باستانی با تحولاتی که در آن به وقوع پیوسته بتدریج زدوده می‌شود. خواندن و مطالعه و پژوهشی در تاریخ کرمان برای هر پژوهنده و جوینده‌ی آموزنده است .

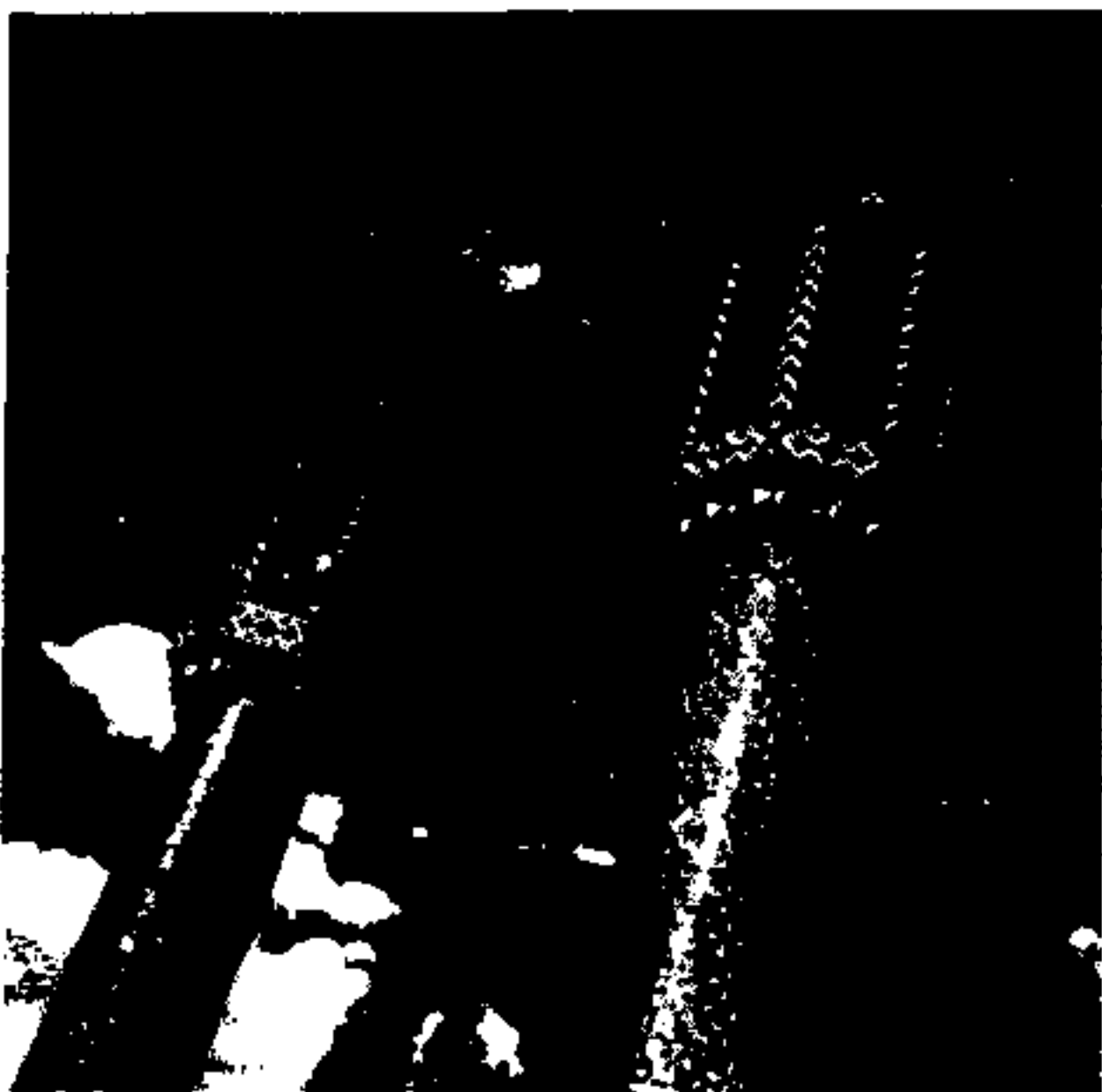


سیری در «تاریخ کرمان»
 ● واژه کرمان احتمالا مرکب از دو کلمه (کار) و (مان) است. کلمه (کار) معنی رزم و نبرد و پهلوانی دارد و (مان) بمعنی محل، جا و جایگاه است که کلمه میهن نیز از آن گرفته شده و روبهمرفته کرمان (بفتح کاف) یعنی جایگاه دلیران رزم آزمای براساس تواریخ عرب، یهود و کلدانیان، کرمان به (کرمان بن هیتال بن - ارفخشذ بن سام بن نوح) منسوب است. در کتب پارسیان نیز کرمان و مکران را پسر (فارس) و (فارس) را پسر (پهلوی) و (پهلوی) را پسر (کیومرث) دانسته اند. برخی نام کرمان را مشتق از کرم هفتواد نوشته اند که به قول «احمدعلی خان وزیری» صاحب تاریخ کرمان غلط است. بهر حال خواندن افسانه کرمان از تاریخ کرمان خالی از تفریح نیست: «در قدیم هرکس را هفت پسر متوالی از يك مادر آمدی، پسر هفتم را هفتواد نام نهادی چه «واد» به لغت پارسی پهلوی پسر است. یعنی پسر هفتم. این هفتواد در بم سکونت داشت و به فاقه می گذرانید و او را نیز هفت پسر و يك دختر

خدای داده. قانون اهالی آن بلد چنین بود که دخترکان رعایا همه روزه همگروه شده چرخ و دوکدانه های خود را با مقداری پنبه برمی گرفتند و خوردنی چاشت را مصحوب خود کرده پس از دروازه شهر بدر می بردند در صحرای آنجا انجمن شده هریک پنبه خود را رشتی و چاشت خوردنی، باهم خوردندی و شامگاه بخانه آمدندی. از قضا چنان افتاد که روزی دختر هفتواد در هنگام عبور سیبی یافت که باد آن را از درخت افکنده بود. برداشته با خود به صحرا برد چون قصد خوردن کرد، در میانش گرمی دید برگرفت و در دوکدان انداخت، آن روز چنان افتاد که سه چندان سایر ایام پنبه برشت. شامگاه بخانه آمد مادرش شاد شد آن پنبه که هرروز او را سپردی سه برابر کردی و دخترک به سهولت برشتی، این معنی را بدانت که از طالع (کرم) این نیرو را یافته، همه روزه کرم را در دوکدان گذاشته و از پاره سیب نزد آن خورش نهادی. پدر را آگاه ساخت، سخت شاد گردید.

در «تكملة الاخبار» و «ناسخ التواریخ» نوشته اند که شاپور ذوالاكتاف پنج هزار خانوار عرب از اعراب بنی اسرائیل و بنی غطفان و بنی تغلب را از اراضی نجد و احسا و بحرین به کرمان کوچانیده است و سلطنت کرمان را به پسرش بهرام معروف به کرمان شاه داده و کرمان شاه ابنیه زیادی در کرمان ایجاد کرده است.

انوشیروان پسر قباد، آذرماهان را که امیری بزرگ بود به کرمان فرستاده و او نیز سد بزرگی در کرمان ایجاد کرده است. در سال بیست و چهارم هجری عمر بن الخطاب، سهل بن عدی و عبدالله عتبای را به فتح کرمان فرستاد و والی وقت با دادن جزیه آنها را برگردانید و در همین سال کرمانی ها بتدریج به اسلام روی آوردند. در سال سی و یکم هجری نیز عثمان بن عفان خلیفه عبدالله عامر را به کرمان فرستاد و مردم بردبار و قانع کرمان بدون دادن تلفات، باج معوقه را به او پرداختند. در دوره های بعد می بینیم خلفای عرب مرتباً کسانی را به عنوان والی به کرمان می فرستادند... از فرمانروایان معروف این دوره یزید بن مهلب و قتیبه بن مسلم باهلی بودند. بعد از بنی امیه حکومت به دست خلفای عباسی افتاد. در سال ۱۷۰ هجری امارت خراسان و کرمان به «فضل بن یحیی بن خالد برمکی» سپرده شد. در سال ۲۱۹ معتصم حکومت کرمان را به افشین ترك كه سپهسالارش بود، سپرد. در سال ۲۵۵ یعقوب لیث به کرمان عزیمت کرد، آن را تسخیر کرد و دوماه در کرمان بود و به آبادانی این شهر پرداخت. بعد عمرو لیث حکومت کرمان را بدست گرفت. بعد از آنها مرد دزد و شیادی بنام محمد بن الیاس



ماهان

حکومت کرمان را تصاحب کرد و علیرغم عیاری به ساختن وسیعتر مساجد و ابنیه پرداخت از جمله حصار گواشیر را ساخت. بعد از آن مدتی فرستادگان آل سامان و دیالمه بر کرمان حکمفرمایی کردند و بالاخره معزالدوله کرمان را تصرف کرد و با قبيله (کوفج) که از او اطاعت نکردند جنگ کرد و بعد از سال ۳۷۲ که عضدالدوله جان سپرد، حکومت در اختیار او بود. در سال ۴۳۳ قاورد آل سلجوق پسر جعفر بیك بن میکال بن سلجوق بن دقاق به فرمان عم خود طغرل بیك، کرمان را فتح کرد و این پادشاه توسط فرستادگان ملکشاه بن الب ارسلان مسموم شد. بعد سلطان شاه، تورانشاه و ایرانشاه امرای کرمان شدند. سلاجقه کرمان با حمله غرها در سال ۵۸۱ عملاً انقراض یافت. در سال ۵۸۳ هجری ملک دنیار هم کرمان را تصرف کرد و بعد از او خوارزمشاهیان روی کار آمدند و طغان تکین به امارت رسید و خواجه رضی الدین نیشابوری را به وزارت برگزید. همزمان با حمله مغول براق حاجب حاکم کرمان شد و پس از وفاتش محمد مکنی به ابوالفتح حاکم کرمان گردید، ترکان خاتون بعد از آن حکومت کرمان را بدست گرفت و در حوالی گواشیر بلکوت، قصبات



وقراء زیاد احداث کرد. شاهان آل مظفر، گورکانیان يك چندبر کرمان حکومت کردند و سپس حکومت بدست صفویان افتاد، بیك تاش خان و گنجعلی خان از امرای بزرگ این دوره هستند و از گنجعلی خان آثار زیادی برجا مانده است. در سال ۱۱۵۲ کرمان و بلوچستان به تصرف نادرشاه افشار درآمد و بعد از آن شاه رخ خان، خدامرادزند، تقی خان درانی، آقاعلی شماعی کرمانی، میرزا حسین راینی، سید ابوالحسن خان از سلسله زندیه بر کرمان حکومت کردند.

لطفعلی خان زند وقتی به کرمان رسید با خانهای محلی به مدارا رفتار کرد و در این شهرستان به آبادانی پرداخت و با ایلات که مال مردم را غارت می کردند، جنگید و حتی المقدور آنها را سر جای خود نشاند ولی آغامحمدخان، لطفعلی خان را در محاصره انداخت و سرانجام لشکر شاه قاجار گواشیر را فتح کرد و لطفعلی خان اسیر شاه قاجار شد.

در سال آخر سلطنت فتحعلی شاه، آقاخان محلاتی حاکم ایالت کرمان شد و تا سال ۱۲۵۰ در آنجا بود. او در کرمان بخودسری پرداخت. بعد از او شاهزاده فیروز میرزای نصرت الدوله بفرمانروایی ایالت کرمان برگزیده شد. او توانست تا حدودی به این استان سروسامان بخشد.

فضلعلی قزباغی (۱۲۵۳) و خالد میرزا (۱۲۵۶) حکمرانان بعدی بودند. آقاخان به داعیه سلطنت کرمان دست زد تا اینکه در سال ۱۲۵۹ حبیب الله خان امیر توپخانه به کرمان عزیمت کرد و مدعیان اسماعیلیه را که آقاخان خود را امام آنها می دانست سرکوب کرد. در سال ۱۲۵۹ فضلعلی خان برای دومین بار حاکم کرمان شد.

بهر حال آنچه از مطالعه تاریخ کرمان برمی آید اینست که مردم این سرزمین بلا کشیده و رنج دیده اند و تنها به بردباری و کم توقعی توانسته اند در وقایع سهمگین و شدائد تاریخ خود دوام آورند.

کرمان؛ همسایه شرقی کویر

● استان کرمان در جنوب شرقی ایران واقع شده و بیشتر به جنوب متمایل است. مساحت آن ۱۹۱۹۷۶ کیلومتر مربع است. این استان از شمال به استانهای یزد و خراسان، از جنوب به استان ساحلی و جزایر و بنادر خلیج فارس، از مشرق به استان بلوچستان و سیستان و از مغرب به استان فارس و نیز استان ساحلی محدود است.

استان کرمان در انتهای جنوبی رشته کوه باریکی قرار گرفته که در امتداد جنوب شرقی یزد واقع شده و حوضه کرمان را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می کند. قسمت شرقی بیشتر کویری است و مخصوصاً نیمه شمالی آن بین بافق و یزد تقریباً خالی از مردم است و قسمت غربی مشتمل بر حوزه رفسنجان می باشد که ارتفاع آن از سطح

دریاهای آزاد ۱۶۵۰ متر می باشد که در شمالی ترین نقطه به ۱۲۵۰ متر کاهش می یابد. عامل جغرافیایی از جمله امکانات ایجاد قنوات و وجود آبهای زیرزمینی در پراگندگی جمعیت و آبادانی این ناحیه نقش اساسی دارد.

شمال شرقی کرمان اغلب کوهستانی است، دره های عمیقی که در این ناحیه قرار گرفته قابل سکونت است و بیشتر روستاها نیز در این دره ها ایجاد گردیده اند. بخصوص دره زرد و ارتفاعات اطراف کوه لاله زار، کوه هراز بخاطر داشتن منابع زیرزمینی مورد توجه واقع شده اند و بهره برداری از ذخائر طبیعی آنها آغاز شده است. در این منطقه راههای فرعی زیادی برای حمل و نقل سنگهای معدنی میان ماهان، بافت و کرمان ایجاد گردیده و کرمان عملاً مرکز اقتصادی و محل تقاطع این راهها شده است. کرمان همیشه از لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت بوده و به همین علت بارها مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفته و صدمات فراوانی را متحمل شده است.

جمعیت کل استان هشتم کشور که مرکز آن کرمان است طبق آخرین سرشماری رسمی کشور بالغ بر ۷۶۳۶۸۹ نفر است که از این عده ۳۸۵۸۱۱ نفر مرد و ۳۷۷۸۷۸ تن زن هستند.

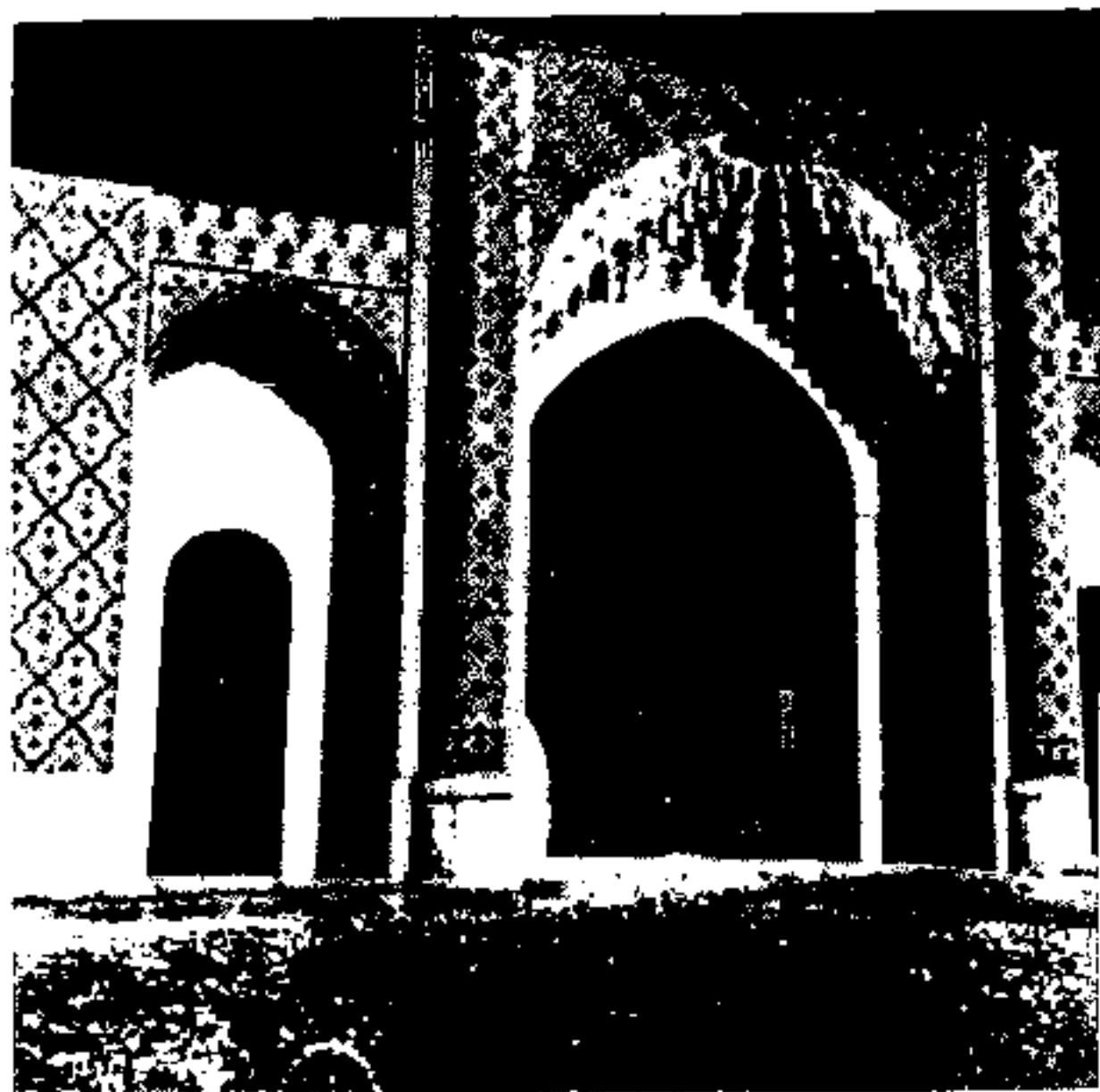
شهرستانهای استان کرمان به شرح زیر می باشد: کرمان - رفسنجان - جیرفت - سیرجان - بم و بافت.

شهرستان کرمان

این شهرستان از شمال به شهرستان یزد از مشرق به دشت کویر و از جنوب به شهرستان بم و بافت و از مغرب به شهرستان رفسنجان محدود است. ارتفاع جلگه کرمان از غرب به طرف شرق تغییر پیدا می کند، بدین ترتیب که کوههای غربی به ارتفاع ۳ هزار متر هرچه به سوی مرکز پیش می رود کوتاهتر می شود و ارتفاع آن باردیگر از شوره گز هامون رو به افزایش می گذارد. مرتفع ترین قله ارتفاعات کرمان کوه هزار است که دنباله کوههای تهرود است و قریب ۵ هزار متر ارتفاع دارد و کرمان



جلیه



مسجد جامع کرمان

آموزشگاههای مبارزه با بیسوادی، سپاه دانش، آموزشگاه حرفه‌یی، هنرستان حرفه‌یی تربیت معلم و دبیرستان بازرگانی است.

مدرسه عالی امور اداری و بازرگانی کرمان براساس تصویب شورای گسترش آموزش عالی کشور در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۴۹ و به پیشنهاد مؤسسان مدرسه عالی مدیریت کرمان تأسیس شد. در نخستین دوره برای فوق دیپلم دانشجوی گرفت و برای نخستین بار در دهم بهمن ماه سال ۱۳۴۹ در دوره عمومی مدیریت ۳۲۹ نفر دانشجو به تحصیل پرداختند، در همین زمان دانشجویان این مؤسسه تقاضای تأسیس دوره لیسانس کردند و بالاخره در سال تحصیلی ۱۳۵۰ - ۵۱ دوره لیسانس تأسیس گردید و مسابقات ورودی این مؤسسه را مرکز آزمون شناسی برگزار کرد. در این سال ۲۰۰ نفر دانشجوی جدید پذیرفته شد. دانشجویان مدرسه عالی امور اداری و بازرگانی کرمان با خواندن ۷۰ واحد درسی به اخذ مدرک فوق دیپلم در رشته‌های اداره امور دولتی و اداره امور بازرگانی نایل می‌آیند و پس از خواندن ۷۰ واحد درسی دیگر به اخذ لیسانس در رشته‌های مزبور موفق می‌گردند. مسؤولان دانشکده در نظر دارند در سالهای آینده نسبت به تأسیس رشته‌های دیگر مطابق تقاضا و پیشرفت کشور اقدام کنند.

دانشجویان مدرسه عالی امور اداری و بازرگانی شرکت تعاونی دارند و در کارهای فوق برنامه نظیر تشکیل بحث‌های آزاد و امور ورزشی شرکت می‌کنند. این مدرسه تاکنون انتشاراتی هم داشته است.

بدستور علیاحضرت شهبانو برای ایجاد خوابگاه دانشجویی و کتابخانه مدرن اقداماتی صورت گرفت. در سال تحصیلی ۵۱ - ۵۲ این مؤسسه عالی آموزشی هشتصد دانشجو دارد و ۱۶ تن از کادر آموزشی آن تمام وقت و ۱۲ تن دیگر استاد نیمه وقت هستند. سپاهیان بهداشت، دانش و ترویج و آبادانی در روستاها و شهرک‌ها و حتی شهرستانهای کرمان خدمات شایانی را انجام داده‌اند، در سالهای اخیر وزارت آموزش و پرورش با دادن مزایای قابل توجهی به دبیران لیسانسیه‌یی که به کرمان می‌روند، به وضع تعلیم و تربیت دوره متوسطه سرو سامانی بخشیده است.

کرمان کتابخانه نیز دارد و ۲ روزنامه هفتگی هم بنام فاتح و اندیشه در کرمان انتشار می‌یابد.

سابقاً در کرمان وضع بهداشت ناگوار بود و امراض اسهال - تراخم - سرخک - سیاه‌سرفه - اریون - تیفوئید - مالاریا و آبله مرغان در این شهر شایع بود ولی با تأسیس چندین بیمارستان مجهز و حدود ۵۰ درمانگاه، مطب‌های خصوصی - بخش ترریقات و داروخانه و پرورشگاه با کمک

را از سیرجان جدا می‌کند و امتداد کوههای مزبور در جنوب شرقی بنام جبال (بارز) خوانده می‌شود. در جنوب غربی رشته‌های دیگری است که بموازات یکدیگر قرار گرفته و بواسطه ارتفاع زیاد چند ماه از سال دارای برف می‌باشند.

در کرمان رود مهمی وجود ندارد، تنها رودخانه‌های قابل اهمیت آن هلیل‌رود و رودخانه گیودری است.

حد متوسط حرارت در امردادماه به ۲۱ درجه سانتی‌گراد و در دیماه به ۳۲٫۴ و حد متوسط بارندگی آن ۱۲۰ میلی‌متر است.

جمعیت شهر کرمان طبق آخرین سرشماری ۲۴۳۷۷۰ نفر است که از این تعداد ۱۲۳۰۸۵ نفر مرد و ۱۲۰۶۸۵ نفر زن در ۵۳۳۶۰ خانوار هستند. از این جمعیت ۵۱ درصد یعنی ۱۲۵۴۲۶ نفر در روستاها سکونت دارند. شهر کرمان در ۵۷ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۱۷۴۹ متر از سطح دریا قرار گرفته و اختلاف ساعت آن با تهران ۲۲ دقیقه است. فاصله کرمان با تهران از راه کاشان ۱۰۴۴ کیلومتر است و از راه اصفهان ۱۱۳۳ کیلومتر. کرمان با سیرجان ۱۸۴ کیلومتر، با بم ۱۹۳ کیلومتر و با یزد ۳۹۶ کیلومتر فاصله دارد، نزدیکترین شهر به کرمان شهر رفسنجان است، کرمان در فاصله ۶ کیلومتری کوه سعیدی واقع شده و در ۳ کیلومتری کوه مسجد صاحب‌الزمان و ۳۰ کیلومتری کوه جویباری احداث گردیده است. کرمان از لحاظ درجه بندی شهرستان درجه ۲ محسوب می‌شود. کرمان در دشت واقع شده است.

آب و هوای کرمان در شمال و مغرب بواسطه وجود کوههای متعدد و نزدیکی به کویر متغیر است. در جنوب کاملاً گرم و خشک است ولی دامنه کوههای معتدل و دره‌های زیبا و مناظر فرحبخش دارد. باران کرمان به علت وزش بادهای گرم و خشک از کویر لوت و بحر عمان و تأثیر بادهای مرطوب دریایی بسیار کم و رودهای آن عموماً سیلابی است. معدل حداقل درجه حرارت کرمان سالانه ۷٫۹ درجه سانتی‌گراد، مقدار متوسط بارندگی سالانه ۲۰۳٫۹ میلیمتر مقدار متوسط رطوبت هوا در ساعت ۶٫۵ بامداد ۵۲ درصد و در ۱۲٫۵ ظهر ۲۷ درصد و ایام یخبندان این شهر تقریباً ۶۸ روز است.

نوع خاک کرمان رسی و زراعتی و عمق آبهای زیرزمینی قشر اول ۲۰ تا ۵۰ متر و قشر دوم در حدود یکصد متر است. مردم کرمان به زبان فارسی با لهجه خاص کرمانی که یکی از لهجه‌های فوق‌العاده شیرین زبان ماست، سخن می‌گویند.

کرمان دارای دبیرستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، دبستان، کودکستان،

حدود ۱۲ مؤسسه خیریه اوضاع بهداشت این شهر به‌صورتی آبرومند درآمده است. هم‌اکنون به ورزش کرمان توجه زیادی می‌شود، ۲ سالن ورزشی، میدان و چند زورخانه در کرمان وجود دارد.

کرمان امروز با کرمان گذشته فرق زیادی کرده است، خیابانها اکثراً آسفالت شده و کلیه وسایل ارتباط جمعی در کرمان دارای مراکزی هستند. مردم کرمان با گرفتن کد (۰۲۱) می‌توانند با تهران و سایر شهرستانها تماس تلفنی مستقیم برقرار کنند و کد خاص کرمان برای کسانی که از تهران با کرمان تلفنی حرف می‌زنند (۰۳۴۱) است. کرمان دارای مرکز رادیو و تلویزیون بسیار مدرنی است که می‌تواند براحتی از برنامه‌های شبکه سرتاسری تلویزیون استفاده کند. مرکز سازمان رادیو و تلویزیون در کرمان روزانه چندین ساعت برنامه محلی تولید می‌کند.

هوایما نیز در هفته چند روز از تهران به کرمان پرواز می‌کند و راههای زمینی کرمان که اغلب آسفالت هستند، مطمئن‌ترین و ارزاترین طریق برای مسافرت به کرمان می‌باشند ولی باید قبول کرد بعد مسافت کرمان برای کسانی که با اتوبوس از تهران به این شهر می‌روند مایه ملالت می‌شود.

شهر کرمان دارای شبکه آب رسانی بوده و تمام سطح شهر وسیله کابل های زیرزمینی و هوایی از نیروی برق استفاده می کنند. کرمان گرمابه های مدرن، سینما، هتل، مسافرخانه، رستوران و سالن های غذاخوری مدرنی دارد و تقریباً کلیه ادارات دولتی، مؤسسات وابسته بدولت، بانکها در کرمان شعباتی دارند.

گچ - آجر - آهک - سنگهای ساختمانی - موزائیک - شن و ماسه هم در اطراف شهر، نزدیک بیرم آباد - نبش پوزه پنبه بران بدست می آید ولی سیمان مصرفی کرمان از طریق شیراز و اصفهان تأمین می گردد و اخیراً کارخانه سیمان مجهزی در کرمان بوجود آمده است.

کرمان امروز که دارای ۲۸ دبیرستان ۵۸ دبستان و ۱۲ مدرسه راهنمایی تحصیلی است در راهی اقتصادی و به سوی يك آبادانی كم نظیر گام برمی دارد، کرمان امروز از میدانها و باغات مصفايي برخوردار است که از آن جمله می توان به میدان ارک - مشتاقیه و باغ شاهزاده ماهان و کاخ جوانان اشاره کرد. خط آهن تا زرنند رسیده که ۶۰ کیلو متر تا کرمان فاصله دارد.

شما برای رسیدن به کرمان باید از شهرستانهای قم - اصفهان - نایین - اردکان - یزد - رفسنجان بگذرید و این مسافت ۲۰ ساعته با اتوبوس طی می شود.

شهرستان کهنسال و قدیمی کرمان در زمان پهلوی روح تازه ای را در کالبد خود احساس می کند. آثار تاریخی کرمان فهرست وار عبارت است از:

گنبدجلیه (عهد سلجوقی) گنبد سبز (قرن ۹ هجری) مقبره خواجه اتابک (قرن ۶ هجری) میل نادری (عهد سلجوقی) مسجد ملک (قرن ۵ هجری) مسجد جامع (قرن ششم هجری) مسجد پامناز (قرن ۹ هجری) مسجد گنجعلیخان (عهد صفویه) مدرسه دودر (قرن نهم هجری) حمام و بازار ابراهیم خان (عهد قاجاریه) سرای گنجعلیخان (عهد صفویه) امامزاده احمد - امامزاده علی - بنای پیربرحق - قبر آخوند باغ بیرم آباد - قلعه کوه (قلعه دختر کرمان) مقبره سلطان سید حمید (نزدیک لاله زار کرمان) مسجد و آب انبار و کاروانسرای حاجی آقا علی - سرای گلشن - مدرسه ابراهیم خان - سردر بیمارستان فوزیه - گنبد مشتاقیه - خرابه های پایتخت قدیم کرمان (اوایل عهد عیلام) تخت درگاه قلئیک و بقعه خواجه خضر.

بافت

● شهرستان بافت در شمال به بخش مشیز از شهرستان سیرجان و از مشرق به بخش اسفندقه از شهرستان سبزواران و از جنوب به بخشهای دهیارز از شهرستان میناب و خاصی آباد از شهرستان بندرعباس

واز مغرب به سیرجان محدود است. بافت سابقاً بخشی از سیرجان بود. شهرستان بافت از دو طرف به کوههای مرتفع کوه شاه و کوه لاله زار و کوه بیدخوان در شمال، و کوههای سیاهکوه و صوغان و کوشکو در مشرق محدود است، مرتفع ترین کوه شهرستان بافت (خبر) است که ۳۸۶۱ متر ارتفاع دارد.

کلیه رودخانه های این شهر از ارتفاعات شمال سرچشمه می گیرد و به طرف مشرق جاری می شود و پس از مشروب نمودن روستاهای اطراف بنام هیلرود وارد بخش سبزواران جیرفت می گردد. بیشتر کوههای این منطقه کاملاً برای زراعت مستعد است و پوته کنیرا - زیره - بادام بنه و ارچن در آن ها بعمل می آید.

بافت در ۵۶ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی در ارتفاع ۲۲۸۷ متر از سطح دریای آزاد قرار دارد.

بافت دارای ۶۵ دبستان است. درمانگاه های مجهز و پزشک دارد، پرورشگاه دارد. بافت امروزه حدود هفت هزار نفر جمعیت دارد، زبان اکثریت بافتی ها فارسی و گویش بلوچی است.

بیم

● شهرستان بیم از شمال به شهرستان کرمان و از مشرق به راهدان و از جنوب و غرب به شهرستان ایرانشهر و سبزواران و کوهستان نمدا و شاهکوه و از مغرب به بافت و جیرفت محدود است.

هوای بیم دوجور است. هوای قسمت جلگه و دامنه گرمسیر است. بدین معنی که تابستان های گرم و زمستانهای معتدل دارد، آب این مناطق از قناتها تأمین می شود. در قسمت دامنه، در تابستان باد گرم و سوزانی می وزد که به اصطلاح محلی «بادیوار» خوانده می شود.

در قسمت شمال شهرستان بیم کوه کشیت واقع شده که دشت لوت را از دره تهرود جدا می کند. کویر لوت مشهور به زنگی احمد در شمال خاوری شهرستان قرار دارد.

قسمت مرکزی شهرستان بیم دشت حاصلخیزی است که بیش از ۳۰۰ آبادی دارد. آب این مناطق از قنات متعدي تأمین می شود که از کوههای شمال و باختر و جنوب سرچشمه می گیرند. معدل حداکثر حرارت سالانه آن ۲۸ سانتی گراد و حداقل آن ۱۵ در ۱۵ سانتی گراد و حد متوسط بارندگی سالیانه ۷۵٫۹ میلی متر است.

رودخانه ای که آب دائم داشته باشد در این شهرستان نیست. فقط در دره های مرتفع کوهستان رودخانه ای جاری است که تنها در موقع بارندگی زیاد سیلاب آنها به کویر می رسد مثل رودخانه تهرود و ددبکری و گراغان.

جمعیت بیم طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۸۸۸۰۰ نفر است که ۴۴۶۷۷ نفر آن مرد و بقیه زن هستند که در ۱۸۱۸۵ خانوار زندگی می کنند. ۷۵ درصد ساکنین منطقه بیم در روستاها به سر می برند.

مرکز این شهرستان بیم است که در سر راه کرمان به زاهدان واقع شده. بیم در نقطه جغرافیایی ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه و ۴۲ ثانیه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۵ دقیقه و ۲۷ ثانیه عرض شمالی و در ارتفاع ۱۰۵۰ متر از سطح دریا قرار دارد.

فاصله بیم تا کرمان ۱۹۳ کیلومتر است و تا تهران ۱۲۸۰ کیلومتر فاصله دارد. بیم از نظر درجه بندی شهرستان درجه ۲ است. در این شهر آثار تاریخی فراوانی وجود دارد از جمله بقعه امامزاده زید در وسط شهر است.

در خاور بیم قلعه ای بنام «ارگ» وجود دارد که بازمانده يك شهر قدیم است. این قلعه به شکل مستطیل بوده که اطراف آن را خندق احاطه کرده. در محل این بنا گویا استحکامات نظامی ساسانیان قرار داشته است. بیم در زمان آغا محمدخان قاجار ستم بزرگی را متحمل شد و اصولاً تا زمان سلطنت خاندان پهلوی به آبادانی آن توجهی نشد. ولی اینک شهر جدید بیم در ۵۰۰ متری بنای قلعه ساخته شده و دارای بناهای جدیدی است. مردم بیم به زبان فارسی سخن می گویند و شیعه دوازده امامی هستند، عده ای کلیمی، زرتشتی نیز در بیم ساکن هستند. هوای زمستانی بیم معتدل در اسفند و فروردین آکنده از بوی مطبوع شکوفه مرکبات است و از اردیبهشت تا اواخر امرداد ماه به شدت گرم می گردد. بیم يك بیمارستان دارد، کودکستان، دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی و دبیرستان نیز دارد.

ارگ بیم از بناهای تاریخی و دیدنی ایران است. این قلعه مشتمل بر چند قلعه تو در تو است و درازای تقریبی آن ۳۰۰ متر و تقریباً به صورت مستطیل بوده این قلعه به قلعه خدای آخرین نیز شهرت دارد مساحت آن ۶ هکتار است که برج و باروی محکمی دارد و پشت برج و باروی آن خندق پهن و گردی ساخته شده است. ارگ بیم فقط يك دروازه دارد در داخل قلعه بقایای دکانهای قدیمی دیده می شود در چهارمین قسمت ارگ عمارت نسبتاً آبرومندی وجود دارد.

سبزواران

● شهر جیرفت یا درستتر سبزواران از شمال به شهرستان بم و از مشرق به شهرستان های بم، ایرانشهر و از جنوب به بخش جاسک از شهرستان میناب و از مغرب به شهرستان بافت و میناب محدود است. هوای جیرفت در قسمت های مرتفع سردسیر و در قسمت های پست معتدل و گرمسیر است. جمعیت این شهرستان حدود ۱۴۶۱۱۲ نفر است که



فرودگاه کرمان

رفسنجان

● رفسنجان از شمال به یزد، از مشرق به کرمان، از جنوب به شهرستان سیرجان و از مغرب به بخش ابرقو و سوریان از شهرستان آباده محدود است.

رفسنجان در ۵۶ درجه طول و ۳۰ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و وسعت آن قریب ۲۸۹۵ هکتار است. این شهر در ۱۲۷ کیلومتری شهر کرمان و ۹۴۹ کیلومتری تهران واقع است و از نظر درجه بندی شهرستان درجه ۲ است.

رفسنجان در گذشته بهرام آباد نامیده می شد و یک روستای کوچکی پیش نبود ولی بتدریج برونسعت آن افزوده شد.

رفسنجان شهر جلگه‌یی است و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۷۲ متر است.

شمال رفسنجان را کوهستان داوران احاطه کرده که میان جلگه رفسنجان و زرند واقع شده و مرتفع‌ترین قله آن «بکومدره در» است که ارتفاع آن ۲۷۴۵ متر است.

دومین رشته کوه رفسنجان قسمتی از سلسله جبال‌ی است که از شیرکوه یزد شروع شده و به کوه «چویار» متصل می شود.

مرتفع‌ترین قله این کوه شهر بابک است که ارتفاع آن ۳۴۷۳ متر است که بین رفسنجان و شهر بابک واقع شده است. هوای رفسنجان در قسمت کوهستانی سردسیر و در قسمت جلگه‌یی گرم و معتدل است. بطور کلی اغلب اوقات به علت وزش بادهای کویر و جریان ریگ صحرا مزارع و باغها پوشیده از ریگ که با اقدامات دولت از خسارات ناشی از ریگ جلوگیری شده است. معدل حداکثر درجه حرارت سالانه آن ۲۶٫۴ سانتی گراد و حداقل ۹٫۴ سانتی گراد و مقدار



۷۴۷۷۸ نفر آن مرد و بقیه زن هستند. هلیل رود که از کوههای لاله‌زار سرچشمه می گیرد در شمال باختر وارد جلگه جیرفت می شود و دیگر رودخانه آن شور است که از قلل جبال بارز و فاشکوه و گور جدا می شود و در شمال شرقی سبزواران به جیرفت می رسد و بعد در ۳ کیلومتری جیرفت به هلیل رود می پیوندد و سرانجام به جاز موریان می رسد. در ارتفاعات شرقی سبزواران این رودخانه سدی داشت که تمام سال، آب مصرفی جیرفت را تأمین می کرد جلگه جیرفت حاصلخیز است و به همین جهت دولت یک مجتمع بزرگ کشاورزی در جیرفت ایجاد کرده و اردوگاه ایرانیان اعاده شده از عراق هم در این ناحیه ایجاد شده است.

زبان مردم جیرفت فارسی بلوچی و دینشان اسلام و مذهبشان دوازده امامی است. جیرفت مرکز سبزواران است. در ۲ کیلومتری جیرفت، خرابه‌های قدیم این شهر پیشم میخورد. جیرفت در زمان مغول فوق العاده آباد بوده است. سد بزرگ جیرفت را زلزله ویران کرده جیرفت ۱۵۰۰ کیلومتر با تهران و ۲۱۳ کیلومتر با کرمان فاصله دارد و از نظر درجه بندی شهرستان درجه سه است.

معدل حداکثر حرارت سالانه آن ۳۱٫۲ سانتی گراد و حداقل ۱۴٫۷ سانتی گراد، مقدار متوسط بارندگی آن ۱۰۵٫۳ میلی متر بوده و ایام یخبندان در این شهر فقط ۱۰ روز است.

در جیرفت چند پزشک و دندانپزشک در درمانگاههای این شهر به درمان بیماران مشغول هستند. جیرفت دارای لوله کشی شهری و برق است. رستوران و گرمابه و هتل دارد.

۹۰ درصد مردم جیرفت کشاورز هستند و گندم، جو، ماش، لوبیا، برنج، پنبه، لیمو، پرتقال، خرما، خیار، هندوانه، خربزه، کدو، بادمجان و گوجه در جیرفت بعمل می آید.

سد جیرفت که ۱۱۵ متر ارتفاع دارد از نوع بتونی قوسی است و ۸۰۰ میلیون متر مکعب را آبیاری می کند، مقدار نیروی حاصل از آن ۳۵ هزار کیلووات در ساعت است.

کارخانه‌های برگه سازی، روغن کشی و پنبه پاک کنی در سبزواران دایر بوده و قالی، برگه و گیوه جیرفت صادر می شود. در سبزواران نگهداری دام متداول است. طوایف ساردویی و بهراسمان در کوهستانهای سبزواران دام و حشم نگهداری و تکثیر می کنند.

باشد که ۲۶۱۵ متر ارتفاع دارد و کوه چهلتن نیز با ۲۶۵۷ متر ارتفاع در شرق واقع است. ناحیه غربی رفسنجان جلگه است و با شوره زار همسایه بوده و منطقه معتدلی است.

سیرجان در ۵۵ درجه و ۴۲ دقیقه طول و ۲۹ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و وسعت آن ۹۸۷ هکتار است این شهر در ۱۷۶ کیلومتری شهر کرمان و در ۱۰۹۹ کیلومتری تهران واقع است و از نظر درجه بندی شهرستان درجه ۲ است.

سیرجان در زمان قدیم بواسطه موقعیت سیاسی اهمیت خاصی داشته و در زمان اشکانیان مرکز فرمانروایی کرمان فعلی بوده است. از آثار قدیم دیگر خرابه قلعه سنگ در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر فعلی است. در جنوب سیرجان قدیم دربالای تپه ساختمان سنگی هشت ضلعی بنام شاه فیروز باقی است و بطور کلی که حدس زده می شود زمانی آتشکده بوده و در دوره آل بویه مساجدی در آن ساخته شده بوده است.

آب و هوای سیرجان در تابستانها خشک و در زمستانها و بهاران معتدل همراه با بارندگی است مقدار متوسط باران سیرجان ۱۳۷۷ میلی متر در سال است، ایام یخبندان در این شهر ۶۷ روز معدل حداکثر گرمای هوا ۲۴۹ و حداقل ۸۱ سانتی گراد است. خاک آن از نوع رسی و زراعتی است.



قلعه دختر

متوسط بارندگی سالانه ۱۲۶۶ میلی متر و ایام یخبندان این شهر ۷۰ روز در سال است. در کوهستان جنوبی چندین رودخانه از کوهستان به طرف جلگه سرازیر می شود، این رودخانه ها کم آب اند و به جلگه نمی رسند و عبارت از : رودانار - رود دهنه راویر می باشند.

رود شور و رود گیوه دری که سرچشمه آن از کوهستان پاریز و بارچی است، پس از مشروب کردن قراء مجاور خود و علی آباد در حدود ناصریه به جلگه ختم می شود، درمواقع بارندگی زیاد، سیلاب آن قسمتی از قراء رفسنجان را تهدید می کند. این رودخانه ها پس از عبور از دشت رفسنجان به کویر بافق می رسد و به شور، معروف هستند. در سالهای بارانی اهالی رفسنجان در مسیر این رودخانه هندوانه می کارند و محصول خوبی بدست می آورند.

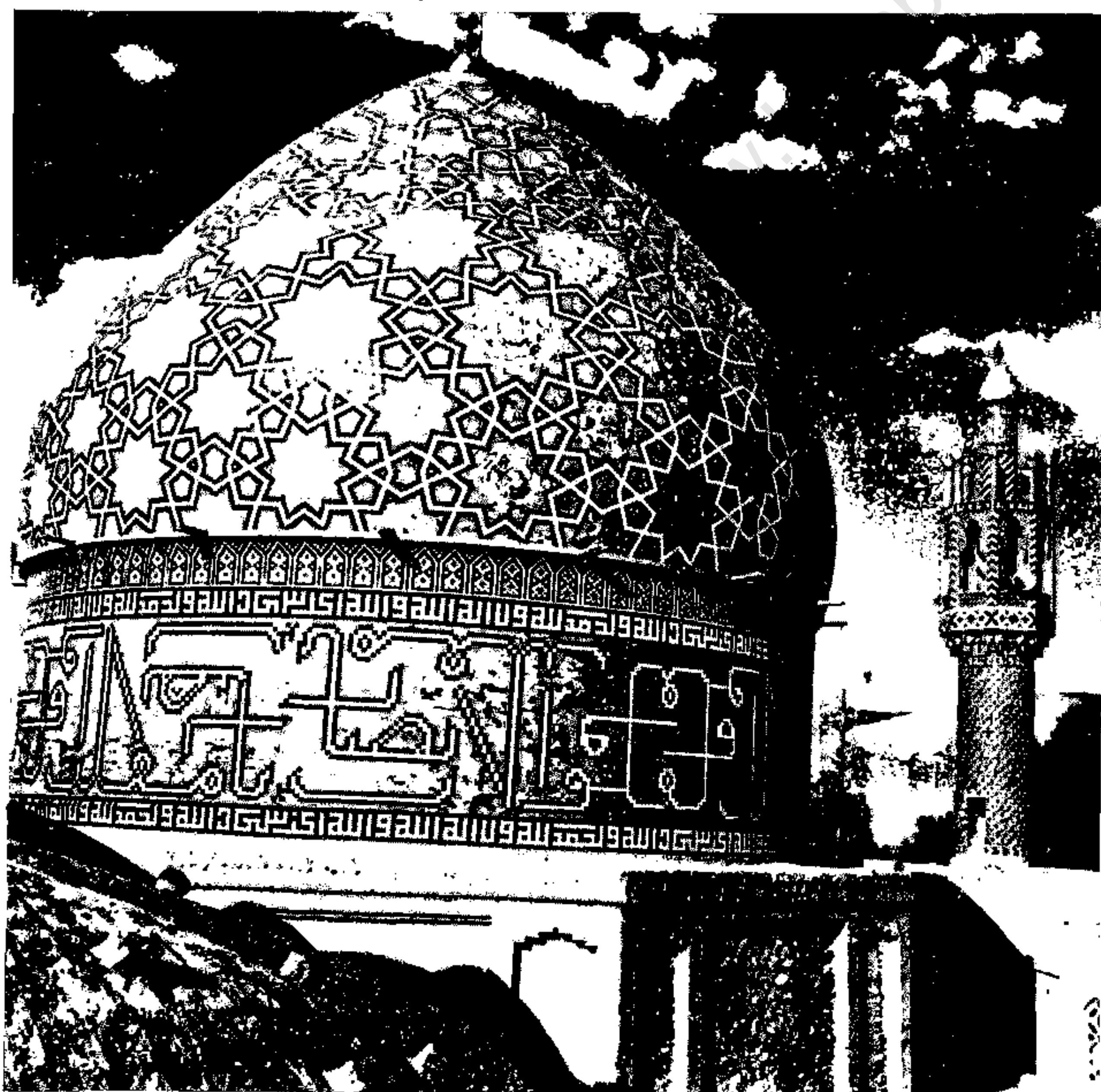
تعداد جمعیت رفسنجان در سال ۱۳۲۷ ۶۲۴۶۲ نفر بود که تا چند سال پیش به ۱۲۹۸۳۲ نفر رسیده که ۶۴۹۸۵ آن مرد و بقیه زن هستند و در ۲۷۳۵۱ خانوار زندگی می کنند. زبان رفسنجانی ها فارسی و مسلمان شیعی مذهب هستند.

این شهر تأسیسات شهری، اماکن عمومی از جمله کتابخانه، سینما، گرمابه، هتل دارد. مسجد صباحی از دوره صفویه و امامزاده شاه سلیمان از آثار و ابنیه تاریخی رفسنجان است، رفسنجان از بهم پیوستن سه روستای علی آباد، بهرام آباد و قطب آباد بوجود آمده است. قالیبافی، زیلو بافی، کوزه گری، گیوه بافی و ساخت ظروف سفالین در رفسنجان متداول است و قالی و پسته از عمده صادرات این شهر است.

رفسنجان لوله کشی آب دارد و دارای برق شهری نیز است. این شهر منطقه مستعدی برای هر نوع زراعت است و انواع میوه در آن بعمل می آید و لی ۸۵ درصد مردم آن کشاورز به پسته کاری و پرورش پسته مشغولند. علت مرغوبیت پسته رفسنجان استعداد زمین و شوری آب و صافی هوا است در جلگه سیرجان و زرند هم پسته بعمل می آید ولی بخوبی پسته رفسنجان نیست.

سیرجان

● سیرجان از شمال به رفسنجان از مشرق به شهرستانهای بم و بافت و از جنوب به حاجی آباد از مغرب به پشتکوه از شهرستان نیریز محدود است. سیرجان از دو بخش وحومه و بخش مشیز (بردسیر) تشکیل شده. سابقاً بافت نیز جزو سیرجان بوده است. بخش مشیز فلاتی مرتفع محصور بین کوه های بلند است که پست ترین نقاط آن پیش از ۱۹۰۰ متر ارتفاع دارد. بخش مرکزی سیرجان در سمت مشرق و شمال کوهستانی است و از کوههای شمالی کوه پنج می-



ماهان

طبق آخرین سرشماری این شهرستان ۹۲۹۲۷ نفر جمعیت دارد که ۶۶۴۷۰ نفر زن و بقیه مرد هستند. سیرجانی‌ها به زبان فارسی تکلم می‌کنند و مذهب آنان شیعه است. خیابانهای شهر اسفالتی و به‌تلفن و برق و آب لوله‌کشی مجهز است. دبیرستان، دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی در سیرجان دایر می‌باشد. وضع بهداشت سیرجان نسبت به گذشته تغییر کلی کرده زیرا دارای بیمارستان، درمانگاه، پزشک، داروخانه، پرورشگاه شده و اکثر مؤسسات دولتی و ادارات در این شهر شعبه دارند.

محصولات کشاورزی سیرجان عبارت از غلات، ارزن، چغندر، حبوبات، ذرت، پسته، انار، به، سیب، بادام و انگور است از صنایع محلی دستی مهمتر از همه قالی است و کارخانه برسی نیز که از چغندر این شهر تغذیه می‌کند از کارخانه‌های مهم رفسنجان بوده و صادرات عمده رفسنجان قالی و خشکبار است.

قالی کرمان

● کرمان سابقه طولانی در قالیبافی دارد. آغاز قالیبافی در کرمان به روزگار صفویان و شاید پیشتر از آنهم می‌رسد. اسکندر بیگ منشی در «تاریخ عالم‌آرای عباسی» از قالی کرمان یاد کرده است. قالی کرمان از همان ابتداء شهرت مهمی دارا بود و در خارج خریداران زیادی داشته و حتی در زمان اکبر شاه به هندوستان صادر می‌شده است.

پس از سقوط سلسله صفویان، کرمان دچار آشوب و فتنه شد و این شورش تا استقرار کامل قاجاریان ادامه داشت.

در اواخر سده نوزدهم صنعت قالیبافی کرمان رونق گرفت چنانکه در حوالی ۱۹۰۰ میلادی در خود کرمان حدود هزار و در راور یکصد دستگاه قالیبافی وجود داشت. از جمله قالیهای جالب آن زمان قالی‌بی بود که از روی تابلوی جشن روستایی اثر واتو نقاش فرانسوی سده هیجدهم در کارگاه ملی هنری بافته شد. این قالی بعدها از طرف سرچارلز مارلینگ سفیر انگلستان در ایران خریداری و به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن اهداء گردید.

در کرمان هم، بازرگانان تبریزی پیشقدم کار صدور قالی بودند، تجار فرش تبریز، قالی کرمان را از طریق تبریز و اسلامبول به اروپا صادر می‌کردند.

در آستانه جنگ ۱۹۱۴ در کرمان و روستاهای کرمان ۳۵۰۰ دستگاه قالیبافی به کار مشغول بود ولی جنگ باعث شد بحران عجیبی صنعت قالی‌بافی را فراگیرد ولی بعد از جنگ خریداران آمریکایی به کرمان روی آوردند و حتی به تأسیس شعبی در این شهر اقدام کردند. در فاصله سالهای ۱۳۰۱ - ۱۳۰۸ میزان تولید و مرغوبیت

قالی کرمان فزونی گرفت و به بالاترین حد صادراتی خود رسید و شماره دستگاهها در سراسر خاک کرمان به ۵ هزار بالغ شد.

شکست آلمان و متحدانش باعث شد بازار صدور فرش کرمان را کد شود و عملاً بازرگانان تبریزی کنار رفتند. در سال ۱۳۱۵ شماره دستگاههایی که در سراسر کرمان در کار بود به ۴ هزار بالغ می‌شد، در سال ۱۳۲۶ نیز شماره دستگاههای قالی بافی استان کرمان در همین حدود بود.

جنگ دوم جهانی به صنعت قالیبافی لطمه چندانی نزد زیرا امریکا تا هنگام حمله ژاپن به پرل هاربر **Perl Harbour** همچنان خریدار اصلی قالی کرمان بود. در همین دوره بود که مردم ایران به خرید قالی تمایل زیادی نشان دادند و بازار داخلی هم رونق گرفت. قالی‌هایی که در آن زمان عرضه می‌شد اغلب نقش ترنج لچک در متن لاک‌ی یک دست بود.

پس از جنگ سفارش‌های قالی باردیگر از خارج به بازار ایران رسید. و فرش‌بافان کرمان از کارهای فرانسوی از جمله اوبوسون **Aubusson** و ساوونی-سر **Savonniere** تقلید کردند.

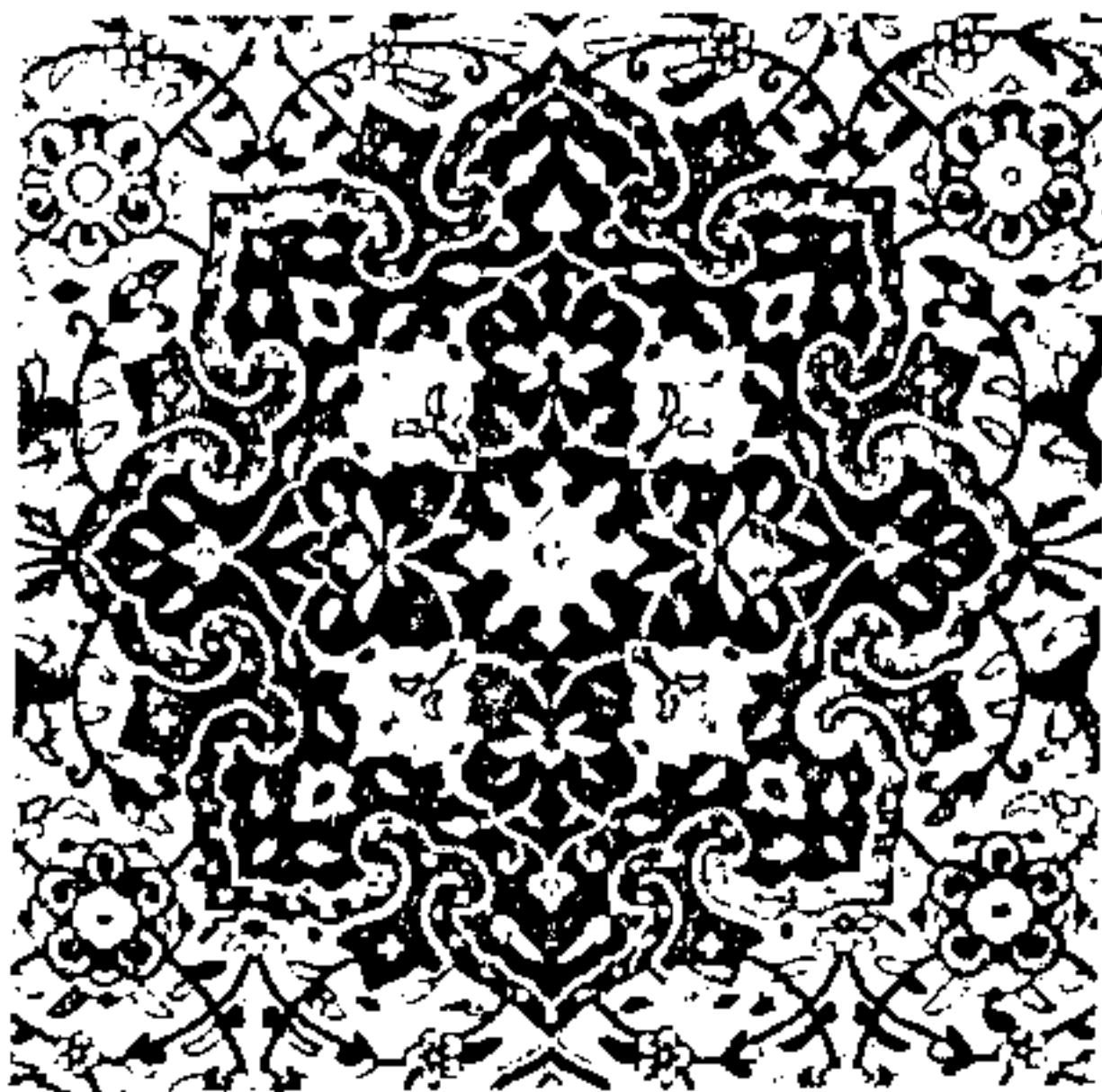
قالی کاشان همیشه رقیب قالی کرمان بوده منتها در قالی کرمان ظرافتی در نقشه‌ها و مواد اولیه بکار برده می‌شد که آن را از قالی کاشان ممتاز می‌کرد. قالی کاشان ریز باف بود ولی نقشه‌های قالی کرمان همیشه تنوع و تازگی در نقش و رنگ داشت.

پشم گوسفندان کرمان از نوع پشم‌های خراسان می‌باشد، شهرهای مهم قالیبافی کرمان عبارت است از: بم، رودبار، رفسنجان، جیرفت، شهر و اطراف کرمان. در کرمان از پشم بهاره و پاییزه برای قالی بافی استفاده می‌شود.

در کرمان گره فارسی‌باف رواج دارد و دستگاه قالیبافی آنجا، از نوعی است که در آن تیرهای بالا و پایین هردو گردان است و قالی بافته شده دور تیر پایین پیچیده می‌شود. با این نوع دستگاه می‌توان قالی‌های را با اندازه‌های بسیار متنوع بافت.

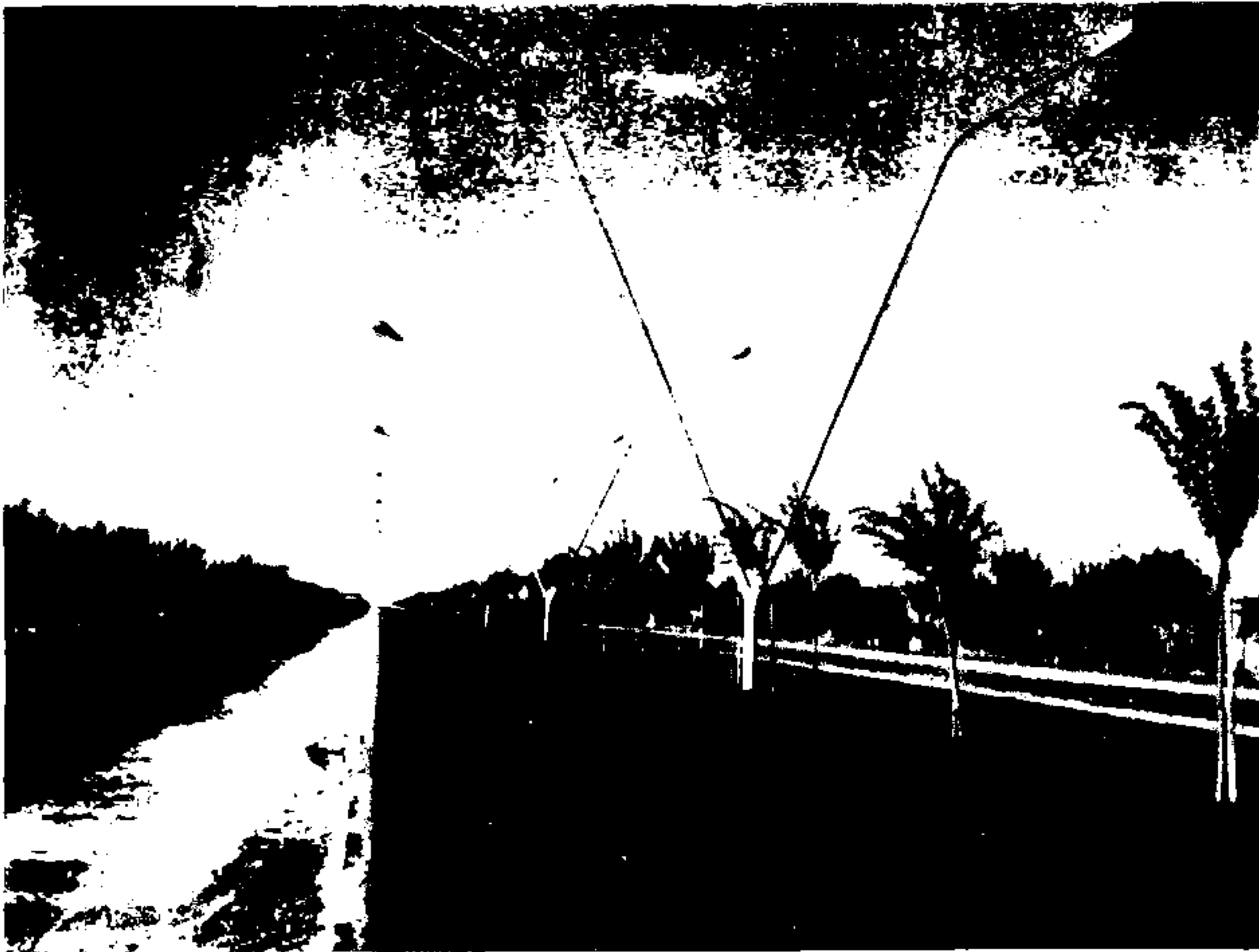
در قالی کرمان پس از هر رج، به جای یک یا دو پود، سه پود گذرانیده می‌شود، پود اول و سوم از نخ باریکتر از تار قالی است اما پود دوم بسیار نازک است.

اغلب خانه‌های کرمان دستگاه قالی دارند و تنها به سفارش بازرگانان قالی‌های مورد علاقه آنها را که بیشتر صادراتی است می‌بافند، شهرت قالی کرمان در دنیا بیشتر بخاطر رنگ آمیزی جالب آن است و گرنه از لحاظ بافت زیاد قابل توجه نیست. از قالیبافان معروف کرمان می‌توان به: محسن‌خان و پسرش، حسن‌خان و نوهایش، هاشم‌خان، احمدخان و احمدعلی‌خان و شیخ حسین و عزیرالله و علیرضا و علی‌محمد



کاشی اشاره کرد که اغلب آنها در گذشته‌اند و جای خود را به قالیبافان جوان داده‌اند. هفتاد سال پیش، قالیبافان کرمان از نقش‌های شالبافی برای بافت قالی استفاده می‌کردند و نقش‌های بته، بته جقه، باشاخ و برگ، گل‌های ریز و درشت، پرندگان، باغهای پردرخت، جانوران طرفداران زیادی داشت ولی پس از جنگ اول جهانی، امریکا خواستار قالیهای کلفت‌تری شد، قالیبافان نیز مطابق میل آنها به بافت قالی‌های زمخت اقدام کردند و نقش‌های دوره صفویه مانند لچک ترنج، نقش اسلیمی و ترنج‌های کوچک و مکرر، شکارگاه و نقش‌های لوزی و چهارخانه با گل و بته خریداران فراوانی یافت.

بعد از سال ۱۳۱۵ طراحان نقش قالی کرمان، از بافتن حاشیه صرف‌نظر کردند و نقش‌های حاشیه قالی را بدرون متن آوردند، در این زمان بود که نقش‌های فرانسوی هم به قالی کرمان تحمیل شد ولی بتدریج قالی کرمان با همان نقش‌های ویژه خود پخته شد.



بلوار کرمان

منابع و مآخذ :

- ۱- تاریخ کرمان (سالاریه) تألیف احمدعلی خان وزیری باهتمام دکتر ابراهیم باستانی پاریزی چاپ دوم - سال ۱۳۵۲
- ۲- رادیو ایران - نشریه ماهانه از سال ۴۱ تا سال ۴۴ از شماره ۷۵ تا ۱۱۴ .
- ۳- تاریخ ادبیات ایران - دکتر رضازاده شفق چاپ ۱۳۳۸
- ۴- قالی ایران - تألیف م. الف به‌آذین - آبانماه ۱۳۴۴ - کتاب جوانان .
- ۵- تماشا (نشریه هفتگی) شماره‌های ۸۵-۸۷
- ۶- برهان قاطع - محمدحسین بن خلف تبریزی باهتمام شادروان دکتر محمد معین - جلد سوم - سال ۱۳۳۰ شمسی.
- ۷- آرشیو سازمان شهرستانهای مؤسسه اطلاعات
- ۸- منابع آماری وزارت کشور و ثبت احوال کل کشور.
- ۹- راهنمای شهرستانهای ایران - نشریه سازمان فار - تهران اسفندماه ۱۳۴۶
- ۱۰- آموزش و پرورش در ایران باستان - علیرضا حکمت - ۱۳۵۰
- ۱۱- تاریخ ایران - حداد و حکیم الهی و دیگران چاپ سوم سال ۱۳۴۲
- ۱۲- الفرق بین الفرق در تاریخ مذهب اسلام - ابومنصور عبدالقاهر بغدادی - باهتمام محمدجواد مشکور - چاپ دوم - سال ۱۳۴۴ .
- ۱۳- تاریخ مفلول - عباس اقبال آشتیانی - جلد ۱ - چاپ سوم ۱۳۴۲ .
- ۱۴- نشریه آمار ایران - آبانماه ۱۳۴۵
- ۱۵- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران - نشریه سازمان حفاظت آثار باستانی ایران سال ۱۳۴۵ .
- ۱۶- تاریخ علوم و ادبیات ایران - ذبیح‌الله صفا - چاپ اول - ۱۳۴۷ .
- ۱۷- تلاش - شماره‌های ۸ - ۱۸ - ۲۳ - ۲۵ - ۴۰ .

رنگری در کرمان بارنگهای ایرانی انجام می‌گیرد و همین امر باعث مرغوبیت قالی کرمان است يك قالی کرمان حدود ۱۵ رنگ لااقل بکار می‌رود و رنگهای قالی کرمان از این مواد ساخته می‌شود: نیل، قرمزدانه، روناس، پوست گردو، اسپرک، پوست انار، برگ‌مو، کاه و حنا و با ترکیب این مواد رنگهای گوناگونی بدست می‌آید.

از چند سال پیش در کرمان قالیبافان از گره‌های جفتی برای بافت قالی استفاده می‌کنند و براساس گفته کارشناسان قالی، گره جفتی مسأله‌ی است که همواره مرغوبیت و شهرت قالی کرمان را مورد تهدید قرار می‌دهد.

خواجوی کرمانی

● کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی کرمانی متخلص بخواجو از شاعران بزرگ مثنوی سرای ایران است که در ۶۷۹ در کرمان متولد شد. او از علاءالدین سمنانی عارف بزرگ کسب فیض کرد و به‌درجه کمال رسید. وی در شیراز باحافظ معاشرت داشت. و حافظ در مدح او گوید:

شعر از حافظ است

استاد غزل سعدی است پیش همه‌کس اما دارد سخن حافظ طرز سخن خواجه

پیرو مقالاتی که در شماره‌های قبل راجع به
مارکسیم و مسایل مربوط درج شده بود اینک
استالینسم و خروشچنسم مورد بحث قرار می‌گیرد.

مقاله چهارم
استالینسم

در دوران لنین وجود يك سلسله اجبارها، روی کار آمدن شخصیتی خشن و بی گذشت همچون استالین را می طلبید. و باز همین اجبارها شخصیت قوی تر و مؤمن تر همانند تروتسکی را عقب می راند. سر انجام این اجبارها، علیرغم میل و وصیت لنین، استالین را با همه اوصافی که از نظر بنیانگذار شوروی مذموم می نمود براریکه قدرت نشانید.

اشتباه است اگر تصور رود که تاریخ در انتخاب شخصیتها همیشه مسأله حقانیت و عدم حقانیت آنانرا ملاک گزینش خود قرار می دهد، تجربه و واقعیت بما می گوید: ملاک انتخاب تاریخ، همیشه حقانیت و عدالت نیست. در نهضت بلشویکی پس از لنین، استالین نماینده ضرورت، و تروتسکی نماینده حقانیت بود. مراد از حقانیت، سنجش دو بلشویک، فقط در چهارچوب اصول بلشویکی، و یا آیین و معیارهای بلشویکی است. ظاهراً معیارهای اصیل انقلابی، حق را بجانب تروتسکی می داد. و واقعیتها، اعم از زشت و زیبا، استالین را بسوی خود می کشید، تروتسکی سخت بهدفعهای انقلاب بلشویکی چسبیده بود، و از تنوره ایمان انقلابی او و یارانش آتش صدق زبانه می کشید. اما شخصیتی با چنان اوصاف، با آنهمه شور و شوق انقلابی، و آنهمه وسواس برای رعایت همه سنتهای مفروض در عالم ثوری، به کار ضرورتهای جدید نمی آمد.

ضرورتهای جدید، از همه موجباتی که حفظ و موجودیت دولت انقلابی جدید التأسیس را ایجاب می کرد، بوجود می آمدند. چنانکه گفتیم، انقلاب شوروی را نیروهای اجتماعی مقاوم داخلی و قدرتهای مخالف خارجی بسختی تهدید می کردند. از طرفی هر چند در جبهه ناهم آهنگ و آشفته خارجی، تضاد منافع دول سرمایه داری و رقابت قدرتهای متخاصم وقت بقای دولت انقلابی را تسهیل می کردند، اما از آن طرف گمان نمی رفت يك حکومت سوسیالیست، برای دنیای مخالف آنروز تحمل پذیر باشد. در داخل، قسمت اعظم عوامل پیروز انقلاب که قدرت را بدست گرفته بودند، اینک رفته رفته محافظه کار می شدند و حفظ قدرت و منافع جدید، بصورت هدف اساسی و فوری آنان در می آمد. در این بحبوحه، سوسیالیسم می بایست در جامعه ای استقرار داده شود که شرایط عینی آن، بهیچوجه برای پذیرفتن چنان نظامی آماده نبود.

ظاهراً چیزی جز خشونت، اعمال زور، فشارهای پلیسی و حتی کشتار، نمی توانست دولتی را که موجودیتش از هر طرف مورد تهدید و مخاطره بود، بر آن همه مشکلات پیچیده و عناصر مخالف غالب سازد. پس در ظاهر ضرورتها خشونت را الزامی می نمود و استالین جواب بوروکراتیک نه ایدئولوژیک باین ضرورتها بود. خوشبختی استالین در این

بود که لنین با فرمول دیکتاتوری پرولتاریا، راه را بروی او گشوده بود.

۱- استالین و کسب قدرت

استالین، هنگامی که لنین و تروتسکی شهرت عالمگیری داشتند، فرد کمنا می بیش نبود. ولی وقتی مرد، در جهان مارکسیستی بصورت بت درآمده بود؛ که سرانجام بت شکنی خروشچف او را از آسمان به زمین فرو آورد.

استالین نیز کوشید که مارکسیسم را در شرایط جدید توضیح بدهد، اما دانش مارکسیستی او در سطح پایین تری قرار داشت، معروف است که مارکسیسم در عصر مارکس، در سطح عالی و آکادمیک بود، لنین آنرا تا سطح میانه و استالین آن را تا سطح ابتدایی تنزل دادند.

اولین نوشته سیاسی استالین، در سپتامبر ۱۹۰۱ در روزنامه نهانی «روزول» (۱) بچاپ رسید که حاکی از جهت یابی و هدف این روزنامه بود. در مقالات بعدی به «مسأله ملی» توجه زیادی از خود نشان داد. در سال ۱۹۰۴ مقاله ای درباره مسأله ملی بچاپ رساند، و در آن موقعیت گیری سوسیال دموکراتهای روسی را درباره چنین مسأله ای انتقاد می کرد.

استالین برای نخستین بار لنین را در سال ۱۹۰۵ در کنفرانس بلشویکها، ملاقات کرد و اولین دیدار او با تروتسکی در سال ۱۹۰۷ روی داد.

در فاصله سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۷، بر اثر فعالیت های انقلابی، بدفعات زندانی شد. در این دوره، از لحاظ اندیشه های اجتماعی نوشته های او عمیق نبود، بلکه جنبه تبلیغاتی داشت. مع الوصف در سال ۱۹۱۳ نشریه «مارکسیسم و مسأله ملی» را برشته تحریر درآورد و مسأله ملیت، و مسائل مربوط بجنبشهای ملی و راه حل های آنها را (استقلال داخلی، فدراسیون یا جدایی) تجزیه و تحلیل کرد.

در سال ۱۹۱۷، استالین بعضویت کمیته اجراییه حزب کمونیست درآمد.

در سالهای اول بعد از انقلاب، نوشته های استالین بیشتر بمسأله ملیت مربوط بود. از آن جمله است: «سازمان جمهوری فدراتیو روسیه» (۱۹۱۸)، وظایف فوری حزب درباره مسأله ملیت، مسأله اتحاد جمهوریهای ملی مستقل (۱۹۲۲)، ایده های اساسی این مقالات عبارت از این بود که باید يك دولت فدرال «شوروی» بین جمهوری های مختلف (روسیه اوکراین و غیره) بر اساس اصل تساوی حقوق هر يك از این ملل و حق خروج آزادانه آنان از این اتحاد، تشکیل شود. نتیجه همین افکار و اقدامات بود که در سال ۱۹۲۲ بتشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی منجر گردید و استالین بعضویت هیأت رئیسه آن انتخاب شد.

در سوم آوریل ۱۹۲۲، استالین بسمت دبیر کل حزب انتخاب گردید و تا سال ۱۹۵۳ که وفات یافت، دیگر هیچ کس و هیچ قدرتی نتوانست او را از این سمت عزل کند. با آنکه انتخاب استالین بدبیرکلی حزب، بنابر توصیه لنین انجام گرفت، مع هذا خیلی زود طرز عمل استالین در این سمت لنین را اندیشناك ساخت. بویژه آنکه لنین، از امکان همزیستی رهبران حزب در کمیته مرکزی آن، بویژه تروتسکی و استالین بیمناک شد.

۲- استالین و وصیت لنین

در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۲، لنین در نامه ای اظهار نظر کرد که برخورد بین استالین و تروتسکی، ممکن است بتجزیه حزب منجر گردد. لنین برای جلوگیری از اشعاب در داخل حزب، پیشنهاد کرد که تعداد اعضای کمیته مرکزی به ۵۰ تا ۱۰۰ نفر افزایش یابد. لنین در این نامه خاطر نشان ساخت: «رفیق استالین، در سمت دبیر کل حزب، قدرت شخصی بی حد و حصری را در دست خود متمرکز کرده است. من مطمئن نیستم که او همواره بتواند با سنجیدگی و حزم، از این قدرت استفاده کند.»

در ۴ ژانویه ۱۹۲۳ لنین مجدداً درباره استالین نوشت: «استالین سخت خشن و بیرحم است، و این نقص او که در محیط ما، در روابط ما کمونیست ها، می تواند قابل تحمل باشد با وظیفه دبیرکلی او متناسب نیست. بنابراین، من برفقا پیشنهاد می کنم که ترتیبی بدهند استالین از سمت دبیرکلی معزول و شخص دیگری بجای او تعیین گردد. که فرق مشخصه او نسبت به استالین بردباری، ادب و احترام برفقا باشد، اصول و قوانین را مراعات کند و همچنین، کمتر هوسباز باشد.»

لنین در نوشته دیگری، و در جبهه دیگری، باز استالین را در خصوص مسأله ملیت سخت انتقاد کرد و او را «مسؤول سیاسی تبلیغات افراطی ناسیونالیستی» خواند. بگواهی تاریخ، لنین در این ادراک خود محق بود، زیرا ناسیونالیسم روسیه بزرگ، محور عمل استالین، در تمامی دوران حکومت او گردید.

با مرگ لنین در ۲۶ ژانویه ۱۹۲۴ استالین حملات خود را به مخالفانش، طبق يك نقشه و شیوه مرحله ای آغاز کرد. استالین از کنگره هشتم حزب خواست افرادی که بکار فراكسیون بازی در داخل حزب پرداخته اند، از حزب اخراج شوند (منظور مخالفان استالین بود). در این زمان تنها یکنفر در داخل حزب با صراحت، و روش مقاومت و مخالفت، در مقابل استالین قد علم کرد و او، نادیا کروپسکایا (۲) بیوه لنین بود. وی در مه ۱۹۲۴ در جلسه کمیته مرکزی، علیه سکوت حزب نسبت بوصیتنامه

این دوره، قدرت سیاسی، نمایندگی منافع طبقاتی پرولتاریای فاقد ثروت، در دست حزب کمونیست قرار گرفت، ولی حزب بمنظور حیای اقتصادی، امتیازهایی به نفع مؤسست خصوصی قائل شد و این بدان معنی بود که دهقانان که تقریباً سه چهارم یا اکثریت عظیم جمعیت روسیه را تشکیل می دادند، در یک سیستم مالکیت خصوصی کشور در مالکیت وسائل تولید همچنان دارای سهمی خواهند بود.

کشوری که روسیه نام داشت اکنون به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تغییر نام داده بود. این امر مسلماً با ایجاد یک اجتماع هم آهنگ مغایرت داشت، اما در عین حال از موازنه موجود میان نیروهای اجتماعی واقعی بشمار می رفت. و این موازنه پس از هرج و مرج های شدید دوره جنگ داخلی، دست کم یک ثبات نسبی بوجود آورد.

بطور کلی سیاست جدید از لحاظ دهقانان رضایت بخش بود، زیرا در نتیجه مصادره اموال، دهقانان صاحب زمینهایی بیش از دوره جنگ شدند، و اکنون بیش از گذشته منافعی بدست می آوردند. این سیاست از طرف جناح راست حزب کمونیست بعنوان راه حل رضایت بخشی پذیرفته شد، و با آنکه مستلزم عقب نشینی از سوسیالیسم کامل بود، ولی راه را برای پیشرفت تدریجی بسوی هدف سوسیالیستی هموار می کرد. بنظر بوخارین (۶) برجسته ترین تئورسین سیاست جدید اقتصادی، خوشبختی و رفاه دهقانان کشاورز، نه تنها موجب عرضه مواد غذایی بیشتری بشهر می شود، و مواد خام افزونتری مانند پنبه، پشم و چرم برای صنایع فراهم می سازد بلکه از راه مالیات، منبع کسب پول بیشتری برای توسعه صنایع می گردد و قدرت خرید دهقانی، خود بازاری برای کالاهای صنعتی ایجاد می کند، بنابراین صنعت رو بر شد خواهد نهاد و بموازات آن شماره کارگران صنعتی افزایش خواهد یافت. در این ضمن، می توان دهقانان را تعلیم داد تا بمنافع کشاورزی اشتراکی و مکانیزاسیون پی ببرند، وقتی ماشین آلات کافی فراهم شد؛ این امر بتدریج و براحتی منجر بسوسیالیسم خواهد شد. مایه اصلی این تئوری رسیدن تدریجی به سوسیالیسم است و از اینرو برطبق آن حاجتی نیست که با یک اقدام ناگهانی، سیاست N.E.P را پایان رساند. این سیاست سرانجام خود بخود از میان خواهد رفت، همچنانکه در مذهب مارکسیستی، دولت سرانجام باین سرنوشت دچار خواهد شد.

با اینحال دو مشکل مغایر، بر سر راه تحقق سیاست مذکور قرار داشت: نخست آنکه، این سیاست موجب بروز رنجش در میان کمونیستها گردید، که از نظر آنها

کنگره حزب کمونیست شرکت کرده بودند، ۱۱۰۸ نفر «تصفیه» شدند و از ۱۸۹ عضو اصلی و علی البدل کمیته مرکزی، ۹۸ نفر یعنی ۷۰ درصد آنها معدوم گردیدند. بعد از قتل کروپ، مرحله یی شروع شد که اعلام افکار استالین بعنوان اندیشه ملی شوروی شاخص آنست. این افکار بر علوم، هنر، فلسفه، تکنولوژی و اقتصاد شوروی حاکم و راهنما شد.

۳- استالین و انقلاب از بالا

در سامبر ۱۹۲۵، وقتی حزب کمونیست شوروی چهاردهمین کنگره خود را تشکیل داد، هر ناظر سیاسی و کاردان و دانا، می توانست نتیجه بگیرد که هم در روسیه و هم در اروپا، دوران آشوب و اضطراب متعاقب جنگ اول جهانی و انقلاب روسیه سررسیده و عصر تازه یی از ثبات پدید آمده است. از آن پس میان رژیم شوروی و غرب کاپیتالیست، حالتی بوجود آمد که بعدها «همزیستی مسالمت آمیز» نام گرفت. هر یک از دو طرف، هر چند از روی اکراه، موجودیت سیاسی طرف دیگر را که باین زودی ها از میان رفتنی نبود پذیرفت.

بلشویکها برعامل ضد انقلابی، یعنی روسهای سفید و مداخله خارجی که بقصد یاری آنان انجام گرفته بود، پیروز شدند. اما از طرف دیگر در کوشش خود برای مطیع ساختن لهستان در ۱۹۲۰ با شکست روبرو شدند. و پس از شکست قیام ناکام آلمان در ۱۹۲۳، از اندیشه اینکه انقلاب در داخل کشورهای اروپایی کمین کرده است، بیرون آمدند.

در کشورهای سرمایه داری مغرب زمین، دوره ملالت بار پس از جنگ سرآمد و تولید و تجارت احیاء شد. حتی در آلمان نیز پس از بروز تورم پولی عظیم، رشد اقتصادی تازه یی بوجود آمد. غرب باین نتیجه رسید که سیستم شوروی در داخل مرزهای روسیه کاملاً استحکام یافته است. از طرف دیگر غریبهها بر تمامی بدهیهای دولت تزاری و سرمایه هایی که پیش از جنگ درامپراتوری روسیه بکار انداخته بودند، قلم قرمز کشیدند و همه آنها را از دست رفته دانستند.

در داخل روسیه چنین می نمود که طوفان بزرگ انقلاب فرونشسته است و آرامش جدید مدتهای مدیدی بطول خواهد انجامید. در نتیجه اجرای سیاست جدید اقتصادی N.E.P در سال ۱۹۲۱، روسیه اکنون دارای اقتصاد مختلطی شده بود. بانکها و صنایع سنگین بتصاحب دولت در آمده بودند، اما صنایع سبک و کوچک مجدداً بدست سرمایه دارها افتاده بودند.

کشاورزی بوسیله دهقانان خرده مالک انجام می گرفت که مالیات غله بدولت می پرداختند، ولی می توانستند که محصولات خود را در بازار آزاد بفروش برسانند. در

لنین برخاست، اما کمیته مرکزی با اکثریت ۴۰ رأی در برابر ۱۰ رأی تصمیم گرفت که از چاپ وصیتنامه لنین خودداری شود. پس از مرگ لنین، هفت تن از شخصیت های بزرگ، در رأس حزب قرار داشتند که عبارت بودند از استالین، کامنوف (۳) زینویوف (۴)، بوخارین، ریکوف، تومسکی (۵) و تروتسکی. اما استالین بزودی موفق شد شش شخصیت دیگر را از قدرت ساقط کند.

در سال ۱۹۲۶، استالین کتاب: «مسائل لنینیسم» را منتشر ساخت. در این کتاب استالین، لنینیسم را اینطور تعریف می کند: «لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریایی و توسعه و تکامل مارکسیسم بشمار می رود». در این کتاب او، ضمن تشریح مشخصات انقلاب پرولتاریایی و دیکتاتوری پرولتاریا، بدفاع از نظریه و استقرار بنای سوسیالیسم در یک کشور پرداخت و به تر «تئوری انقلاب دائمی» تروتسکی سخت حمله کرد:

بعد از پیروزی سیاسی، حل مسائل اقتصادی مهمترین هدف استالین شد. در فوریه ۱۹۳۱ گفت:

«ما پنجاه سال یا صد سال از کشورهای پیشرفته عقب مانده ایم، باید این فاصله را در ظرف ده سال طی کنیم، و اگر در این کار موفق نشویم، مضمحل خواهیم شد.»

از اوایل سال ۱۹۳۰، استالین سیاست اشتراکی کردن اجباری مزارع را آغاز کرد، میلیونها کشاورز شوروی (کولاکها) را به سبیری تبعید ساخت. میلیونها دهقان علیه این سیاست دست بشورهای دامنه داری زدند، اما این شورشها به وسیله نیروهای مسلح بسختی سرکوب شدند که در بخش دیگر بتفصیل از آن سخن خواهیم گفت:

فاصله سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۳۹، مرحله انجام تصفیه های خونینی است که منجر بانهدام و اعدام تقریباً تمامی رهبران قدیم حزب و کادرهای انقلابی بلشویک شد. حتی زنان آنان نیز از خشونت و بیرحمی درامان نماندند. تا بدانجا که زن خود استالین (زن دوم او) از بیرحمی و خشونت شوهرش بتناک آمد، در سال ۱۹۲۶ از کاخ کرملین فرار کرد و در سال ۱۹۳۲ دست بخودکشی زد. در اول دسامبر ۱۹۳۴ «کروپ»

تردیکترین دوست استالین، و محبوب ترین رهبر شوروی ترور شد و همه کسانی که به عنوان شاهد قتل، اطلاعاتی در این باره داشتند، تیرباران شدند. قتل وی مقدمه تصفیه خونین مجددی شد که مدت پنج سال به طول انجامید و چندین میلیون نفر در این تصفیه خونین بمرگ و تبعید محکوم گشتند. تصفیه ترسناک این دوره، تنها جنبه حزبی نداشت، بلکه بیشتر شامل رهبران حزب، کادرها و عناصر انقلابی شد. از مجموع ۱۹۶۶ نماینده که در سال ۱۹۳۴ در

چیزی جز شکست خفت آوری نبود و از اینرو می‌بایست هرچه زودتر جبران شود. برای اعضای حزب، که ایمان داشتند نجات بشریت در روی زمین فقط به سوسیالیسم بستگی دارد، هرگونه احیاء سرمایه‌داری، تحت نام‌ظاهری دیکتاتوری پرولتاریا، تخلف وعدول از آن بشمار می‌رفت. واندیشه ایجاد اوضاعی که در آینده تامت نامعینی دوام داشته باشد غیرقابل تحمل می‌نمود. دراینجا حیثیت بزرگ لنین بکمال آمد و افراد ناراضی را بضرورت N.E.P بعنوان يك تدبیر موقت متقاعد ساخت. و مخصوصاً بر موقت بودن آن تکیه شد. اینهم باید گفته شود که با آنکه دهقانان، اکثریت جمعیت روسیه را تشکیل می‌دادند، و دولت شوروی همانطور که نماینده کارگران بود، نماینده دهقانان نیز بشمار می‌آمد، (چنانکه علامت داس وچکش مظهر آنست)، مع هذا عضویت در حزب کمونیست تقریباً بطبقه متوسط شهری یا افرادی از ریشه طبقه کارگر منحصر می‌شد. کالینین (۷) تنها بلشویک مهم بود که اصل و نسب دهقانی داشت. و او بعنوان يك جاندار وحشی تلقی می‌شد که تنها بدرد این می‌خورد که حزب را سخنگوی دهقانان نیز نشان بدهد. روش عادی کمونیستها نسبت به دهقانان در اصل چیزی جز تنفر و تحقیر آنان نبود. درست همچنانکه مارکس در مقابل باصطلاح خود «بلاهی روستایی» ناپردبار بود. مارکسیستهای روسی افتخار می‌کردند که خود را از قید عواطف کور کورانه نارودنیکها (۸) و تمایل طبیعی آنان به سوسیالیسم رها ساخته‌اند. آنها می‌دانستند تمایل طبیعی دهقانان، دلستگی به سوسیالیسم نبود، بلکه تصاحب يك جریب زمین بیشتر برای خودشان بود. چنین‌بنداری تفاهم دلسوزانه‌یی را برای درك دهقانان و مسائل آنها افزایش نمی‌داد، بلکه موجب می‌شد که دهقانان همانند يك طبقه دشمن بشمار آیند. بنابراین تنها راه‌حل این بود که دهقانان از ثروت خود محروم گردند، همچنانکه مالکان اراضی و سرمایه‌داران بزرگ قبلاً از دارایی خود محروم گشته بودند.

مانع بزرگ دیگری نیز بر سر راه موفقیت سیاست جدید اقتصادی N.E.P قرار داشت:

مبنای سیاست اقتصادی براین امید استوار بود که کشاورزی و صنعت برحسب عمل «عرضه و تقاضا» در بازار آزاد احیاء خواهد شد. اما این سیستم در صورتی می‌توانست عمل کند که احیای اقتصادی کم و بیش متناسب با هردوسوی معادله صورت بگیرد، اما این شرط بوجود نیامد. کشاورزی وقتی احیاء گردید که: مصادره و اخذ الزامی تولیدات کشاورزی از طرف دولت ملغی شد و دهقانان اجازه یافتند تولیدات خود را در بازار آزاد بفروشند. دهقان

توانست با کار و زحمت بیشتری روی مزرعه خود، میزان تولید را بالا ببرد، اما صنعت برای احیای خود نیازمند سرمایه بود، ولی سرمایه کافی بدست نیامد. صنایع بخش دولتی پرخرج و فاقد قابلیت بازدهی بودند. و در عین حال بخش خصوصی که طبق سیاست جدید اقتصادی بوجود آمده بود، انتظارات را برنیآورد زیرا طبقه شهری جدیدی مرکب از تاجران و صاحبان مشاغل خصوصی که اکنون از طرف حکمرانان دولتی پرولتاریا تحمل می‌شدند، احساس می‌کردند که برای آینده خود امنیت ندارند و از اینرو مایل سرمایه گذاری نشدند و مبالغی که در بنگاه‌های مختلف، سرمایه گذاری کرده بودند، حاصل سریعی بار نیآورد. از اینرو صنعت از همگامی با کشاورزی بازماند، و قیمت تولیدات کشاورزی بعلت فراوانی آنها کاهش یافت، در حالیکه کمیابی کالاهای صنعتی باعث افزایش بهای آن گردید. بزودی دهقانان در برابر این وضع واکنش نشان دادند، و از عرضه خواروبار پیازار خودداری کردند و یا از میزان تولید کاستند. در نتیجه، در پایان سال ۱۹۲۷ میزان مواد غذایی که شهرها وارد می‌شد، رو بکاهش نهاد؛ دهقانان، و دست کم دهقانان ثروتمند که «کولاک» (۹) نام یافتند، در مطبوعات کمونیستی متهم شدند که در مقابل شهرها گروکشی می‌کنند. اما هرگاه قرار بود که اقتصاد بازار حاکم باشد، بیهوده بود و انتظار داشت که دهقانان تغذیه شهرها را محض رعایت حال شهرنشینان تأمین کنند. بر طبق راه‌حلی براساس N.E.P می‌بایست بتولید کالاهای مورد نیاز دهقانان بالاترین تقدم را قائل شوند تا باین وسیله محرکهای آنان در تولید برای فروش افزایش یابد. اما راه‌حل دیگری نیز بمیان آمد که برای بسیاری از کمونیستها گیرایی بیشتری داشت. و آن چنین بود: دهقانان را اجباراً وارد مزارع اشتراکی سازند، و در آنجا کار آنها تحت کنترل دولت درآید. و در آن صورت دیگر برای دهقانان امکان نخواهد داشت که تولید خود را کاهش دهند یا آنکه از تحویل محصول خویش امتناع کنند. چنین سیاستی دارای این مزیت خواهد بود که بخش دهقانی اقتصاد تحت کنترل درآید و ضمناً دولت بتواند ارزش اضافی کار دهقانان را بدست آورد و آنرا صرف نیازهای مالی صنعتی سازد. تا باین ترتیب صنایع بجای آنکه طبق سیاست اقتصادی N.E.P بکندی توسعه یابند، با سرعت بیشتری گسترش پیدا کنند. اینکه به رغم عواملی که حمله بر مالکیت دهقانی را ایجاب می‌کرد اجرای N.E.P، تامت هفت سال پس از اتخاذ آن در ۱۹۲۱ همچنان بدون تغییر ادامه یافت، بیشتر به روابط نیروهای سیاسی که در شخصیت‌های حزب کمونیست تجسم یافته بودند، وابستگی داشت. لنین بهنگام آخرین بیماریش درباره

رهبری حزب پس از مرگ خود دچار نگرانی شده بود. و از اینرو عقاید خود را درباره خصایص همکاران اصلی خویش ضمن یادداشتی ابراز داشت، تا راهنمای کمیته مرکزی یا کنگره بعدی حزب — هر موقع که تشکیل شود — قرار گیرد. او درباره شش تن که آنها را بعد از خودش برجسته ترین افراد حزب می‌شمرد، اظهار نظر کرد. این شش نفر عبارت بودند از: تروتسکی، استالین، زینوف، کامنوف، بوخارین و پیاتاکوف. او درباره خصومت شخصی شدیدی که بین تروتسکی و استالین دامن گرفته بود، هشدار داد، و چنانکه قبلاً گذشت اظهار نظر کرد استالین در سمت دبیر کل حزب قدرت شخصی بی‌حد و حصری را بکار می‌برد، بعلاوه خشن و بیرحم است، و در مورد تروتسکی چنین نوشت:

«... بنظر من تروتسکی در کمیته مرکزی کنونی، تواناترین شخصیت است. اما او نیز دارای اعتماد بنفس شدید و استثنایی است. بعلاوه بجنبه اداری امور توجه خاصی مبذول می‌کند. این خصوصیات دوتن از برجسته ترین رهبران کمیته مرکزی کنونی ممکن است بدون تعمدی بیک شکاف منجر شود، و چنانچه حزب ما اقداماتی برای جلوگیری از آن بعمل نیآورد، ممکن است شکاف بطور غیر منتظره‌یی عمیق تر گردد.» (۱۰)

لنین در یادداشتی که در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۳ نوشت، کوشید موازنه بین استالین و تروتسکی را تا آنجا که می‌تواند حفظ کند. اما در یادداشت دیگری که در ۴ ژانویه ۱۹۲۴، یعنی درست دوهفته پیش از مرگش نوشت، توصیه کرد استالین از مقام دبیر کلی حزب برکنار شود، که شرح آن گذشت. استالین در این سمت بود که قدرت بسزایی کسب کرده بود، ولی در ابتدا این سمت بمعنی رهبر حزب نبود، بلکه از هنگام کسب قدرت دولتی، عاملی در اختیار تشکیلات حزب بشمار می‌رفت. اما آنچه همه رهبران حزب متفق القول بودند این بود که کسب قدرت دولت، ماهیت حزب را بعنوان يك سازمان سیاسی بطور اساسی تغییر داد. این سازمان بجای اینکه مرکب از گروه کوچکی از انقلابیان فداکار باشد که فعالیت زیرزمینی داشته باشند، یا در تبعیدگاه بسر ببرند، بصورت قدرتی درآمد که دولت را در کنترل خود داشت و بتبع آن، بخشی بزرگی از زندگی اقتصادی یکی از پرجمعیت ترین کشورهای جهان را در اختیار خود گرفت. و از آنجا که هیچ حزب دیگری وجود نداشت این تنها حزب موسوم به «پیشاهنگ طبقه کارگر» را از اینکه قدرت پایین بکشد، کنترل دولت و زندگی اقتصادی وظیفه دائمی آن درآمد. حزب نه تنها وظیفه موقوف داشتن سیاست‌هایی را که از طرف وزیران دولتی دنبال می‌شد، برعهده گرفت (باتوجه

۱۹۲۸ برای اخذ تصمیم درباره سیاست حزب بمیل خویش آزاد بود. سیاستی که او می‌بایست اتخاذ کند درباره N.E.P یا سیاست جدید اقتصادی و مسأله دهقانی بود. او ناگهان بسوی چپ گرایش یافت، سیاست اقتصادی جدید را ترك گفت و طرح بزرگی را برای افزایش سرعت صنعتی کردن کشور براه‌انداخت، ضمانت اجرای این طرح اشتراکی کردن اجباری کشاورزی روستایی بود، درواقع استالین ناگهان از صورت مدافع سیاست اقتصادی N.E.P بنقطه مخالف آن چرخید، و سیاستی را ابداع کرد که عملاً يك جنگ داخلی بزبان دهقانان بود. برای توضیح علت این اقدام او لازم است بوجود خصلت خشونت و تندى كه جزء لاینفك ذات واستعداد او بود، توجه كنیم، او مصمم بود آنجا كه لنین شكست خورده بود، بفتح پردازد. ترمز دهقانان را درهم شكند و با اعمال زور بیرحمانه، باصل‌سازش، كه جوهر اصلی سیاست اقتصادی N.E.P بود، پایان بخشد. بعلاوه، استالین مرحله جدید مبارزاتی انقلاب را بهترین فرصت برای تأمین وحدت حزب تحت رهبری خود شمرد. چنانكه پروفیسور شاپیرو می‌نویسد:

«در سال ۱۹۲۸، همه كمونیستها بااصل لزوم فوری توسعه صنایع موافقت داشتند. اما اختلاف برسر میزان سرعت توسعه بود. و این سؤال وجود داشت كه انجام این هدف با چه سرعتی میسر است؟ بعلاوه فرع بر آن، تا چه حد جایز بود، این هدف بیهای درهم كوییدن دهقانان پیش برود؟... اگر بنا است استالین را از لحاظ اعمال ضد انسانی او محكوم شناخت، اما در هر حال نباید شجاعت او را دست كم گرفت. همان وظیفه شرارت آمیزی كه استالین برای خود بوجود آورد، او را در برابر مخالفت از داخل حزب ایمن ساخت... شاید در شرایط يك صلح و تعادل نسبی، خصلتهای ناپسند تشكیلاتی حزب، خیلی برای حفظ موقعیت شخصی او در برابر رهبران احتمالی آینده حیاتی و مهم بود.» (۱۴)

هدف استالین را باید انقلابی از بالا دانست، كه دولت باتمام قدرت از آن پشتیبانی كرد. كمیسرهای كمونیست از شهرها بروستاها اعزام شدند تا با دهقانان بگفتگو پردازند و آنانرا بتسلیم «داوطلبانه» مایملك خود، بمزارع اشتراکی متقاعد سازند. اما چنانچه آنها با مقاومت دهقانان روبرو می‌شدند، می‌توانستند از گروه‌های مخصوص سربازان امنیت داخلی وابسته به گ.پ.ا.و G.P.U. كه با تانك، توپ و مسلسل مجهز بودند، استمداد كنند. دهقانانی كه در طبقه «كولاكها» قرار داده شدند، در هر حال می‌بایست از روستاها بیرون رانده شوند. آنها حتی اجازه نداشتند كه بمزارع اشتراکی پیوندند. بلکه می‌بایست شهرها یا نقاطی كه طرحهای جدید ساختمانی در دست اجرا بود

مقایسه بود زیرا آنها بترتیب در رأس سازمانهای حزبی لنین گراد (پتروگراد سابق كه بعد از مرگ لنین باسم او نام گذاری شد) و مسكو قرار داشتند، و این هردو سازمان در برابر نفوذ استالین مقاومت می‌كردند.

از لحاظ ایدئولوژيك، مبارزه ترويكاز بزبان تروتسكي بصورت ابراز عكس العمل در برابر عقاید مخصوص او درآمد، تروتسكي توصیه می‌كرد ببرنامج صنعتی شدن شتاب بیشتری داده شود و در برابر فعالیتهای اقتصادی دهقانان محدودیت‌هایی بوجود آید. در مقابل «ترويكاز» بشدت از N.E.P یعنی «سیاست جدید اقتصادی» كه بقدرت واعتبار مصون از تعرض لنین اتخاذ شده بود، بدفاع برخاست. تروتسكي از نظرقوای ذهنی و روشنفكری، هم براستالین و هم بزینویف برتری بسیار داشت، ولى در مبارزه پیچیده‌ی كه بدنبال آن پیش آمد، مهارت بسیار ناچیزی از خود نشان داد. در سال ۱۹۲۵ زینویف و كامنوف رشته اتحاد خود را با استالین گسستند، البته بیشتر نه برسر اختلافات مسلکی و سیاسی، بلکه بدان سبب كه استالین می‌كوشید كنترل كارها و نفوذ آنها یعنی سازمانهای حزبی لنینگراد و مسكو را نیز در دست بگیرد. همینكه ترويكاز از بین رفت، زینویف و كامنوف باتمام نیرو از لحاظ سیاسی به تروتسكي پیوستند، اما همکاری آنها خیلی تردید كن بود.

از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ استالین با پشتیبانی افراد برجسته حامی سیاست اقتصادی N.E.P بمبارزه خود بزبان گروههای تروتسكي و زینویف ادامه داد. این افراد عبارت بودند از بوخارین كه لنین او را «بازرگش‌ترین و برجسته‌ترین تئورسین حزب» خوانده بود، و رايكوف (۱۲) كه بجای لنین بسمت صدر كمیسرهای شورای خلق منصوب شده بود.

در سال ۱۹۲۷ مبارزه پایان رسید. استالین بكمك دستگاه زیر كنترل خود، دو كنگره حزبی و كمیته‌های حزبی منتخب آنها را از هواداران خود پر كرد و جناح مخالف چپ را، بنام يك دسته‌بندی كه برای برهم زدن انضباط حزبی بوجود آمده است خرد كرد. تروتسكي ابتدا به آلمان‌آتا (۱۳) واقع در آسیای مركزی تبعید شد و بعد در سال ۱۹۲۹ اجازه یافت كه بصورت تبعیدی بخارج از روسیه برود. او تا پایان حیاتش دیگر هرگز به روسیه برنگشت و در سال ۱۹۴۰ بدست یکی از عمال استالین بقتل رسید. زینویف و كامنوف از حزب اخراج شدند، ولی بعداً كه به عضویت تحقیرآمیز ساده، بدون هیچ گونه مقام و قدرت تن در دادند، اجازه یافتند بحزب برگردند. این دوتن سرانجام در ۱۹۳۶ بدستور استالین اعدام شدند. استالین با شكست دادن نیرومندترین رقیبان سیاسی خود، حال در

باینكه این وزیران برگزیده حزب بودند)، بلکه بوسیله اعضای خود بر همه دستگاههای اداری، اقتصادی و نظامی مستقیماً نظارت می‌كرد. در عین حال دائماً احساسات توده‌ها را برای - سوق آنها بسوی هدفهای سوسیالیستی - بر میانگیخت. در چنین وضعی حزب نه تنها از نظر شماره اعضاء نسبت بسال ۱۹۱۷ گسترش یافت، بلکه بجای سازمان كوچكي مركب از افرادی كه وظیفه آنها توزیع روزنامه‌های غیرقانونی یا تبلیغ پنهانی مرام حزب باشد، بصورت سازمانی بزرگ و پیچیده درآمد. اکنون این سازمان اداری نیازمند افراد سازمانی و مبلغان حرفه‌ی تمام وقت بود كه مجموعاً سلسله مراتبی را بوجود آوردند و از طرف مركزی بنام «دبیرخانه» و نیز «دبیركل» كنترل شوند. این سازمان پیچیده اکنون در سراسر اتحاد شوروی از خلیج فنلاند تا كامچاتكا دارای هزاران شعبه شده بود. مردی كه چنین دستگاهی را رهبری می‌كرد، نه تنها می‌توانست آنرا برای كسب قدرت شخصی و تسلط بر حزب بكار برد، بلکه از طریق شعب دبیرخانه كه افراد آن از طرف دبیركل تعیین می‌شدند و باین سبب برای حفظ «كاربر» حزبی خود متكي بوی بودند، می‌توانست نفوذ قاطع خود را هنگام انجام انتخابات كنگره حزبی نیز اعمال كند و از این راه بطور غیر مستقیم در تركیب اعضای كمیته مركزی كه از طرف كنگره حزب انتخاب می‌شدند، اعمال نفوذ كند. «بشویكهای قدیم»، یعنی مردانی كه در سال ۱۹۱۷ در سطوح رهبری قرار داشتند، در ابتدا متوجه این واقعیت جدید نشدند، و هنگامی به اهمیت آن توجه پیدا كردند كه دیگر خیلی دیر شده بود و استالین درست دبیركل حزب قدرت بیحد و حصری را كسب كرده بود. هرگاه حزب، توصیه لنین را بكار می‌بست، و استالین را در سال ۱۹۲۴، یعنی هنگامیكه قدرت او بحد كمال نرسیده بود، از سمت دبیركلی عزل می‌كرد، شاید می‌شد از رشد استبداد شخصی او اجتناب ورزید.

اما استالین برای خنثی كردن هر اقدامی بمنظور عزل خود مصمم بود و در این راه مهارت فوق العاده‌ی در اتخاذ تكتيكهای سیاسی نشان داد. تروتسكي كه از حیثیت بزرگی در حزب برخوردار بود، برجسته ترین وارث لنین بشمار می‌رفت. از اینرو استالین مصمم شد ابتدا او را از میدان بدر كند، و برای این منظور بازینویف و كامنوف كه هردو به تروتسكي حسد می‌ورزیدند، طرح اتحاد بست، و با آنها گروهی كه به «ترويكاز» (۱۱) معروف شد بوجود آورد. (ترويكاز بمعنی سورتمه سه‌اسبی است) ترويكاز باندازه‌ی كه بتواند بر امور حزب مسلط شود نیرومند بود، هم زینویف و هم كامنوف در داخل حزب دارای پایگاههای قدرت بودند كه تا حدی با قدرت استالین قابل

اعزام شوند، تاب‌دینوسیله احتیاج اضافی بکارگر باقتضای نقشه و توسعه صنایع، تأمین گردد.

دهقانان متوسط می‌بایست در گروه دهقانان مزارع اشتراکی درآیند. اما چنانچه آنها نیز از درمقاومت درمی‌آمدند، لازم بود بار دو گاه‌های کار اجباری تبعید شوند. چنین برآورد شده بود که مکانیزاسیون مورد نظر کشاورزی را می‌توان با تعداد کمتری از دهقانان عملی ساخت. در حالیکه نیروی کار خیلی بیشتری در صنایع مورد نیاز بود، از اینرو انتقال عظیم جمعیت از روستاها امری مطلوب بنظر می‌رسید و می‌شد این هدف را با سیاست درهم کوبیدن مقاومت دهقانان در برابر اشتراکی کردن مزارع بهم آمیخت. وقتی دهقانان در مزارع اشتراکی متمرکز می‌شدند، امکان داشت آنها را وادار ساخت که نه تنها مواد غذایی مورد لزوم شهرها را به نرخهای ثابت تعیین شده از طرف دولت تأمین سازند، بلکه مازاد تولید غلات، کره و شکر بوسیله دهقانان همانند نفت و چوب بخارج صادر شود و در مقابل دولت امکان می‌یافت مصنوعات را که برای صنعتی کردن سریع مورد نیاز کشور بود وارد سازد.

در فاصله سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ این طرح عظیم تا آنجا که احساسات متعصبانه کمونیستهای مبارز، از اراده استالین جانبداری می‌کرد، و قساوت بیرحمانه پلیس امنیت بکار بسته می‌شد، اجرا گردید. این طرح در امر بسط صنعت موفقیت‌های مهمی بدست آورد. مراکز جدید مولد برق، کارخانه‌های پولاد سازی، و امور مهندسی و تولید ذغال سنگ، آهن، نفت و فلزات - سرعت افزایش یافت و همه این موفقیتها بقیمت قربانی شدن میلیونها نفر بدست آمد. شعار روز کمونیستها چنین بود:

«هیچ دژی نیست که بشوئیکها نتوانند آنرا تسخیر کنند» بطوریکه یکی از مورخان وقت می‌نویسد: (۱۵)

«پیش از پایان سال ۱۹۳۰، دستوری صادر شد که نقشه‌های صنعتی کردن توسعه یابد و بر میزان کارایی آنها افزوده شود. تعیین هدفهای جدید در ازدیاد تولید و کارهای ساختمانی، بصورت وظیفه روزانه عمومی درآمد. این بی‌شاهت بیک جنون دسته جمعی نبود... دیگر از نقشه پنج‌ساله اول سخن نمی‌رفت. حال دیگر همه غرق برآورد نقشه پنج ساله دوم شده بودند که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷ طول می‌کشید. تصور آنها چنین بود: در این مدت کشورهای سرمایه‌داری از جمله آمریکا مسلماً پشت سر گذارده خواهند شد و شوروی از آنها جلو خواهد زد؛ آنها آینده را از روی اعداد تعیین می‌کردند. گویی اعداد برای آنها بمنزله ورقهای بازی بود که برای فال‌بینی بکار برده شوند. اعداد سربراه از امیال آنها اطاعت می‌کرد!»

اما دهقانان در برابر بلندپروازیهای خیالبافانه شهری سد ایجاد کردند. البته مقاومت فعالانه دهقانان در برابر اشتراکی کردن کشاورزی سرکوب شد، هزاران تن از متمردان کشته شدند، و صد هزار تن بار دو گاه‌های کار اجباری تبعید گردیدند، یا بسوی حومه شهرهای صنعتی روانه شدند تا زیر چادر و در زاغه‌ها زندگی کنند. زیرا برای آنها مسکن دیگری وجود نداشت. این افراد ارزاترین کارگر برای اجرای طرحهای ساختمانی بشمار می‌رفتند. اما اگر دهقانان نتوانستند مسلحانه بادولت بمخالفت پردازند، می‌توانستند دست بمقاومت منفی بزنند و چنین هم کردند. تعداد بیشماري اسب، گاو، گوسفند، و خوک یا کشته شدند یا بمصرف رسیدند، تا چیزی برای تحویل بمزارع اشتراکی نماند و بسیاری از حیواناتی که باین مزارع تحویل داده شدند دیری نپایید که بر اثر عدم مراقبت دهقانان مردند. زیرا دهقانان هیچ نفعی در نگاهداری آنها نمی‌دیدند. کاهش دام زیاده از حد شد. شماره اسبها از ۳۴ میلیون در ۱۹۲۹ به ۱۶ میلیون رأس در ۱۹۳۳ کاهش یافت و تعداد گاو از ۶۸ میلیون در ۱۹۲۹ به ۳۸ میلیون در ۱۹۳۳ تقلیل یافت. کاهش تعداد دامها نه تنها منجر بکم شدن عرضه گوشت، شیر، کره، پشم و چرم گردید بلکه مساحت مزارع را نیز پایین آورد. عرضه تراکتور که قرار بود کشاورزی را مکانیزه کند، از میزانی که در نقشه پیش‌بینی شده بود کمتر شد، و بسیاری از تراکتورها که تحویل شده بود، بعلت عدم تخصص کارگران در استفاده از آنها خراب شد.

بطوریکه در برخی مناطق نه‌اسب وجود داشت و نه تراکتور و ناگزیر شخم زمین می‌بایست بوسیله خود دهقانان بعمل آید، یعنی بخش بسته شوند. احساسات عمومی دهقانان، بی‌علاقگی توأم با عدم رضایت بود، و آثار منفی آن در کشاورزی بر اثر عدم صلاحیت گردانندگان مزارع اشتراکی ژرف‌تر گردید. تقریباً همه کشاورزان موفق بنام کولاکها از میان رفتند؛ و در بسیاری از مناطق مزارع اشتراکی بدست افرادی اداره می‌شد که تنها هنر آنان ورود در دسته‌بندیهای سیاسی بود. در پایان سال ۱۹۳۲ بار دیگر در روسیه قحط بروز کرد و بیش از همه جا این قحطی اوکرایین را دربر گرفت. در زمستان و بهار ۱۹۳۲ تعداد عظیمی از دهقانان از گرسنگی مردند. البته این دهقانان بودند که می‌مردند، نه کارگران شهرها. زیرا دولت همچنان مواد غذایی را بمیزانی که کفاف جیره‌بندی در شهرها را بدهد و حتی مقداری نیز صادر شود، از روستاها به شهرها حمل می‌کرد. طبق فرمانی مقرر شد دهقانانی که از غلات تولیدی خود «بزدند» بمجازات مرگ

محکوم شوند. این فرمان بشدت بمرحله اجرا درآمد. اما فقط بزور قانونگذاری وحشیانه نمی‌شد کشاورزی را احیاء کرد. در ۱۹۳۳ ناگزیر اعتراف شد که تحول اقتصاد کشور بکلی نامتعادل بوده است. صنایع سنگین بیهای کاهش تولید کشاورزی و کمبود شدید کالاهای مصرفی و فقر عمومی مردم بوجود آمده بودند. شرایط زندگی کارگران صنایع نیز مانند دهقانان در سال ۱۹۳۳ نسبت بسال ۱۹۲۹ بدتر شده بود و تنها گروه اجتماعی که زندگی افراد آن بوضوح بهتر شده بود، گروه مقامات عالی حزب و دولت بود. استالین برای آنکه وفاداری آنانرا محفوظ نگاهدارد و شوق و حرارت آنها را برای پیشرفت اقتصادی تحریک کند، درآمد افراد این گروه را از راه پرداخت حقوق‌های کلان، عواید متفرقه و انعام افزایش می‌داد. حزب کمونیست بصورت طبقه حاکم جدیدی درمی‌آمد که اعضای آن از امتیازهای مادی خاصی بعلت انحصار قدرت سیاسی برخوردار می‌شدند. در این موقع در اجتماع شوروی که با انقلاب استالین از بالا تغییر یافته بود، هنوز بحران کمتر از دوره اجرای سیاست ملی اقتصادی N.E.P نبود، بلکه بیش از آن هم بود. در این هنگام سیستم خشونت و ترور که استالین مدت چهار سال برای مجبور کردن توده‌های مردم روسیه در راه نیات خود برقرار ساخته بود، بزودی بوسیله خود او بسوی داخل حزب نیز تغییر جهت داد.

۴- استالین و تصفیه بزرگ

در ژانویه ۱۹۳۴ کنگره هفدهم حزب کمونیست شوروی (۱۶) در مسکو تشکیل شد. این کنگره خود را کنگره پیروزان نامید. زیرا تصور می‌شد که برنامه بزرگ اشتراکی کردن کشاورزی و توسعه صنایع طبق نقشه پنج‌ساله اول با پیروزی بنتیجه رسیده است. ظاهراً در این کنگره در پشتیبانی از استالین و سیاست او اتفاق آراء کامل وجود داشته است. بسیاری از رهبران پیشین گروههای داخلی حزب که در گذشته با استالین مخالفت کرده بودند، مانند زینویوف، کامنوف، بوخارین، پیاتاکوف، رایکوف و رادک (۱۷) ضمن نطقهای توبه‌آمیز، اعتراف کردند که استالین همیشه محق بوده است، و آنها در اشتباه بوده‌اند. اما در پشت سر یکپارچگی ظاهری حزب، هنوز آثار کشمکش و مبارزه باقی بود، و این مبارزه شاید برای تفوق فردی استالین، از مخالفت علنی سابق که او با آن مبارزه می‌کرد، خطرناکتر بود. زیرا این بار مقاومت در برابر حکومت مطلقه فردی استالین از ناحیه کسانی ابراز میشد که تا آن هنگام از استالین جانبداری کرده بودند. شاپیرو (۱۸) این وضع جدید را چنین توصیف می‌کند.

که استالین تصمیم به کشتار دسته‌جمعی رفقای حزبی خود بگیرد، و در این راه تصفیه موفقیت‌آمیز هیتلر را که در ۲۰ ژوئن انجام گرفت سرمشق قرار دهد.

کریوتسکی (۲۴) جاسوس شوروی در یادداشت‌های خود نوشته است: استالین بیش از آنچه از عمل هیتلر یک‌ه بخورد و باصطلاح دچار «شوک» شود، بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفت و عمل او را گواهی بر این عقیده دانست که هیتلر راه حکومت بر آلمان را یافته است.

تصفیه بزرگ وقتی فاش شد، که در بین اعضای حزب و دست‌کم در بین اعضای افراد کهنه‌کار که بیشتر از ۱۹۱۷ در آن عضویت داشتند، باعث شگفتی شد زیرا اعضای حزب تصور می‌کردند که مناقشات و مبارزات داخلی حزب هر قدر هم شدید باشد، آنها از عواقب آن مصون خواهند ماند و هرگز گرفتار مجازات حبس یا اعدام نخواهند شد.

زیرا اینگونه مجازات‌ها فقط در مورد دشمنان غیر کمونیست جایز شمرده شده است. لنین بآنها اندرز داده بود که هرگز در مبارزات داخلی نباید یکدیگر را بکشتن دهند و آنرا بصورت قانون لازم‌الرعایه برای خویش درآورند. لنین بمانند یک انقلابی واقف بحوادث تاریخی رفقای خود را اندرز می‌داد. او کشتارهای خونین انقلاب فرانسه را پیاد می‌آورد، و بخاطر داشت که روسپیر چگونه ابتدا رقباي خود را بیای گیوتین افکند، و بعد خود نیز کشته شد. لنین امیدوار بود که با ایجاد انضباط شدیدی در حزب، بوجود آوردن یک ارگان انضباطی که مانند دادگاهی باتهامات افراد حزبی بزبان یکدیگر رسیدگی کند، می‌تواند مبارزات را در چهارچوب ضرورت سیاسی حفظ وحدت حزبی محدود سازد.

این ارگان حزبی عبارت از کمیسیون تفتیش بود، که در مقابل مقامات اجرایی حزب استقلال داشت. پلیس نهانی که بر روی کلیه ساکنان غیرحزبی شوروی سایه افکنده بود، حق نداشت هیچیک از افراد حزب را پیش از قضاوت کمیسیون تفتیش یا یک شعبه حزبی محلی بازداشت کند.

از اینرو افراد حزب تنها از این مزیت برخوردار بودند که قانون آنها را در مقابل تعرض قدرت اجرایی دولت حراست کرده بود، گرچه این قانون یک قانون کشوری محسوب نمی‌شد، بلکه از مجموعه‌یی از مقررات و قواعد حزبی ناشی می‌شد، تا هنگامیکه مصونیت افراد حزبی عملاً مراعات می‌شد، سیستم سیاسی شوروی عبارت بود از حکومت اقلیت بر اکثریت، بدون تصویب آنها. زیرا مصونیت سیاسی عملاً کلیه افراد غیرحزبی را از حقوق سیاسی محروم می‌ساخت. ولی در داخل حزب نظام دیگری حکمفرما بود. زیرا در حزب کمیته‌های

ژدائف، با این حال استالین بر این گروه تفوق سیاسی داشت زیرا کاکانویج و ژدائف بعنوان حامیان سرسخت او بحساب می‌آمدند. باوجود این استالین دیگر نمی‌توانست به صورت رهبر واحدی دبیرخانه حزب را طبق میل خود رهبری کند و شکی نیست که کنگره با ترتیب جدید قصد داشت قدرت او را محدود سازد. محبوبیت کروف در بین نمایندگان کنگره که هر بار با استقبال عمومی روبرو می‌گشت، در ذهن بدگمان استالین به منزله زنگ خطر بود و ضمناً حسادت او را برمی‌انگیخت. از وقایعی که بعداً اتفاق افتاد، می‌توان احتمال داد که استالین کاملاً با اهمیت خطر جدیدی که بر اثر تحولات سیاسی تازه، رهبری او را تهدید می‌کرد پی‌برده بود و در صدد بود که بموقع و با شیوه خاص خود بآن به‌مقابله پردازد. چگونه او با این خطر مقابله کرد، واقعیتی است که بعدها توسط خروشچف افشا شد، که خود از تصفیه بزرگ استالین جان سالم بدر برده بود. زیرا در آن زمان خروشچف استالینیست فداکاری بود و از این لحاظ برای او عنصر مفیدی بشمار می‌رفت. خروشچف در سال ۱۹۵۶ در گزارش سری معروف خود به کنگره بیستم حزب کمونیست در یک جلسه محرمانه، چنین گفت:

«... از بین ۱۸۹ عضو کمیته مرکزی که در کنگره هفدهم باین سمت برگزیده شدند، ۹۸ نفر یعنی هفتاد درصد آنها بازداشت و تیرباران گردیدند... نه تنها اعضای کمیته مرکزی، بلکه اکثریت نمایندگان کنگره هفدهم نیز به‌همین سرنوشت دچار شدند. از بین ۱۹۶۶ نماینده اعم از افراد دارای حق رأی و افراد فاقد حق رأی، ۱۱۰۸ نفر یا بیش از نصف نمایندگان، باتهام ارتکاب جنایات ضد انقلابی بازداشت گردیدند...»

این اعمال استالین کاملاً قابل فهم بود، او می‌خواست عواقب مخالفت باخود را در اذهان رسوخ دهد. هرگاه اکثریت اعضاء یکی از کنگره‌های حزبی یا کمیته مرکزی منتخب آن - ارگانهایی که از لحاظ نظری از حداکثر اختیارات حزبی برخوردار بودند با استالین به مخالفت برمی‌خاستند، و یا در وفاداری خود بوی ترلزل نشان می‌دادند، بسادگی می‌شد مشکل را با کشتن آنها حل کرد. و این عمل نه‌تنها منجر به انهدام متهمان می‌شد، بلکه این سرنوشت در ذهن کسان دیگری نیز که بعدها در صدد برمی‌آمدند جای کشتگان را بگیرند، نقش می‌بست. این راه حل از آنرو به مغز استالین رسوخ کرد که اودائاً آدمی بی‌رحم و طبیعتاً کینه‌توز بود. باین سبب هر آن آماده بود که از نیروی تروریستی پلیس استفاده کند، پلیسی که طی پنج سال مجازات و اعدام و به زنجیر کشیدن توده‌های روسی، راه‌قساوت و توحش را طی کرده بود. بعلاوه بعید نبود

«باگذشت زمان (از سال ۱۹۲۹ به بعد) در حالیکه بدعت‌هایی نظیر تبریک گفتن رهبران حزب کمونیست بخودشان، مبالغه در شرح موفقیت‌ها، جعل آمار، و ترغیب مردم بکوشش بیشتر رواج می‌گرفت، متقابلاً اوضاع و احوال و واقعیات عینی، بحران و انحطاط بیار می‌آورد، بجای فراوانی که وعده داده شده بود، کشور مواجه با کمبود غذایی توأم با جیره‌بندی شدید شد و در سالهای ۳ - ۱۹۳۲ قحط‌بزرگی بروز کرد. هجوم سریع دهقانان شهرها، در حالیکه شهرها برای پذیرایی از آنها آمادگی نداشتند، باعث پایین رفتن سطح زندگی شد که در نتیجه اجرای سیاست جدید اقتصادی N.E.P بمیزان قابل توجهی بالا رفته بود. در این موقع برای جلوگیری از غیبت کارگران از کارخانه‌ها، اقدامات انضباطی شدیدی معمول گردید. از لحاظ نظری هر ادعایی بشود در سالهای ۱۹۳۱ یا ۱۹۳۲ در عمل، روابط کارگران و مدیران کارخانه‌ها بتدریج بصورتی درآمد که در ذهن انسان، استعمار دوره کاپیتالیسم را تداعی می‌کرد. هرچند کسی جرأت نداشت این حقیقت را بر زبان بیاورد، با اینهمه، هرگاه نقشه پنج ساله به‌دفعهای خود نائل می‌آمد، شاید وضع مذکور چندان منجر بآشفته‌گی اوضاع نمی‌گردید. در سال ۱۹۳۳ هیچ کمونیستی را نمی‌شد از لحاظ اینکه در مورد صلاحیت رهبری استالین و حامیان اوشک کرده باشد، مقصر شناخت.»

ریشه شکی که از آن یاد شد، این بار در میان حامیان خود استالین رشد می‌کرد و بصورت خطرناکترین عامل بزبان رهبری او درمی‌آمد زیرا پس از سقوط مخالفان سابق او، اکنون همین افراد در مناصب حساسی قرار داشتند. استالینیست‌های ناراضی اینک نیرویی را تشکیل می‌دادند که می‌شد روی آن حساب کرد. بویژه هرگاه این گروه بارهبران سابق مخالفان استالین دست بندست هم می‌دادند. این رهبران گرچه صاحب مقام و اختیاری در حزب نبودند، ولی بعلت آنکه از یاران لنین بشمار می‌رفتند، وجهه و حیثیت بزرگی داشتند. استالینیست‌های ناراضی عبارت بودند از کروف (۱۹) که در این زمان تشکیلات حزبی را در لنین‌گراد رهبری می‌کرد و این همان مقامی بود که پیش از آن زینویوف در رأس آن بود، کاسیر (۲۰) (که رهبر حزب در اوکراین بود)، راب زوتا (۲۱)، شویر (۲۲)، پوستیشف (۲۳) و عده‌ای دیگر در بین اعضای کمیته مرکزی و پولیب بورو که در کنگره هفدهم انتخاب شدند، از نظر استالین عناصر غیرقابل اعتمادی وجود داشتند. بعلاوه کنگره سمت دبیرکل را که فقط بوی اختصاص داشت، بین چهار نفر که دارای اختیارات مساوی بودند تقسیم کرد. این چهار نفر عبارت بودند از خود استالین، کروف، کاکانویج و

منتخب، نمایندگان کنگره‌های حزبی را که بطور ادواری تشکیل می‌شد، برمی‌گزیدند. از طرف دیگر در سیستم شوروی يك سلسله عوامل نیرومند ذاتی وجود داشتند که حکومت اقلیت (۲۵) را بسوی دیکتاتوری فردی سوق می‌دادند. حکومت حزب که اقلیت کوچکی از جمعیت کشور را تشکیل می‌داد و بطرزی مغایر وظایف عادی دولت، درصدد کنترل زندگانی کلیه اتباع شوروی بود، باوجود يك رهبری نیرومند شخصی ملازمت داشت. این ضرورت هنگامی که سیاست حزب، بامشکلات دامنه‌داری روبرو گشت، و بحرانهای روبوخت سالیهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ روی دادند تشدید شد. بعلاوه، وقتی ضرورت يك رهبری شخصی نیرومند افزایش یافت، فرصت‌طلبان نیز در صدد احراز موقعیتهای مهم و قدرت شخصی در داخل حزب برآمدند. همانطور که قبلاً متذکر شدیم ماهیت حزب پس از کسب قدرت دولتی تغییر کرد. و این فقط بدان سبب نبود که بسیاری از افراد حزب از آن پس یا در دستگاه بوروکراتیک دولتی و یا در اداره صنایع و بازرگانی ملی شده وظایف اداری انجام می‌دادند بلکه اصولاً روح حزب دچار دگرگونی کلی شده بود.

می‌توان گفت که پیش از سال ۱۹۱۷ هیچکس بطمع کسب منافع مادی بحزب نمی‌پیوست، زیرا حزب یا غیر قانونی بود، یا نیمه قانونی (بعد از سال ۱۹۰۵) سازمانی بود که تصور نمی‌شد بتواند در آینده‌تردیدی قدرت را بدست گیرد. در مقابل خطرات بسیاری نظیر حبس و تبعید، افراد آنرا تهدید می‌کرد پس می‌توان گفت کسانی که در آن زمان بحزب می‌پیوستند از ایمان سیاسی اصلی الهام می‌گرفتند. شکی نیست که برخی از این افراد از گروه‌های اجتماعی بودند که در هر جامعه‌ای مواجه با سرخوردگی و نارضایی می‌شوند. استعدادهای ذاتی آنها را در درجه اول، عناصر عصیان و خرابکاری تشکیل می‌دهند، اما اغلب بلشویکهای بزرگ اگر می‌خواستند خود را با رژیم تزاری وفق دهند در دوره زندگی خود موفقیت‌های شخصی پرثمری کسب می‌کردند. لنین که حقوقدان بود، می‌توانست در محاکم قانونی سن پترزبورگ بدرخشد. یا تروتسکی با استعداد ادبی بزرگی که داشت ممکن بود بصورت نویسنده‌ی شهیر یا يك استاد تاریخ درآید. اگر این مردان مجذوب مزایایی که در انتظارشان بود نشدند، تا در دایره تنگ «انقلابیان حرفه‌ی» وارد شوند، بدان سبب بود که از ایمان سیاسی و شور و شوق انقلابی خود الهام می‌گرفتند. آنها مایل بودند که خود را بیک انضباط شبه‌نظامی مقید سازند، تا بتوانند به‌هدف باطنی خود نائل آیند. هر گاه احساس می‌کردند که حزب راه خطایی می‌پیماید، هیچ قیدی نمی‌توانست آنانرا از بیان این حقیقت باز دارد و اگر می‌خواستند

از حزب خارج شوند، مانعی در برابرشان وجود نداشت.

پانزده سال بعد از کسب قدرت، افراد حزب با دنیای تازه‌ی روبرو گشتند. در این دنیای جدید آنچه اهمیت داشت «اشتغال» افراد حزب در مناصب مختلف بود. بدون توجه به اینکه این امر خوش آیند افراد کهنه کار حزب باشد یا نه، نه تنها در مناصب حزبی حقوقها بمیزانی پرداخت می‌شد که هر يك می‌توانست زندگی تعدادی از انقلابیان حرفه‌ی را در دوران پیش از انقلاب روبراه سازد، بلکه صاحبان کلیه مناصب در دستگاه های دولتی، در سازمان پلیس و ارتش، در رشته‌های اقتصاد و مدیریت کارخانه‌های پولاد سازی، حوزه‌های نفتی و مراکز اداره مزارع اشتراکی و در همه حرفه‌ها، اعم از حرفه‌های نویسندگان و روزنامه‌نگاران، دانشمندان و معلمان، حقوقدانان و پزشکان، هنرمندان و هنرپیشه‌ها. اکنون همگی برای اشتغال و ارتقاء، متکی بقدرت مطلقه حزب و دولت بودند. کمونیستها در ابتدا خود اصلی را بوجود آوردند که مقتبس از مرام کمون پاریس در ۱۸۷۱ بود، طبق این اصل يك فرد حزبی که شغلی در دستگاه اداری دولتی بدست می‌آورد، نباید حقوقی بیش از دستمزد يك کارگر ماهر دریافت کند. تعداد کمی از کارمندان اداری، مدیران صنعتی، مهندسان و سایر کسانی که از اجتماع بورژوازی سابق بیرون آمده بودند و حال از طرف رژیم جدید استخدام گردیده بودند، بسبب تخصصی که داشتند، حقوق بیشتری دریافت می‌کردند، زیرا گفته می‌شد کسانی که دارای سابقه ذهنی بورژوازی هستند بچنین محرکات مادی احتیاج دارند. اما درست بهمین دلیل آنها با معیارهای جدید اخلاق سوسیالیستی تحقیر می‌شدند و از افراد واجد ایمان انقلابی که باسایش شخصی علاقه‌ی ابراز نمی‌داشتند، و خود را بیدریغ وقف خدمت با اجتماع می‌کردند متمایز می‌گشتند. اما بزودی در میان افراد حزبی این فکر رسوخ یافت که آنها نیز حق دارند از برخی امتیازات که برای بقیه مردم شوروی امکان پذیر نیست مانند استفاده از مواد غذایی بیشتر (در دوره جیره‌بندی)، مسکن و تعطیلات برخوردار شوند، در ابتدا از اعطای این امتیازات باین دلیل دفاع می‌شد که افراد حزب باید برای انجام وظایف سنگین خود از سلامت کامل برخوردار شوند. سرانجام در سال ۱۹۳۲ باوجود آنکه هنوز رسم زندگی ساده افراد حزب ادامه داشت، ولی مقامات رسمی بالاتر درآمدهایی پنج، ده یا بیست برابر پر درآمدترین کارگران کارخانه‌ها حقوق دریافت می‌داشتند. و در نتیجه اعضای حزب تشویق می‌شدند که رسیدن باین مقامات را هدف خود قرار دهند بدنبال آن اندیشه پیشین مبنی بر اینکه صاحبان مقامات حزبی نباید از

پرولتاریای «پیش‌آهنگ» زندگی بهتری داشته باشند، بعنوان «تساوی خورده بورژوازی» مردود شناخته شد.

حتی بسیاری از بلشویکهای قدیم که در ۱۹۱۷ عضو حزب بودند، با این تمایل جدید افراد حزب مخالفتی نکردند، برعکس آنها نیز باین نتیجه رسیدند که در دوره میانسالی پیاداش مرارتهای و ناراحتی‌هایی که در جوانی در راه انقلاب متحمل شده‌اند سزاوار زندگی راحتی هستند. اما اگر موج این گرایش به کسب منفعت و استفاده شخصی از انقلاب، تقریباً اکثریت «بلشویکهای قدیم» را دربرمی‌گرفت، در میان همه افرادی نیز که از هنگام کسب قدرت، یا بعد از شکست ارتشهای سفید در ۱۹۲۰ و رفع خطر اعدام از طرف ضد انقلاب، عضو حزب شده بودند، عمومیت می‌یافت. اکنون عضویت در حزب راهی بسوی کسب امتیازات مادی و مقامات اجتماعی بروی اشخاص می‌گشود. راهی بروی مردان و زنان جوانی که آرزومند بهره‌مندی بیشتری از جهان بودند، یا فقط می‌خواستند از فقری که نصیب اکثریت بزرگ مردم روسیه بود نجات یابند. حال حزب می‌توانست از میان داوطلبان عضویت، اشخاص را طبق ضوابطی برگزیند.

بهمین منظور دوره‌های آموزشی ایدئولوژیک (مرامی) ترتیب داده شد یا از طرز کار داوطلبان و نوآموزان مکتب حزبی آزمایشهای قبلی بعمل آمد، از آن پس آنها تحت مراقبت دائمی رفقای حزبی و دبیران محلی قرار می‌گرفتند و در صورت نقض انضباط یا عدم توانایی در جلب رضایت مقامات حزبی از حزب اخراج می‌شدند. اما هیچ آزمایشی نمی‌توانست ثابت کند که داوطلب، مذهب کمونیستی را با بیعلاقگی پذیرفته است، نه برابر ایمان باطنی، و مقصودش این نیست که از مقامات رسمی استفاده شخصی ببرد. حصول به این مقامات مستلزم جلب نظر مساعد مقامات مافوق بود، زیرا ارتقاء و ترقی فقط به توصیه آنان امکان پذیر می‌نمود، یعنی هر فرد حزبی برای پیشرفت خود بیک حامی نیاز داشت، از اینرو سیستم «پارتی بازی» بحزب حاکم شد. در چنین سیستمی افراد برجسته حزب که در دستگاه حزبی یا دولت مناصب مهمی را در اختیار داشتند، می‌کوشیدند افراد پشتیبان خود را ترقی دهند، و متقابلاً انتظار داشتند که این افراد هم در برخوردهای داخلی و دسته‌بندی‌ها جانب آنها را بگیرند.

بنابراین برخوردهای داخلی حزب، بجای آنکه نتیجه برخورد عقاید و آراء باشد، بیش از پیش، بعلاق و تنفرها و انگیزه‌های شخصی مربوط گردید. این افراد و گروه‌های حزبی در استفاده از غنائم اداری پیاداش پیروزی، به‌رقبای منافع مادی مبدل شدند. در مبارزه قدرت، دبیر کل حزب دارای حامیان بیشتری بود و همچنانکه

رفت و مقام حزبی خود را مدیون استالین بود و از اینرو برای انجام هر دستور استالین آمادگی داشت.

اکنون که همه سدهای راه شکسته شد، کشتار عظیم دسته‌جمعی آغاز گردید، بازداشت افراد حزب از اعضای کمیته مرکزی تا اعضای ساده شعب محلی شروع شد، هر گونه سابقه همبستگی با گروه‌های مخالف در انتخابات یا اظهار نظر انتقادی از استالین و سیاست او کافی بود که مجوز توقیف اشخاص گردد و نتیجه این بازداشتها چیزی جز اعدام یا محکومیت بزندانی در اردوگاه‌های کار اجباری نبود. زمینه‌چینی می‌شد که برجسته‌ترین بازداشت شدگان در دادگاه‌های علنی علیه خود اقرار و اعتراف کنند. اشخاصی را که از نظر سیاسی واجد اهمیت زیادی نبودند، مجبور می‌کردند اعترافات کتبی خود را برای ضبط امضاء کنند، و ضرورتی بااعتراف آنها در دادگاه‌های علنی احساس نمی‌گردید، افراد غیر مهم اصلاً محاکمه نمی‌شدند و فقط با آنها ابلاغ می‌شد که چه مجازاتی برایشان تعیین گردیده است، تعداد دستگیرشدگان تاکنون معلوم نشده است، ولی شاید میان یک چهارم تا نصف تعداد کل اعضای حزب بوده باشد. ارتش سرخ در این هنگام برای استالین بزرگ‌ترین مساله محسوب می‌شد زیرا این خطر وجود داشت که بازداشت‌های عظیم در بین افراد ارتشی منجر بمقاومت مسلحانه و یک کودتای نظامی گردد. بعلاوه، مارشال وروشیلوف که کمیسر خلق برای جنگ بود، از نظر استالین غیرقابل اعتماد بشمار می‌آمد. زیرا با آنکه وروشیلوف از حامیان سیاسی استالین بود، اما با افسران حرفه‌یی که احتمال داشت بدون دلیل کافی تصفیه شوند، همبستگی زیادی داشت. اما استالین مصمم بود ارتش را نیز مانند حزب تصفیه کند، زیرا اطلاع داشت که مقامات عالی نظامی شدت از او بانتقاد می‌پردازند.

سرکوبی بیرحمانه دهقانان در روحیه سربازان روستایی ارتش تأثیر سویی بخشیده بود، از طرف دیگر ارتش در سال ۱۹۳۲ مجبور شد از ذخایر غلات خود برای مواقع اضطرار چشم‌پوشد، تا باین وسیله از شدت قحطی که بر اثر اعمال بیرحمانه استالین بوجود آمده بود بکاهد، بعلاوه توخاچوفسکی (۳۰) یکی از محبوب‌ترین و قابل اعتمادترین رهبران ارتش سرخ از هنگام جنگ‌های داخلی، با استالین برای آنکه کینه خانوادگی بود. استالین برای آنکه بهانه‌یی برای مقابله باتوخاچوفسکی و سایر ژنرالهایی که طبق گزارش جاسوسان وی گروه ناراضی‌ها را تشکیل می‌دادند بدست آورد تدبیر بسیار زیرکانه‌یی اندیشید.

در آن زمان یکی از ژنرالهای تبعیدی روسهای سفید بنام سکوبلین (۳۱) در پاریس می‌زیست، وی از یک طرف در خدمت

مجرمانه قاتل تأثیر داشته‌اند. آنها بترتیب بده و پنج سال زندان محکوم شدند. ولی این تازه آغاز کار بود. آنچه استالین می‌خواست این بود که اولاً این دوتن اعتراف کنند نقشه قتل کرووف را مستقیماً خودشان کشیده‌اند، تاباین وسیله بتواند آنانرا محکوم به مرگ سازد ثانیاً آنها پای سایر مخالفان مهم استالین را نیز بعنوان اینکه در توطئه قتل کرووف شرکت داشته‌اند بمیان بکشند، تا بتوان آنانرا نیز محکوم به مرگ کرد. برای تحقق این منظور زمان لازم بود و از اینرو بازپرسان خبره گ. پ. او (۲۶) که در سال ۱۹۳۴ نام خود را به کمساریای امور داخلی خلق یا ان. ک. و. د. (۲۷) تغییر داده بود، زینویوف، کامنوف و تعداد دیگری از کمونیستهای زندانی را بلاانقطاع مدت هجده ماه بااستنطاق کشیدند و در این راه برای آنکه از متهمان اعتراف بگیرند و اراده آنها را درهم بشکنند، از شیوه‌های مخصوصی که ضمن «محاکمه‌های اعتراف» از سال ۱۹۲۸ ببعد آزموده بودند، استفاده کردند. در اوت ۱۹۳۶ زینویوف و سایرین اعتراف کردند نقشه قتل کرووف را باراهنمایی تروتسکی که در آن زمان در تبعیدگاه بسر می‌برد، ترتیب داده‌اند. آنها اعتراف خود را در یک دادگاه علنی نیز تکرار کردند، و از اینرو همگی محکوم به مرگ شدند و تیرباران گشتند، علاوه براین، آنها شهادت دادند بوخارین، رایکوف، و اعضای گروه راست که پس از عدول استالین از سیاست اقتصادی لنینی N.E.P. باز هم همچنان از آن سیاست جانبداری می‌کردند، در این وقایع دست داشته‌اند؛ طبعاً این عده نیز بلافاصله بازداشت شدند، اما پس از آنکه کمیته مرکزی باکثرت دوسوم، رأی باجتناب از محاکمه آنان داد آزاد شدند.

این یک عقب‌نشینی برای استالین بود، ولی یک عقب‌نشینی موقت. از نظر استالین اگر اکثریت اعضای کمیته مرکزی باکشتن بوخارین و رایکوف مخالف بودند، پس آنها نیز می‌بایست کشته‌شوند. در این وقت استالین عازم سوچی (۲۸) واقع در ساحل دریای سیاه شد و در ۲۳ سپتامبر از آنجا تلگرافی به پولیت‌بورو فرستاد وضمن آن درخواست کرد که یکی از پیروانش بنام یژوف (۲۹) بجای دیاگودا بسمت کمیسر امور داخلی خلق تعیین گردد، استالین در این تلگرام یاگودا را متهم کرده بود که در پرده برداشتن از چهره بلوک تروتسکیست و زینویوفیست ناتوانی نشان داده است. پولیت‌بورو که در آن طرفداران استالین اکثریت ضعیفی داشتند باانتصاب جدید موافقت کرد و این موافقت قطعی بود، یاگودا طی سالها کوشیده بود از لحاظ سیاسی همه دسته‌های حزبی را راضی نگهدارد. و از اینرو هرگز با هیچیک از آنها طرح اتحاد نریخته بود. یژوف یکی از بانیان دبیرخانه شخصی استالین بشمار می‌

دیدیم، همین امر مایه غلبه استالین بر دیگران گردید، با اینوصف استالین نتوانست تفوق کامل و دائمی بر رقیبان خود بدست آورد. تا جایی که کنگره هفدهم با تقسیم اختیارات دبیر کل میان چهار نفر، قدرت و رهبری او را محدود ساخت.

بعلاوه، مادام که اعضای حزب، اصل لنینی را مبنی بر اینکه هیچ کمونیستی هرگز نباید تنها بعزت مخالفت با رهبری حزب بمرگ محکوم شود، قبول داشتند، برای استالین امکان نداشت که از حدود اعمال نفوذ وسیله طرفداران خود پافراثر بگذارد، و مخالفان خود را در حزب نابود سازد. اما خوشبختانه از لحاظ استالین یکسال پس از کنگره هفدهم، فرصتی بدست او افتاد که دشمنان خود را بتخلف از احکام لنینی متهم سازد. در بین اعضای حزب در لنینگراد که تشکیلات حزبی آن تحت رهبری کرووف قرار داشت، و عملاً از دستگاه استالین مستقل بود مرد جوانی بنام نیکلایف وجود داشت که از جریان امور حزب و کشور شدت ناراضی بود. وی آشکارا زبان به انتقاد می‌گشود، و مجرمانه عقیده خود را درباره ضرورت اقدام به ترور بیان می‌داشت، بنظر او قتل افراد برجسته بهمان ترتیبی که تروریستهای ناردونیک در سده نوزدهم عمل می‌کردند باردیگر ضرورت یافته بود، تاباین طریق روسیه از ظلم جدید رهایی یابد. تعجبی ندارد که توجه پلیس پنهانی، بسوی جلب او شد و یکی از دوستان نیکلایف او را تشویق کرد که دست بکار شود. همان دوست تپانچه‌یی در اختیار او گذاشت و نیکلایف مسلحانه وارد مقر دفتر مرکزی حزب در لنینگراد شد تا کرووف را بقتل برساند، یک پلیس گارد او را توقیف کرد. ولی نیکلایف بدستور مقامات بالا آزاد شد، و یکماه بعد در اول دسامبر ۱۹۳۴، کوشش مجددی برای قتل کرووف بکار برد و اینبار در کار خود توفیق یافت. به این ترتیب نیرومندترین رقیب استالین از میدان بدر شد، اما نه بصورتی که پای خود استالین به میان کشیده شود. او وانمود ساخت که از این واقعه سخت دچار اندوه و خشم شده است و باین منظور باشتاب عازم لنینگراد شد که نیکلایف را متقاعد کند که بگوید نقشه قتل را بتحریر زینویوف طرح کرده است، ولی نیکلایف زیربار نرفت و معلوم ساخت که کاملاً می‌دانست تپانچه بدستور پلیس پنهانی در اختیار او گذارده شده است، از آنجا که انتظار می‌رفت نیکلایف همین حقیقت را در یک محاکمه علنی نیز بازگو کند، از اینرو محاکمه او سری اعلام شد و در نتیجه آن، سیزده تن دیگر از افراد گروه زینویوف باتهام شرکای جرم اعدام گردیدند زینویوف و کامنوف بازداشت شدند و وادار گردیدند اعتراف کنند که با انتقاد خود از استالین از لحاظ ایدئولوژیک در قصد

سازمان پلیس نهانی شوروی (N.K.V.D) قرار داشت و از طرف دیگر از عمل سری آلمان نازی بود. بوسیله یژوف به سکوبلین تعلیم داده شد که اطلاعات ساختگی بزیان توخاچوفسکی تهیه کند و او را متهم سازد که از عمل آلمان در سازمان جاسوسی چک بوده است، سکوبلین دستور پلیس نهانی شوروی را انجام داد و اطلاعات معمول در اختیار مقامات چکسلواکی قرار داد.

دکتر بنش رئیس جمهوری چکسلواکی بدون اطلاع از حقیقت امر آن اطلاعات ساختگی را در اختیار مقامات مسکو گذارد. سکوبلین پافراثر نهاد و بسازمان جاسوسی آلمان نازی پیشنهاد کرد که هرچه زودتر مدارکی مستقیماً از طرف آلمان در تأیید اتهام ساختگی تهیه گردد. هایدیش (۳۲) موافقت هیتلر را برای این منظور جلب کرد زیرا تصور می شد باینترتیب می توان قدرت نظامی شوروی را کاهش داد. سازمان جاسوسی آلمان بجهل مکاتباتی پرداخت که نشان می داد توخاچوفسکی نقشه های تجهیز ارتش سرخ را به آلمان فروخته است، وقتی اسناد جعلی آماده شد، از طرف پلیس مخفی شوروی به میلیون روبل خریداری گردید و استالین آنها را بعنوان اسناد انکارناپذیری درباره مجرمیت توخاچوفسکی به وروشیلوف و پولیت بورو ارائه داد (۳۳).

توخاچوفسکی و تعداد دیگری از ژنرالهای ارتش سرخ بازداشت و تیرباران گردیدند، هشت ژنرال را مجبور کردند که يك دادگاه نظامی برای این منظور تشکیل دهند و بعدها شش تن از این هشت ژنرال نیز تیرباران شدند. تصفیه، همه قشرهای نظامی ارتش سرخ را دربرگرفت. از میان ۸۵ فرمانده سپاه ۵۷ تن و از بین ۱۱۵ فرمانده لشکر ۱۱۰ تن اعدام گردیدند. وقتی هیتلر در سال ۱۹۴۱ به اتحاد شوروی حمله کرد، ارتش سرخ هنوز نتوانسته بود آثار آن خونریزی وحشیانه را جبران کند.

آنچه استالین میخواست حزب و ارتشی بود که کاملاً تابع اراده او باشند، از اینرو همه افرادی را که دارای ذهنی نقاد یا حتی مستقل بودند تصفیه کرد. این کشتار دستمجمعی که تا سال ۱۹۳۸ ادامه یافت بنا بر روی همه کسانی که دارای سابقه مخالفت بودند منجر شد. و افراد باقیمانده را عمیقاً دچار وحشت کرد. در اوایل سال ۱۹۳۹ استالین موقع را برای تشکیل کنگره جدید یعنی کنگره هجدهم حزب مناسب تشخیص داد، هریک از نمایندگان که در این کنگره شرکت میجست بخاطر می آورد که بیش از نیمی از نمایندگان کنگره پیشین تیرباران شده اند. بهنگام گشایش کنگره وقتی رهبر محبوب آنها پشت تریبون ظاهر شد، نمایندگان همگی بپاخاستند و برای او ابراز احساسات کردند، ابراز احساسات همچنان

ادامه یافت، زیرا هیچیک از نمایندگان نمیخواست بعنوان اولین کسی که دیگر به ابراز احساسات ادامه نداد، مورد توجه قرار گیرد، در این هنگام استالین رقیبی در پیش نداشت. او اکنون بصورت فرمانروای مطلق درآمد، بود، و رفقای انقلابی او و یا در واقع آن عددی که زنده بودند، ملازمان او بشمار می آمدند.

جنگ جهانی از سپتامبر ۱۹۳۹ شروع می شود، استراتژی اولی استالین براساس عدم درگیری یا دیرتر درگیر شدن شوروی در این جنگ بود.

بهین منظور در سال ۱۹۴۰، با هیتلر پیمان دوستی بست، و براساس آن بخشی از لهستان به شوروی و بخش دیگر به آلمان هیتلری واگذار شد. استالین علیرغم تذکرات رهبران دیگر شوروی، تصور می کرد حداقل دو سال از جنگ برکنار خواهد ماند، اما در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، حمله آلمان به شوروی آغاز شد.

جنگ در سال ۱۹۴۵ پایان یافت. با فراغت از جنگ استالین پیروزیهای سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی بزرگی بدست آورد.

اکثر کشورهای اروپای شرقی بوسیله سربازان شوروی اشغال شدند و رژیمهای دموکراسی توده ای در زیر فشار و نظارت مسکو در این کشورها (لهستان، آلمان شرقی، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان، آلبانی) مستقر گردیدند. اما پیروزیهای بزرگ صنعتی و علمی شوروی در این دوره (۱۹۴۵ - ۱۹۵۳) موجب هیچگونه نرمش و انعطافی در سیاست داخلی و خارجی استالین نگردید و در عمل سیاست دموکراتیزاسیون که در زمان جنگ وعده آن داده می شد کاملاً طرد شد و اقتدار فردی استالین روز بروز بیشتر وریشه دارتر گردید و «ژنی استالینی» راهنمای تمام رهبری های احزاب در سطح جهان کمونیست بشمار رفت.

بدینترتیب موج تصفیه و اعدام دوباره شروع شد، و این بار در سطح رهبری حزب کمونیست شوروی و هم در سطح رهبری و مسؤولان احزاب کمونیست برادر نزدیکترین و وفادارترین رهبران شوروی مشمول تصفیه گردیدند.

حتی اعضای خانواده های این رهبران نیز از این تصفیه برکنار نماندند.

استالین مادام مولوتف را بار دو گاههای کار اجباری و مادام کالینین زن رئیس جمهوری شوروی را بزندان فرستاد.

در اروپای شرقی تصفیه شامل رهبران احزاب و دولتهایی شد که کوچکترین تمایلی برای حفظ استقلال ملی از خود نشان می دادند. این رهبران همگی طرد و محو شدند.

در لهستان گومولکارئیس جمهوری این کشور بزندان فرستاده شد و مارشال شوروی روکوسوفسکی (۳۴) در ورشو مستقر گردید.

در چکسلواکی پس از استعفای دکتر بنش در سال ۱۹۴۸، اسلانسکی دبیر کل حزب کمونیست و کلمنتیس (۳۵) وزیر خارجه وقت اعدام شدند.

در بلغارستان در سال ۱۹۴۹ کوستف (۳۶) نخست وزیر اعدام گردید و دیمیتروف شخصیت مهم از صحنه طرد شد، در مجارستان در سال ۱۹۴۸ رایک (۳۷) وزیر خارجه اعدام گردید.

در اوایل زمستان سال ۱۹۵۲، استالین دچار حمله قلبی شد. برجسته ترین شخصیتهای پزشکی شوروی بر بالین او احضار گردیدند و پس از مشورت به استالین توصیه شد که لازم است با استراحت پردازد. از همین توصیه، استالین به پزشکان خود سوء ظن پیدا کرد و گمان برد که آنها می خواهند او را از قدرت دور کنند. همه این پزشکان زندانی شدند و در زندان به اتهاماتی که بزیان آنها اقامه گردید «اقرار» کردند. در پنجم مارس ۱۹۵۳ استالین در گذشت.

استالین بهنگام مرگ نماینده بوروکراسی تکامل یافته ای بود که از حزب واحد حاکم ریشه می گرفت.

تروتسکی همواره از مفهومی که لنین و استالین از حزب داشتند، انتقاد می کرد. آن مفهوم چنین بود: «حزب براساس يك گروه ممتاز با ساترائسم شدید و شباقت و عینیت و اندیشه همه افراد حزب بوجود می آید.» بنظر تروتسکی، در چنین حزبی، آزادی انتقاد و جریان آزادانه تفکر سیاسی از بین می رود و اصول بوروکراتیک جانشین اصول دموکراتیک میشود. تروتسکی حتی در سال ۱۹۰۳ پیش بینی کرد چنین حزبی در جهتی تحول می یابد که يك کمیته مرکزی، از طریق اصول بوروکراتیک و ساترائلیست حزب را مستبدانه اداره کند و بالاخره يك «دیکتاتور» جانشین کمیته مرکزی شود.

تروتسکی با طرز اداره استالینی که بر اساس يك بوروکراسی تهاجمی و مخالفت با آزادی و انتقاد از پایین قرار داشت، بشدت مخالفت می کرد و تقاضا داشت که مناصب رهبری در جبهه های حزبی و فرماندهیهای اداری با شرکت توده های حزبی و کارگران تعیین گردد زیرا بعقیده تروتسکی از هنگام استقرار بوروکراسی، یکنوع استثمار طبقاتی شروع می شود و در نتیجه، بخش مهمی از درآمد ملی مصروف بوروکراسی می گردد. امروز نیز تروتسکیستها مخالف سرسخت استالینسم و رویزونیسم هستند.

استالین در سال ۱۹۳۱ در رساله «شرایط جدید» مسأله بوروکراسی را چنین تفسیر می کند:

خصیصه حکومت اقلیت حزبی، و عبارت دیگر رهبری دسته‌جمعی که پیش از برقراری سیستم حکومت شخصی استالین متداول بود، مجدداً استوار شود.

از يك لحاظ موفقیت استالین در ادامه حکومت مطلقه، راه را بروی سیستمی مغایر سیستم وی هموار ساخت. او تقریباً در زندگی سیاسی، هر کسی را که قضاوت مستقلی از خود نشان می‌داد، یا از اعمال او انتقاد بعمل می‌آورد، یا به آنها اعتراض می‌کرد، محکوم برک می‌گردانید.

وی همچنین از راه بازداشت‌های پرحاشیه و کشتارهای دسته‌جمعی همه جنبشهای ناسیونالیستی جمهوریهای غیرروسی شوروی را سرکوب کرد.

آنانکه زنده ماندند، کسانی بودند که مطیع محض استالین بودند، یا در جرگهٔ خادمان و ملازمان و چاپلوسان او بشمار می‌رفتند و می‌دانستند برای حفظ نفع شخصی خود چگونه در سمت راست صاحب قدرت قرار گیرند. بدینسان استالین برای جانشینان خود در کرمیلین حزبی رام و مردمی بسیار مطیع به ارث گذاشت. باینوصف حتی پس از مرگ استالین هم، ترور و وحشت همچنان تاحدی برای کنترل امور ضرورت داشت. ولی در سال ۱۹۵۳ مردم شوروی آنچنان خود را ترسو نشان دادند که معلوم گردید با فشار نسبی کمتری هم می‌توان همچنان بر آنها حکومت کرد. رهبران جدید بی‌آنکه احساس خطری کنند، از خشونت رژیم کاستند، و از این رهگذر محبوبیتی بدست آوردند. بزرگترین خطری که آنها را تهدید می‌کرد این بود که از میان آنها يك نفر در صدد کسب اقتدار استالینی برآید، و استبداد دوران او را احیا کند. بزرگترین آرزومند چنین اقتداری «بریا» بود که پس از مرگ استالین باریگر کنترل پلیس نهانی را بدست گرفته بود. استالین در حیات خود مقام او را از ترس قدرت زیادی که کسب کرده بود، کنترل داده بود. «بریا» در این هنگام ظاهراً قصد داشت به کودتایی دست بزند ولی بروایتی در یکی از جلسات پرزیدیوم حزب کمونیست، مالنکوف و میکویان، بریا را به کمک دو ژنرال ارتشی خفه کردند (این مطلب را خروشچف یکی از کمونیستهای برجستهٔ ایتالیایی بیان داشت اما روایت رسمی دیگر اینست که بریا پس از محاکمه‌یی از طرف پرزیدیوم تیرباران شد.) بدنبال آن يك دوره رهبری دسته‌جمعی بوجود آمد که در آن هیچیک از رهبران حزبی بر دیگران برتری نداشت. اما در سال ۱۹۵۶، خروشچف دبیر اول حزب قدرت برتری بدست آورد. جالب است که خروشچف بجای عنوان دبیر کل که استالین برخود نهاده بود، عنوان دبیر اول را برای خود برگزید.

لنین، فراهم نبود. بلکه تنها شرایط ذهنی (سویژکتیو) آن بوجود آمده بود. لنین و یاران او کوشیدند، بکمک عوامل ذهنی شرایط عینی را تغییر دهند، و این البته يك انتظار غیرمارکسیستی بود، ولی برعکس قصد آنان، کم‌کم شرایط عینی در ذهن رهبران اثر گذاشت، و مولودی تاریخی در قیافهٔ استالین بوجود آورد.

فصل هشتم

عصر خروشچف

۱- ظهور و سقوط خروشچف
مرگ استالین بار عظیم ترسی را که سالها بر مردم روسیه سنگینی می‌کرد، کاهش داد، بار حکومتی که وحشت و ترور را که بوسیله پلیس نهانی ترسناکی در هر گوشه زندگی مردم روسیه مراقبت می‌کرد و جاسوسانی را برای این منظور می‌گمارد. با وجود ترس و وحشت عمومی که از تصفیه‌های پی‌درپی ناشی می‌شد، استالین در عین حال بعنوان رهبری که در زمان او روسیه دارای صنایع سنگین نیرومندی گردید و از يك جنگ نومیدانه پیروز بیرون آمد، مورد تحسین آمیخته بترس بود. در فردای ورود ارتش روسیه به برلن، احساس تحسین برا احساس تنفر در میان اکثریت بزرگی از مردم روسیه فرونی گرفت. در سال ۱۹۵۳، هم توده‌های مردم و هم افراد حزب ففس راحتی کشیدند زیرا محدودیتهای زندگی آنان کاهش محسوسی یافت. اما نخستین علائم کشف «توطئه پزشکان» که نشانه‌یی از آغاز، تصفیه بزرگ جدیدی را دربرداشت، زنگ خطر را بصدا درآورد.

در میان نگرانی روبه‌فرونی دربارهٔ آنچه که آینده آستن آن بود، استالین دچار سکنه مغزی شد و درگذشت.

سیاست «غیر استالینی کردن» تقریباً بلافاصله شروع شد. داستان «توطئه پزشکان» ساخته و پرداختهٔ پلیس نهانی اعلام گردید. از آنجا که این توطئه پای افراد برجستهٔ حزب را بمیان می‌کشید. جانشینان استالین راه دیگری جز اعلام جعلی بودن آن نداشتند. اما آنها باین عمل خود، پلیس نهانی را بی‌اعتبار ساختند و از این راه موقعیت و قدرت خود را بمیزان زیادی کاهش دادند. بی‌اعتباری پلیس نهانی، که از وسایل عمدهٔ حکومت بشمار می‌رفت، کار هر زمامدار تازه را که می‌خواست با شیوه‌های استالینی حکومت کند، مشکل‌تر ساخت. بعلاوه، پس از تجربهٔ وحشتناک سالهای متعاقب ۱۹۳۶، که هیچ فردی، هر قدر هم مقام بالایی در حزب داشت، نمی‌توانست از خطر بازداشت‌های مستبدانه و اعدام احساس ایمنی کند، تمایل عمومی افراد حزب متوجه پایان بخشیدن بحکومت مطلقه بود، و همه می‌خواستند

هیچ طبقه حاکمی (مسلط) نمی‌تواند از روشنفکران طبقه خود صرف‌نظر کند. هیچ دلیلی ندارد که طبقه کارگر شوروی، از روشنفکران و تکنیسین‌های دستگاه‌های تولیدی صرف‌نظر کند. و در مه ۱۹۳۵ در این باره نطقی بیان می‌کند که باتحلیل بنیانی مارکسیسم تناقض دارد. این کادرها هستند که درباره مسائل تصمیم می‌گیرند و این مهمترین واقعیت است.»

نیکلای بوخارین، یکی دیگر از رهبران برجسته این زمان، از تحول بوروکراسی نوزاد شوروی سخت نگران بود و درحالی‌که همراه با استالین «فراکسیون بازی» را در داخل حزب محکوم می‌ساخت، از انهدام دموکراسی در حزب ابراز نگرانی کرد. در مارس ۱۹۱۳ بوخارین، استالین را محکوم ساخت که مجری سیاست میهن‌دوستی افراطی ملت روس است. و سیاست استالینی را، تغییر ماهیت انقلاب و تقویت يك طبقه جدید که موجب انهدام پیروزیهای انقلابی می‌گردد، معرفی کرد.

یکی از مسائل بزرگ دوران استالین و شخص او، برخورد استالین با تیتو بود. در سال ۱۹۴۸، تیتو در برابر دستورهای کمینفرم که بین‌الملل ساختگی استالین بود، به مقاومت برخاست و در مقابل شوروی يك سیاست ملی در پیش گرفت، برخورد استالین و تیتو در فصل دیگری تحت‌عنوان «تیتوئیسم» با تفصیل بیشتری مطرح شده است، در اینجا بایجاز اشاره می‌کنیم که تیتو در مقابل سیاست استالینی از سه استراتژی بزرگ دفاع می‌کرد:

— حق استقلال و حاکمیت هر دولت سوسیالیستی

— تساوی حقوق دولتهای سوسیالیستی — حق هرملتی برای آنکه سوسیالیسم خود را براساس مقتضیات، خصوصیات، و تمایلات خاص و بر مبنای شیوه‌های ملی خود بوجود آورد.

قضاوت کنونی بسیاری از مارکسیستها و سوسیالیستها درباره استالین، در يك جمله چنین است:

«استالین از اصول مارکسیستی منحرف شده، و حفظ موقعیت و قدرت شخصی را، بصورت هدف اساسی خود درآورده و در این راه از توسل به هیچ وسیله نامشروعی تن نمی‌زند.»

اما چنانچه واقعیات و عوامل عینی، موجبات چنین انحرافی را ایجاد نمی‌کرد استالین با اراده شخصی خود قادر نبود علیرغم جریان واقعیات شنا کند و دريك مسیر انحرافی بیفتد. عیبی که در شخصیت تاریخی استالین منعکس شد، بیشتر از این واقعیت سرچشمه می‌گرفت که شرایط عینی (۳۸) روسیه، برای يك انقلاب سوسیالیستی بامفاهیم عصر مارکس و حتی

در این وقت او خود را از شر نخست وزیر مالنکوف خلاص کرد.

هواداران خروشچف در مطبوعات از او چهره‌یی ساختند که چنین می‌نمود آثاری از استالین به‌ارث برده است. همکاران خروشچف برای آنکه جاه‌طلبی‌های او را محدود سازند، بی‌آنکه رهبری قانونی او را مردود بشناسند، تصمیم گرفتند که شرح جنایات استالین در محدوده حزب اعلام شود و رسماً پرستش شخصیت موقوف و تقبیح گردد. زیرا تصور می‌شد که همه جنایات استالین، از پرستش جویی شخصیت او ناشی شده بود. پیش‌نویس نطقی برای ایراد در جلسه محرمانه کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی آماده گردید و «پولیت‌بورو» از خروشچف خواست که متن نطق را در کنگره قرائت کند. بنظر ج. هودسون خروشچف نمی‌توانست از ایراد این نطق خودداری کند، ولی دلایلی در دست است که نشان می‌دهد وی شدت از ایراد چنین نطقی اکراه داشت و نمی‌خواست که این «نوید آزادی» را باقلیت متنفذ حزبی بدهد (در باره اکراه خروشچف از تقبیح استالین در کتاب خروشچف و کسب قدرت تألیف Palecz-Horvath و کتاب روح خروشچف و استالین تألیف B. Wolfe قرآینی ابراز شده است)

بسیاری از حقایقی که در گزارش سری خروشچف بمیان آمد، حقایقی بود که قبلاً بگوش نمایندگان کنگره رسیده بود زیرا آنان خود در زیر حکومت وحشت استالینی زیسته بودند. اما شنیدن این حقایق درباره «رهبر بشریت مرقی» که به‌صورت بتی در آمده بود، آنهم بطور رسمی، از زبان دبیر اول حزب، بسیار برای آنان هیجان‌انگیز و تکان دهنده بود. هیجان در دنیا خیلی بیشتر بود زیرا دولت آمریکامتن این گزارش را از یکی از نمایندگان خارجی «برادر» که در کنگره حضور داشت بدست آورد و آنرا انتشار داد. به‌این ترتیب در مغرب‌زمین برای همه امکان داشت که آنچه را که خروشچف درباره ارباب پیشین خود گفته است، بخوانند.

نطق خروشچف از لحاظ کسانی که آنرا تهیه کرده بودند، نتایج غیرمنتظره‌یی به‌بار آورد زیرا آنها قصد داشتند که این نطق فقط بگوش اعضای کنگره حزب و تعداد کمی از کمونیستهای برجسته خارجی برسد، در صورتیکه همه جهانیان از آن باخبر شده بودند. هرگز قصد آن نبود که جامه‌های کثیف حزب در ملاء عام، حتی توده کمونیست شسته شوند، تا چهره‌سایه باینکه کار بجایی بکشد که دشمنان سیستم کمونیستی نیز آنرا دستاویز انتقاد قرار دهند. اثرات نطق در خود شوروی ناچیز بود زیرا با آنکه رسماً سعی می‌شد از انتقاد شخصیت

استالین جلوگیری گردد، ولی حقایق دوران حکومت او برای مردم شوروی مکتوم نبود. تا آن زمان در خارج از روسیه کمونیستهای عادی ولیبرالهای متمایل بآنها درخردمندی و خیرخواهی استالین شکی نداشتند، و داستانهای مربوط به قساوت و بی‌رحمی او را ساخته‌ها و معمولات بدخواهان می‌شمردند. اما وقتی این مردم اطلاع یافتند که بت و معبود آنها جنایتکاری بیش نبوده است، دچار ضربه روحی شدیدی شدند بدتر آنکه این کمونیستها و هواداران آنها از طرفی مورد استهزاء ضد کمونیستها قرار گرفتند، و از طرف دیگر مجبور شدند علناً اعتراف کنند که در اشتباه بوده‌اند. بر اثر این واقعه، بحیثیت و اعتبار کمونیسم ضربه سنگینی وارد آمد.

امکان داشت که گفته شود عصر استالین چیزی مربوط بگذشته است، و اینک در اتحاد شوروی تحت رهبری جدید، همه امور در مسیر مطلوبی سیر می‌کند. اما غیرممکن بود مکتب کمونیسم که برای بشریت بصورت انجیلی جلوه می‌کرد، از این واقعه آسیب نبیند زیرا قبول اینکه مردی که بیش از سی سال هواداران خود را رهبری می‌کرد، جانور خونخواری بیش نبوده است، باین سیمای جهانی کمونیسم لطمه‌شدیدی می‌زد. روحیه کمونیستهای خارج از شوروی بدنبال نطق خروشچف، بشدت تضعیف شد و همین امر یکی از علل شورشهای لهستان و مجارستان بشمار می‌رفت که اواخر همان سال بوقوع پیوست. از طرف دیگر لیبرالهای غربی، پس از يك دوره بهت و حیرت، نسبت برژیم جدید نظریه مساعدی پیدا کردند. زیرا اکثر آنها عقیده داشتند که امکان ندارد بدون قصد ایجاد تغییرات اساسی در نظام کمونیستی چنین نطقی ایراد شود. حتی بعضیها انتظار داشتند که رژیم شوروی بتدریج بنوعی دموکراسی لیبرالیستی مبدل شود. دیری نیاید که خروشچف بصورت قهرمانی اصلاح‌طلب و روشنفکر درآمد که شجاعانه با سیه‌پروری «گارد قدیم» استالینیست مبارزه می‌کند.

اما چنین نظری بیشتر جنبه خیالبافانه داشت، تغییرات مهم در جهت مخالف اعمال و سیاست استالین، هم در زمینه داخلی و هم در زمینه خارجی، در دوران حکومت مالنکوف بوقوع پیوست و پس از سیاست ضد استالینی خروشچف، غیر از تقبیح شفاهی دیکتاتور سابق اقدام مهم دیگری در جهت تغییر شیوه و نحوه عمل او صورت نگرفت، بلکه خروشچف از این جریان ماهرانه بزبان مخالفان خود استفاده سیاسی کرد. بنظر ج. هودسون خروشچف کمترین قصدی برای ایجاد دموکراسی در روسیه نداشت. شعار او بازگشت به لنینیسم بود. و چون خود لنین همه احزاب مخالف را سرکوب کرد،

از چنین شعاری نمی‌شد انتظار داشت که روسیه بسوی آزادیهای سیاسی گام برخواهد داشت. برای افراد حزب، سیاست ضد استالینی بدان معنی بود که آنها می‌توانند شب را در بستر خود آسوده بخوابند، بی‌آنکه نیمه شب پلیس سرزده بسراغشان برود و آنها را همراه جامه‌دانی بزندان روانه سازد. و گرنه سیاست «غیر استالینی» بمعنی آن نبود که قدرت انحصاری حزب در حال انحلال است، یا بیک حزب مخالف کمونیسم اجازه فعالیت داده خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب قدرتی را که در زمان لنین داشت، مجدداً بدست آورد، و بصورت دادگاه استینافی در مقابل تصمیمات «پولیت‌بورو» درآمد.

دبیر اول حزب در مقامی قرار گرفت که هم می‌توانست کمیته مرکزی را بدنبال خود بکشد (زیرا در انتخاب نمایندگان کنگره که اعضای کمیته مرکزی را برمی‌گزیدند، تأثیر قاطعی داشت) و هم قادر بود دبیران درجه دوم حزبی را که تحت نفوذ او قرار داشتند، به‌این سمت منصوب کند. از اینرو خروشچف در اوایل ۱۹۵۵ توانست نه تنها مالنکوف را از سمت نخست وزیر عزل کند، بلکه در تابستان ۱۹۵۷ «گروه ضد حزبی» را نیز درهم بکوبد. گروه ضد حزبی از مالنکوف و افراد ناراضی تشکیل می‌شد و قصدشان عزل خروشچف از رهبری حزب بود.

این حمله خروشچف نشان می‌داد بکسانی که قدرت خود را مدیون آنها است، پشت‌پا زده است. خروشچف نیز مانند استالین دستگاه حزبی، و افراد سازمانهای حرفه‌یی تمام وقت، و مبلغان حزبی را که مناصبشان از مناصب بوروکراسی دولتی مجزا بود، پایگاه اصلی خود قرار داد. همو مانند استالین، علاوه برداشتن سمت دبیر اولی حزب، سمت نخست‌وزیری را هم احراز کرد و باین ترتیب هم رهبر حزب و هم رئیس دولت شد. رهبر حزبی که هر دو سمت را در آن واحد احراز می‌کند، حداکثر قدرت را در دستهای خویش متمرکز می‌سازد. اما با همه این، او در چنین موقعیتی نیز باید تصمیم بگیرد که کدام قسمت را مهمتر تلقی می‌کند. و این تصمیم دارای نتایج عملی مهمی است، زیرا به‌این طریق است که موفقیت و میزان صلاحیت مقامات حزبی و دولتی معین می‌شود. این موضوع در ضمن، يك مسأله فوری نیز بشمار می‌رود، زیرا روابط حزب و دولت را در سیستم سیاسی کمونیستی معین می‌سازد. اصل و قانون اساسی اینست که حزب دولت را رهبری می‌کند و خطوط اساسی سیاستی که دولت باید بعداً آنها را بمرحله اجرا درآورد، معین می‌کند، ممکن است تصور شود اگر وزیران عضو حزب باشند، و اگر مهمترین تصمیمات از

طرف «پولیت بورو»ی حزب (که برخی یا همه اعضای آن مقامات دولتی را نیز بر عهده دارند) اتخاذ گردد، اصل مهم مذکور عملی گردیده است. ولی باید توجه داشت که حزب موجودیتی مستقل از دولت دارد. حزب دارای سازمانی مخصوص خود، و یک بوروکراسی جداگانه است، و این بوروکراسی را اعضای حرفه‌یی آن که بطور تمام وقت در حزب کار می‌کنند تشکیل می‌دهند. همین افرادند که هسته مرکزی حزب را بوجود می‌آورند. باز همین افرادند که ایمان و وفاداری افراد رابحزب تقویت می‌کنند و خود از آن مستقیماً منتفع می‌شوند، بنابراین در حفظ قدرت انحصاری سیاسی حزب نفع شدیدی دارند. آنها به دبیر اول حزب خدمت می‌کنند و درمقابل انتظار دارند که دبیر اول هم حقوق و مزایای آنها را در مقابل تجاوز بوروکراسی دولتی حفظ کند. از اینرو پیوسته بین مقامات دو سازمان متمایز، برخورد و مناقشه وجود دارد. زیرا بوروکراتهای دولتی (که نقش آنها در رژیم کمونیستی مانند نقش کارفرمایان و مدیران مؤسسات اقتصادی خصوصی در اجتماع سرمایه‌داری است) عموماً از مداخله در کار اختصاصی آنها ناراضی هستند و شاید حتی عقیده داشته باشند که هرگاه قدرت این کنترل کنندگان سیاسی فقط تاحد مبلغان مرامی کاهش یابد، آنها بهتر بوظایف خود عمل خواهند کرد. بنابراین وقتی دبیر اول حزب نخست‌وزیر هم می‌شود، و شخصاً بجای آنکه فقط حزب را بعنوان «مغز رهبری» (اصطلاحی است که در قانون اساسی شوروی بکار رفته است) اداره کند، بامسائل دستگاه اداری سروکار می‌یابد، ممکن است بتدریج بجای نظرات حزب به نظرگاه‌های نظرهای دولتی برسد. این مشکل در رژیم استالین تقریباً وجود نداشت، زیرا وی در آخرین سالهای حکومت خود بیشتر بوسیله پلیس نهانی حکومت می‌کرد، و باتوجه باستبداد شخصی خود تا حدی مافوق حزب، و دولت بشمار می‌رفت. اما خروشچف دارای پلیس نهانی استالین نبود. خروشچف بعنوان شخصیت دستگاه حزبی، در رأس آن قرار گرفت و از اینرو پیوسته بحمايت آن احتیاج داشت، معهذا، خروشچف بعنوان نخست‌وزیر، بیش از پیش مجذوب مسائل مربوط باقتصاد شوروی شد، و ایجاد دستگاه اقتصادی کارآمدی، بصورت مهمترین هدف او درآمد و سرانجام خروشچف دستگاه حزبی را بدو بخش کشاورزی و صنعتی تقسیم کرد، تا افراد آن برای نظارت اداری در کار خود تخصص یابند. اما این تقسیم‌بندی مقام حزب را از صورت سازمان سیاسی واحدی که مجزا از دولت مافوق آنست کنترل داد. و این بدان سبب بود که خروشچف پس از سالها حکومت و اعمال قدرت دچار عجب و غفلت

شده بود. نتیجه این غفلت چیزی جز پایان بخشیدن بحیات سیاسی او نبود. خروشچف دشمنان بسیاری داشت واشتباهات زیادی در سیاست داخلی و خارجی مرتکب شده بود. اما اگر از حمایت بیدریغ سازمان حزبی برخوردار می‌بود، می‌توانست همه بحران‌های سیاسی را از سر بگذراند، ولی وقتی این حمایت را از دست داد، حکومتش نیز پایان رسید. پس از سقوط او، به «اصلاح» حزبی او نیز، یعنی تقسیم حزب بدو بخش کشاورزی و صنعتی پایان داده شد.

پس از خروج خروشچف از صحنه سیاست، باردیگر سمتهای دبیر اولی حزب و نخست وزیری از یکدیگر جدا شدند که بترتیب برژنف و کاسیگین آنها را احراز کردند. بنابراین پس از کوششهای متوالی استالین و خروشچف برای ترکیب قدرت‌های عالی حزب و دولت، سیستم سیاسی شوروی باردیگر بوضع دوران پس از مرگ لنین بازگشت. که در آن وقت استالین دبیر کل حزب و رایکوف (۳۹) صدر شورای کمیساریای خلق بودند. باتجزیه قدرتها، نه تنها در برابر اعمال قدرت شخصی و استبدادی ایمنی بوجود آمد، بلکه ماهیت ویژه رژیم حزبی و دولتی کمونیستی نیز تحکیم شد. باین معنی که از آن پس حزب امکان یافت دائماً دستگاههای اداری و نظامی را کنترل کند. طبق تئوری مارکسیستی - لنینیستی، حزب عنصر برگزیده اجتماع است که انتقال دادن اجتماع سرمایه‌داری باجتماع سوسیالیستی، رسالت تاریخی آن بشمار می‌رود. بعلاوه وظیفه دیگر حزب اینست که اجتماع سوسیالیستی را بیک مرحله ایده‌آلی عالیتر رهبری کند. دراین مرحله دولت بتدریج از بین می‌رود. حزب باید بهر قیمتی شده، اصول حزبی را منزه و بی‌عیب نگاهدارد، و برتری آنرا در برابر ملاحظات عملی حفظ کند.

اما باید پرسید که آیا حزب کمونیست شوروی از لحاظ ذاتی و عملی مثلاً در سال ۱۹۶۷ یعنی پنجاهمین سال انقلاب اکتبر باندازه سال ۱۹۱۷ لنینیست بود؟ در جواب باید گفت که در این مدت تغییر عمده‌یی روی داده بود و آن عبارت از تفاوت نسلهایی است که در سالهای مذکور می‌زیستند. در سال ۱۹۶۷ تعداد کمی از افرادی که در سال ۱۹۱۷ عضویت حزب کمونیست را داشتند، زنده بودند. همچنین تعداد کسانی که انقلاب را بعنوان حادثه مهمی از دوران کودکی خود بخاطر داشتند کم بود. اکثریت بزرگی از جمعیت شوروی بعد از سال ۱۹۱۷ متولد شده بود. و اکثریت صاحبان مناصب سیاسی در دوران رژیم شوروی تربیت یافته بودند. انقلابیان کهنه کار بتدریج یافوت شده بودند و یا از کار افتاده بودند. اما باید افزود استالین با کشتارهای دسته جمعی خود از میان رفتن بلشکویکهای قدیم را تسریع

کرده بود. کمونیستهای نسل دوم با کمونیستهای نسل اول تفاوت عمده‌یی داشتند. نسل دوم هیچگونه سابقه و تجربه‌یی از دوره پیشین شوروی نداشت. اطلاعات افراد این نسل درباره گذشته، آنچه که مبلغان حزبی بگوششان می‌خواندند محدود می‌شد. برخلاف انقلابیان نسل لنین که اغلبشان چندی بعنوان دانشجو یا بصورت تبعیدی در خارج بسر برده بودند، از نسل دوم شوروی تعداد بسیار جزئی از مرزهای روسیه قدم بخارج گذارده بودند. البته به استثنای سربازانی که برای حمله بیک کشور خارجی بکار برده شده بودند. افراد نسل دوم اکنون در راه کمونیسم - که قبلاً غیر قابل حصول بنظر می‌رسیده - مبارزه‌یی نکردند بلکه آنرا حاضر و آماده بدست آوردند، آنها درچنین اجتماعی بار آمدند. در نظامی چشم گشودند که الزاماتش آنها را احاطه کرده بود و وسایل ارتباط جمعی می‌کوشید ادعاهای آن نظام اجتماعی را توجیه کند. در جامعه‌یی بار آمدند که درباره صحت اعتقادات و ارزشهای آن کسی حق سؤال علنی نداشت. جامعه‌یی بود که عضویت درحزب کمونیست آن، تقریباً تنها راهی بود که برای رسیدن بمقامات مهم و پرثمر وجود داشت. ابراز شور و شوق هرکسی بخطمشی وقت حزبی، که در روزنامه پراودا شرح داده می‌شد، راهی برای جلب نظر مساعد مقامات مافوق نسبت بخود بود. اما باید دید در چنین شرایطی ایمان حزبی چه صورتی می‌یافت و ارزش آن چقدر بود؟ می‌توان گفت کسی که در زمان ترارها بعلت فعالیت‌های سیاسی خطر بازداشت وزندانی شدن را بجان می‌خرد، بعقاید خود ایمان محکمی داشت، اما این کیفیت در مورد کسی که ایمان بهمان عقاید تنها دست‌آویز او برای احراز شغل مناسبی است، نمی‌تواند صادق باشد. در روسیه ۱۹۶۷، یعنی پنجاه سال پس از انقلاب هرکس علاوه بر افراد حزبی بظاهر کمونیسم را می‌پذیرفت، ولی هیچکس حاضر نبود از میزان علاقه صادقانه خود بآن چیزی بگوید.

۲- خروشچف مولود

ضرورت

در بخش گذشته خروشچف را در ضمن تحولات کمونیسم شوروی در دوران پس از استالین مطالعه کردیم، اینک جا دارد او را بصورت شخصیتی که نقش قاطعی در دوره‌یی از تاریخ شوروی داشته است، مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

باآنکه اشاره کردیم طبق قرائنی، خروشچف ابتدا در تقبیح علنی استالین اکراه نشان داد، و شاید بعواقب آن از لحاظ وجهه جهانی کمونیسم می‌اندیشید، معهذا شاید بتوان ظهور خروشچف را، واکنش ضرورت‌های داخلی شوروی در برابر خشونت

استالینی دانست. دیگر این ضرورتها، آنهمه خشونت، فشارهای پلیسی، گسترش اردوگام‌های کار اجباری، تشدید محیط سوء ظن و مهمتر از همه تصفیه‌های خونین را تحمل و توجیه نمی‌کرد.

در غیر این صورت، می‌بایست «بریا» بجای اعدام، بعنوان مظهر افراطی و مجری اصلی خشونتهای استالینی جای استالین را بگیرد. ولی موفقیت خروشچف نشان داد محیط تحمل ناپذیر سالهای آخر حیات استالین تنها بقدرت نفوذ و شخصیت محبوب او می‌توانست دوام بیاورد، و با مرگ او تغییراتی را در جهت انعطاف و نرمش‌الزامی می‌کرد. با اینهمه واقعیت جامعه شوروی و اجبارهایی که از هنگام بنیان حکومت سوسیالیستی بوجود آمده بود، هنوز هم تغییرات اساسی و ساختمانی در بنیان اجتماعی و اقتصادی شوروی را اجازه نمی‌داد، و شاید ناکامی خروشچف، در تحقق هدفهایی که کم و بیش بوی استقلال و حریت سیاسی می‌داد، قرینه‌ی بر صحت این مطلب باشد. خروشچف در سال ۱۸۹۴ در اوکراین بدنیا آمد. کار خود را بعنوان کارگر کارخانه شروع کرد و پس از انقلاب، در سال ۱۹۱۸ به حزب کمونیست پیوست. در سال ۱۹۳۴، یکی از ۱۵ یا ۲۰ نفر رهبران درجه اول شوروی بشمار می‌رفت. در سال ۱۹۴۷، پس از تصفیه‌های خشن استالینی، عضو شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی شد. در سال ۱۹۴۱ عضو دبیرخانه خصوصی استالین گردید. در سال ۱۹۵۳ پس از مرگ استالین، چنانکه گفتیم، بین خروشچف، مالنکوف و بریا رقابت شدیدی برای کسب قدرت در گرفت. پس از پارتیزده روز خروشچف مسؤول اول حزب و در سپتامبر ۱۹۵۳ رسماً دبیر اول حزب کمونیست شد. خروج بریا از صحنه، خطر اساسی را برای خروشچف از میان برد. دو سال بعد مالنکوف که طرفدار اولویت گسترش تولیدات مصرفی و تجدید سازمان کشاورزی در مقابل صنایع سنگین و تسلیحات بود، در برابر خروشچف که تری مخالف او داشت، عقب‌نشینی می‌کرد. و همانطور که اشاره کردیم در سال ۱۹۵۷ مالنکوف، گاگانویچ، و مولوتف بعنوان گروه ضدحزبی، ابتدا از کمیته مرکزی، و سپس از حزب اخراج شدند. خروشچف در حدود یازده سال (از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴) شوروی را رهبری کرد.

۳- نظرات اساسی خروشچف

الف - لیبرالیسم در سیاست داخلی
خروشچف با انعطاف سیاسی و اجتماعی گرایش نشان داد. در سال ۱۹۵۳ عفو عمومی اعلام کرد و بدنبال آن اردوگاههای کار اجباری تخلیه شدند. در آن وقت چنین بنظر می‌رسید که لیبرالیسم سیاسی در طول زمان قوت و توسعه بیشتری خواهد یافت، مع هذا

بیشرفت آزادیهای سیاسی در محیطهای روشنفکری که از زمان خروشچف تدریجاً شروع شده بود باموانعی برخورد کرد. خروشچف در اواخر سال ۱۹۶۲ و اوایل ۱۹۶۳ مجبور شد حدود «آزادی بخشی» داخلی و خصوصاً آنچه را که مربوط به روشنفکران بود، تعیین کند.

ب - فرمش در سیاست شوروی با کشورهای اروپای شرقی :

پس از حوادث مهمی که بر اثر جنبش ضد استالینی در لهستان و مجارستان بوجود آمد کمینفرم (بین‌الملل سوم) در اوایل ۱۹۵۶ منحل شد و کوشش بعمل آمد که تدریجاً سیاست اتحاد جماهیر شوروی بر اساس احترام بحق حاکمیت هر دولت سوسیالیستی قرار گیرد.

ج - اشکال مختلف عبور به سوسیالیسم
خروشچف در گزارش معروف خود بکنگره بیستم حزب کمونیست شوروی در فوریه ۱۹۵۶، خاطر نشان ساخت که اشکال عبور به سوسیالیسم، کاملاً متنوع‌اند و شیوه رسیدن به سوسیالیسم از طریق جنگ داخلی، اجباری نیست، تأکید اساسی او: بر تنوع راهها و شیوه‌های رسیدن به سوسیالیسم بود.

د - همزیستی مسالمت‌آمیز
یکی از مهمترین اصول فکری خروشچف، همزیستی مسالمت‌آمیز دولتهای دارای رژیمهای اجتماعی مختلف بود. البته منظور خروشچف از همزیستی مسالمت‌آمیز، سازش ایدئولوژی بورژوازی کمونیسم نبود بلکه معتقد بود مبارزه ایدئولوژیک باید با وسایل مسالمت‌آمیز انجام گیرد، و از هر گونه جنگی پرهیز شود.

ه - بقول خروشچف: زندگی بدون جنگ، بر اساس رقابت مسالمت‌آمیز، اینست جوهر همزیستی مسالمت‌آمیز.

خروشچف تأکید کرد که اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، يك مانور تاکتیکی موقت نیست، بلکه جوهر اساسی سیاست شوروی است. خروشچف در عمل صمیمیت و اعتقاد خود را باین اصل بروز داد.

ه - مبارزه با پرستش شخصیت

خروشچف در کنگره بیستم حزب کمونیست، سیاست «غیراستالینی» خود را تحت عنوان مخالفت با پرستش شخصیت فردی و امحاء آثار و زیانهای ناشی از آن، توضیح داد. خروشچف چنانکه گذشت در گزارش خود تصویر تازه‌ی از استالین ساخت که تا آن زمان در شوروی نمایان نشده بود. در تصویر خروشچف، استالین داهی بزرگ بشریت، آموزگار خردمند زحمت‌کشان، و شخصیت نافذ و محبوبی بود که قیافه پدرا نه‌اش، دلبستگی عمیق او را بشوده‌های زحمتکش جهان نمایش می‌داد ولی شخصیتی قدرت پرست و ستمگر می‌نمود که قربانیان بی‌شمار و خسارات مادی و معنوی عظیم

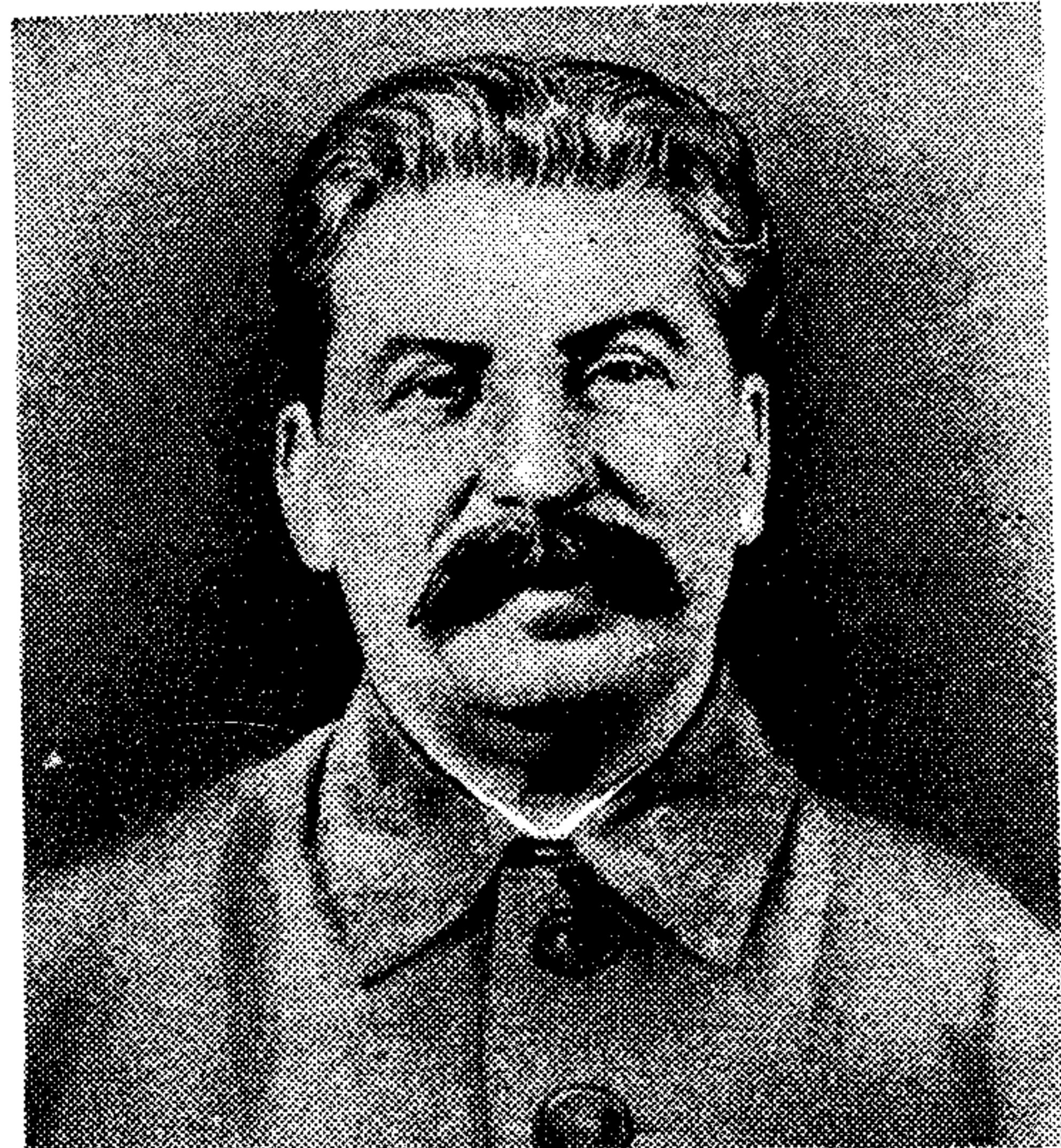
ناشی از اعمال وی، خدمات درخشان او را در ساختمان جامعه صنعتی مدرن شوروی و جهشهای حیرت‌انگیز آن، تحت‌الشعاع قرار داد.

پرستش شخصیت، یگانه اصل اساسی خروشف در توضیح انحرافات و اشتباهات زمان استالین بود، ولی آیا چنین تری کافی بود که مسائل شوروی را در زمان استالین توضیح دهد؟ آیا عیوب و انحرافات، ناشی از شخص واحدی بود یا از سیستم و دستگاه اجتماعی و اقتصادی خاص، که شخص تنها معرف آن بشمار می‌رفت.

نظرات اساسی خروشف، قبل از همه چینیه‌ها را بمخالفت ترهای او برمی‌انگیخت. بنظر چینیه‌ها حمله به استالین و اعتقاد به اصل رسیدن به سوسیالیسم از راههای مسالمت‌آمیز و پارلمانی، دواشتباه اصلی و بزرگ خروشف بود.

از سال ۱۹۶۳، چینیه‌ها با عناوینی نظیر تجدیدنظرطلبی، «ماجرای جویی» و «انحرافات از مارکسیسم - لنینیسم» حمله به خروشف را آغاز کردند و در مقابل خروشف هم چینیه‌ها را «دگماتیک» و «تروتسکیست» نامید.

خروشف در سال ۱۹۶۴ سعی کرد با تشکیل کنفرانسی از احزاب کمونیست جهان، اصول انحرافی چین را محکوم سازد. اما احزاب کمونیست جهان که خروشف به آنها، آزادی قابل ملاحظه‌ای داده بود دیگر آماده نبودند مانند زمان استالین، بدون قید و شرط از مسکو اطاعت کنند. در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۴ که خروشف برکنار شد، در غرب از رسالت ناتمام او که به کمونیسم، سیمای نرمتری می‌داد، گفتگو در میان بود.



استالین

1. Brosol
2. Nadia Kroupskaia
3. Kamenev 4. Zinoviev
5. Tolski 6. Bukharin
7. Kalinin 8. Narodniks
9. Kulaks.

۱۰ - لوئی فیشر: «زندگانی لنین»، ص ۶۴۰

11. Troika 12. Rykov
13. Almaata

۱۴ L. Schapiro : «حزب کمونیست شوروی»، ص ۳۷۸ ، ۳۸۳

۱۵ - N. Basily «روسیه تحت رژیم»، ص ۲۶۳

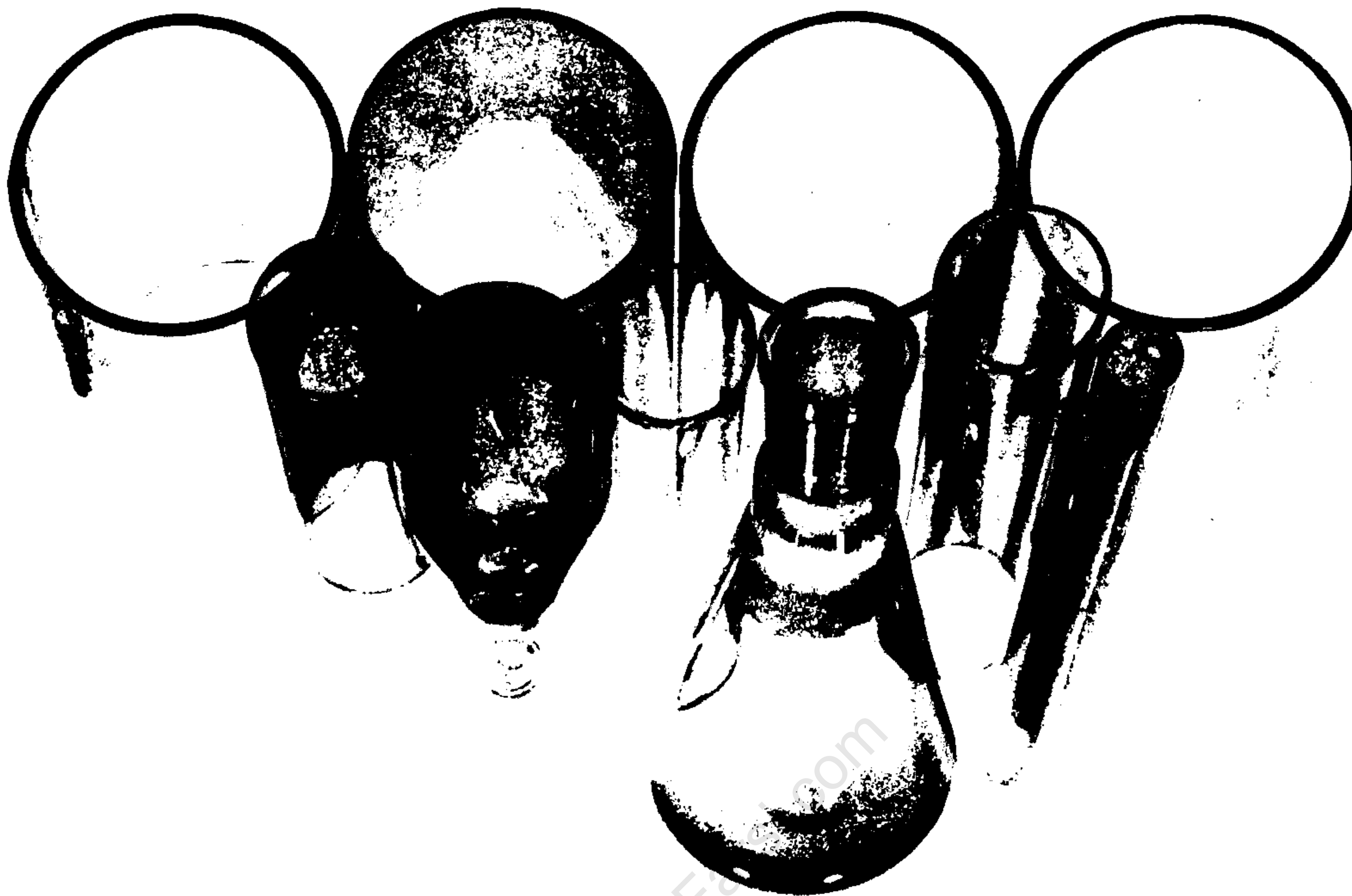
16. C.P.S.U. 17. Radek.

۱۸ - ل. شاپیرو: «حزب کمونیست در شوروی»، ص ۳۸۷

19. Kirov 20. Kossior
21. Radzutak. 22. Chuber.
23. Postyshev 24. Krivitsky
25. Oligarchy 26. G.P.U.
27. N.K.V.D 28. Sochi
29. Yezhev
30. Tukchachevsky
31. Skoblin 32. Heydrich

۳۳ باید دانست حقایق مربوط به توخاچوفسکی بعد از جنگ دوم یوسیله افرادی که برای آلمانیها جاسوسی می‌کردند فاش گردید، سه تن از روسهای سفید نیز که از طرف ژنرال سکوبلین اطلاعات جعلی ارائه داده بودند در این باره شهادت دادند. سکوبلین در سپتامبر ۱۹۳۷ با اتهام ربودن ژنرال میلر تحت تعقیب فرانسه قرار گرفت و ناگزیر به اسپانیا گریخت ولی هنگام فرار بیک کشتی روسی برده شد و بعد از آن دیگر هرگز دیده نشد.

34. Rokossovski
35. Clementis 36. Kostov
37. Rayke 38. Ob jective
39. Rykov



شیشه‌های رنگین

(شیشه و مس)

غلامرضا مریدی

B. Sc. M. Sc; M. Tech.

دانشگاه بروئل - انگلستان

رنگ و رنگ‌آمیزی، گذشته از اینکه در مظاهر طبیعت هست، با احساس بشر نیز آمیخته است. انسان همیشه از رنگ‌های دلپذیر لذت می‌برده است و برای تولید رنگ‌های متنوع همیشه علم و صنعت عصر خود را بخدمت می‌گرفته است. اجسام رنگی که در هر عصری از تاریخ مشاهده شده است گویای این واقعیت است. پارچه‌های الوان، تابلو-های نقاشی، مجسمه‌های رنگی، قالی‌های نفیس و بالاخره شیشه‌های رنگی، در اعصار گذشته بدست بشر آفریده شده است.

تهیه رنگ‌های خوش‌آیند و مرغوب همیشه مورد نظر انسان بوده است و رنگ‌فراآورده‌ها اهمیت خاصی در میزان فروش آنها داشته است. روی این اصل سعی انسان در گذشته و حال این بوده است که بهترین رنگ را برای مصنوعات خود انتخاب کند.

از آنجا که شیشه از قدیمترین مصنوعات بشر است (۱) بنابراین رنگ شیشه و شیشه‌های رنگین نیز تاریخی بسیار طولانی دارد. برای تهیه شیشه‌های رنگی فلزات رنگین مورد استفاده قرار گرفته‌اند که از آن میان مس اهمیت خاصی داشته است. بعضی از رنگهایی که توسط مس تولید می‌شده است بسیار مشهور بوده و فرمول آنها با گذشت زمان فراموش و گم شده بود و همین امر سبب شده بود که دانشمندان و صنعتگران قرن‌ها برای پیدا کردن فرمول آنها پایای همدیگر پژوهش کنند. لعاب‌های بسیار جالب و زیبای ایران باستان رنگ خود را مدیون مس هستند که در ترکیب آنها بکار رفته است. رنگ آبی مصری (۲) که مقام والایی در دربار امپراطوری روم قدیم داشت شامل ترکیباتی از مس بوده است. طبق نظریه فوک (۳) این ماده رنگی از سلیکات مس و کلسیم بفرمول $\text{CaO}-\text{CuO}-4\text{SiO}_2$ تشکیل می‌شده است. از آنجایی که ماده رنگی فوق، عاری از قلیاست بنابراین مقاومت بسیار خوبی در برابر هوا داشته و قدرت پایداری رنگ آن بسیار خوب بوده است. بعقیده فوک که رنگ فوق از آهکی کردن مقدار متناسبی اکسید مس و اکسید سلیکن SiO_2 با کربنات کلسیم CaCO_3 بدست می‌آمده است.

رنگ‌های فیروزه‌ای و مخصوصاً آبی تند لعاب ایرانی و مصری که دارای ترکیبات مس هستند فوق‌العاده زیبا و جالب و پراهمیت می‌باشند. امروز رنگ آبی باهمان مشخصات فوق بوسیله کبالت Co هم تولید می‌شود و همین امر سبب شده بود که مدت‌ها پیش تصور می‌کردند که رنگ‌های آبی ایرانی و مصری شامل ترکیبات کبالت است. بهر حال اکنون مسلم شده است که استفاده از کبالت در خاور نزدیک و دور جهت تولید رنگ آبی بعداً مرسوم شده بوده است. مصریها قادر بودند فقط با استفاده از مس و آهن لعاب‌های آبی تند تهیه کنند. تاریخ معاصر هنر و صنعت سرامیک حاکی از کوششهایی است که انسان معاصر برای تقلید از لعاب‌های آبی عهد باستان بکار بسته است. مشکل اساسی در این زمینه اینست که رنگ‌هایی با کیفیت رنگ‌های قدیم فقط در لعاب‌هایی که دارای قلیای زیاد هستند پایدار می‌باشند و از طرف دیگر ضریب انبساط حرارتی لعاب‌هایی که دارای قلیای فراوان هستند خیلی زیاد است.

رنگ دیگری که در زمان باستان دارای شهرت و زیبایی فوق‌العاده‌ای بوده، «Sang-de-Bœuf» نامیده می‌شده است. این رنگ عبارتست از رنگ قرمز تند چینی‌های عهد باستان، که در چین قدیم معمول بوده است. تقلید برای تهیه این رنگ سالیان دراز دانشمندان و شیمیست‌های اروپایی را بخود

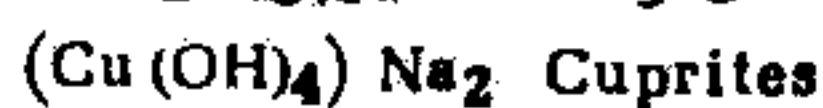
مشغول کرده بود. (۴) نیومن، کوتی‌گا، آرگیو در شیشه‌های مصری مکشوف از منطقه تل-الامارنا Tell-el-Amarna که مربوط به ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است مس بدست آوردند. در تمام شیشه‌های آبی و سبز این دوره از تاریخ، اکسید مس بعنوان ماده رنگی بکار رفته است. طی حفاری‌های باستانشناسی که در منطقه الفانتین Elephantin آسوان (مصر) بعمل آمده است قطعاتی بدست آمده که در میان آنها شیشه‌های همتانئون (۵) دیده می‌شود. قسمت بیرونی این شیشه‌ها برنگ فیروزه‌ایست و شاید بعلت اکسید شدن مس در ضمن ریختن مذاب شیشه در قالب که حرارت مجدد نیز لازم دارد، می‌باشد.

تولید شیشه‌های آبی و سبز مسی اشکالات اساسی بخصوصی در بر ندارد باوجود این باید در نظر گرفت که رفتار مس در مذاب سلیکات تاحدی پیچیده است. تحت شرایط اکسید کننده یون مس دوظرفیتی Cu^{2+} تشکیل می‌شود و تحت شرایط احیا کننده و در درجه حرارت بالا، یون مس یکظرفیتی Cu^+ و مس صفر ظرفیتی Cu^0 (مس فلزی) تشکیل خواهد شد. مس فلزی با شکل مس یا قوتی، همتانئون و (۶) اوتتورین در شیشه ظاهر می‌شود. مس دوظرفیتی Cu^{2+} مراکز رنگی در شیشه تولید می‌کند که تشکیل رنگ‌های آبی تند، آبی روشن، سبز و قهوه‌ای می‌دهد.

شیمی مس:

سطح خارجی مس تازه برنگ پرتقالی متمایل است. پس از آنکه مقداری اکسیژن در سطح فلز جذب شد رنگ آن به ارغوانی تبدیل می‌شود. در این موقع اکسید کیوپروس Cu_2O در سطح فلز تشکیل شده است. و وقتی که سطح مس کاملاً اکسیده شد رنگ آن سیاه می‌شود که نشانه تشکیل اکسید مس (کیوپریک) CuO در سطح فلز است. اکسید مس CuO ، در مجاورت با اجسام آلی می‌تواند اکسیژن خود را بدانها منتقل کند (واحیا شود). هیدروژن در درجه حرارت ۱۲۰ درجه سانتیگراد می‌تواند اکسید مس را احیا کند. رنگ اکسید مس هیدراته بر حسب شرایط تهیه آن تفاوت می‌کند. اگر محلول سلفات مس را با قلیا ترکیب کنیم رسوب هیدرات مس Cu(OH)_2 برنگ آبی روشن تشکیل می‌شود که باآسانی می‌تواند در اثر گرما آب خود را از دست داده با اکسید مس CuO برنگ قهوه‌ای تیره (سیاه) تبدیل شود.

نیدراکسید مس پس از حل شدن در قلیای قوی برنگ آبی تند تبدیل می‌شود. در این فعل و انفعال کیوپریتس



تشکیل میشود که همان لعاب

آبی‌تند مسی است. مس وقتی که بشکل کیوپریت Cuprite است باآسانی می‌تواند توسط هیدراکسید آمین احیا شده و به هیدراکسید کیوپروس Cu(OH) تبدیل شود. این رسوب زرد رنگ پس از آنکه آب خود را از دست داد تبدیل باکسید کیوپروس Cu_2O برنگ قرمز می‌شوند. احیاء کیوپریت با هیدرازین خیلی شدید می‌باشد و منجر به مس فلزی می‌گردد. در واقع ترکیبات مس می‌توانند احیا شده و بمس یکظرفیتی (کیوپروس) و مس صفر ظرفیتی (فلزی) تبدیل کردند. این تبدیل تاحدزیادی ارتباط بمحیطی دارد که عمل احیاء در آن انجام می‌گیرد و قسمت اعظم اشکالات موجود در تهیه لعاب تمام عیار «Sang-de-Bœuf» در تهیه همین محیط احیاء بوده است.

در محلول‌های اسیدی یون کیوپریک می‌تواند با قفسر یا اسید هیپوفسفریک احیاء شود. اگر سلفات مس در اسید سلفوریک ۲۰ درصد حل شده و پس از اضافه کردن اسید هیپوفسفریک آنرا حرارت دهیم ابتداء رنگ آبی محلول بعلت تشکیل یون کیوپروس از بین میرود ولی پس از مدتی رنگ قرمز مایل بقهوه‌ای که نشانه تشکیل مس فلزی است ظاهر می‌شود. اسیدهای اکسیدان مانند سلفوریک یا فسفریک یون کیوپروس را تبدیل بنمک کیوپریک و مس فلزی می‌کنند. فعل و انفعال فوق را می‌توان بصورت زیر نمایش داد.



که جهت آن در درجه حرارت زیاد بطرف چپ و در درجه حرارت کم سمت راست است. بنابراین اگر سلفات کیوپریک اسیدی بامس فلزی حرارت داده شود، سلفات کیوپروس تشکیل خواهد شد. پس از سرد شدن، سلفات کیوپروس تجزیه شده و مس فلزی رسوب خواهد داد. با استفاده از روش پتانسیومتری، لوتی (۷) تعادل بین حالت مس فلزی، کیوپروس و کیوپریک را بررسی کرده است. انتظار می‌رود که تعادلی از این نوع بین سه حالت مختلف یون مس در شیشه نیز وجود داشته باشد. در میان ترکیبات کیوپروس فقط تعداد خیلی کمی مانند سیانید، سلفید و یوید آن پایدار می‌باشند و بقیه مانند کلرید کیوپریک و مس فلزی تجزیه می‌شود.

رنگ مس کیوپریک در محلول‌ها

شیشه‌ها:

تغییر رنگ محلول نمک‌های مس همیشه مورد توجه و علاقه شیمیست‌ها بوده است. رنگ آبی محلول کلرید مس رقیق پس گرم کردن برنگ سبز و یا قهوه‌ای تبدیل می‌شود. تغییر رنگ مشابه با اضافه کردن اسید هیدروکلریک و یا با ازدیاد غلظت محلول کلرید مس نیز مشاهده میشود. از طرف دیگر رنگ قهوه‌ای کلرید مس

تاکنون هیچگونه کوششی جهت اندازه گیری طیف جذبی نمک های مس و ارتباط آن با مختصات و طبیعت اتمهایی که در اطراف آن هستند بعمل نیامده است. اگر همچون اطلاعاتی در دسترس باشد یون کیوپریک می تواند بطور مؤثر بعنوان اندیکاتور رنگی جهت تعیین ساختمان اتمی شیشه بکار رود. در شیشه های سلیکات، بورات و فسفات، مس همان رنگی را که محلول های آبکی بوجود می آورند تولید می کند. مقدار بسیار جزئی CuO در شیشه های تجارتی سلیکات سدا - آهک رنگ آبی روشن همانند سلفات مس تولید می کند. همان مقدار اکسید مس، ته رنگ سبزی در شیشه های بوروسلیکات یا شیشه هایی که دارای اکسید سرب یا اکسید منگنز زیاد هستند، تولید می کند.

حالت هیدراسیون و حلالیت یک یون بستگی به غلظت و طبیعت حلال و درجه حرارت دارد. این پدیده شامل شیشه هم می شود. مثلاً در شیشه هایی که دارای مس هستند رنگ آبی با گرم کردن شیشه برنگ سبز تغییر می کند. در این عمل تعداد یونهای اشباع نشده زیاده از تعداد یونهای اشباع شده می گردد. جذب نور بوسیله ترکیبات مس نه تنها بستگی به تعداد یونهای اکسیژنی که در اطراف Cu^{2+} هستند دارد، بلکه به توزیع فضایی این یونها نیز ارتباط دارد. خیلی محتمل بنظر می رسد که تغییرات رنگ شیشه هایی که دارای Cu^{2+} هستند به مختصات بستگی نداشته و فقط ناشی از توزیع های مختلف یونهای اکسیژن در فضا باشند.

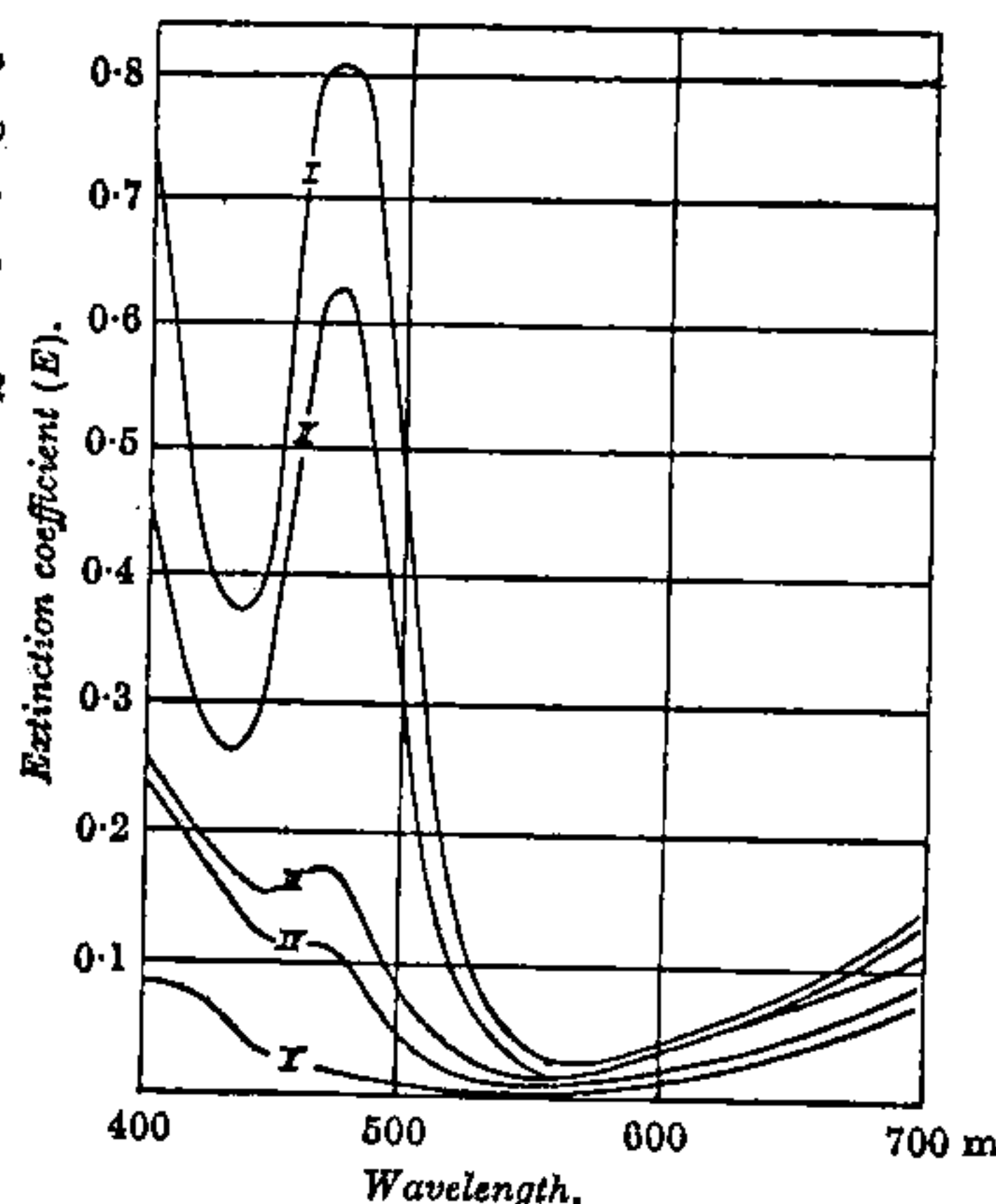
«لازارف» (۱۰) پس از اندازه گیری جذب نور بوسیله یون مس در شیشه های بورات باین نتیجه رسیدند که نه تنها یون کیوپریک بلکه کمپلکس های دیگری از مس نیز بایست مسؤول جذب نور باشند. در شیشه محیط اطراف یک یون بستگی بترکیب اولیه شیشه و تاریخ حرارتی آن دارد. در کریستال، تقارن نقش بسیار عمده ای در تصحیح محیط اطراف یک یون دارد. کریستال پتاسیم کیوپریک سلیکات بفرمول $\text{K}_2\text{O} \cdot \text{CuO} \cdot 4\text{SiO}_2$ که «دوبوآن» (۱۱) بطور سنتزی بدست آورده است برنگ آبی است درحالیکه شیشه ای بهمان ترکیب برنگ سبز است. اثر تقارن وقتی که کریستال بورات و شیشه آن مقایسه شود نیز مشاهده می شود. «گرتلر» (۱۲) نشان داد که کیوپریک متابورات $\text{CuO} \cdot \text{B}_2\text{O}_3$ وقتی که بشکل کریستال است برنگ آبی است. در حالی که شیشه آن برنگ سبز تیره است. بطور خلاصه می توان گفت که رنگ یون کیوپریک خیلی بستگی بحالت تغییر شکل پذیری آن دارد. وقتی بطور ناچیزی تحت تأثیر میدان های الکتریکی یونهای اطراف قرار دارد برنگ آن است.

دارد. اگر محلول کلرید کیوپریک در HCl را الکترولیز کنیم، منطقه قهوه ای مایل بزرده سمت آند حرکت می کند. بنابراین محلول باید دارای مخلوط Complex آفینی باشد که شامل مس است. بعنوان مثال آنیون $(\text{CuCl}_4)^{2-}$ این آنیون کمپلکس ممکن است از اضافه کردن یون کلر به ملکول تجزیه نشده کلرید کیوپریک بدست آید.

$$\text{CuCl}_2 + 2\text{Cl}^- = (\text{CuCl}_4)^{2-}$$
 تمام کلریدهایی که یون کلرین به غلظت زیاد تشکیل می دهند دارای همان اثر HCl روی خواص اپتیکی و الکتریکی کلرید کیوپریک هستند. از آنجا که خود CuCl_2 بسیار قابل حل است بنابراین انتظار می رود که در یک محلول غلیظ همان اثری را که MgCl_2 ، LiCl و یا کلریدهای دیگر اعمال می کنند داشته باشد. مقدار زیادی یون Cl^- بصورت محلول در آب جهت تشکیل کمپلکس آنیونی که دارای مس باشد ضروری است. حلال های دیگر مانند آستن، جهت تشکیل کمپلکس بسیار مساعد می باشند و در اینگونه حلال ها غلظت بسیار کمی از یون کلرید برای تشکیل کمپلکس کفایت می کند. شکل ۱ جذب نور رابرای محلول کلرید کیوپریک در مخلوطی از آب و آستن نشان می دهد. «کولشوتر» رنگ سبز تیره محلول غلیظ کلرید کیوپریک را مربوط بحضور یون تجزیه نشده ای بصورت $\text{Cu}(\text{CuCl}_4)$ می داند.

در محلول نمک های مس و شیشه های مسی حالت تعادل بین مراکز رنگی با مختصات های Co-Ordination مختلف نیز بایست موردنظر باشد. منظور از مختصات، تعداد نزدیکترین اتمهایی است که در اطراف اتم مورد نظر قرار دارند. در محلول های آبکی رقیق یون کیوپریک بوسیله تعداد ماگنیم ملکول آب احاطه شده است و این ملکول ها یک کمپلکس اشباع شده ای را تشکیل می دهند که در آن یون Cu^{2+} حداکثر مختصات را داراست. همچون مختصات وقتی که مس در شیشه حل می گردد نیز مشاهده می شود. بنابراین محلول های آبکی و شیشه هردو همان رنگ آبی را ظاهر می کنند. اگر غلظت یونهای کیوپریک زیاد شود در آنصورت اکسیژن بحد کافی جهت اشباع آن وجود نخواهد داشت. بنابراین تعدادی از یون های اشباع نشده که دارای مختصات کمتری هستند نیز وجود خواهند داشت.

اثراتی را که مختصات و حالت انحلال یون کیوپریک در خواص اپتیکی محلول و کریستالهایی که دارای مس دوظرفیتی هستند دارند، رنگ های متفاوتی که این محلول ها و کریستال ها ظاهر می کنند مشخص می نمایند. سلفات مس بی آب، بعنوان مثال بی رنگ است درحالی که منووتری هیدرات آن سبز و پنتاهیدرات آن برنگ آبی است.



شکل ۱
جذب نور بوسیله CuCl_2 در محلولی از آب و آستن

درصد مقدار آستن	منحنی
۱۰۰	I
۹۹	II
۹۱	III
۸۵	IV
۵۰	V

غلیظ با خنک کردن محلول تبدیل بآبی می گردد. شکل ۱ چگونگی تغییر مقدار جذب نور بوسیله محلول کلرید مس CuCl_2 را با ازدیاد غلظت نشان می دهد.

اولین تغییری که برای این دگرگونی رنگ می شود بیان کرد اینست که هیدرات های مختلف تشکیل می شود و تعادل میان این هیدرات ها بوسیله غلظت و درجه حرارت و با طبیعت حلال معین می شود. بعنوان مثال بنظر «اتار» (۸)، محلول کلرید کیوپریک در درجه حرارت ۱۱۶ درجه سانتیگراد بایست دارای مقداری ملکول کلرید کیوپریک کاملاً بی آب باشد، زیرا رنگ همچون محلولی کاملاً زرد است. بعدها این نظریه متروک شد و تغییر رنگ بدرجات مختلف تجزیه تعبیر گشت. R. Ley، تجزیه یونی کلرید کیوپریک را بصورت زیر بیان می کند.



و تغییر رنگ را با تغییر مکان تجزیه یونی با ازدیاد درجه حرارت تشریح می کند. کلرید کیوپریک برنگ زرد یا قهوه ایست درحالی که یون کیوپریک Cu^{2+} برنگ آبی است. این نوع بیان در اغلب کتب کلاسیک شیمی معدنی دیده می شود تا اینکه در سال ۱۹۰۴ «کولشوتر» (۹) نشان داد که همچون توضیحی برای تغییر رنگ محلول کلرید کیوپریک نیاز به تغییراتی

(سلفات مس بی آب). وقتی که توسط تعداد زیادی از اتمهای اکسیژن بطور متقارن و در فاصله نسبتاً زیاد احاطه می شود دارای رنگ آبی است (مانند یون کیوپریک در شیشه های سلیکا - سدا - آهک در حالیکه CuO بصورت تصحیح کننده شبکه عمل می کند و با در سلفات مس آبدار). با کاهش فاصله یونهای Cu^{2+} و O^{2-} و ازدیاد حالت پلاریزاسیون و با تشکیل گروه های غیر متقارن، شدت جذب نور زیاد شده و در نتیجه مس رنگهای سبز تا قهوه ای را ظاهر خواهد کرد. جابجایی جزئی یون اکسیژن توسط یونهای مانند Cl^- و Br^- و I^- که قابلیت پلاریزاسیون آنها زیاد است باعث تغییر رنگ از آبی بسبز و قهوه ای شده و همان اثری که در شیشه مشاهده میشود در اینجا نیز ظاهر می شود.

احیاء مس کیوپریک به مس کیوپروس در محلول های آبی و شیشه ها:

یون کیوپروسی بخودی خود بی رنگ است ولی وقتی که همراه یون کیوپریک است باعث اغتشاش در وضعیت الکترونیهای اپتیکی گردیده و نتیجتاً باعث ازدیاد جذب می گردد. طبق نظریه «هوفمن» (۱۳) اثرات متقابل دو اکسید از یک عنصر و با ظرفیت های متفاوت باعث رنگ تندتر از آنچه می گردد که اگر این دو اکسید جدا از همدیگر بودند. «راشیک» (۱۴) باین نتیجه رسید که رنگ قهوه ای تند محلولی که شامل $CuCl$ و $CuCl_2$ می باشد بسبب تشکیل یک ترکیب جدید است. البته کوششهای او بمنظور ایزوله کردن کلریدهایی که شامل Cu^{2+} و Cu^{+} است توأم با شکست شد. «جکسون» (۱۵) رنگ آمیزی شیشه توسط مس را بعنوان نمونه ای جهت نشان دادن اهمیت آن بمنهدسان شیشه ای که بمطالعه پدیده های رنگی نیز علاقه دارند، انتخاب کرده است. او مطالعات خود را روی شیشه های یاقوتی که در تولید حباب های قرمز تند مورد استفاده بودند انجام داد. این قبیل شیشه ها گاهی برنگ های تیره در می آیند وقتی که اکسیدهای کیوپریک و کیوپروس توأم وجود داشته باشند.

احیاء مس به یون کیوپروسی اولین قدم جهت تولید شیشه های قرمز یاقوتی است. وقتی که حرارت لازم شیشه داده شود یون کیوپروسی به یون کیوپریک و مس فلزی تبدیل می شود. یکنوع حالت تعادل بین یونهای Cu^{2+} و Cu^{+} و مس فلزی Cu برقرار می شود و وقتی که مقدار کافی یون کیوپروس در شیشه موجود باشد، غلظت مس فلزی در حالت تعادل با این یون کیوپروس Cu^{+} از حد حلالیت بیشتر شده و آنوقت تولید شیشه قرمز یاقوتی یا Arenturine می کند.

یون کیوپریک ممکن است حتی بدون اضافه کردن مواد احیا کننده با حرارت دادن تبدیل به یون کیوپروسی گردد. «بنکرافت» و «نوگنت» (۱۶) اثر درجه حرارت ذوب را روی تشکیل اکسید کیوپروسی در شیشه بورات - قلیا آزمایش کرده اند «بانرجی» (۱۷) نیز اثر حرارت ذوب را روی حالت تعادل بین یونهای Cu^{2+} و Cu^{+} در شیشه های بورات قلیا بررسی کرده، نتیجه گرفته است که با ازدیاد درجه حرارت غلظت Cu^{+} زیاد می گردد. خاصیت فلورسان شیشه های مسی نیز نشان می دهد که غلظت یون کیوپروس با افزایش درجه حرارت ذوب زیاد می شود. بایست توجه کرد که فقط یون کیوپروسی است که وقتی تحت تابش اشعه ماوراء بنفش قرار گیرد خاصیت فلورسان نشان می دهد. «وب» و «پارک» (۱۸) خاصیت فلورسان مس را در شیشه های سلیکات، بورات و فسفات آزمایش کرده و نشان داده اند که این شیشه ها در حالت بی رنگ دارای باند جذبی پهن در ناحیه ۲۴۰ میلی میکرون می باشند و وقتی تحت تابش اشعه ماوراء بنفش قرار گیرند خاصیت فلورسان نشان می دهند. بطور کلی نوری که از شیشه های فسفات ساطع می شود آبی است در حالیکه شیشه های سلیکات نور سبز تشعشع می کنند و در مورد شیشه های بورات رنگ نور فلورسان بستگی بنوع و مقدار قلیایی دارد که در ترکیب شیشه بکار رفته است. البته هنوز هیچگونه مطالعات مرتب و سیستماتیک جهت بررسی اثر ترکیب اولیه شیشه روی تعادل بین اکسیدهای کیوپریک و کیوپروسی بعمل نیامده است. «گرنجر» (۱۹)



شکل ۲

حباب شیشه ای چراغ، که آیه هایی از قرآن در روی آن بالعاب نوشته شده است. سوریه - سال ۱۲۵۰ میلادی - موزه Freer Gallery of Art, Washington, D.C.

و «شیر» (۲۰) نشان دادند که بعضی شیشه های شامل مس تمایل زیادی نسبت بشیشه های دیگر جهت تولید رنگ یاقوتی دارند. این موضوع لزوماً نشان نمی دهد که ترکیبات شیشه اولیه جهت تولید مس یاقوتی در جهت تشکیل یون کیوپروسی عمل می کنند زیرا در این حالت حلالیت مس فلزی در شیشه بصورت یک عامل قطعی اثر می کند. «بانرجی» اثر قلیا را روی حالت تعادل بین Cu^{2+} و Cu^{+} در شیشه های بورات مطالعه کرده، نتیجه گرفته است که ازدیاد قلیا (اکسیدسدیم، اکسید پتاسیم و یا اکسید لیتیم) در جهت تشکیل یون Cu^{2+} عمل می کنند. بعضی از انواع شیشه مثلاً آنهایی که دارای مقدار زیادی سرب هستند می توانند مقدار قابل ملاحظه ای از فلز موجود در مذاب را بدون رسوب شدن در موقع خنک کردن شیشه، نگهدارند. «کوهن» (۲۱) مشاهده کرد که تکه های بسیار ریز نمک وقتی که مقدار کمی مس تحت شرایط احیا کننده وارد آن می شوند، بی رنگ است. در حالیکه ازدیاد مقدار مس باعث تولید رنگ قرمز یاقوتی می گردد. اگر نمک فوق دارای P_2O_5 زیاد باشد می توان اکسید مس زیاد بدان اضافه کرد بدون اینکه رنگ یاقوتی تشکیل شود و یا مس فلزی رسوب کند. هنوز اینکه آیا این اثر مخصوص شیشه هایی که دارای P_2O_5 هستند و یا اینکه اسیدیته شیشه است که در جهت پایداری یون کیوپروس عمل کرده و از تجزیه آن در موقع خنک شدن جلوگیری می کند، بطور دقیق معین و مشخص نشده است. قابل توجه است که اکثر فرمول های قدیم برای تهیه شیشه مس قرمز یاقوتی شامل P_2O_5 بصورت خاکستر استخوان می باشد. مطالعات دامنه دار و سیستماتیک روی این پدیده شاید منجر باطلاعات جالبی درباره مکانیسم تشکیل شیشه های مسی یاقوتی گردد. بهر حال وجود مس فلزی Cu در شیشه، برای تهیه شیشه های مس یاقوتی ضروری بنظر می رسد.

اکسید بور با اکسید مس ترکیب شده و تشکیل متابورات کیوپریک می دهد. «گرتلر» (۲۲) این ترکیب را از حرارت دادن یک مول نیترات کیوپریک با دو مول اسیدبوریک بدست آورد. و با خنک کردن سریع مذاب آن، شیشه تقریباً سیاه رنگ تشکیل می شود که وقتی بصورت لایه نازک درآید برنگ سبز تیره است. در درجه حرارت بالاتر از ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد این مذاب اکسیژن آزاد کرده و به متابورات کیوپروس تبدیل می شود. در حالت کریستالی متابورات کیوپریک در حرارت بالاتر از ۸۷۵ درجه متلاشی می شود.

در عمل برای مواقعی که غلظت یون کیوپروس بمقدار زیاد در شیشه مورد توجه است، علاوه بر اثر حرارت بمنظور تشکیل یون کیوپروس، بایست مواد احیا کننده نیز بماده خام شیشه اضافه کرد.

«باگیچ» (۲۳) اثر گازی شامل منواکسید کربن را بعنوان احیا کننده در شیشه های اکسید کیوپریک - سدا - سلیکا بررسی کرده است. مخلوطی از گاز CO_2 و CO که شامل ۲۵ درصد CO است باعث ایجاد تهرنگ سبز در مذاب آبی می نماید که اولین نشانه تشکیل یون کیوپروس است. حضور ۹ درصد CO کافیت که هم یونهای Cu^{2+} به Cu^{+} تبدیل شده و رنگ آبی بکلی از بین برود. مقدار درصد زیادی از گاز CO سبب رسوب مس فلزی درصد زیادی از گاز یا قوتی می گردد. بطور کلی میزان تعادل بین یونهای Cu^{2+} و Cu^{+} و مس فلزی بستگی بشمار جزئی اکسیژن $Partial Pressure of Oxygen$ در کوره دارد.

رابطه

$$K = \frac{(Cu^{2+})}{(Cu^{+})} \cdot \frac{1}{(PO_2)^{1/4}}$$

این بستگی را برای حالتیکه درجه حرارت ذوب ثابت است نشان می دهد که در آن K ضریب ثابتی است و PO_2 فشار جزئی اکسیژن است. رابطه فوق نشان میدهد که منحنی

تغییرات $\log\left(\frac{Cu^{2+}}{Cu^{+}}\right)$ بر حسب لگاریتم فشار

جزئی اکسیژن خط راستی است با شیب $\frac{1}{4}$.

S. Banerjee اثر فشار جزئی اکسیژن را روی میزان تعادل بین یونهای Cu^{+} و Cu^{2+} بررسی کرده و رابطه فوق را تأیید نموده است. علاوه او نشان داد که شیشه $3 Na_2O \cdot 7 B_2O_3$

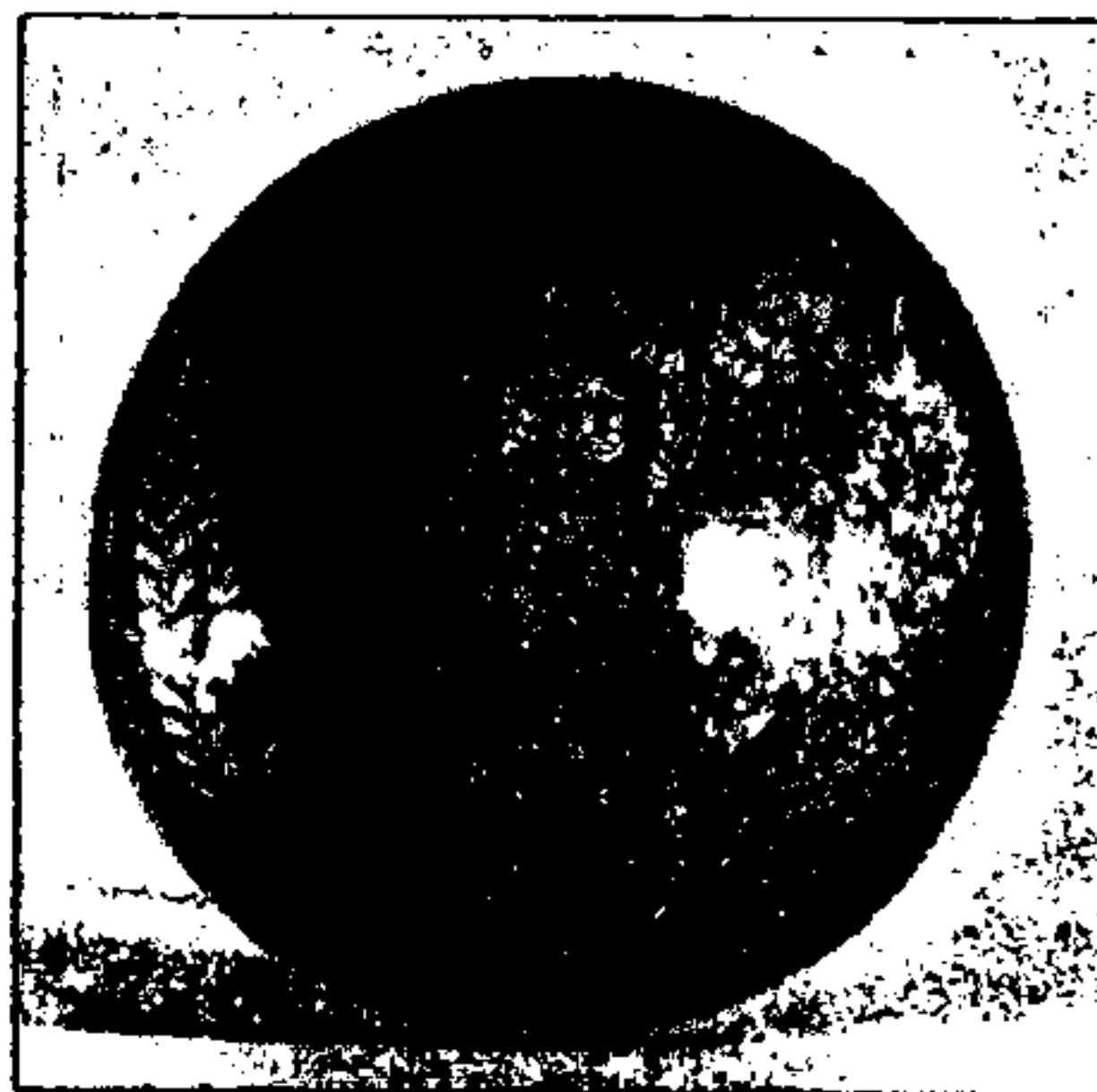
شامل اکسید مس وقتی که در مجاورت مس فلزی و درجه حرارت ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد تحت فشار جزئی اکسیژن برابر 10^{-14} اتمسفر تهیه شود کاملاً بی رنگ است و این نشان دهنده عدم حضور Cu^{2+} در شیشه است. در فشار بالاتر از 10^{-14} اتمسفر شیشه برنگ آبی است و این معلوم می کند که مقداری یون Cu^{2+} در شیشه تشکیل شده است. در فشار پائین تر از 10^{-14} اتمسفر شیشه دارای رنگ قرمز مه آلود است که مشخص رسوب مقداری مس فلزی در شیشه است. «فووا» (۲۴) اثر احیاء گری آنتیموان، آرسنیک و قلع را روی شیشه های مسی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که اگر هر کدام از عوامل احیاء کننده فوق بمقدار کافی بشیشه اضافه شوند باعث ته نشینی مس فلزی می گردند.

خواص شیشه های مسی:

از آنچه که گذشت باین نتیجه رسیدیم که رنگ و جذب نور بوسیله شیشه های مسی بدو عامل مهم زیر بستگی دارد. اول مختصات (تعداد تردیکترین اتمهای اکسیژن موجود در اطراف یون Cu^{2+}) و دوم حالت حلالیت یون مس و تعادل بین یونهای کیوپریک و کیوپروس. تعادل بین حالات مختلف اکسیداسیون یک عنصر وابسته بدرجه حرارت ذوب است. بطور کلی، ازدیاد درجه حرارت مذاب باعث ازدیاد غلظت یون فلز با ظرفیت کمتری می گردد. Sir H. Jackson (۲۵) اثر درجه حرارت ذوب را روی رنگ شیشه های مسی مطالعه کرده و نتیجه گرفته است که وقتی شیشه های مسی در حرارت کمتر ذوب می شوند دارای رنگ آبی هستند. همان شیشه وقتی در حرارت بالاتر ذوب گردد برنگ سبز درمی آید. بعقیده W.D. Bancroft و R. L. Nugent با ازدیاد درجه حرارت ذوب و همچنین با افزایش اسیدیته شیشه اولیه، در شیشه های بورات تعادل بین دواکسید مس، بسمت اکسید کیوپروس متمایل می گردد.

اثر مختصات یون کیوپریک در شیشه های مختلف مورد توجه خاصی است زیرا مس مهمترین عامل رنگی جهت تولید شیشه های سبز است. اکسید مس شیشه های آبی و سبز نیز تولید می کند که قسمت قرمز طیف نور را بکلی جذب می کنند.

تغییرات رنگ مس بر حسب مواد تشکیل دهنده شیشه، در زمینه تهیه لعاب های سرامیک نیز اهمیت زیادی دارد. چه اینگونه لعاب ها دارای ترکیبات متنوعی بیش از شیشه ها هستند. «واکر» (۲۶) اثر اکسید های مختلف را روی رنگ لعاب مسی با ترکیب $۰.۹ CuO$ ، $۰.۹ مول (RO + R_2O_3)$

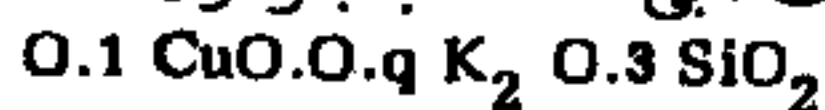


شکل ۳

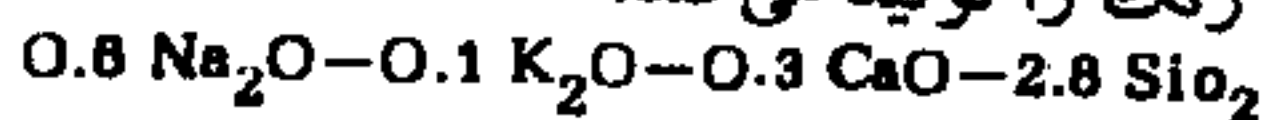
قدح، بالعب فیروزه ای رنگ - ایران - کاشان - قرن ۱۳ میلادی موزه Freer Gallery of Art, Washington, D.C.

و ۱.۶ مول SiO_2 مطالعه کرده است. $(R_2 = Ba, Ca, Zn, \dots \text{ و } R_3 = Al, Pb, \dots)$

اکسیدسرب و اکسیدباریم همراه باقلیا وقتی بلعاب مس دار اضافه شود تولید رنگ آبی می کند. اکسیدسرب یا اکسیدروی به تنهایی و یا ترکیب دوتایی آنها تولید رنگ سبز می کند. اسیدبوریک اثر مشابهی دارد و رنگ لعاب را از آبی به سبز متمایل می کند. «هیشت» (۲۷) ضمن آزمایشهایی متوجه شد که رنگ آبی تند لعاب بفرمول



با ازدیاد اکسید بوریک برنگ سبز تبدیل میشود. با جایگزینی قلیا با BaO ، CaO یا MgO همان اثر فوق مشاهده شده است. «فرنج» (۲۸) در کوششهایی که در زمینه تهیه لعاب فیروزه ای رنگ بعمل آورد بهمان نتایج بالا رسیده است. او متوجه شد که حذف اکسیدهای Al_2O_3 و B_2O_3 از ماده خام لعاب ضروری است و در صورت وجود اکسیدهای فوق رنگ لعاب خیلی سبز خواهد بود. لعاب با فرمول زیر مناسب ترین رنگ را تولید می کند.



طبق اندازه گیری های «زیگموندی» (۲۹) اکثر شیشه های مسی دارای ضریب می نیم در طول موجهای بین ۴۷۰ تا ۴۸۰ میلی میکرون هستند و فقط در شیشه های بور و سلیکات دارای می نیم جذب در ۵۶۰ میلی میکرون مشاهده می شود. نگارنده و پروفیسور «هوگارت» (۳۰) ضمن مطالعه روی شیشه های فسفاته مس دار متوجه شدیم که ضریب جذب می نیم در این شیشه ها در فاصله طول موجهای ۵۵۰ تا ۵۸۰ میلی میکرون است که بستگی بترکیب شیشه دارد. شیشه هایی که دارای ۱۰ درصد وزنی اکسید مس هستند برنگ آبی روشن می باشند. شیشه هایی که شامل ۵ تا ۱۵ مول درصد اکسید مس هستند برنگ سبز می باشند. با افزایش مقدار اکسید مس (کیوپریک) رنگ سبز تیره تر می گردد. شیشه هایی که دارای بیش از ۲۵ مول درصد CuO هستند برنگ قهوه ای و سیاه می باشند.

K. Fuwa اثر اکسید بوریک را روی انواع شیشه با ترکیبات مختلف مطالعه کرده است. «فدوتیف» (۳۱) و «لبدف» مشاهده کردند که در شیشه هایی که شامل مقدار زیادی سرب است مس برنگ سبز ظاهر می گردد. اکسید دیگری که اثر خیلی قوی روی رنگ شیشه مس دارد دی اکسید تیتانیم است. شیشه های اکسید کیوپریک - قلیا - سلیکا که شامل ۱۰ تا ۱۵ درصد TiO_2 هستند برنگ سبز می باشد. شیشه های مسی نور قرمز را بخوبی جذب می کنند. باند جذبی مس در شیشه

جلول ۱

ترکیب شیشه (بصورت درصد وزنی)

شیشه

A	۷۵/۰	SiO _۲ /۱۵/۰	Na _۲ O/۱۰/۰	CaO+۲/۰	As _۲ O _۳	
B	۷۵/۰	SiO _۲ /۱۵/۰	K _۲ O/۱۰/۰	CaO+۱/۰	As _۲ O _۳	
C	۷۰/۰	SiO _۲ /۲۰/۰	K _۲ O/۱۰/۰	CaO+۱/۰	As _۲ O _۳	
D	۵۳/۲	SiO _۲ /۱۰/۸	K _۲ O/۳۶/۰	Pbo+۱/۰	As _۲ O _۳	
E	۶۵/۰	SiO _۲ /۲۰/۰	K _۲ O/۱۵/۰	Zno+۰/۸	As _۲ O _۳	
F	۶۵/۰	SiO _۲ /۱۰/۰	B _۲ O _۳ /۱۵/۰	Na _۲ O/۱۰/۰	Cao+۰/۸Afo _۳	
G	۶۵/۰	SiO _۲ /۱۰/۰	B _۲ O _۳ /۱۵/۰	K _۲ O/۱۰/۰	Cao+۰/۸As _۲ O _۳	
H	۷۴/۰	SiO _۲ /۹/۰	NqO/۴/۰	K _۲ O/۱۳/۰	Cao+۱/۰	As _۲ O _۳
I	۷۴/۰	SiO _۲ /۹/۰	Na _۲ O/۴/۰	K _۲ O/۱۳/۰	Cao+۲/۰	As _۲ O _۳
J	۵۳/۲	SiO _۲ /۱۰/۸	Na _۲ O/۳۶/۰	PbO+۰/۸	As _۲ O _۳	
K	۷۷/۰	SiO _۲ /۱۸/۰	Na _۲ O/۵/۰	MgO+۰/۸	As _۲ O _۳	
L	۷۳/۰	SiO _۲ /۲۲/۰	K _۲ O/۵/۰	MgO+۰/۸	As _۲ O _۳	
M	۷۵/۰	SiO _۲ /۱۶/۰	K _۲ O/۲/۰	K _۲ O/۶/۵	CaO+۱/۰	As _۲ O _۳

جلول ۲

شیشه	۲ درصد ضریب عبور برای نور قرمز طول موج ۶۵۰ میلی میکرون			۱ درصد ضریب عبور برای نور ۶۵۰ میلی میکرون	
	ضخامت بر حسب mm	ضریب عبور برای نور ۵۳۰ میلی میکرون	ضریب عبور برای نور ۴۵۰ میلی میکرون	ضریب عبور برای نور ۵۳۰ میلی میکرون	ضریب عبور برای نور ۴۵۰ میلی میکرون
A	۱/۳۳۰	۰/۵۰۰	۰/۵۲۶	۰/۴۴۲	۰/۴۷۱
B	۱/۵۷۱	۰/۳۸۸	۰/۳۴۵	۰/۳۲۸	۰/۲۸۶
C	۱/۶۸۹	۰/۴۲۵	۰/۴۲۳	۰/۳۶۵	۰/۳۶۳
D	۱/۳۱۴	۰/۵۱۸	۰/۵۸۱	۰/۴۶۱	۰/۵۲۸
E	۱/۴۲۹	۰/۴۷۳	۰/۱۸۸	۰/۲۱۷	۰/۱۳۹
F	۱/۳۷۱	۰/۳۶۱	۰/۲۸۸	۰/۳۰۲	۰/۲۳۱
G	۱/۲۰۹	۰/۲۸۳	۰/۱۸۵	۰/۲۲۶	۰/۱۳۷
H	۱/۶۹۸	۰/۴۸۱	۰/۳۹۱	۰/۴۲۲	۰/۳۵۱
I	۲/۰۰۰	۰/۴۷۳	۰/۳۵۰	۰/۴۱۵	۰/۲۹۱
J	۱/۱۸۷	۰/۴۷۴	۰/۴۵۱	۰/۴۱۵	۰/۳۹۱
K	۱/۰۷۵	۰/۵۴۹	۰/۶۳۷	۰/۴۸۹	۰/۵۸۳
L	۱/۷۲۰	۰/۴۲۹	۰/۴۱۷	۰/۳۶۹	۰/۳۵۷
M	۱/۰۴۷	۰/۵۰۲	۰/۵۴۵	۰/۴۴۴	۰/۴۹۰

های بورات در حدود ۸۰۰ میلی میکرون گزارش شده است. در شیشه‌های سدیم - سیلیکات باند جذبی مس در حدود ۷۹۰ میلی میکرون قرار دارد «ادوارد»، «پل»، «داگلاس» (۳۲). (۳۳) در شیشه‌های سدا - اکسید - سرب - سیلیکا باند جذبی مس را در فاصله ۷۷۰-۷۹۰ میلی میکرون بدست آوردند که با ترکیب شیشه تغییر می‌کند. در شیشه‌های فسفات نگارنده و هوگارت باند جذبی مس را در فاصله ۸۷۰-۸۹۰ میلی میکرون مشاهده نمودیم. آنالیز این باند جذبی که از نور قرمز شروع شده تا مادون قرمز نزدیک نیز ادامه دارد، موقعیت فضائی یون Cu²⁺ را در شیشه‌های سیلیکات - بورات و فسفات مشخص می‌کند و آنچه که تا کنون مشخص شده است اینست که یون کیوپریک در مرکز هشت وجهی که در گوشه‌های آن یون اکسیژن نشسته است قرار دارد.

در شیشه‌های سدا - اکسید سرب - سیلیکا باند جذبی مس را در فاصله ۷۷۰-۷۹۰ میلی میکرون بدست آوردند. که با ترکیب شیشه تغییر می‌کند. در شیشه‌های فسفات نگارنده و هوگارت باند جذبی مس را در فاصله ۸۷۰-۸۹۰ میلی میکرون مشاهده نمودیم. آنالیز این باند جذبی که از نور قرمز شروع شده تا مادون قرمز نزدیک نیز برای تهیه شیشه‌های راهنمایی Signal glasses مس بهترین رنگ را تولید می‌کند. همانطوریکه قبلاً نیز اشاره شد این گونه شیشه‌ها قسمت قرمز طیف مرئی نور را قویاً جذب می‌کنند و این عمل باعث می‌شود که رنگ سبز شیشه در مواقعی که هوا مه‌آلود است بیرنگ و یا حتی قرمز دیده نشود. در شیشه‌هایی که اکسید کرم با اکسید کبالت بعنوان مولدرنگ سبز بکار می‌روند خطر فوق وجود دارد چه این قبیل شیشه‌ها رنگ قرمز را بطور مؤثر جذب نمی‌کنند. ترکیب اکسید کرم و اکسید کبالت در شیشه تولید رنگ آبی متمایل به سبز می‌کند که خیلی شباهت بشیشه‌های مسی دارد ولی بهر حال برای چراغ راهنمایی مناسب نیستند. برای پیدا کردن خواص و نیازمندی‌های شیشه چراغ راهنمایی اندازه گیری طیف کلی این قبیل شیشه‌ها لازم نیست فقط کافی است که نسبت بین ضریب عبور آنها برای رنگهای سبز، آبی و قرمز مشخص شده و کنترل شود. E. Zschimmer مطالعات دامنه‌داری در این زمینه بعمل آورده است. تحت شرایط اکسیداسیون خیلی قوی ۵۰ درصد CuO بمذاب شیشه‌های مختلف اضافه کرد و سپس مذاب را در قالب ریخته و بصورت صفحه درآورد و پس از Annealing (۳۴) طیف جذبی این شیشه‌ها را اندازه گیری نمود. همه شیشه‌ها

بجز شیشه اکسیدبوریك دارای قابلیت عبور ماگزیم حدود ۵۰۰ میلی میكرون هستند. بعضی از شیشه‌ها پس از سرد شدن و (۳۴) Annealing تولید رنگ قرمز یا قوتی کردند. بنابراین حتی تحت شرایط اکسیداسیون خیلی قوی مقداری یون کیوپروس تشکیل شده که پس از Annealing تولید رنگ قرمز یا قوتی کرده است.

بمنظور مشخص کردن انواع شیشه‌ها، قابلیت (ضریب) عبور آنها برای نور آبی، سبز و قرمز اندازه گیری شده است. این سه رنگ فوق با طول موجهای بترتیب ۴۵۰، ۵۳۰ و ۶۵۰ میلی میكرون مشخص می شوند. از این اندازه گیری‌ها Zschimmer (۲۰) ضخامت شیشه‌های فیلتر (صافی) را که بمنظور کاهش عبور نور قرمز تا ۱ و ۲ درصد تهیه میشوند محاسبه کرده است. برای هر دو ضخامت فوق ضریب عبور برای رنگهای آبی و سبز نیز اندازه گیری شده و با این روش بهترین شیشه راهنمایی انتخاب می گردد، یعنی شیشه‌ای که دارای حداکثر ضریب عبور برای رنگ آبی و سبز بازار ضریب عبور داده شده برای رنگ قرمز باشد. ترکیبات شیشه‌های مورد مطالعه در جدول ۱ خلاصه شده است. بمنظور اطمینان از اکسیداسیون مذاب می توان قسمتی از قلیا را بصورت نیترات وارد شیشه کرد. مقادیر متفاوت اکسید ارسنیک و مقدار ثابت ۵ درصد CuO بر شیشه اضافه شده است. جدول ۲ مشخصات جذبی این شیشه‌ها را نشان می دهد. ستون اول از سمت چپ شماره شیشه‌ای را که فرمول آن در جدول ۱ داده شده است نشان می دهد. ستون دوم ضخامت هر یک از شیشه‌ها را که ضریب عبور نور قرمز را به ۰.۲ می رساند مشخص می نماید. بمنظور کاهش قابلیت عبور نور برای طول موج ۶۵۰ میلی میكرون (نور قرمز) به ۲ درصد ضخامت شیشه I، بعنوان مثال، باید ۲ میلی متر باشد. در حالیکه ضخامت شیشه K با این مشخصات ۱.۰۷۵ میلی متر است. ستون سوم ضریب عبور برای نور سبز (۵۳۰ میلی میكرون) را برای ضخامتی که فقط ۲ درصد نور قرمز را عبور می دهد نشان می دهد. ستون چهارم ضریب عبور نور آبی (طول موج ۴۵۰ میلی میكرون) را برای همان ضخامت مشخص می نماید.

برای حالتیکه شیشه فقط ۱ درصد نور قرمز را بتواند عبور دهد بدیهی است که ضخامت شیشه را بایست زیاد گرفت و بدین ترتیب ضریب عبور رنگ سبز و آبی نیز کاهش خواهد یافت. ستونهای ۵ و ۶ جدول ۲ ضریب عبور رنگهای سبز و آبی را برای شیشه‌هایی که فقط ۱ درصد نور قرمز را عبور می دهند نشان می دهد. شیشه‌هایی که دارای منیزیم Mg هستند دارای حداکثر ضریب عبور برای نورهای

سبز و آبی یا کمترین ضریب عبور برای نور قرمز می باشند شیشه‌های سدا از این نظر بهتر از شیشه‌های پتاس تشخیص داده شده اند. شیشه‌هایی که دارای اکسید بوریك یا اکسید آلومینیم هستند باید اصولاً کنار گذاشته شوند و برای تهیه شیشه‌های چراغ راهنمایی مناسب نیستند. این شیشه ضریب عبور نور آبی و سبز را کاهش می دهد.

درجه حرارتی که این شیشه‌ها بعنوان فیلتر یا شیشه راهنمایی مورد استفاده قرار می گیرند نیز باید مورد نظر باشد. جذب نور بوسیله شیشه‌های مسی بطور قابل ملاحظه‌ای با تغییر درجه حرارت تغییر می کند. این اثر بهمان صورت که در مورد محلول کلرید مس نشان داده شد می تواند نشان داده شود. با افزایش درجه حرارت ضریب جذب بسمت طول موجهای بلند متمایل می شود و رنگ شیشه از آبی بسبز تبدیل می شود.

- (۱) - غلامرضا مریدی - مجله تلاش - شماره ۳۹ (۱۳۵۱) ص ۲۸
- (۲) - رنگ آبی مصری، عبارتست از سلیکات آبی رنگ مس و کلسیم که در مصر و روم قدیم بعنوان ماده رنگی مورد استفاده بوده است.
- 3) Fouqué, F; Compt. rend; 108 (1889) 325
- 4) Neumann, B; Kotyga, G; Z. angew. Chem; 38 (1925) 857
- (۵) - شیشه‌هایی برنگ قهوه‌ای تیره
- (۶) - رنگ قهوه‌ای ماتند شیشه‌های مسی که برای اولین بار در Murano نزدیک ونیز تهیه شده است.
- 7) Luther, R; Z. Physikal. Chem; 34 (1900) 488
- 8) Etard, A; Ann. Chim. Phys; 2 (1894) 503
- 9) Kohlschütter, V; Ber. 37 (1904) 1153
- 10) Lasareff, P; Lazarev, V; Compt. rend. 185 (1927) 855
- 11) Duboin, A; Compt. rend; 186 (1928) 234
- 12) Guertler, M; Z. anorg. Chem; 40 (1904) 225
- 13) Hofmann, K. A; Liebig's Ann. Chem. 342 (1905) 364
- 14) Raschig, F. Liebig's Ann. Chem. 228 (1885) 1
- 15) Jackson, H; Nature, 120 (1927) 264, 301
- 16) Bancroft, W. D; Nugent, R. L; J. Phys. Chem. 33 (1929) 729
- 17) Bannerjee, S; Ph.D. Thesis, University of Sheffield, England (1969)
- 18) Parke, S; Webb, R. S; J. Phys. Chem. Glass, 13 (1973) 235

- 19) Cranger, A; J. Soc. Glass Tech. Trans; 7 (1923) 291
- 20) Zschimmer, E; Sprechsaal, 59 (1926) 818
- 21) Cohn, T; Chem. News, 129 (1924) 32
- 22) Guertler, W; Z. anorg. chem; 38 (1904) 456
- 23) Begitch, B; Compt. rend; 188 (1929) 633
- 24) Fuwa, K; J. Japan. Ceram. Assoc; 32 (1924) 138
- 25) Weyl, W. A; Coloured glasses, Dawson's of Pall, Mall, London, (1959)
- 26) Walker, F.W; Trans. Amer. Ceram. Soc; 4 (1902) 278.
- 27) Hecht, H; Tonind. - Ztg; 19 (1895) 453
- 28) French, M. M; J. Amer. Ceram. Soc. 6 (1923) 495
- 29) Zsigmondy, R; Ann. Physik, 4 (1991) 60
- 30) Hogarth, C. A; to be Published
- 31) Fedotieff, P. P; Lebedeff, A. Z. Physikal Chem; 67 (1909) 561
- 32) Kumar, S; Centr. Glass Ceram. Res. Inst. Bull; 6 (1959) 99
- 33) Edwards, R. J; Paul, A; Douglas, R. W; J. Phys. Chem. of glasses, 13 (1972) 131

(۳۴) - Annealing عبارتست از حرارت دادن شیشه بلافاصله پس از ریختن مذاب در قالب تا درجه حرارتی پایین تر از نقطه نرمی آن، و سپس سرد کردن آن در زمان نسبتاً طولانی می باشد. این عمل بمنظور خارج نمودن کشش و فشار درونی شیشه انجام می گیرد و باعث جلوگیری از شکستگی خود بخود آن می گردد.

میگو در ایران

گنجینه‌ی گرانبها در آبهای خلیج فارس

پس از تخم‌ریزی و بارور شدن آن ، عمل خروج نوزاد شروع می‌شود . پس از خروج ، نوزاد تا مرحله بلوغ مراحل متعددی را می‌گذراند . میگوی بالغ قادر است ۲ تا ۳ سال بزندگی ادامه دهد و در چنین حالتی نسبت بانواع موجود دارای ۷ الی ۸ و یا ۱۴ تا ۱۵ سانتیمتر طول می‌باشد .

برطبق مطالعات انجام شده ، در سرتاسر سواحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان می‌توان میگو را صید کرد ولی بیشترین محل تجمع این حیوان در مناطق بندر عباس — رأس الطوف — دیلم — چاه بهار — کنارک و جاسک است .

حالی‌ه نحوه صید میگو ممکنست یکی از طرق زیر در خلیج فارس صورت گیرد .

۱- صید باتور معمولی که تورها از دو طرف بساحل بسته شده و پس از گسترده شدن مجدداً بساحل کشیده می‌شود و این همان روشی است که از سالها قبل متداول بوده است . در این طریقه حداکثر صید میگو روزانه از ۵۰ تا ۲۵۰ کیلوگرم تجاوز نمی‌کند .

۲- صید باتور فشاری . در این طریقه تورهای کیسه‌یی مانند بدوپهلوی موتورلنج بسته می‌شود که دهانه آن‌ها باز و آماده صید میگو می‌باشد . باین طریق می‌توان صید میگو را تا اعماق ۳۵ الی ۵۵ متر انجام داد و حداکثر میزان صید روزانه نیز در این روش بین ۲۵۰ الی ۱۵۰۰ کیلوگرم می‌باشد .

۳- صید بوسیله کشتی‌های صیادی که راهی است جدید که امروزه استفاده از آن در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر جریان دارد .

تغذیه آشنایی داشته‌اند ، ولی تصمیم جدی و بنیادی برای استفاده از این منبع مهم غذایی و سرشار از پروتئین از سال ۱۳۴۲ اتخاذ شد .

میگو در زمرة موجوداتیست که در رده بندپایان قرار داشته و جزو «کروستاسه»ها تقسیم بندی می‌شود . موجودات دیگری که در این گروه قرار گرفته‌اند عبارتند از : خرچنگ ، خرچنگ آب شیرین ، خرچنگ دریایی و تعدادی موجودات همانند دیگر .

برخلاف بسیاری از موجودات نامبرده که بصورت انفرادی و آزاد زندگی می‌کنند ، میگو بصورت اجتماعی زندگی کرده و باین ترتیب می‌توان در هر صید مقدار زیادی از آنها را بدست آورد . محل زندگی میگو ، در اعماق چندمتر تا پنجاه متر آبهای خلیج فارس می‌باشد که اغلب هنگام شب سطح آب تردیکتر و روزها با عمق فرو می‌رود که شاید این تغییر محل شدت و مقدار تابش نور ارتباط داشته باشد که در آب دریا نفوذ می‌کند .

شکل میگو کشیده واز دو قسمت سرسینه و شکم تشکیل یافته است که سطح خارجی آن از پوسته سخت کیتینی پوشیده شده و روی آنرا موهای ظریفی فرا گرفته است .

جنس نر و ماده در میگو جدا و تکثیر بوسیله تخم‌گذاری صورت می‌گیرد . فصل تخم‌گذاری از اوایل اردی‌بهشت ماه شروع می‌شود و تا اواخر تابستان بطول می‌انجامد . در این ایام میگوی ماده بتدریج با عمق دریا رفته و به تخم‌گذاری می‌پردازد . باین ترتیب در چند ماهه نامبرده مقدار صید در سطح دریا تقلیل یافته و تنها در اعماق می‌توان بصید پرداخت که البته در این ایام نیز صید میگو مجاز نمی‌باشد .

یکی از صیادان پیر و سالخورده آبهای خلیج فارس که بیشتر از ۵۵ سال از عمر ۷۰ ساله خود را در سواحل دریای جنوب به صید میگو سپری کرده است ، خاطرات خود را درباره این گنجینه گرانبهای ساحل نشینان جنوب چنین تعریف می‌کند :

«من بیشتر از نیم قرن است که در دریای جنوب بصید میگو (بقول ساکنان این دیار مرجان) اشتغال دارم . در آن ایام که هنوز وسایل موتوری یا کشتی صیادی وجود نداشت ، صید ماهی بسختی صورت می‌گرفت ، بخصوص برای تهیه میگو زحمت و وقت زیادی بکار می‌رفت . شکل و نوع تورهای ما برای صید میگو و نحوه کار با آنچه برای صید ماهیهای خلیج فارس بکار برده می‌شد ، کاملاً فرق داشت و هر گروه صیادی برای میگو توری بعرض ۲۵ متر و طول ۱۰۰ متر در اختیار داشت که دوله انتهایی آن به چوبهایی که بدریا فرو رفته بود بسته می‌شد و باین ترتیب دهانه تور برای ورود میگو آزاد بود .

هر گروه صید ، از ۲۰ نفر تشکیل می‌شد که دارای یک قایق بودند که بآن «زاروگه» می‌گفتند . صیادان بتدریج و با دقت تور را در محل صید پهن می‌کردند تا بطرف دیگر برسند و برای اینکه عملیات مذکور و مهار کردن تور صیادی با وضع بهتری صورت گیرد ، صیادان از چوبهای پارو مانند که میلاف یا رسته نامیده می‌شد استفاده می‌کردند .»

با آنچه که نقل شد ، و باتوجه به گفت و شنودهای دیگر ، روشن می‌گردد که مردم ایران حداقل ساحل‌نشینان جنوب از سالهای بسیار دور بصید میگو و استفاده از آن در

بنابر آمار موجود در سال گذشته از جمع ۸۷ تن میگو و ۸۳۰ تن ماهی جنوب که به بازارهای مختلف کشور وارد شده است تنها ۴۵ تن میگو و ۶۹ تن ماهی جنوب بمصرف مردم شهرهای غیر ساحلی رسیده است ولی در همین سال که میزان کنسرو تون یک میلیون و ۸۵۳ هزار قوطی و کنسرو ساردین ۲۲۶ هزار قوطی بوده تماماً بفروش رسیده و کمبودی نیز از نظر عرضه محصول بازار مشاهده شده است.

روشهای نگهداری میگو در ایران

برای اینکه میگو در میان محصولات دیگر دریایی زودتر از همه فاسد و بی مصرف می گردد و در کشور ما نیز بندرت پس از صید بلافاصله بمصرف می رسد، از این رو، برای نگهداری این فرآورده روشهای خاصی بکار می رود که متداولترین آن منجمد ساختن - سرد کردن میگو در آب نمک، نگهداری در آب نمک جوشان و سپس خشک کردن میگو در مقابل آفتاب (روش اخیر اغلب بوسیله صیادان محلی صورت می گیرد) می باشد.

راه و روشهای دیگری هم برای محافظت از میگو در دنیا وجود دارد که متأسفانه هنوز در ایران متداول نیست و در سایر نقاط دنیا نظیر سواحل خلیج مکزیک، سواحل جنوبی آمریکا ویا سایر کشورهای که در مجاورت آبهای گرم قرار دارند و صید میگو در این مناطق رواج دارد از آن استفاده کامل بعمل می آید که از جمله آن کنسرو کردن میگو، تهیه میگوی نانی (مخلوطی از میگوی پوست کنده در کره، زرده تخم مرغ، شیر خشک، آرد گندم و ذرت - نمک و ادویه که همراه چاشنی در داخل قوطی بسته بندی می شود) را می توان نام برد.

در ایران همانطوریکه گفته شد منجمد کردن میگو یکی از متداولترین راهها بشمار می رود. انجماد میگو اغلب روی کشتی های مجهز صیادی که دارای وسایل مربوط می باشد صورت می گیرد ضمناً عمل انجماد را در آزمایشگاهها نیز می توان بکمک وسایل موجود انجام داد.

برای انجماد ابتدا سر میگو را از بدن جدا کرده و حیوان را در سبدهای فلزی جمع می کنند پس از تکمیل ظرفیت سبدها آنها را چندین بار با آب شور دریا می شورند. معمولاً چنانچه عمل شستشو با فشار صورت گیرد، تعدادی از میگوها له شده و شکل طبیعی خود را از دست می دهند که باید برای عملیات بعدی این قبیل محصولات له شده را از سبد خارج کرد سپس میگو های هم وزن و اندازه را در کارتن های مخصوص بسته بندی می کنند. کارتن های مصرفی اغلب بموم آغشته شده و حداکثر گنجایش هر یک از آنها حدود ۲۵ کیلو

گرم است. پس از پر شدن کارتن حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ گرم آب شور دریا روی بسته میگو ریخته می شود تا پس از انجماد مایع مذکور برای چسبیدن بهتر میگوها بیکدیگر بکار رود و همچنین از تبخیر آب موجود در میگو جلوگیری شود.

پس از آماده شدن کارتن آنها را بسالن انجماد می رسانند. سرمای اتاق انجماد حدود ۳۵- الی ۴۵- درجه سانتی گراد می باشد. انجماد طی ۳ الی ۴ ساعت صورت می گیرد و پس از پایان کار، کارتنهای کوچک در بسته بندیهای بزرگتر جای گرفته و روانه انبار که دارای برودتی حدود ۲۰- الی ۲۵- درجه است می شود. برای حمل و نقل این قبیل بسته بندی ها به بازار نیز باید از کامیونهای بایخچال استفاده شود، زیرا کوچکترین اختلال در امر درجه حرارت که موجب خروج میگو از حالت انجماد شود سبب خرابی و فساد محصول خواهد شد. بدیهی است آثرمان که میگوی منجمد بدست مصرف کننده برسد و برای یکبار از حالت انجماد خارج و بلافاصله بمصرف تغذیه برسد، هیچگونه خطری از نظر فساد ویا خرابی محصول وجود نخواهد داشت. گویانکه هیچگاه میگو را با داشتن سر بسته بندی و منجمد نمی کنند، ولی چنانچه این عمل صورت نگیرد فساد در محصول زودتر حاصل می شود، زیرا همراه با کندن سر میگو، امعاء و احشاء حیوان نیز از بدن جدا شده و در نتیجه کیفیت محصول عالی و درجه فساد آن نیز بتأخیر خواهد افتاد.

ارزش غذایی میگو

متأسفانه در ایران بسیاری از مردم هنوز بدرستی از ارزش غذایی میگو اطلاعی ندارند و حتی نحوه طبخ و تهیه غذاهای متعدد از آنرا نمی شناسند، در صورتیکه بسیاری از ساحل نشینان جنوب کشور ما ضمن استفاده فراوان از این ماده غذایی، خوراکیهای متعدد و لذیذی از میگو تهیه می کنند که می توان تعدادی از آنها را بشرح زیر نام برد:

میگوپلو - خورشت میگو - میگو سرخ کرده - املت میگو و نظایر آن. باید دانست که میگو در حال حاضر یکی از لذیذترین و غنی ترین غذاهای پروتئین دار بشمار می رود که بویژه مورد توجه خارجیهاست، بطوریکه بهمان نسبت که خاویار جزء اغذیه اشرافی بشمار رفته و در هتلهای بزرگ می توان آنرا بدست آورد

میگو نیز با اینکه با قیمت ارزان تهیه می شود تقریباً در ردیف خوراکیهای درجه یک بشمار می رود.

میگو در مقایسه با گوشت قرمز و سایر دامهای کشتاری دارای کیفیتی بهتر و سرشار از مواد پروتئینی قابل جذب و ویتامین و املاح است.

برطبق آزمایشهای انجام شده ثابت گردیده است که مقدار منوآمین موجود در مواد از ته میگو حدود ۳۰۰ میلی گرم درصد بوده و مقدار آمینو اسید آزاد آن حدود ۳۴ تا ۳۹ درصد مواد از ته غیر پروتئینی محلول در آب است، در صورتیکه حتی در عضلات ماهی هم این رقم از ۶ درصد نمی گذرد. گذشته از این، مقدار ازت آمینه عضلات کروسناسه از جمله میگو کمی بیشتر از ۳۰۰ میلی گرم در ۱۰۰ گرم مواد از ته می باشد، در صورتیکه در گوشت قرمز و دامهای کشتاری رقم یاد شده کمتر از یکدهم مقدار مذکور است. ضمناً باید توجه داشت که با منجمد کردن میگو مقدار ازت آمینه آن تا حدی تقلیل می یابد.

مزیت دیگر میگو وجود ویتامینهای A - B - D و همچنین بیشتر آن از مواد معدنی بویژه کلسیم و فسفر است.

در جدول زیر سعی شده است کیفیت ممتاز میگو از نظر ترکیبات بر سایر گوشت های دامهای کشتاری نشان داده شود.

گویانکه امروزه جهت صید بیشتر میگو در خلیج فارس قراردادهایی با کویت و ژاپن منعقد گردیده و ناوگان صیادی نیز در این زمینه در دسترس است ولی باتوجه بظرفیت فوق العاده خلیج فارس و بحر عمان از نظر صید این ماده غذایی، باید کوشش گردد که هرچه بیشتر در این زمینه قدمهای اساسی برداشته شود و از طرف دیگر با شناساندن خواص ممتاز غذایی میگو تا حد لازم بر مصرف داخلی آن افزوده گردد. بدیهی است باتوجه به قیمت صادراتی هر کیلو میگو حدود ۲۵ الی ۳۰ دلار، می توان منبع بزرگ و عظیم اقتصادی نیز برای کشور جستجو کرد.

منابع مورد استفاده

گزارش حاصل از پنجمین کنفرانس ماهی - دکتر امین کیوانفر
میگو و ارزش غذایی آن - دکتر بهزاد دولتشاهی
منابع ماهی در خلیج فارس - دکتر حسین مهرتبار

نوع گوشت	پروتئین	چربی	کلسیم	فسفر
گاو	۱۷/۵	۲۲	۱۰٪	۱۵۰٪
گوسفند	۱۹/۱	۱۲	۱۱٪	۱۹۳٪
خوک	۱۱/۹	۴۵	۰۰۷٪	۱۱۷٪
میگوی منجمد	۲۰/۲۸	۰/۵۳	۱۴۱٪	۶۲۵٪
میگوی نمک سود	۴۲/۸۲	۲/۳۶	۱/۶۹	۳/۴۸

تغییرات حقوق و دستمزد

برنامه‌های استخدامی دولت
و سیاست حقوق و دستمزد

در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم مسأله اشتغال کامل افراد آماده بکار افکار اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و سیاستمداران کشورهای صنعتی و پیشرفته آن‌زمان را سخت مشغول ساخته بود. این افکار که تحت تأثیر بحران سالهای ۳۳ - ۱۹۲۹ و بیکاری‌های وسیع و خانمانسوز آن بوجود آمده بود منتهی باین گردید که رهبران کشورهای مذکور تأمین رفاه اجتماعی را منحصرأ در چهارچوب اشتغال کامل و از بین بردن مطلق بیکاری امکان‌پذیر بدانند. اگرچه امروزه در کشورهای فوق‌الذکر مثل سالهای گذشته از نظریه مذکور طرفداری نمی‌شود و برخی معتقدند با توسعه سیستم‌های حمایت اجتماعی از قبیل تأمین حقوق بیکاری و غیره وجود چند درصد عدم اشتغال بمنظور جلوگیری از افزایش سریع حقوق و دستمزد مفید و حتی ضروری است ولی در کشورهای در حال توسعه باید از نظریه اشتغال کامل به لحاظ فواید بسیاری که دارد سخت جانبداری کرد. چند درصد بیکاری، باصطلاح ضروری در کشورهای صنعتی بعلت نیاز شدید به متخصصان و کمبود آنان، فقط به کارگران ساده و در حقیقت حقوق و دستمزد بگیران سطح پایین تحمیل می‌شود. در کشورهای در حال توسعه که در آستانه صنعتی شدن کامل هستند و یکی از هدف‌های اصلی نیز توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن اختلاف درآمد افراد است چنین تحمیلی به طبقات پایین کاملاً غیر موجه است. در این کشورها چنانچه افراد آماده بکار مهارت نسبی پیدا کنند بصورت ثروت فوق‌العاده‌یی درمی‌آیند که با کمترین هزینه در اختیار عوامل پیشرفت قرار می‌گیرند. بنابراین اشتغال کامل در این کشورها گردش چرخ اقتصادی را سریعتر می‌سازد.

مسأله اشتغال و استخدام با مسائل حقوق و دستمزد رابطه ناگستنی دارد و هیچ برنامه استخدامی بدون در نظر گرفتن سیاستی برای حقوق و دستمزد قابل اجرا نیست. بهمین علت در این جا برنامه های استخدامی دولت در کنار مسائل مربوط به حقوق و دستمزد مورد بحث قرار می گیرد.

از نیم قرن پیش که نخستین جنبشها برای ایجاد ایرانی نو آغاز شد، دولت و سازمانهای دولتی وظیفه اجرای برنامه ها و طرحهای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را به عهده گرفتند. وزارتخانه ها و سازمانهای

دولتی جدید با وظایف اجتماعی و اقتصادی نو بوجود آمدند و امور مهمی را که مؤثر در تأمین رفاه مردم این سرزمین بود بدریج عهده دار شدند. ایجاد و توسعه سازمانهای اداری کشور منطبق بایک برنامه صحیح و دقیق توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است. بدین ترتیب که در ابتدا وزارتخانه ها و سازمانهایی که در امر توسعه اقتصادی فعالیت زیربنایی داشتند بوجود آمدند و سپس سازمانهای دیگر تأسیس شدند.

ایجاد وزارتخانه هایی برای تعلیم و تربیت عامه و بالاخره تعلیمات اجباری، تأسیس وزارت طرق و شوارع و سپس بوجود آوردن وزارتخانه خاصی برای تأمین بهداشت و درمان و همچنین ادارات و وزارتخانه هایی جهت اداره امور کشاورزی، صنایع و معادن و بطور کلی بازرگانی و اقتصاد سرآغاز این جنبش توسعه اقتصادی بوده است.

در سالهای بعد سازمانهای دیگری از قبیل بانک ها و مؤسسات خرید و فروش برای تأمین مایحتاج مصرفی مردم ایجاد شد و بعد از جنگ جهانی دوم علاوه بر توسعه و تجدیدنظر در سازمانهای قبلی سلسله وظایف عمده ای که می توان آنرا تحت عنوان تأمین رفاه اجتماعی خلاصه کرد بمعهد بخش دولتی قرار گرفت. ایجاد وزارت کار و سازمان بیمه های اجتماعی و همچنین سازمان برنامه و مؤسسات وابسته بآن و در سالهای بعد از آن بوجود آمدن سازمانهای مختلف آب و برق و عمران منطقه ای و واحدهایی جهت هدایت کشاورزان و صنعتگران و کمک بآنان از آن جمله است.

گسترش وظایف سازمانهای دولتی، مسأله اشتغال نیروی انسانی کشور و مخصوصاً حقوق و دستمزد در بخش دولتی را مطرح می سازد. از سال ۱۳۰۱ که نخستین قانون استخدام کشوری در ایران بتصویب قوه

مقننه رسید استخدام کارمندان در دستگاه دولت شکل منظم و مشخصی بخود گرفت. حداقل حقوق کارمندان ۳۲ تومان و حداکثر آن ۳۱۲ تومان یعنی با نسبت ده برابر تعیین شد. این ارقام تقریباً تا سال ۱۳۲۰ ثابت ماند و جز در سال ۱۳۱۱ که ۲۰ ریال به دریافتی حقوق بگیران سطح پایین افزوده گشت تغییری در این دوره از لحاظ حقوق بوجود نیامد. ولی طبقات جدیدی در کادر مستخدمین دولت از قبیل پزشکان و استادان وارد شدند که حقوق و مزایای بیشتری دریافت می داشتند. عدم تغییر حقوق و دستمزد در بخش دولتی را باید معلول ثبات نسبی قیمت ها و هزینه زندگی دانست و الا همانطور که بعد از سال ۱۳۲۰ ملاحظه شد در هر موقع که هزینه زندگی و سطح قیمت ها ترقی کرد دولت ولو بامدنی تأخیر اقدام با افزایش حقوق ها نموده است.

در سال ۱۳۲۰ بعلت شرایط زمان جنگ و ترقی سرسام آور قیمت ها قانونی بنام قانون افزایش حقوق کارمندان بتصویب رسید و سطح حقوق بشرح زیر اضافه شد:

۱- تا یک هزار ریال دریافتی معادل صد درصد ۲- نسبت بمازاد یک هزار ریال تا دو هزار ریال پنجاه درصد، ۳- نسبت بمازاد دو هزار ریال بیست و پنج درصد.

ملاحظه می شود که در این قانون مترقی نسبت به حقوق و دستمزد بگیران سطوح پایین تر توجه بیشتری شده و دولت در حقیقت در این مورد از یک سیاست اجتماعی حمایت از طبقات کم درآمد پیروی کرده است.

در سال ۱۳۲۲ نیز که قانون دیگری برای جبران ترقی قیمت های زمان جنگ بنام قانون کمک به کارمندان گذشت مقرر شد که به کلیه کارمندان کمک های زیر اعطا شود:

۱- تا یک هزار ریال حقوق هشتاد درصد. ۲- نسبت بمازاد یک هزار ریال تا دو هزار ریال پنجاه درصد.

۳- نسبت بمازاد دو هزار ریال بیست و پنج درصد.

ولی میزان این کمک در هر حال از یک هزار ریال نباید کمتر باشد.

همانطور که ملاحظه می شود در سالهای ۲۲ - ۱۳۲۰ میزان حداقل حقوق که قبلاً ۳۲۰ ریال بوده است بعلاوه کمک دریافتی به ۱۶۴۰ ریال می رسد یعنی بیش از پنج برابر می گردد در حالیکه حداکثر حقوق که ۳۱۲۰ ریال بود جمعاً تا ۸۶۳۰ ریال

یعنی حدود دونیم برابر افزوده می شود. در سال ۱۳۳۷ حداقل حقوق کارمندان دولت ۳۰۰۰ ریال تعیین می گردد و دو سال بعد نیز به ۴۰۰۰ ریال می رسد ولی حداکثر آن ۱۱۰۰۰ ریال تعیین می شود و باین ترتیب میزان حداقل دویسیم برابر می شود و بر حداکثر حدود پنجاه درصد افزوده می گردد. ارقام فوق مربوط به کارمندان اداری است و الا حداکثر حقوق در مورد متخصصان ترتیبات جداگانه ای داشت، بدین نحو که حداکثر حقوق مهندسان و پزشکان در سال های مورد بحث بترتیب ۲۲۰۰۰ ریال و ۲۴۰۰۰ ریال و حداقل حقوق خدمتگزاران جزء حدود ۱۸۰۰ ریال بوده است.

سیاست حمایت از حداقل دستمزد در نظام اقتصاد آزاد بمنظور تأمین معیشت طبقات پایین تر و تعدیل درآمد مورد تأیید همگان است ولی این امر از لحاظ استخدامی مشکلاتی ببار می آورد و شاید اگر مسائل را فقط از دیدگاه اداره امور استخدامی مورد ملاحظه قرار دهیم ناچار می شویم راه دیگری را انتخاب کنیم. بدین ترتیب که چون حداقل دستمزد مربوط به کارکنان ساده و غیر متخصص است، و فور آنها در بازار کار ما را باین نتیجه می رساند که برای جذب اینگونه افراد نیازی با افزایش سطح دستمزد آنان نیست و دولت در رقابت بابخش خصوصی برعکس باید حقوق و دستمزد مدیران و متخصصان عالیرتبه را افزایش دهد، ولی همانطور که می دانیم دولت علاوه بر اینکه یک کارفرمای استخدام کننده است مسؤول اداره امور اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی مردم نیز می باشد و باید که در جهت اجرای این برنامه ها مسائل استخدامی را تحت الشعاع سیاست های اقتصادی و اجتماعی خود قرار دهد.

متأسفانه در سالهای مورد بحث این تعارض که بین افزایش حداقل حقوق و جذب افراد کارآمد وجود داشت بنحو دیگری حل شد. برای جبران کمی حقوق و دستمزد متخصصان و مدیران کارآمد، سازمانهای دولتی با کسب مجوز قانونی خاص ترتیبات دیگری برای پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خود بوجود آوردند که با حداقل و حداکثرهایی که گفته شد به هیچ وجه مطابقت نداشت و وزارتخانه های مختلف با ایجاد و برقراری انواع مزایا بعنوان مستخدمین خود اضافه دریافتی بوجود آوردند و عملاً رابطه اجتماعی حداقل و حداکثر دستمزد را تغییر دادند.

سازمانهای اداری ناگزیر با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بودند و بخش خصوصی که جان گرفته بود و هرزمان فعالیت وسیع‌تر و گسترده‌تری پیدا می‌کرد درصدد جذب افراد متخصص و کارآمد بود. بهمین سبب رفته‌رفته ناهم‌آهنگی حقوق و دستمزد در بخش دولتی ظاهر شد و حتی از حدود قابل تحمل گذشت، بطوریکه سازمان‌های مختلف برای مشاغل مختلف حقوق‌های بکلی متفاوت می‌پرداختند.

در آستانه دهه ۱۳۴۰ همزمان با تحولاتی که در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی کشور صورت گرفت فکر طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت حقوق مساوی برای کار مساوی قوت گرفت و اینبار سیاست استخدامی و اجتماعی توأماً مورد توجه قرار گرفت.

قانون استخدام کشوری سال ۱۳۴۵ که از اول فروردین ۱۳۴۷ بمورد اجرا گذاشته شد بدون اینکه عنوانی از لحاظ افزایش حقوق داشته باشد ترتیباتی برای بالا بردن سطح حقوق داشت. بموجب جدول حقوق این قانون حداقل حقوق برای خدمتگزاران جزء در سال اول ورود بخدمت ۴۰۰۰ ریال و حداکثر برای بالاترین سطح اداری که در دومرجه بموقع اجرا گزارده شده است بدو ۳۱۷۲۰ ریال تعیین گردید. قانون مذکور با این آینده نگری بتصویب رسید که برای مشاغل تخصصی مبلغی بعنوان فوق‌العاده شغل که ممکن است معادل همان حداکثر حقوق باشد در نظر گرفته شود. در اسفند ماه ۱۳۵۱ حقوق کارکنان رسمی دولت ۲۵ درصد افزایش یافت و حداقل دریافتی برای پایین‌ترین سطح معادل ۶۰۰۰ ریال تعیین شد ولی مقرر گردید که مبلغ ۲۵ درصد افزایش مذکور از سایر مزایای آنها کسر گردد. در نتیجه می‌توان گفت که حداقل حقوق و دستمزد معادل ۵۰ درصد افزایش یافت و چون غالب کارکنانی که در سطوح بالا هستند مزایایی نیز دریافت می‌دارند در مواردی تمام افزایش حقوق آنها از سایر دریافتی‌هایشان کسر گردید و عملاً اضافه‌یی دریافت نکردند. در اینمورد برای يك دوره خاص مسائل استخدامی تقریباً نادیده گرفته شد و دولت صرفاً با توجه به سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی چنین اقدامی را بعمل آورد.

در قانون بودجه سال ۱۳۵۳ روشی دیگر اتخاذ شد، بدین معنی که به تمام طبقات حقوق بگیر دولت مبلغی افزوده می‌گردد ولی حقوق و دستمزد بگیران سطح پایین از درصد

افزایش بیشتری بهره‌مند می‌شوند. حداقل دریافتی ۷۵۰۰ ریال تعیین و به سایر حقوق بگیران بیست درصد اضافه می‌شود ولی در مورد کسانی که میزان حقوق آنها بیش از بیست هزار ریال است نصف افزایشی که بمازاد بیست هزار ریال تا سی هزار ریال حقوق تعلق می‌گیرد از سایر دریافتی‌های دائمی مستخدمین و افزایش حقوق بمازاد سی هزار ریال تماماً از دریافتی‌های دائمی دیگر کسر می‌گردد و بدین ترتیب تمامی کسانی که مبلغ حقوق آنها کمتر از بیست هزار ریال است معادل بیست درصد افزایش دریافتی خواهند داشت و کسانی که بین بیست هزار ریال و سی هزار ریال حقوق دارند مجموعاً بین بیست و شانزده درصد و سایرین که بیش از سی هزار ریال حقوق دارند کمتر از پانزده درصد که هرچه مبلغ حقوق آنها بیشتر باشد از درصد کمتری بهره‌مند می‌شوند.

تغییرات حقوق و دستمزد در بخش خصوصی در این مدت تابع شرایط عرضه و تقاضای بازار کار بوده است. از خصوصیات عمده بازار کار تمام کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت جهان اینست که افراد آماده بکار غیر متخصص را زیاد می‌توان یافت و در همین حال که تقاضای کار برای افراد متخصص هر روز بیشتر می‌شود عرضه نیروی انسانی در این سطح جوابگوی احتیاجات نیست. لاجرم در چنین بازاری حداقل دستمزد که مربوط با افراد غیر متخصص است بسختی تغییر می‌کند و فقط ممکن است تحت تأثیر تغییرات قیمت‌ها و بالا رفتن هزینه زندگی و یا سیاست حمایتی دولت تا آن حد که به فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی لطمه‌یی وارد نسازد افزایش یابد و برعکس در مورد متخصصان و مدیران رقابتی در رشته‌های مختلف این بخش بوجود می‌آید و هر قدر که میزان پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتر باشد افزایش حقوق و دستمزد بیشتری ملاحظه می‌شود. این وضع نیز عیناً در بازار کار ایران در دهسال اخیر مشاهده می‌شود. حداقل دستمزد در بخش خصوصی در مورد مشاغل بسیار ساده در دهسال اخیر تحت تأثیر سیاست‌های حمایتی خاص عملاً حدود دو برابر شده است ولی حداکثر دستمزد در مورد متخصصان عالیرتبه بخش خصوصی به چندین برابر رسیده است. حقوق و دستمزد در شرایط فعلی حتی در مورد کسانی که در سطوح پایین‌تر تخصص قرار دارند و باصطلاح عامه مختصر حرفه‌یی می‌دانند به لحاظ توسعه و پیشرفتی که هر زمان سریعتر می‌شود با شدت در حال افزایش

است، بطوریکه دستمزد يك سیمکش، تعمیرکار کار رادیو، نقاش و حتی کارگر فنی ساختمانی با آنچه در دهسال قبل بوده است تفاوت فاحشی دارد و جالب اینجاست که هر قدر درجه تخصص افراد بیشتر بوده است حقوق و دستمزد در مورد آنان به نسبت بیشتری افزایش یافته است. پس این تعارض که در طرز عمل بخش دولتی و بخش خصوصی بوجود آمده است به کجا می‌انجامد؟ آیا نتیجه کار این خواهد شد که خبره‌ها و متخصصان جذب فعالیت‌های خصوصی شوند و دیگران به بخش دولتی روی آورند. زمانی سیستم بازنشستگی و تأمین شغلی برای بخش دولتی امتیاز بی‌چون و چرایی شمرده می‌شد که در هر شرایطی افراد زبده و کارآمد را بطرف خود جذب می‌کرد. ولی از سال ۱۳۴۹ که قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، از کارافتادگی و فوت بتصویب رسید و کارمندان بخش خصوصی نیز دارای سیستم بازنشستگی شدند این مزیت بخش دولتی از آن سلب شد. پس آیا نباید دولت در اینمورد انگیزه‌های دیگری بوجود آورد؟ پاسخ مسلماً مثبت است ولی همانطور که گفته شد اجرای سیاست اجتماعی مقدم بر سیاست استخدامی است. باید از مجموع درآمد ملی کشور و بخصوص درآمدهای دولتی ابتدا سهم حقوق و دستمزد بگیران سطح پایین را پرداخت کرد و همینکه از تأمین حداقل دستمزد کافی فارغ شدیم سرعت متوجه حقوق و دستمزد بگیران سطوح بالاتر و باصطلاح مدیران و متخصصان بشویم.

در ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵ چنین پیش‌بینی شده است : «در صورتیکه نوع کار و وظائف و مسؤولیت‌های بعضی از مشاغل وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اقتضا نماید، مبلغی بعنوان فوق‌العاده شغل به شاغلین آن مشاغل پرداخت خواهد شد...»

اگرچه ماده ۳۸ هنوز بطور کامل اجرا نشده است و در اینمورد طبق قوانین و مقررات سابق عمل می‌شود ولی مهم اینست که پیش‌بینی قانونی برای رفع کلیه مشکلات مورد بحث بعمل آمده است و موقع اجرای آن نیز دیر یا زود فرا خواهد رسید.

پیش‌بینی قانون مذکور مسلماً نتیجه سالها تجربه گذشته است که در گذر استخدامی دولت بدست آمده است، چه بخش دولتی نمی‌توانست از استخدام متخصصان بی‌نیاز باشد. دو مانع بزرگ تاکنون باعث عدم

اجرای این ماده شده است. اول همانطور که گفته شد ترمیم حداقل دریافتی مستخدمین و رساندن آن به سطح مطلوب. دوم اینکه تعیین فوق العاده شغل مستلزم طبقه بندی مشاغل دولتی و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری بوده است که پیش بینی می شود در سال ۱۳۵۳ اجرای این مرحله از قانون با تمام برسد، بنابراین باید در انتظار تصویب سریع آیین نامه فوق العاده شغل باشیم، علی الخصوص که پیروزی های متعدد اقتصادی که نصیب کشور شده، امکانات مالی دولت را وسعت فوق العاده پی بخشیده است.

بحث درباره سیاست حقوق و دستمزد همانطور که گفته شد نمی تواند فارغ از برنامه های استخدامی دولت صورت گیرد. بنابراین باید دید با توجه به سیاستی که از لحاظ حقوق و دستمزد اتخاذ شده است برنامه های استخدامی دولت در سالهای آینده چگونه است؟

اکنون در دوری قرار گرفته ایم که تحولات کشور با سرعت انجام می گیرد. اگر در گذشته برای دیدن يك تحول اساسی عمر يك نسل لازم بود، اکنون کشور ما در شرایطی قرار گرفته است که طی يك دوره ده ساله و حتی يك برنامه عمرانی پنج ساله تحولات جالبی را بخود می بیند. این تحولات از لحاظ نیروی انسانی شاغل مخصوصاً در دستگاه های دولتی تعارض و تضادی را بوجود آورده است. سازمان های دولتی در امر تحول، وظایف عمده پی بعهده دارند، بنابراین بیش از هر واحد فعال دیگر باید خود را با شرایط تحولی جدید منطبق سازند. عده پی از کارمندان، بین بیست تا سی سال قبل با داشتن تحصیلات عمومی یا سواد خواندن و نوشتن وارد خدمت دولت شده اند تا مقاومت در برابر تغییرات و تحولات جدید را از دست داده اند و زائد می نمایند. از طرف دیگر نیروی جوان و تازه نفس فارغ التحصیلان مؤسسات عالی آموزشی داخل و خارج کشور آماده کار کردن و پیشبرد هدف های اقتصادی و اجتماعی کشور هستند. این دو نیروی پیر و جوان که اولی بدنبال روش های اداری قدیم است و در مقابل تحولات انعطاف ندارد و دومی پرشور است و خواهان پیشرفت می باشد در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. تردیدی نیست که در این میان باید دومی را انتخاب کرد و فرصت را بدست او داد ولی آیا باید اولی را یکباره بدور انداخت و بدون هیچگونه حمایتی رهاش کرد؟

پاسخ مسلماً منفی است. در نیم قرن اخیر کشور ما شاهد تحولات متعددی بوده است باید ملاحظه کنیم که در اینگونه موارد از چه روشی پیروی شده است؟

در سالهای بین ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۰ که کشور ماحیات اقتصادی جدید خود را آغاز می کرد با چنین تحولی روبرو بودیم. در آخر دهه مذکور برای تجدید چهره نیروی انسانی شاغل در دستگاه های دولتی از سیستم بازنشستگی زودرس استفاده شد، بدین معنی که اجازه داده شد مستخدمین با بیست سال خدمت بازنشسته شوند. در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم کشور ما وارد مرحله جدیدی از توسعه اقتصادی خود شد، امتیازاتی از لحاظ تأمین حقوق بازنشستگی بیشتر اعطا گردید و بدین ترتیب موجباتی برای بازنشسته شدن قدیمی ها فراهم شد.

در سالهای اخیر نیز با استفاده از تجربیات گذشته از همین روش استفاده شده است و اینبار هر دو امکان برای خروج کسانی که توانایی انطباق با تحولات جدید را ندارند فراهم شده است. بدین معنی که هم شرط سابقه خدمت بیست سال برای بازنشستگی در نظر گرفته شده است و هم اینکه با تغییر ضریب و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری حقوق مبنای بازنشستگی افزایش می یابد، النهایه برای اینکه خشک و ترنسوزد و افراد مفید و غیر مفید و متخصص و غیر متخصص دولت با هم از دست نروند موافقت با امر بازنشستگی مستخدمینی که می خواهند با بیست سال سابقه خدمت بازنشسته شوند در اختیار مقامات مسؤول گزارده شده است که از این لحاظ مراقبت لازم را بعمل آورند ولی در هر حال پیش بینی می شود که ظرف چند سال آینده حدود يك چهارم کارمندان دولت بازنشسته شوند.

بدین ترتیب دورنمای سالهای آینده را از لحاظ اداره امور استخدامی و سیاست حقوق و دستمزد می توانیم ترسیم نماییم و وضع بخش دولتی را نیز در این میان مشخص کنیم.

از یک طرف بخش خصوصی که سرعت گسترش می یابد برای جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص در مقابل بخش دولتی صف آرایی می کند و از طرف دیگر بخش دولتی نه تنها درصدد تأمین نیروی انسانی جوان بجانشینی افراد قدیمی است بلکه نیازمند با استخدام کادرهای دیگری جهت توسعه فعالیت های خود نیز می باشد. تأمین نیروی انسانی لازم جز با ایجاد انگیزه های کافی

استخدامی در بخش دولتی میسر نیست. ایجاد این انگیزه ها البته نباید بقیمت توقف فعالیت های بخش خصوصی تمام شود و برعکس تقویت این بخش باید همیشه در مد نظر قرار گیرد ولی با توجه به ترتیبات و تمهیداتی که هم اکنون اتخاذ شده است می توان اقدامات مؤثری در زمینه استخدام بخش دولتی بعمل آورد که اجرای ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری یکی از آنهاست. تردیدی نیست که در تحولات اقتصادی و اجتماعی و بالاخره اداری و استخدامی سالهای آینده با اتخاذ این تدابیر میزان استخدام متخصصان در دستگاه های دولتی نیز بیش از پیش گسترش خواهد یافت و با توسعه مؤسسات عالی آموزشی داخل کشور و ترتیباتی که برای بازگشت فارغ التحصیلان ایرانی خارج از کشور اتخاذ شده و خواهد شد اجرای برنامه های اقتصادی و صنعتی در سالهای آینده با همه وسعتی که دارد متوقف نخواهد شد.

سنگك



نان خوشمزه ایرانی

شاید ضرور باشد

سنگك ، يك نان بومی

● در ایران کمتر کسی است که تاکنون نان سنگك نخورده باشد زیرا این نان از نانهای ویژه مردم ایران است و پیشه سنگکی از پیشه‌های کهن ساکنان این مرز و بوم می‌باشد.

بعد از بررسی و پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که آغاز کننده و نخستین پزنده نان سنگك بدرستی شناخته نیست و هیچکس را نمی‌توان به عنوان موجد آن معرفی کرد، ولی همین جستجوها نشان می‌دهد: سنگك يك نان شهری است و در کمتر روستای ایران سنگك پخته می‌شود، روستاییان ایران ترجیح می‌دهند بیشتر از نانهای خاص خودشان استفاده کنند.

«شاردن» سیاح معروف فرانسوی که در حدود سیصد سال پیش از ایران دیدن کرده در سیاحتنامه خود می‌نویسد: «قسم دیگر سنگك است که بمعنی نان

● بزودی شیوه سنگك پزی در تهران دگرگون می‌شود، دیگر نان سنگك با روش متداول پخت نخواهد شد. زیرا نخستین ماشین سنگك پزی توسط سه مهندس ایرانی به اسامی آقایان: محمود حدادزاده، محمد دهقان و حبیب‌الله دادفرما بوجود آمده و به شماره ۱۱۱۳۶ به ثبت رسیده است. آخرین آگاهی این است که شرکتی بنام «پزان» ماشین نان سنگك پزی را قریباً به بازار عرضه خواهد داشت. این ماشین بطور اتوماتيك و بدون دخالت دست کارگران، نان خواهد پخت، که صددرصد بهداشتی است.

دستگاه نان سنگك پزی مدرن در هر ساعت ۴۳۰ عدد نان می‌پزد و همه نانها در يك اندازه و دارای يك وزن خواهد بود. مزه نان سنگك ماشینی هیچگونه فرقی با نان معمولی ندارد. بدین ترتیب آداب و رسوم سنگك پزی سنتی بکلی تغییر می‌یابد. در چنین شرایطی تهیه گزارشی درباره سنگك بمنظور ثبت شیوه‌های گذشته این پیشه،

سنگ ریزه است. چون آن را در کوره‌هایی که به مانند اجاق‌های اروپایی ساخته شده و کف آن از سنگ ریزه‌هایی به درشتی گردو و (فندق) به قدر دوانگشت مستور گشته، می‌پزند!

«شاردن» در جلد چهارم خاطرات خود اضافه می‌کند: «این نان (سنگ) از نان معمولی (تافتون) ضخیم‌تر می‌باشد و شکل آن دراز و یک لیورونیم وزن دارد. نانویان برای صرفه‌جویی در سوخت هیزم آن را روی سنگ ریزه می‌پزند. چون سنگ ریزه‌ها حرارت را خوب جذب و حفظ می‌کنند و زودتر خمیر را می‌پزند. اما بعضی جاهای این نان کمتر از قسمت‌های دیگر پخته می‌شود».

فرهنگ «برهان قاطع» که در سال ۱۰۶۲ هجری قمری تألیف یافته به نان سنگ اشاره کرده می‌نویسد: «... و نوعی از نان هم هست که بر روی سنگ ریزه‌های گرم بپزند».

سایر فرهنگ‌های فارسی که بعد از «برهان قاطع» تألیف شده کم و بیش به واژه سنگ اشاره کرده‌اند، سنگ از دو قسمت یعنی «سنگ» و «ک» نسبت ساخته شده و «احمد کسروی» در «گافنامه» خود آن را نانی دانسته که بروی سنگ ریزه می‌پزند. صاحب لغت‌نامه «آندراج» نیز ضمن یادآوری انواع نانهای ایرانی از جمله: نان آبی، نان پنجه‌کش، نان شیرمال، نان تفتان، نان خطایی از نان سنگ نیز اسم برده است و مرحوم ایرج میرزا نیز در بیت زیبایی بدان اشاره کرده است:

نان از این خوبتر و تردتر و نازکتر
نان سنگ که دگر پشمک و حلوانشود
نان سنگ بدون شک از نانهای خوشمزه
ایران است تهرانی‌ها می‌گویند: «آدم گرسنه خواب نان سنگ می‌بیند»، در خصوص این نان لذیذ افسانه‌های زیادی ساخته و پرداخته شده، از جمله می‌گفتند: امیر ارسلان نامدار فقط نان سنگ و پیاز و پنیر را با هم می‌خورد و دلیل توانایی این قهرمان افسانه‌ای همین بوده است.

کارگران سنگی

● شاطر: شاطری در نانویایی حرفه محترمی است، کسی که می‌خواهد شاطر شود، باید مراحل خاصی را پشت سر بگذارد، شاطر باید همه فوت و فن‌های سنگ‌پزی را بداند و به همه رسوم و آداب و آیین‌های ویژه آن آشنا باشد، در سنگی‌ها همه از شاطر حساب می‌برند، زیرا او برای رسیدن به این درجه چندین سال پی‌درپی کار کرده به طرز پادویی، خمیر زدن، پخت پارو ایستادن، به خمیر و چگونگی پخت نان آشناست. شاطرهای قدیم بذله‌گو، نکته‌دان بودند و به اصطلاح دکان سنگی را با طنزهایی که می‌گفتند گرم می‌کردند، آنان طبع شعر نیز داشتند، یا چون شاطر عباس صبوچی خود شعر می‌سرودند یا سروده‌های دیگران را از بر می‌کردند و به موقع می‌خواندند.

شاطرهای قدیم همیشه یک کارآموز یا «اجیر» داشتند و او را تعلیم می‌دادند، زمانی که شاطر قدیم اطمینان پیدا می‌کرد که «اجیر» به کار خمیر، نان‌پزی آشنایی زیادی یافته و تسلط کاملی به شاطری دارد، با خود جعبه شیرینی به نانویایی می‌آورد، بادهای خود پیشبندش را به کمر «اجیر» می‌بست و از او می‌خواست. برایش نان بپزد و اجیر نان می‌پخت و شاطر قدیم به اجیر که شاطر شده بود شادباش می‌گفت و از طرف او به همگان شیرینی تعارف می‌کرد و شاطر نخواست، همان شب سور مفصلی به مناسبت نیل به این پیشه به کارگران نانویایی می‌داد و فردای آن شب یک دست زیرجامه و یک پیشبند و یک جعبه شیرینی برای شاطر قدیم می‌آورد و هرگاه دلش می‌خواست از آن نانویایی بیرون می‌آمد و به عنوان شاطر جدید در نانویایی‌های دیگر به کار می‌پرداخت.

برای بیان اهمیت شاطر و اهمیت سنگ و سنگ‌پزی موارد فراوانی می‌توان بافت از جمله اینکه رقصی بنام رقص شاطری تا چند سال پیش متداول بود که فوق‌العاده زیبا و پرکشش بوده و طرفداران زیادی داشت. و در مجلس سرور و شادمانی به خصوص عروسی‌ها چندین بار تکرار می‌شد. مردی بلندپالا و خوش اندام روی تخت حوض می‌آمد و با حرکات خود طوری وانمود می‌کرد یک شاطر به تمام معنی است. او در عالم خیال پیشبند به کمر می‌بست، از چاله خمیر، مقداری خمیر را می‌برد و به روی پارو می‌خواباند و با رقص کمر آن را توی تنور پهن می‌کرد و آنگاه با لرزش اندام و حرکات موزون سیخی را در دست می‌گرفت و به اصطلاح نان پخته را روی سنگ ریزه‌ها جابجا می‌کرد و سنگ ریزه‌های آن را می‌تکاند و بعد نان را به جلو تنور، آنجایی که آتش می‌سوخت می‌کشید و پس از برشته شدن آن را از تنور خارج می‌کرد، نوازندگان هم که بروی تخت حوض یا کنار حوض نشسته بودند، رقصنده‌ی «رقص شاطری» را همراهی می‌نمودند.

شاطر خوب حدود دوونیم قسمت خمیر نانویایی را تا ظهر می‌پخت و همین مقدار را نیز بعد از ظهرها به تنور می‌فرستاد.

● خمیرگیر: معمولاً دو نفر خمیرگیر در نانویایی سنگی روزانه کار می‌کنند. که اولی را «خمیرگیر» یا «خلیفه» و دیگری را «وردست» یا «کمک خمیرگیر» می‌نامند. خلیفه ورزیده‌تر است و به ترش و نمک هر نوع خمیری آشنایی دارد و هرگونه آردی را می‌شناسد، وردست خلیفه در کنار خمیرگیر می‌ایستد و با دستور او کار می‌کند و اغلب کارهای سنگین خمیرگیری به عهده اوست، خمیرگیران از همه زودتر به کار می‌پردازند، آنان نیمه شب از خواب بیدار می‌شوند و خمیر را آماده می‌کنند،

اغلب خمیرگیران شبها در نانویایی می‌خوابند و بعد از آن که آفتاب دمید، کارشان تمام می‌شود و بخانه می‌روند.

● موتورچی: در گذشته‌های دور نانویان تنورهای خود را با بته گرم می‌کردند و به همین جهت شخصی را بنام «بته گذار» استخدام می‌کردند و او وظیفه داشت، بته، خار و هیزم را از سوختدان بیاورد و در آتشخانه بریزد و تنور را گرم کند. او با سرکشی مداوم سعی می‌کرد گرمای تنور را در یک هوا نگاه دارد. امروزه بجای بته گذار، سنگی‌ها، موتورچی دارند. موتورچی با نفت سیاه، موتور نانویایی را روشن می‌کند و بخار موتور را تنظیم می‌کند و اغلب پای دستگاه موتور به سر می‌برد.

● نانگیر: نانگیران، زیرکی و هوشیاری و دانایی شاطران را ندارند، بلکه سعی دارند نان شاطر را یکدست و خوب بپزند و به اصطلاح نان را «باندازه» و خوب از تنور درآورده و دست مشتری بدهند.

نانگیر اول سنگی را «نانگیر اول» و دومی را «نانگیر منبری» می‌نامند.

● پیشکار: در گذشته شغل پیشکاری در نانویایی به غیر از شغل ترازوداری بود ولی امروز پیشکار، کار ترازوداری را هم به عهده گرفته است. پیشکار در خرید آرد و جمع و جور کردن کیسه‌ها و حمل آنان از کارخانه به دکان نظارت دارد و دخل و خرج سنگی در دست اوست. او در تابستانها، آردها را ولو می‌کند تا خشک شود و در آلك کردن آنها نیز کمک می‌کند. پختن ناهار و گرفتن صبحانه کارگران نانویایی هم به عهده اوست. او همچنان وظیفه دارد تعداد کارگران دکان را تنظیم کند. پیشکار ترازوداری و دکانداری هم می‌کند. پیشکاران باتوجه به اینکه کار ترازوداری را هم به عهده گرفته‌اند، کار سنگینی را متحمل می‌شوند، پیش از درآوردن نان از تنور در مغازه هستند و پشت پیشخان با مشتریها سروکله می‌زنند. دخل و خرج دکان را برآورد می‌کنند و اغلب شبها دیرتر از همه دست از کار می‌کشند. در اغلب سنگی‌های تهران پیشکار و ترازودار، صاحب خود دکان است. نان‌فروشان دورم گرد هم در نانویایی‌ها به کار مشغولند و تعدادی نان را هم‌روزه پشت دو چرخه خود قرار داده، بخانه‌ها و کسانی که نان سنگک سفارش داده‌اند می‌برند. در تهران برای هر نان سفارشی یکریال اضافه دریافت می‌شود و اگر سنگک خشخاش‌دار باشد این مبلغ تا دوریال می‌رسد.

سنگی‌ها یک پادو هم دارند که زیر نظر شاطر و پیشکار کار می‌کنند، پادو یا پاکار نفت‌گیری و آب‌گیری موتور را به عهده دارد. نظافت دکان هم به عهده اوست و کارهای پیش پا افتاده سنگی را انجام می‌دهد و شستن و برچیدن ظروف ناهار و صبحانه نیز به عهده پادو است.

● نان درآران: سنگی‌ها دو نان‌دار

دارند یکی از آنها آتش انداز است که همکار شاطر است و نانهای شاطر را درمی آورد و نوبت مشتریان را نگه می دارد. هوشیاری و زیرکی از ضروریات کار آتش انداز است. نان درآر دومی «سیخدار» یا «دست به سیخ» نام دارد و با نانگیر همکاری می کند و نانهای نانگیر را از تنور بیرون می آورد. ساختن و به اصطلاح گرم کردن ریگ تنور هم به عهده اوست. امروز آتش انداز و دست به سیخ یکی است و یک نفر مسئولیت این دو را به عهده دارد.

در تهران حدود ۹۰۰ سنگی وجود دارد، حداکثر مزدی که در سنگی پرداخت می شود ۶۰ تومان است که شاطر می گیرد، او برای هر «ری» ۲ تومان دریافت می کند و روزانه حدود ۳۰ «ری» می یزد، البته دستمزد شاطران و سایر کارگران نانوائی به مناسبت بودن در پایین یا بالای شهر و مهارت آنان تفاوت دارد. مزد کارگران نیز باتوجه به میزان کار و پیشه شان است. کمترین دستمزد را موتورچی و پادو می گیرد که حدود ۵ تومان است البته کارگران نانوائی بین ۲ تا ۳ نان به عنوان نان سرکاری با خود بخانه می برند.

شاطرها پیش از آغاز کار در یک نانوائی مقداری وام از صاحب کار می گیرند تا باین گروبی، کار خود را تثبیت کنند و به بهانه های مختلف از کارشان اخراج نشوند. این گروکشی تا مدتی کار شاطر را تضمین می کند و شاطر با خیال راحت به کار می پردازد. و وام خود را اندک اندک می پردازد.

ابزار کار سنگی

اینک فهرست و ابر به کار سنگی ها اشاره می کنیم:

● **الك:** که برای بیختن آرد و جدا کردن آرد از سپوس است.

● **بالوئك:** چیزی است شبیه بیلچه که با آن ریگ های درون تنور زیر و رو می شود.

● **بشك:** بالای بام تنور دوشکه قرار می گیرد که دریکی از آنها نفت سیاه و در دیگری آب می ریزند.

● **پارو:** دونه پارو در نانوائی سنگی وجود دارد که یکی از آنها سری چهار گوشه و مسطح دارد که شاطر با آن کار می کند و خمیر را روی آن می گسترد و دیگری پارویی شبیه پاروی برف رویی تهرانی هاست که ریگهای پاشیده شده به اطراف تنور را با آن جمع آوری می کنند و در تنور می ریزند.

● **پسایی:** پیتی است که آرد بیخته را در آن می ریزند، در هر پیت حدود ۱۲ کیلو آرد می ریزند.

● **پیشبند - دستمال سفیدی است که شاطر و خمیرگیر، به جلو خود می بندند تا ترشح «شتك» خمیر لباسشان را آلوده نکند.**

● **پیشخان:** پیشخان یا پیشخوان،

صندوق یا میز چوبی است که ترازو را برویش قرار می دهند.

● **تغار تراش:** ابزار آهنی و کوچکی است که با آن پادو خمیر چسبیده به پارو و لبه و دهانه تغار را پاك می کند.

● **تغار خمیر:** ظرفی است سفالی و بزرگ که دهانه گشاد دارد و در هر سنگی سه تغار در کنار هم قرار دارد، اخیراً باتوجه به اختراع دستگاه خمیرسازی تعداد تغارها کمتر شده است. در کنار تغار خمیر يك تغارچه كوچك هم وجود دارد تغارشوی هم پارچه ایی است که درون تغار خمیر و تشتك را می شویند.

● **ترازو:** این وسیله هم برای سنجیدن نان است: در گذشته های دور از ترازوی خاصی بنام ترازوی شاهین دار «شاهنگدار» بهره می گرفتند. این ترازوها ۲ کفه داشت و با شش ریسمان یا کمر بند به سقف چوبی سنگی بسته می شد و بیشتر برای سنجش و وزن آرد از آن استفاده می کردند.

● **تشتك:** تشتك یا تشت چوبی، از چوب ساخته می شد حدود ۲ متر طول و يك متر عرض داشت و خمیرگیر در آن خمیر زنی می کرد و آن را بار می آورد.

● **جاروی زیر و نرم:** جاروی زیر که از گیاهی خشك درست می شد کف نانوائی را می رفتند و با جاروی نرم آرد را پاك می کردند.

● **جای نمك و صابون:** در جای نمك که تغارچه ایی بود، آب نمك درست می کردند و سنگ نمك را در آن خیس می کردند و صابون را هم برای نرم و لیز کردن روی سرك سنكوب می کشیدند و جایش همیشه کنار كوره تنور بود.

● **دستاب:** تشتی سفالی و گرد و درون لعابی است که شاطر دستهایش را در آن نرم می کند.

دوشاخه، سرنده، سطل، سنكوب، سنگ، انواع سیخ، كوزه نمك، گونی، لنگ، موتور، منبری از ابزار کار سنگی هاست (۱).

آب، آرد، جوش شیرین برای «رساندن و چاق کردن خمیر، خشخاش، نفت سیاه «سوخت»، صابون و نمك از مواد کار سنگی هاست.

خمیرگیری و نان پزی

● **برای درست کردن يك تغار خمیر، «وردست» آرد و آب را درون تشتك می ریزد و «خلیفه» آب، نمك و ترش به آن اضافه می کند و بعد هردو خمیر را بهم می زنند تا گلوله های خمیر صاف شود، بعد از آن که خمیر وارفت، هردو دست از کار می کشند، چند لحظه دیگر برای بار دوم با خمیر ور می روند و بعد باز هم دست از کار برمی دارند... لحظاتی بعد تا مع دستهایشان را در خمیر فرو می برند و به اندازه دستهایشان تکه خمیر را می برند و محکم به دیواره تشتك چوبی می زنند و صدای بلندی از اینکارشان برمی خیزد بعد گلوله های خمیر را بغل زده و رویه خمیر**

را می پوشانند تا جا بیفتد و بعد از جا افتادن خمیر آنها را بغل بغل از تشتك برمی دارند و دریکی از تغارها کنار تشتك می اندازند تا بحال خود بماند و مدت معینی در تغار بخوابد و آماده پخت شود.

برای پخت نان، تنور را روشن می کنند تا ریگها گرم شود، بعد آنها را زیر و رو کرده و با سیخ صاف می کنند، بروی سنكوب صابون مالیده به روی ریگهای گرم می مالند تا آنها نرم و آماده برای پخت سنگك شود، در این موقع شاطر دستهایش را در دستاب خیس می کند و از تغار خمیر آماده می برد و میان دو دستش آنها را تاپ تاپ می دهد و بروی پاروی خود می گسترد و سپس بار دیگر دستهایش را به درون دستاب فرو می کند. دو گوشه نان را با نوك انگشت می كوبد و به اصطلاح مهر می کند، از دسته پارو گرفته آن را درون تنور می فرستد و نانگیر نیز با سیخ و سیخ بچه نان را جابجا کرده، به خواست مشتری آن را خشخاش دار، دو آتشه، رنگ دار و خشك می کند.

بهترین نان، نان برشته، چاق و ته خمیر است بخصوص هرگاه سنگك خشخاش دار هم باشد، خوردنی تر است. نان برشته و سرخ «دو آتشه» باب طبع مردم بوده و نان فطیر که از خمیر بیار نیامده و نارسیده سرتغار پخته می شود، خوردنی نیست.

بدنیست بدانید برای پای خوانچه عقد، سنگی بنام نان پای خوانچه عقد پخته می شود که بلند، بزرگ و تازه و بدون سوراخ است و نان قهوه ایی هم که تقریباً سنگك سوخته است برای کسانی که بیماری قند دارند پخته می شود. سنگك کیابی هم نرم و مخصوص کباب است و ساده و آبدار و تازه می باشد.

آبگوشت، کباب تنوری، سیب زمینی و چغندر که در تنور سنگی ها پخته می شود خوشمزه و خوردنی است. از این رو، اغلب سنگی ها غذای کارگران خود را در تنور نانوائی می پزند. دیزی بار کردن در سنگی ها برای ناهار، کار رایجی است.

کارگران نانوائی بدون شك يك گروه از زحمتکش ترین پیشه وران ایران هستند، نانوائیان در تهران دارای اتحادیه متشکلی هستند که در جهت رفاه آنان تلاش می کند و گذشته از این وزارت کار هم در جهت بیمه، تعیین دستمزد و سایر امور رفاهی کارگران سنگی اقداماتی کرده و حتی میزان دستمزد آنها را برآورد و به کار فرمایان ابلاغ کرده است.

قهوه خانه های «علی بلویی» در بازار - «عباس تکیه» در خیابان مولوی، «حسن ناروندی» در میدان شاه تهران پاتوق کارگران نانوائی و خبازان است و بعد از اتمام کار خستگی خود را با خوردن چایی و کشیدن غلیان و سیگار برطرف می کنند.

۱- برای اطلاع بیشتر از ادوات و ابزار، طالبان نگاه کنند به: نشریه هنر و مردم، شماره های ۷۵ و ۷۶، بقلم آقای علی بلوكباشی.

جاده هراز

۱ - م اعتماد

مقدمه‌ی بر مسائل طبیعی:

راه با عظمت «هراز» یکی از پررفت و آمدترین جاده‌های کشور است که از قلب ارتفاعات عظیم البرز گذشته و دو منطقه بزرگ تهران و مازندران را با همه اختلافات خاص اقلیمی آن، در دو طرف این حصار بزرگ طبیعی بهم پیوند می‌دهد. ابتدا بموازی رشته اصلی کوه‌ها و سپس به آرامی، تپه ماهورهای پیش کوه‌ها را پشت سر گذاشته و در کمرکش دره پیچ و تاب فراوانی می‌خورد تا به خط تقسیم آنها در قله امامزاده هاشم برسد و ارتفاعی برابر ۲۶۳۰ متر را پیدا نماید. سپس نوسانات این سلسله عظیم را بطرف پایین، بطرف دریایی که سطح آن از سطح دریای آزاد چندین متر پایین‌تر است دنبال میکند. همراه اولین قطرات رودخانه هراز که در پای دره‌ای ژرف جریان دارد به محل باتلاقی این رود و رودخانه لار میرسد و با پلی زیبا، چون گامی از غولهای افسانه‌یی، آن را درمی‌نوردد و مسیر خود را به احترام قله پرشکوه دماوند در پایین‌ترین تراس رودخانه در پیش می‌گیرد و آنجا که سنگهای بزرگ و صخره‌های سخت راه رودخانه را در گلوگاه‌های عمیق تنگ می‌کند، این راه این حاصل رنجهای انسانها، یاسرختی، آنرا می‌شکافد و از سینه تاریک آن میگذرد و سرفراز و نیرومند دامن خود را فوراً به کنار رود خروشان میرساند و در کنار زمزمه نشاط‌آور آن راه خود را می‌گشاید تا رسالت خود را برای شادی انسانها در جنگلهای زیبای شمال و در دشت پهناور مازندران دنبال کند و همراه خود حرکت و برکت را برای دوسوی این دیوار عظیم به ارمغان آورد.

اما طبیعت سهمگین این کوههایی که باوجود مناظر بدیع و ظواهر دلفریب خود چون غولهای بدطینت و شیطانی در دو طرف این رشته که از فروغ تمدن انسانی مایه می‌گیرد، قد برافراشته‌اند، در هر فرصت مناسب زخمهای جانکاه خود را برپیکر آن فرود می‌آورند و کوشش خود را برای پاره کردن این پیوند تمدن انسانها بکار

می‌برند. شناخت صحیح عوامل نامساعد در شناخت جنس ساختمان و آشنا بودن به قوانین حرکت آب و خاک و مسائلی در علوم جدید از قبیل زمین‌شناسی، هیدروژئولوژی و دینامیک رودخانه‌ها و بالاخره ژئومورفولوژی است. بیاییم کمی جنبه‌های کلی این مسائل را بررسی کنیم و دلیل بعضی از شکستهای خود را در این مبارزه دانش بر طبیعت کور و خشمگین با واقعیت بیشتری بشکافیم و تا آنجا که لازم است راه را با علامات و ایمنی‌ها همراه و اندرزه‌های لازم و با تقویت احساس مسؤولیت و همدردی، در رانندگان تقویت تفکر انسانی یاری بدهیم تا شاید بیش از این عزیزانی از میهن ما و ثروتی از مملکت ما به عبث قربانی خشم سرکش طبیعت نشوند.

الف: مسائل طبیعی

مختصری از زمین و شکل و ساختمان

مسیر جاده هراز

زمینی که جاده هراز، رشته دامنه‌دار خود را بر آن گسترده است تاریخ قرون و اعصار دوره‌های زمین‌شناسی را در خود نهفته است و سنگهای آن که آرام و بیصدا شاهد گذشت سریع تندروهای عصرما هستند، حکایت‌های پرهیجانی را از گذشته این کره خاکی در این نقطه از جهان بخاطر دارند که چهره‌های شکسته شده و خرد شده و گرد گرفته سنگها صندوق اسراری بس شگفت از تحول زمین و تکامل حیات میباشند که فقط با چکش زمین‌شناسان که رسالت دارند تاریخ را در حدی خیلی بیش از آنچه که به فهرست افسانه‌ها کشیده میشود ورق‌بزنند، زبان می‌گشاید و راز دل بیرون مینهد و با زبانی که آشنای زمین‌شناس است میگوید، ذرات مرا بشکاف، تا اسرار نادیده را بازبینی و حکایت‌های ناشنیده را با گوش جان بشنوی، این زمینها از همه ادوار زمین‌شناسی، قبل از شروع حیات تا آغاز زندگی بر روی کره ارض و از وقتی که خزندگان عظیم یکه‌تاز روی زمین بوده و حاکم بلا - معارض دریاها و خشکیها و حتی هوا بودند و از وقتی که پستانداران عظیم در زمین ظاهر

شدند و حیات با موجودات خود به انواع و گونه‌های امروزی شبیه‌تر میشد و بالاخره از زمانی که انسان پا بعرصه وجود گذاشت و آرام آرام این موجود متفکر به شناخت اطراف خود پرداخت و اساس تمدن بشری را بنیاد نهاد آثاری دارد و از انقلابات ارضی و سماوی، از تغییر و تکامل و تحول انواع موجودات زنده و پسرروی و پیشروی دریا، غلبه خشکی‌ها و برافراشته شدن کوهها حکایتها دارد و هر قسمی از آن نشانی از یک دوران زمین‌شناسی است. این امر تنوع زمین را در نوع سنگها، و در نوع ساختمان سبب میشود و در نتیجه تنوع و اصولی حاصل در امور ساختمانی را برای هر قسمت از آن ایجاب می‌کند.

اما آرامش جاده تا دیری نمی‌پاید، سیلی که در بالای کمر دهان باز کرده است، و مواد آتش‌فشانی تیره‌یی که از قلب خروشان زمین بیرون آمده و بصورت توده‌های مجتمع ویا رگه‌های پراکنده طبقات قشنگ روشن و به رنگ ائوسن را شکافته و اثر زخم را بآلبه‌های برآمده و تیره خود در داخل (سیلها) و آندریتهایی که بلورهای شش گوش آن در نور خورشید میدرخشد، حتی قبل از اینکه جاده به ارتفاعات بلند و اصلی البرز برسد، به آن مسیری تند، با پیچهای خطرناک میدهند و وقتی که راه رودهن و آبلعی را پشت سر میگذارد یکباره در دره شاهدشت ارتباطش را با طبقات دوران جدیدتر زمین شناسی یعنی لایه‌های دوران سوم و با طبقات سبز قشنگش از دست میدهد و گسله بزرگ مشاجشم در مبارك آباد باتوده‌یی از گابرو، این سنگ زیبایی که از دور بصورت توده‌یی سبز رنگ بچشم می‌خورد، در کمرکش با ارتفاعات عظیم گراز دره روبرو می‌شود و از آن پس در طول لایه‌هایی که متعلق به قدیم‌ترین دوران زمین‌شناسی یعنی دوران اول است با زحمت خود را بالا می‌کشد.

در قله امامزاده هاشم، جاده، در پناه رحمت بزرگوار که آنجا آرمیده است و در مرتفع‌ترین حدی که به آن رسیده‌بسوی بالا می‌نگرد و برای بقیه راه خود و سراسیمی

دندانهای سخت خود را به او نشان میدهند در شکستگی و گسله‌های خود او را به اینطرف و آنطرف می‌کشاند ولی ملایم بطرف شمال می‌خوابند و جاده هم در پناه درختان سرسبز راه خود را به آرامی باز می‌کند و پس از اینکه از ارتفاعات کوتاه پای کوه‌های شمالی گذشت دامن پیچ‌دار خود را صاف می‌کند و باشادی و سرور رهسپار جلگه مازندران شده و از راه آمل و محمودآباد سربه ماسه‌های ساحلی خزر میساید.

شرایط ساختمانی

جاده هراز مناطق متنوعی را از نظر جنس زمین و از نظر شرایط مورفولوژی آن می‌پیماید کاری به این مسیر و دلیل انتخاب این مسیر نداریم چون مسلماً مطالعات اولیه و عمیقی از گذشته‌های دور در این مورد شده و عکس‌های هوایی و مدارک توپوگرافی لازم حتماً در اختیار متخصصان فن بوده است. مسلماً عظمت کارهای ساختمانی در چنین مسیر ناهمواری غیر قابل گفتگو است و اما اندکی دقت نشان میدهد که حتی با یکسان بودن شرایط زمین‌شناسی، نحوه ساختمان و زیرسازی و نوع مواد مصرفی در ارتفاع ۲۷۰۰ متری و در نقطه‌ای که در بیش‌تر ماه‌های سال تحت شرایط سخت یخبندان است بامنطقه جنوبی که شرایط اقلیمی نیمه خشکی را عرضه می‌کند و بالاخره بادامنه شمالی که آب و هوای مرطوبی را شامل است فرق میکند.

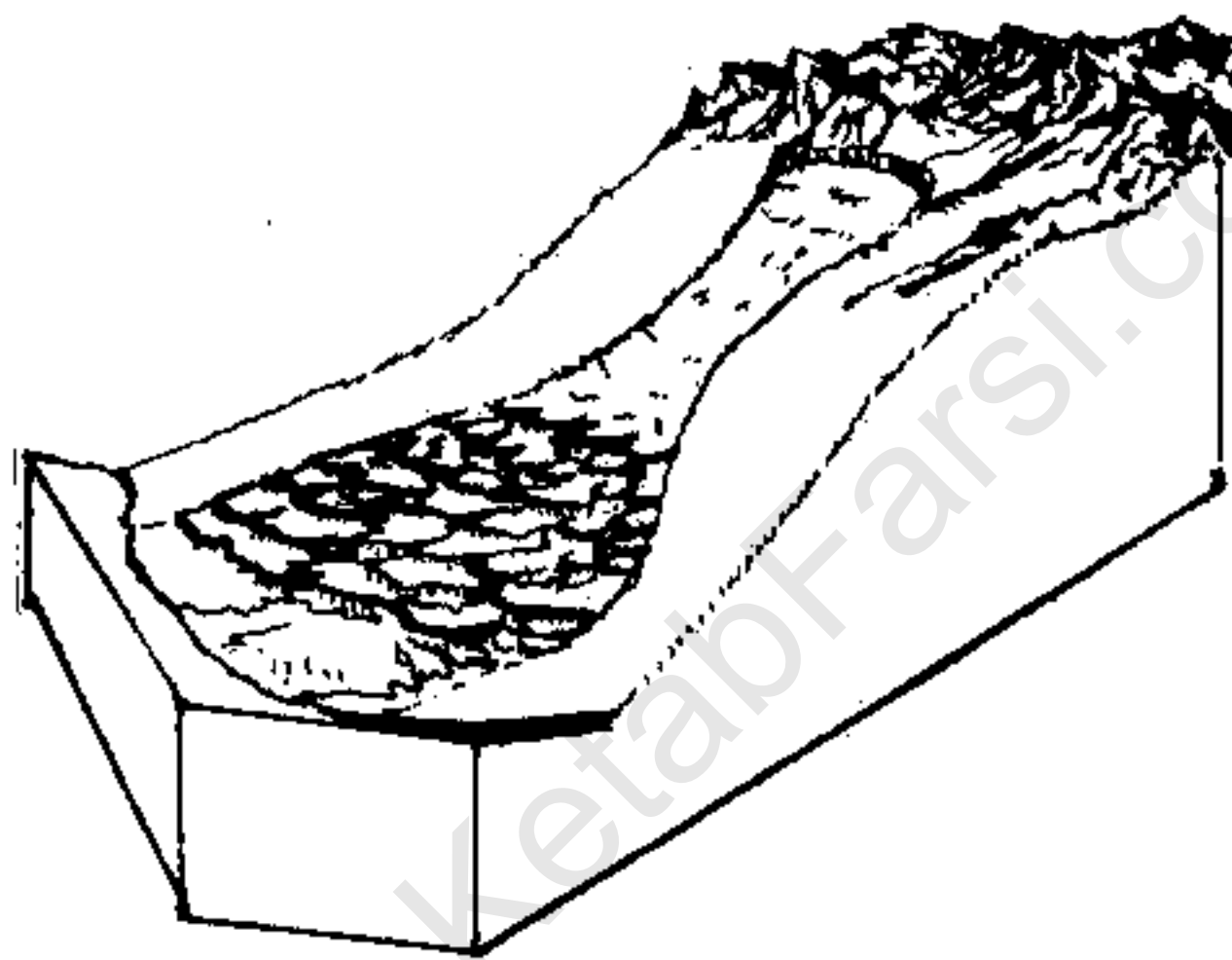
۱- مسافری که پیچ سرخه‌حصار را پشت‌سر می‌گذارد تا نزدیکی پل جاجرودخود را در حصار دو دیواره‌ای از مواد تخریبی با پیوستگی کم که در آن عناصر درشت و ریز گاهی خیلی درشت در حدود ۵۰ و گاهی خیلی ریز در حدود ماسه ورس بچشم می‌خورد می‌بیند.

۲- در غالب ارتفاعات غیر از جریان اصلی و مهم رودخانه‌جریانهای فرعی دیگری که غالباً عمود بر مسیر جریان و یا با آن مایل است وجود دارد که مجموعاً «شبه سیاه» یک حوضه آبگیر را معلوم می‌سازد. این شبکه‌های فرعی در روی عکسهای هوایی کاملاً مشخص است در طول جاده هراز و بخصوص بعد از امامزاده هاشم این جریانهای فرعی که به مسیر رود هراز می‌پیوندند زیاد است. گاهی نیز این جریانها پراکنده و در اصطلاح زمین‌شناسی گسترده است. در این محلها دیده شده است که یا کنار جاده را کمی منحرف کردند و یا جاده را بدون هیچ محافظتی از کمرکش کوه نزدیک آبراهه رد نموده‌اند.

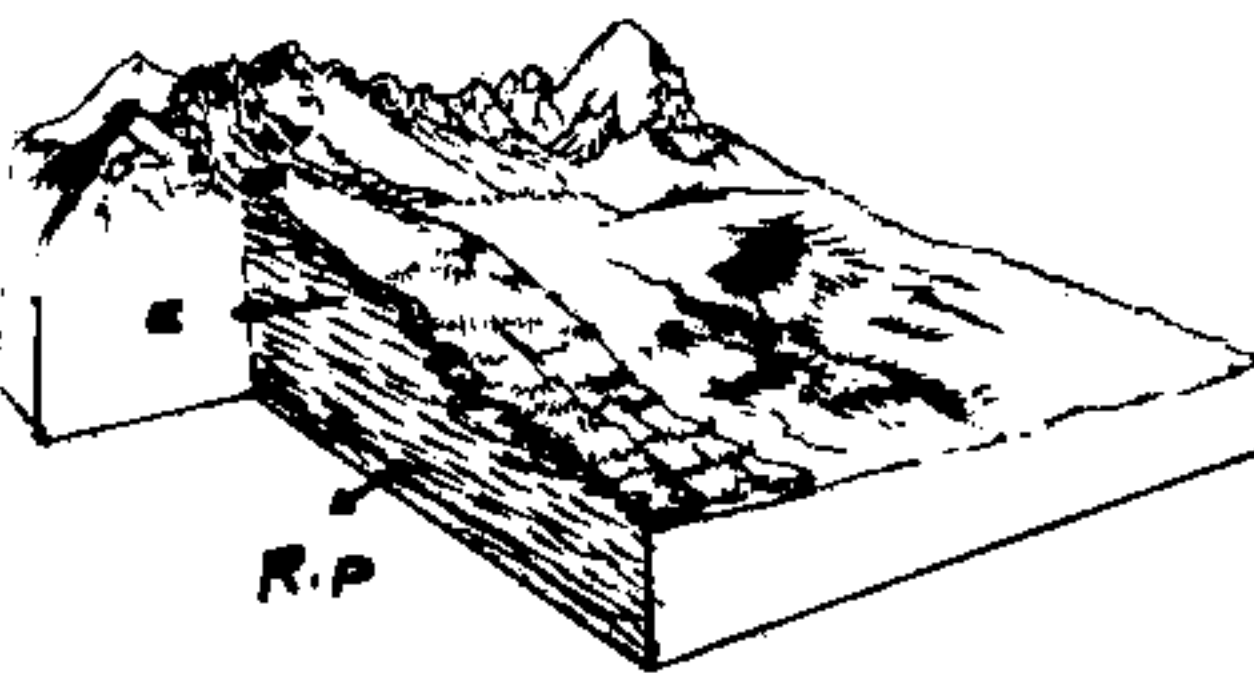
چون جریان آب با وجود کوچکی خود آرام آرام از زیر حفر میکند و خرابی به بار می‌آورد (مانند آنچه که در چند سال پیش نزدیک کمره اتفاق افتاد و یا آنچه که



جریان گلی در منطقه بایجان
این جریان بصورت مخروطی است که رأس آن بطرف قله است و قاعده آن به نزدیک بستر رودخانه ختم میشود



جریانهای گلی در دامنه‌های تبت نمونه آن در نزدیکی بایجان پس از هتل دوانا دیده میشود.



نقشه‌های سطحی زمین واریزه‌های E بر روی سنگ اصلی R.P در فصول مرطوب می‌لغزند و تشکیل جریان گل‌آلود مسطحی را میدهند نمونه نزدیک بایجان.

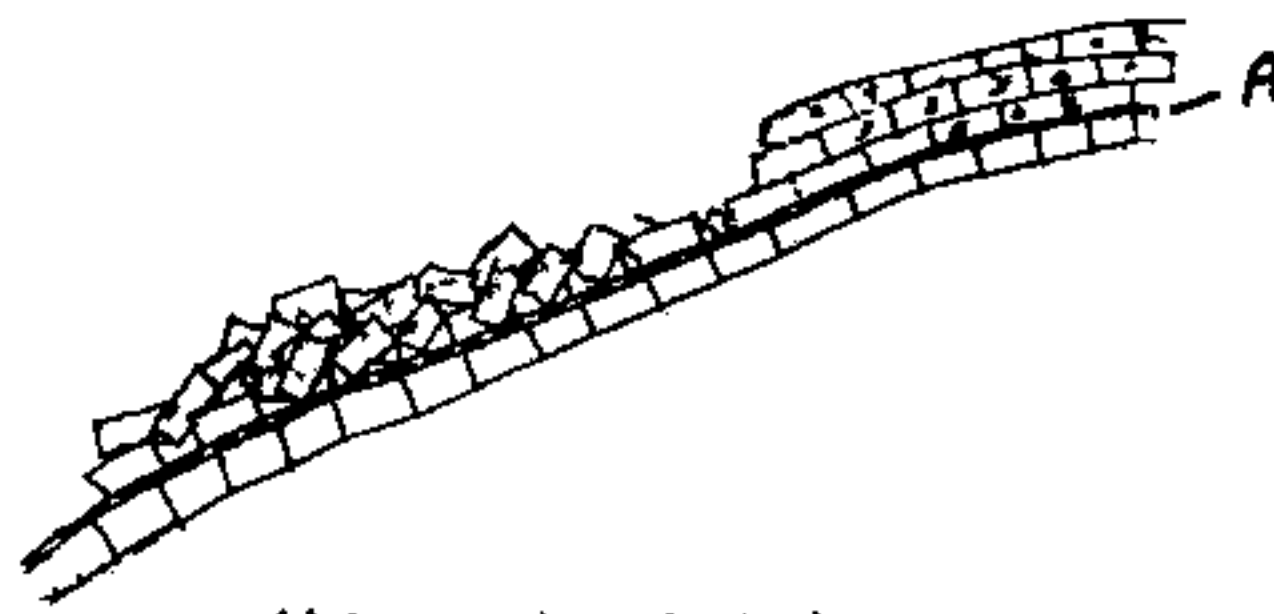
راهی که باید او را از ارتفاعی عظیم به سطح دریا برساند طلب یاری میکند و آنگاه صخره‌های بزرگ و ارتفاعات آهکی با لایه‌های قرمز و یا سیاه سوخته ماسه سنگی را یکی پس از دیگری در می‌نوردد و شاهد تارهای سوخته قلب طبیعتی است که دهقانان و کوه‌نشینان با چهارپای خسته خود آرام آرام آنرا از دامنه‌های پرشیبی جدا کرده‌اند، تاشبهای سرد زمستان خود را تأمین کنند. چون این رگه‌های کوچک برای انسان متمدن درخور آن نیست که ماشینهای عظیم معدنی را برای آنها خسته کند و منتظر است که در نزدیک اسک و کر سنگ این ماده تراکم بیشتری پیدا نماید تا قلب کوه را بیشتر بشکافد و آنرا خارج نماید. وقتی جاده به دره تنگ پل دختر میرسد که بالای آهکهای سخت دوران دوم آن جولانگاه رنجرهای و پاسداران این مرز و بوم میباشد، ترنم آشبار بلندی که آب زلالی را بداخل «هراز» میریزد با منظره‌ای بدیع و حیرت‌انگیز، دماوند که چون «مشت درشت روزگار» یکباره از آستین چین خورده و نا منظم طبیعت و با نظم و ترتیب و عظمت خاص خود بیرون آمده و چون «دیوی پای در بند» با حیرت به این رشته نامانوسی که در پای آن کشیده شده مربوط می‌شود، و آنجا که رودخانه‌های «هراز و لار» پیوند خود را در پای این مخروط عظیم با تاب و قوس فراوان جشن میگیرند. در طرف چپ خود دماوند را با همه عظمت خود می‌بیند در پایین این تنوره با عظمت زمین مشت‌های سخت که پنجه‌های آن‌ها بشکل منشورهای منظم شش گوش تا چندین کیلو متر جاده را دربر می‌گیرد بر سر آهکهای سخت‌تر و راسیک‌فروود می‌آید و جاده یکباره با سرسختی تمام قلب آهکها را میشکافد و همراه فوران گرم آبهای که در آب‌سک از دل زمین می‌جوشد از دل کوه خارج می‌شود و تا مدت‌ها مونس رود و گاهی بالا و زمانی پایین راه می‌پیماید آبراهه‌های فرعی متعددی را که از کناره‌های دره اصلی جریان دارد با قدمهای سنگین خود رد میکند و گاهی نیز سرکشی دیواره‌های آنرا به شوخی گرفته از سمت راست بچپ رودخانه و یا بالعکس تغییر جا میدهد از این به بعد تا مسیری طولانی جاده سنگ‌های نرمی را کنار خود می‌بیند که بالا به هایی از آهک سخت‌تر حفظ شده و جنگ و گریزهای کوچکی با آن با فرو ریختن مواد خود که غالباً خورده شده و از جنس شیست ماسه و حتی ماسه‌های ذغال‌دار و یا آهک‌های ماسه‌یی و غیره همزمان با خزندگان عظیم زمانهای گذشته‌اند است.

بالاخره جاده از ابتدای جنگلهای سرسبز شمال کمی آرام می‌گیرد ولی قبل از اینکه به دشت ساحلی برسد ارتفاعات عظیمی از آهک و لایه‌های ذغال‌دار و ماسه‌های سنگی

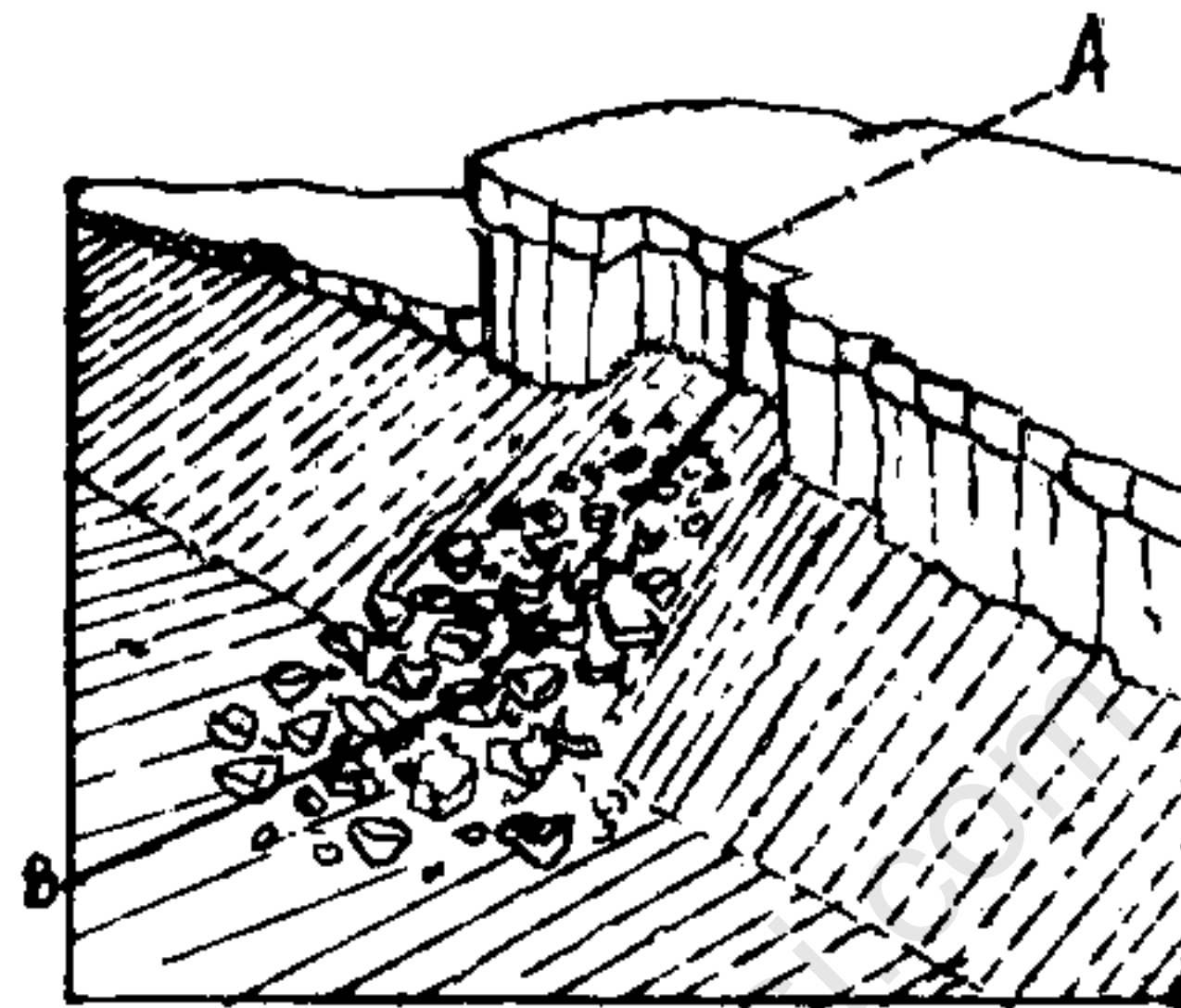
امروز پس از پیچ امامزاده هاشم دیده می شود) در چنین مواردی باید یا از پل استفاده کرد و یا آنرا بوسیله تونل از زیر هدایت نموده مانع نفوذ آب در بنای جاده شوند. نمونه های آن در مسیر هراز زیاد دیده میشود.

۳- رودخانه ها در سنگهای سخت درم هایی با دیواره نزدیک قائم دارند. سنگهای نرم این دره ها تعدیل یافته و باز میشوند و اگر سطح زمین وسیع تر شود جریان ها گسترده شده و اشکال آبکنه ظاهر میشود. در سنگهای سخت آب با دخول در منافذ و شیارهای سنگ و با کمک عواملی مانند یخبندان سبب ترکاندن سنگها میشود که ما از آن صحبت خواهیم نمود ولی در زمینهای نرم غیر از فرسایش از راه یخبندان، فرسایش مکانیکی دیگری دیده میشود که به قوانین آبکنه یا «مئاندر» موسوم است در مسیرهایی که رودخانه جریان مستقیم خود را از دست میدهد مقطع رودخانه در دودیواره منظم نیست و فرسایش دو دیواره یکسان نیست به این ترتیب که رودخانه در یک طرف عمل تخریبی و در طرف دیگر عمل ساختمانی دارد. (شکل) با دانستن کیفیت این جریان میتوان از قبل، مسیر رودخانه را کنترل کرد و از بازی خطرناک آب و خسارات احتمالی آن جلوگیری کرد. به این ترتیب که جریان های آب را در مسیر مشخصی هدایت نموده و انحراف مسیر آن را از بین میبرند این عمل در ابتدای تشکیل مئاندر ساده و باخرج کم و با چند پایه چوب که در محیطها خود بشکل هرم کوچکی در آورده و درون آن را از سنگ پر میکنند نیز عملیست منتها باید همیشگی باشد. این کار سبب میشود که پایه های پلها و یا مسیر جاده ها از تعرض يك جانبه آب مصون بماند. غالباً چون آب رفتهای کنار رودخانه و تراسهایی که مسیر جاده از آن میگذرد از سنگهای نرم و یا قطعات سنگهایی که هنوز کاملاً سیمانی نشده اند تشکیل شده اند در اثر جریان آبی که فشار خود را متوجه يك طرف (طرف کاومئاندر) می نماید، از هم پاشیده و سبب فروریختگی قسمت فوقانی آن، بخصوص در مواقع بارانی سیل های خطرناک میشود.

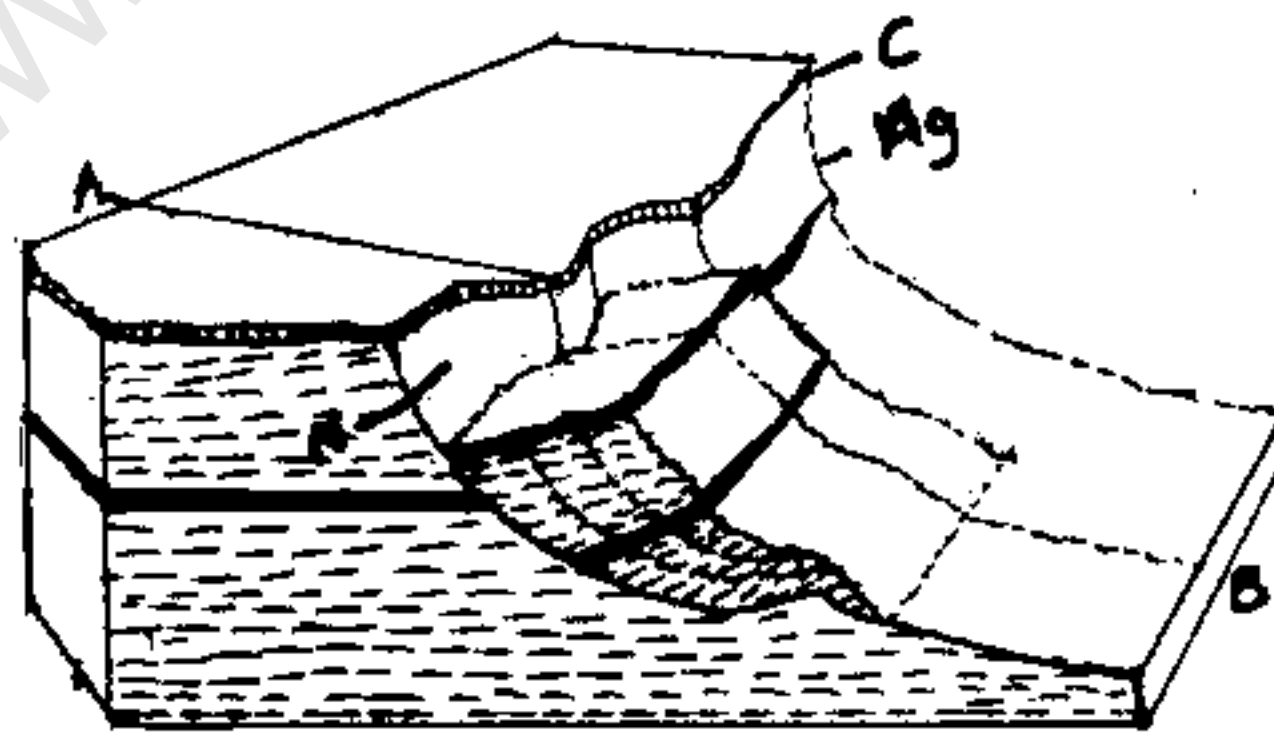
اثر ساخت زمین استفاده از زلزله مصنوعی
الف - واقعیت اینست که کوههای البرز از نظر زمین شناسی کوههایی جوان است و سن کمی نسبت به خیلی از ارتفاعات دیگر سطح زمین دارد و حتی پدیده های آتش فشانی که در قلب آن ظاهر شده است فقط به چند میلیون سال از پیداشدن انسان می رسد. ارتفاعات تند آن نه تنها در معرض فرسایش شدید جریانهای آب هستند بلکه نشان میدهد که قلب این دیوپای در بند هنوز کاملاً نیاسوده و این توده عظیم باوجود چند میلیون سال گذشت خود گاهی با تنگ



لغزش زمین در حفاصل يك سطح رسی (A)
نمونه آن در نزدیکی آب گرم و گرنا دیده میشود.



فرو ریختن سنگهای سخت و تشکیل دامنه و واریزهای یا شیب تند. در امتداد خط بزرگترین شیب.
A - B
نمونه در نزدیک پلور در محل منشورهای باراستی دیده میشود.



(Stamp Landslide)

لغزش های دورانی.
که سطح جدا شدگی N غالباً دایره وار و یا بیضی شکل بوده و تا عمق زیاد ادامه دارد. C- سطح فرسایش ساختمانی را در آهک و AB رسهای نرم و بالاخره AB خطی که محل فرضی شیب بزرگ و جهت لغزش است. نمونه در تراسهای کنار رودخانه آبی دیده میشود.

حوصلگی بخود تکان میدهد و با ریزش از شکستگی و واریزه و غیره چهره خود را جوان می کند و آثار فرسایش زمان را از رخساره خود میزداید. اگرچه حرکات نو ساختگی شدید و در زمان ما زیاد محسوس نیست ولی کافیتست که هرچند سال یکبار طبیعت خفته را بیدار کند و برای انسانها فجایعی به بار آورد.

میدانیم که در ارتفاعات عمل یخبندان شدید است این عمل در سنگهای نرم نظیر همین شیب های ذغال دار، یا آهکهای ناخالص مبارک آباد و یا ماسه سنگهای قرمز رنگ و حتی در طبقات سبز رنگ منظم فراوان است. نفوذ آب در خلال عناصر سنگها و یخ زدن آنها موجب ترکیدن سنگ میشود. به آسانی آغوش مادر طبیعت خود را ترک کنند و بر زمین افتند و این امر تا وقتی که پیوستگی کمی در آنها وجود دارد و تا وقتی که «گرانیگاه» یا نشستگاه سنگها مانند آنچه که بعضی مواقع می بینیم از مرکز ثقل آنها میگذارد ادامه می یابد و در نتیجه همیشه پوششی نااستوار آماده برای سقوط حتی روی سنگ های سخت دیده می شود که هر لحظه باغرضی از رعد و یا بوق اتومبیل ممکنست تعادل خود را از دست بدهد و جاده را جولانگاه خود کند. چه بهتر که قبل از وقوع حادثه از فواصل زمانی معین در مکانهایی که احتمال این ریزشها زیاد است بخصوص در جایی که جاده کنار کوه را بریده است. زلزله ای مصنوعی ایجاد کنیم. در این حال آنچه که باندی نا استوار و پایه یی لرزان به کوه چسبیده اند از آن به اختیار بشر جدا می شوند و می توان آنها را در مسیرهای معینی رهنمون شده و یا از مسیر جاده جمع آوری کرد.

ب - می توان با نصب سیموگراف (دستگاه ثبت زلزله) مانند آنچه که در سدها معمول است حرکات کند و مداوم کوهها را در نظر داشت. و اگر در فاصله یی از کوه عنان اختیار طبیعت از دست رفت و حرکات شدید شد میتوان با قرق کردن آن منطقه جان مسافران را نجات داد.

مسائل انسانی و طبیعی جاده هراز

۱- جنگلکاری و تراسمان

در نقاطی که زمین استعداد لازم را دارد می توان با سیستم تراسمان در امتداد خطوط تر از از فرسایش زمین و از ریزش مواد تخریبی سنگ و خاک جلوگیری کرد. در سطح این تراسها میتوان اولاً جریانهای عمودی و پر تلاطم آب را تبدیل به جریان های منظم و کنترل شده و افقی تبدیل کرد و در نقاط دلخواه، با حفر کانالها، مسیر های مشخصی به آن داد. ثانیاً با ایجاد جنگل مصنوعی و استفاده از درختانی که مقاومت دارند به حفظ منابع طبیعی کمک کرد.

۲- پیچ ها و شیب های تند

قدرت برانندگان در جاده نقش اساسی

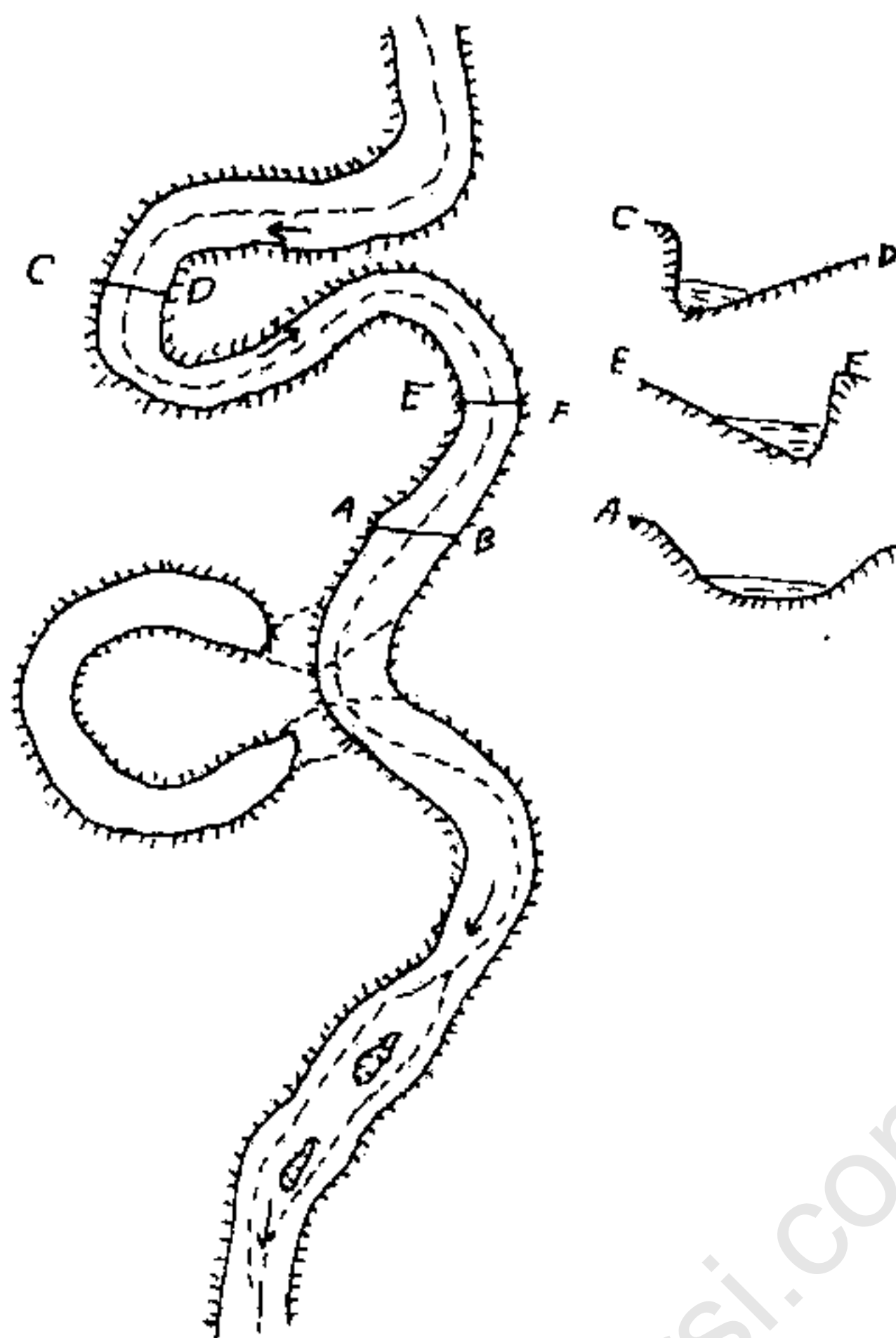
باشند. چون مهم عادت کردن چشم است و باید این انطباق نوری بتدریج صورت گیرد و گرنه تاریکی با چراغ خود اتومبیل هم روشن می‌شود.

خطر بهمن و لغزش سطح جاده

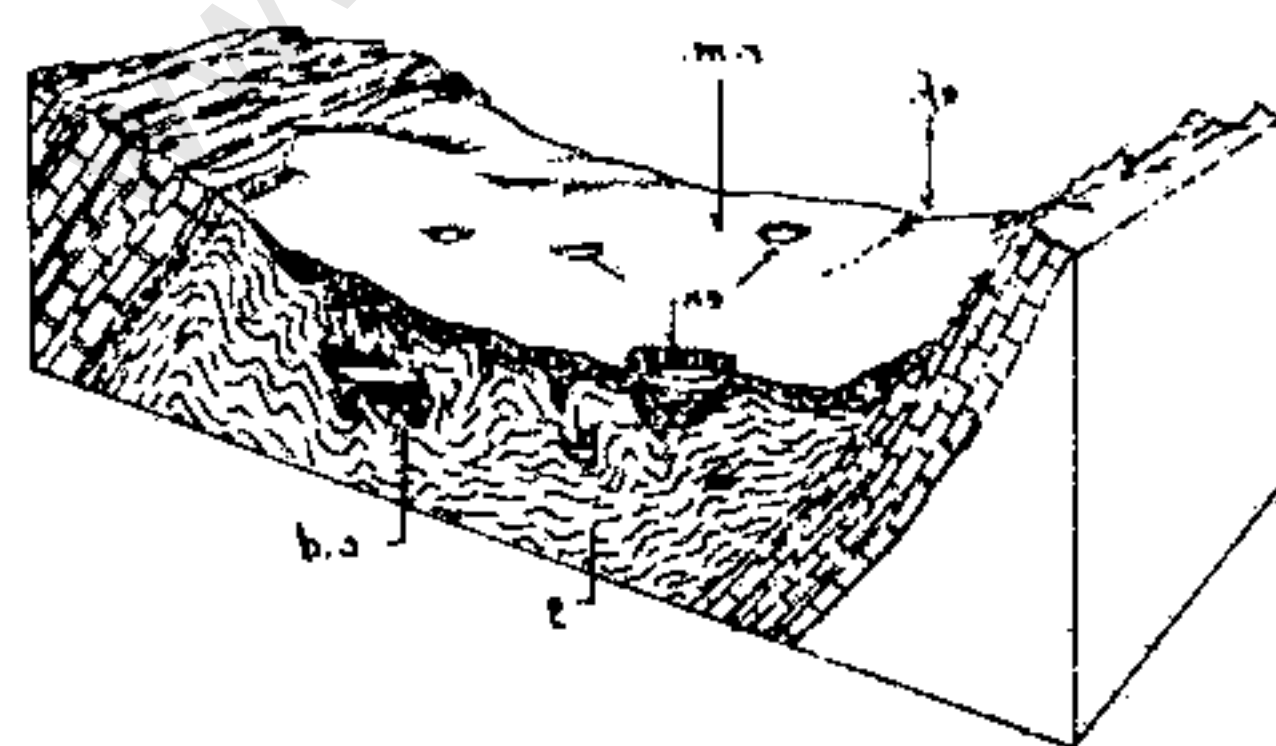
یکی از خطرات عمده راهها، بهمن است. خوشبختانه نقاط بهمن گیر را می‌توان محدود کرد، ارتفاعات زیاد و شیب تند، وجود پوششی از عناصر ناپیوسته، قله‌سنگها مواد فرسایشی و واریزی نرم و تازه، سنگهای خرد شده با اثر یخبندان و با وجود قشر لغزنده و یا آبگیر در زیر قشر سطحی حرکت بهمن را تسهیل می‌کنند. در جاده هراز چنین وضعی بخصوص در ارتفاعات آبدلی و پلور واسک دیده می‌شود در نزدیکی امامزاده هاشم بهمن در آهکهای خرد و تخریب یافته تشکیلات مبارک دیده شده و در نزدیکی پلور نزدیک پل دختر در تراسهای رودخانه لار و هراز که روی آهکهای ژوراسک قرار گرفته‌اند دیده می‌شود. بهمن گیرهای سیمی متأسفانه نتوانست کاری از پیش ببرد و مطمئناً نصب تونلهای آهنی سبک کمک مؤثری به جلوگیری از ریزش بهمن می‌کند، اما بهتر است که با نصب این بهمن گیرها با نصب چراغ و علائم راهنمایی از آن حوادث رانندگی جلوگیری نمایند. در جاده هراز بخصوص در پیچهای تند بعد از امامزاده هاشم، آفتاب قادر نیست تا مدت‌ها یخ و برف سطح جاده را آب کند، لذا این قسمت از جاده دارای لغزندگی زیاد و خطر فراوانی است بخصوص که در جهت شمال قرار گرفتن قسمتی از مسیر کمک به یخبندان جاده می‌نماید پاشیدن نمک و یا مواد ضد یخ بطور مرتب از لغزش اتومبیلها که باید مسلماً به زنجیر چرخ در فصول سرد تجهیز یافته باشند جلوگیری می‌کند.

نتیجه

برخلاف مشهور، جاده هزار زودتر از موعد مقرر ساخته نشده است این شاهراه که عظمت طبیعت را با قدرت وریزه کاریهای صنعت توأم کرده است، محتاج توجه بیشتری است. توجهی که باید در جهت شناخت عوامل اساسی طبیعی و ناسازگاریهای قابل پیش‌بینی عناصر فعال طبیعت بکار برد و هشیارانه مواظب حرکت آبها، تغییرات جوی، عمل ونیروهای ثقل و غیره بوده، نوع کار و فعالیت را متناسب با نوع زمین و زمان و مکان کرد. و نیز باید در این مبارزه اصول و عواطف انسانی را باتکنیک و علم تلفیق کرد.



مناظر و مقطع
قسمتهای مختلف بستر يك رودخانه



فروریختن در اثر انحلال مواد محلول مثل گچ و نمک
محل ریزش
پوش جدید تخریبی و یا آبرفتی
حفره‌های انحلالی
رسوبهای تبخیری محلول

در جلوگیری از تصادف را بازی می‌کند. جاده هراز پیچهای تنیدی دارد که گاهی زاویه ۶۰ درجه درست می‌کند. در چنین پیچهایی می‌توان با کندن زمینهای اطراف به گسترش زاویه دید رانندگان کمک کرد. - شیبهای تند

در بعضی از نقاط جاده شیبها نیز تند است می‌توان در پیچهای بین امامزاده هاشم و پلور نمونه‌هایی از آن را یافت: سرعت زیاد اتومبیل‌ها باید کم جاده گاهی تصادفاتی در آن ایجاد می‌کند.

۳- علائم رانندگی و راهنمایی

در ممالك خارجی در راههای اصلی علائم رانندگی با خطوط درشت، و از فواصل دور «اخبار» جاده را در اختیار رانندگان می‌گذارد. این علائم که غالباً با شبرنگ نوشته و یا رسم شده‌اند، پیچهای تند، شیبها، حدود یخبندان، احتمال لیز بودن، احتمال عبور چهارپایان، دوچرخه، احتمال ریزش، یا نزدیکی آبادی و حتی فاصله و طول پیچها و غیره را مشخص می‌کنند. این علائم در جاده هراز خیلی کم و خیلی ناکافی است تابلوها در چهار گوشهای کوچکی است که از فاصله دور قابل تشخیص نیست و تعداد آنها بسیار کم و اطلاعات وضع جاده را بهیچوجه برای راننده معلوم نمی‌کند. نام بعضی از دهات حتی در محل نصب نیست ولی از گرنگ به بعد هر دو کیلومتر به ۲ کیلومتر تابلوی فاصله با آمل و یا آبدلی در جهت عکس دیده می‌شود. مسلماً وجود تابلوی فاصله بسیار لازم است ولی نه اینکه قبل از گرنگ فواصل حتی در ۵ یا ۱۰ کیلومتری هم تعیین نشوند. بعلاوه علائم جاده با شبرنگ یکی از اساسی‌ترین کاری است که مسؤولان محترم می‌توانند برای رانندگان انجام دهند که راننده در هر قدم تکلیف خود را بداند و بتواند تصمیم مقتضی بگیرد.

روشنایی

انتظار نیست که در شرایط امروزی تمام جاده در شب روشن شود ولی در داخل بعضی از تونلها از سال پیش روشنایی بچشم می‌خورد. این کار بسیار پرارزش است ولی با سهل انگاری توأم است. اولاً روشنایی کامل نیست. ثانیاً باید ابتدای تونل بنحو مشخصی روشن‌تر از قسمتهای وسط باشد تا چشم راننده از روشنایی روز یکباره به تاریکی و کم‌نوری تونل نیفتد چون اگر قرار باشد راننده با وجود چراغ همان گرفتاری را داشته باشد که بدون چراغ داشت پس چه فرقی دارد که این همه خرج چراغ تونل کرده

روزها + بذر



* سیزده بدر ، از مراسم بعد از اسلام است .

* بآب سپردن سبزه ها ، نمودار تقدیم هدایائی به فرشته آبها بوده و ریشه باستانی دارد .

* بازیهای محلی سیزده بدر در ایران .

* کشتی گرفتن ، آتش افروزی ، زیارت امامزاده ها و چند رسم دیگر .

* ترانه ها ، دعاها و غذاهای سیزده بدر .

* برای نحوست «سیزده» دلیل قانع کننده ای وجود ندارد و بهمین جهت در بعضی از دهات ایران ، سیزده را «بدر» نمی کنند ! ...



● در بررسی آداب و رسوم عامه به موارد عجیب و استثنائی برخورد می کنیم، یکی از آن موارد، نحس شمردن سیزدهمین روز فروردین ماه هر سال است که مردم میکوشند به نحوی از نحوست آن فرار کنند ! و باصطلاح «سیزده» را «بدر» نمایند!

● در متون فارسی باستان ، اوستائی و پهلوی که در دست داریم هیچگاه سخنی از «۱۳» نرفته است و عدد ۱۳ در ایران پیش از اسلام ، نحسی نداشته است.

● با پژوهش در آداب و رسوم محلی و عقاید عامیانه مردم ایران، ملاحظه می کنیم نحس شمردن عدد ۱۳ بعد از اسلام در ایران رایج شده است از گذشته های دور، مردم برای اینکه نحوست سیزدهمین روز نوروز دامنگیرشان نشود به صحرا میرفتند و به شادمانی و رقص و پایکوبی و خوشی می گذرانند.

● ولی به آب سپردن سبزه های نوروزی ریشه باستانی دارد، «سبزه» برای مردم ایران قدیم، بسیار مقدس بود و نشانه طراوت

و زندگی و شادی و امید و روشنائی بود و بآب انداختن سبزه نمودار هدایائی است که تقدیم فرشته آبها میشود تا از نحوست سیزده کاسته گردد.

هم اکنون این رسم کم و بیش باقی است و کوشش میشود حتماً سبزه نوروزی به آب روان سپرده شود.

● مرحوم صبحی مهتدی در شماره مخصوص نوروز ۱۳۴۲ مجله رادیو ایران می نویسد: «از روزگاران باستان رسم چنین بود که سه هفته پیش از نوروز برای سفره هفتسین گندم و عدس و سبزیهای دیگر در سینی و بشقاب و گاهی دورکوزه و قلقلک سبز می کردند و تا سیزده نوروز از آن سبزیها نگهداری می کردند تا روز سیزده میرسید.

غروب روز دوازدهم پیش از آن که ستاره در آسمان پیدا شود باید دید و بازدید تمام میشد صبح روز سیزدهم اول کاری که می کردند سبزی را از ظرف های خودش در می آوردند و بکوچه مینداختند ، آنگاه آنچه از شیرینی زیاد آمده بود پخش می کردند و یا بدناری می گذاشتند پس از آن دسته دسته اهل خانه بابچه های خود بصحرا میرفتند و زیر درختها برای خود جائی درست می کردند و برای بچه های شیرخوار «نعنی» می بستند ، پس از خوردن ناهار و عصرانه هر کدام تك تك بزمیان کشتزار و مخصوصاً گندم میرفتند و هر آرزویی داشتند از خدا میخواستند و پس از خواهش خود سبزی را گره میزدند، انهایی که شوهر داشتند سفید بختی خود را میخواستند و دخترهای رسیده هم این سرودها را میخواندند :

«سیزده بدر
سال دگر
خانه شوهر
بچه بیغل»

و جوانها هم بساط بازی الك دوالك را براه می انداختند و به بازی های دیگر که حالا هم آنها از بین نرفته است، می پرداختند، پس از اینکارها پیش از آن که آفتاب غروب کند دور و ور خود را جمع و جور می کردند و ستاره با آسمان در نیامده بخانه میرفتند و از روز چهاردهم دیگر زندگی عادی خود را شروع می کردند.

● یکی از مراسمی که مردم گیل و دیلم در روز سیزده نوروز اجراء می کنند «کشتی» گرفتن است، میرزا ظهیرالدین مرعشی مؤلف تاریخ گیلان و دیلمستان «رایینو» نویسنده ورزشهای باستانی در گیلان ، به کشتی مردم گیل و دیلم در روز سیزده فروردین ماه اشاره کرده اند.

مؤلف تاریخ گیلان و دیلمستان ضمن اشاره به نوع لباس و شلوار که «لاسیاره» نامیده می شود به مراسم کشتی سیزده نوروز

می پردازد :

«... بنابراین می توان گفت کشتی در سراسر منطقه گیل و دیلم بویژه در طالقان مانند تعزیه موضوعی عمومی بومی بود اما در تمام دهستانها در روز سیزدهم به مرحله نهائی میرسید...»

کشتی سیزده بدر دو نوع بود یا هر دو کشتی گیر یکدیگر را در بر گرفته و بزور آزمایی می پرداختند و یا آنقدر بجنگ و گریز ادامه می دادند تا با امکاناتی که بدست می آوردند علیه حریف پیروز میشدند.

میدان مبارزه را زن و مرد و کودک و پیر که به صحرا زده بودند ، محاصره می کردند و حضور زنان باعث میشد که آنان تن خود را برهنه نکنند در اینجا چیزی برای کشتی گیران و تشویق حضار نبود اما هنگام کشتی گرفتن اعلام میشد که هر کس بر وی پیروز شود جایزه خواهد گرفت.

البته کشتی سیزده بدر در روزهای چهارشنبه سوری و عروسیها نیز در گیلان و دیلمستان اجراء میشد و این کشتی در طالقان به «کشتی یسار» معروف بود و کشتی گیران در کنار رودخانه شاهرود و سر راه شهرک بجوستان و روبروی دهکده نساء در میان جمع کثیری به مبارزه می پرداختند، بعضی از محققین نوشته اند : کشتی یسار در ۲۵ فروردینماه انجام میشد و به «پنج پتیک» مشهور بود پنج پتیک که (به پنج روز پنج روز از فروردین گذشته) گفته میشد روز جالبی برای دهستانهای اطراف بویژه فشنگردره ای ها و ساوجبلاغی ها بود که قهرمان پرور بودند.

بهر حال آنچه مسلم است شخص فاتح نماینده پیروزی کشتی گیران و مردم ده خویش بود و به قهرمان دهکده معروف میشد. در سالهای اخیر بانفوذ تمدن شهری متأسفانه کشتی گرفتن در سیزده نوروز و یا ۲۵ فروردینماه در این دهات ، دارد از بین میرود.

● در شیراز اگر سیزده بدر با ماه رمضان بیفتد، مراسم آن به روز عید فطر و یا نخستین آدینه پس از رمضان موکول میشود.

شیرازیها روز ۱۲ فروردینماه وسایلی را که برای عزیمت بخارج شهر لازم است خریداری می کنند و شیرینی ها و بقایای میوه عید را جمع آوری نموده و در کنار بساط صحرا رفتن می گذارند، البته آجیل کاهو و سرکه نیز آماده می کنند.

در شیراز صبح روز سیزده همه مردم دسته دسته عازم کوه ودشت و باغها می شوند و معمولاً خانواده های يك فامیل گرد هم می آیند و به حافظیه ، سعدیه، پشت باغ صفا - پشت دلگشا، زیر کران ، اکبر آباد - باغهای قصر پشت تخت جمشید، کوهها و دامنه های اطراف شیراز ، بندامیر عزیمت می کنند. و

هنگام سفر کوتاه خود، شکستن تخمه، بگو و بخند، آواز خواندن و شوخی کردن دستبرد زدن به میوه‌ها فامیل را فراموش نمی‌کنند.

تاب بازی و یا «آبرک»: دختران و پسران جوانان تاب خود را به شاخه‌های بلند درختان می‌بندند و روی آن می‌نشینند و بحرکت در می‌آیند و اشعاری زیر لب زمزمه می‌کنند و آرزوهای خود را بزبان می‌آورند.

● ناهار خوردن با شوخی و شادمانی برگزار میشود و هر خانواده‌ای در خوردن غذای خانواده دیگر شرکت کرده و بعد هنگام چای خوردن و بعضی بازیهای محلی و دسته جمعی میرسد.

● کم کم که چشم‌ها گرم شد و پیرزنان و پیرمردان خوابیدند جوانان به میان سبزه و گیاهان پراکنده می‌شوند، دخترها در حالیکه سبزه‌ها را گره می‌زنند این ترانه را می‌خوانند:

«سیزده بدر
چارده بتو
سال دیگر
خونه‌ی شوور
بچه بغل
اوقع اوقع»

«در سروستان عصر روز دوازدهم همه خود را برای سیزده بدر آماده می‌کنند و حتی چند خانوار باهم قرار سیزده بدر را می‌گذارند، از سپیده صبح بار و بندیل خود را می‌بندند و بالاغ واسب و پیاده و اخیرا با اتومبیل از سروستان خارج شده و به باغها

و مزارع اطراف، دامنه کوهها می‌روند «اورک» از تفریحات ویژه این روز است. دختران دم بخت و چادر به سر درحالیکه شوخی و خنده می‌کنند در میان مزارع به گره زدن سبزی می‌پردازند، بعضی کمی نمک بهنگام گره زدن سبزی لای آن می‌گذارند.

ناهار و عصرانه کاهو و سرکه و آجیل و شام مفصلی می‌خورند و بارها این ترانه را زیر لب زمزمه می‌کنند.

«سیزده بدر
چارده بتو
سال دیگر
خونه‌ی شور
بچه بغل
اوقع اوقع»
و گاهی نیز به شوخی می‌خوانند:
«سیزده بدر
چارده به‌تو
پونزده بی‌شین
رنده بگو»

«چشم بگیرک - کشمشك آسه‌بیا، آسه برو که گربه ساخت ترنه - کلاغ‌پر - حموم شاه مورچه داره - شیرگنده - عمو یادگار - چلک‌مه - گاو و گوساله و پنییر - شنبه یکشنبه - اولی اول بهاره - کله‌قندی - لی‌لی حوضک - باقله بچند مثقال - اسخون مهتاب - اگر که - اتل‌متل توتوله - گرگ و گله - آرامورا - آزنکه شیر - قنطر قنطر - از بازیهای کودکان فارس در روز سیزده بدر است.

● درباره آداب و رسوم استان خراسان تحقیقات گرانبهایی انجام شده و کتب

فراوانی بچاپ رسیده است، در این پژوهشهای ژرف، به سیزده بدر در روستاها و شهرهای اشارات فراوانی شده مثلا آقای «پورکریم» در شماره ۹۰ نشریه هنر و مردم بانگرشی جالب بزندگی «رامشینی»ها، ساکنین شمال غرب سبزوار، درباره سیزده بدر «رامشینی»ها می‌نویسد:

«دید و بازدیدهای سال نو در رامشین تا روز سیزده سال که باید به سیزده بدر بروند دنبال میشود، خانواده‌های رامشینی در سیزده بدر از ده بیرون می‌روند، هرچند خانوار باهم و با خورد و خوراکی‌هایی که راه می‌اندازند به شادمانی جمع میشوند، دایره می‌زنند و ترانه می‌خوانند و میرقصند، جوانان و نوجوانان از درختهای بلند تاب می‌آویزند و تاب بازی می‌کنند، رامشینی‌ها عصر روز سیزده در میدانی مراسم کشتی - گیری برگزار می‌کنند، در این مراسم، کشتی‌گیران دهکده، به ترتیب و هردو نفر باهم کشتی می‌گیرند و جمعی از آنان برنده میشوند. بعد، کشتی‌گیران برنده نیز بار دیگر باهم کشتی می‌گیرند تا سرانجام بهترین کشتی‌گیر دهکده‌شان شناخته میشود و او را «پهلوان» می‌نامند.»

● آقای دکتر جمال‌ودیدی استاد دانشگاه اصفهان در باره برگزاری سیزده بدر در میان ایلات و عشایر «لر» در هنر و مردم شماره ۱۰۱ می‌نویسد: «... جشن نوروز را با دید و بازدید دسته جمعی برگزار می‌کنند و اهمیت زیادی می‌دهند ولی جشن سیزده نوروز و اعیاد فطر و قربان بطور عادی است.»



● درباره‌ی آداب و رسوم و چگونگی برگزاری سیزده بدر در آذربایجان هیچگونه مدرک و مأخذی قابل اعتماد در دست نیست، برخلاف استان خراسان که برای آداب و رسوم مردمش کتابی قطور چون «آداب و رسوم مردم خراسان» آقای ابراهیم شکورزاده بچاپ رسیده، در آذربایجان - بدلیل فراوان - اینکار انجام نشده و در تحقیقات و پژوهشهای پراکنده‌ای که بعمل آمده، به «سیزده بدر» پرداخته نشده است.

«بدر» کردن «سیزده» برای مردم آذربایجان امری جدی است و با اندکی اختلاف «سیزده بدر» را در صحرا و دامان دشت برگزار می‌کنند. و یخبندان و سرما و برف را نادیده می‌گیرند.

مردم تبریز، روز دوازدهم فروردینماه، اطاق پذیرائی خود را که برای پذیرفتن مهمانان نوروزی آماده کرده بودند، باصطلاح «می‌چینند» و باقیمانده شیرینی و آجیل و میوه‌ها را بین کودکان تقسیم می‌کنند و تا پاسی از شب بیدار می‌مانند و غذای روز سیزده بدر را می‌پزند غذاهائی که معمولاً برای سیزده بدر می‌پزند خود داستانی دارد بهر حال شامل: کوفته تبریزی - دلمه برگ مو - دلمه بادمجان - استانبولی پلو - آبگوشت بزباش - برنج و انواع خورشت - های فصل، چلو و کباب و ... است.

بامداد روز سیزدهم قبل از طلوع آفتاب از خواب برمی‌خیزند و دالان و هشتی در (اگر باشد) و حیاط خانه را آب و جارو می‌کنند و بعد «بوغدا» و «ریشه کوندر» و «آریا»ئی را که بر سر سفره هفت سین گذاشته و در تمام ۱۲ روز گذشته سبز بوده از داخل بشقاب و یا کوزه‌ای که دور آن سبز کرده بودند برمی‌دارند و در آب روان می‌فکنند و معتقد هستند بدین وسیله درد و بلاهای خود را دور می‌دارند!

وقتی نخستین شعاع های آفتاب از پشت کوه برآمد، مردم این سامان با بار و «مندیل» بطور چند خانواده باهم، بهسوی آبادیهای اطراف چون: «لاله - کرگی - شاهگولی - بستان آوا - سیدآوا - واسمش - یام - صوفیان - حکم آوار - پیکریه - باریش - سداوستی لری - منجم کورپی - وازال - سردری - خسروشا - راواسان - ایلخچی - و ... براه می‌رفتند، مردم در درجه اول، گرمترین نقطه را برای سیزده بدر کردن انتخاب می‌کنند ولی اگر جائی بدون برف گیر نیآورند و هوا سرد بود، از وسیله نقلیه خود پیاده نمیشوند ... و ناهارشان را در قهوه‌خانه های سر راه می‌خورند و در سوز و سرما و برف به تفریح می‌پردازند! و معتقدند اینهم برای خود عالمی دارد.

بعد از آن که ناهار خورده شد تفریح و شادی کردن آغاز میشود از بازیهای مردم آذربایجان که در سیزده بدر نیز انجام میشود می‌توان به: «گول گول» ترناوردی - آشیخ اویناماخ - پیلدسته - قورداولماخ - شاه وزیر - جهنم بهشت - توپ عربی - دوزله‌ماخ - گیزلن پاچ - دوواراوورماخ - پیشتک گشتی - یوغیه سالماخ - ماضی اویناماخ - گیرده کان - کسک - قاپدی قاشدی - آدین تاپ - یومورتا - نار اویناماخ - مش باغلاماخ - قوش اوچتماخ - وای سقلیم و ... می‌توان نام برد.

گره زدن سبزه در آذربایجان رسم نیست و آنچه بعنوان «گره زدن سبزه» در سیزده بدر در آذربایجان وجود دارد، تقلیدی است از رسوم سایر نقاط. ● تاب خوردن و یا «کووف اوشماخ» یکی از رسوم و کارهای مردم آذربایجان در سیزده بدر هر سال است.

رفتن به امامزاده و اماکن مقدس نیز در سیزده بدر در آذربایجان متداول است، مثلاً در تبریز مردم گاهی به «خانیم امامزاده» واقع در «چرنداب»، و یا «صاحب الامر» میدان تبریز می‌روند.

دور ریختن اشیاء کهنه و پس مانده غذاها در سیزده بدر در بعضی از نقاط آذربایجان مرسوم است.

سیزده بدر در اغلب دهات آذربایجان جشن گرفته میشود «ججینی»ها که در مشرق و دو کیلومتری اردبیل زندگی می‌کنند بطور کلی دهکده خود را تخلیه می‌کنند و به «شوره گل» می‌روند و سیزدهم روز فروردینماه را جشن می‌گیرند.

● با نگرشی شتابزده به مراسم سیزده بدر در شهرستانهای ایران در می‌یابیم، به جاهائی که نفوذ بیگانگان و در سطح کلی - رخنه تمدن و آداب و رسوم شهری کمتر بوده - آداب و رسوم سیزده بدر اصالت خود را حفظ کرده است.

● مراسم سیزده نوروز در «پاقلعه» واقع در بخش رامیان و مشرق گرگان، با اصالت فراوان اجراء میشود آنان صبح زود، هرچند خانوار باهم، با خوراکی‌ها و ظرفهای پر غذا، از ده بیرون می‌روند و به جای سبز و خرمی که رسیدند بساط خود را پهن می‌کنند، مردان و زنان جدا ازهم می‌نشینند و با چای خوردن و مصاحبت وقت می‌گذرانند، در حالیکه، بچه‌ها تاب بازی می‌کنند بقول آقای «پور کریم» که در باره دهکده پاقلعه به تحقیق پرداخته: «جوانان هرچند نفر باهم در کوه و دره های اطراف که با انواع گل و گیاه های بهاری پوشیده است بگردش می‌روند. زنهار، البته از پخت و پز غذا هائی که در ظهر با اشتیاقی بیشتر

از معمول خورده خواهد شد غفلت نمی‌کنند بعد از صرف ناهار، چای نوشی و مصاحبتشان را تا چند ساعتی ادامه میدهند و پیش از غروب با خاطری آسوده از بدر کردن نحوست روز سیزده به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

آقای دکتر صادق کیا در هنر و مردم شماره ۴۵ و ۴۶ سال ۱۳۴۵ در خصوص سیزده بدر کردن «ماها»ها واقع در دهستان «هبله رود» بخش فیروز کوه دماوند، می‌نویسد:

«سیزده بدر را «سیزده بدر» می‌نامند و در آن روز هرچند خانوار يك جا فراهم می‌آیند و با یکدیگر به جائی در بیرون ده می‌روند و از صبح تا عصر در آنجا می‌مانند و شادی می‌کنند، بهر جا که بروند تاب می‌بندند و تاب می‌خورند، عصر هنگامی که به ده برمی‌گردند در برابر خانه خود آتش روشن می‌کنند و از آن می‌پزند.

● در «سما» واقع در «پنجک رستاق» کجور مازندران سیزده بدر با تعطیل عمومی همراه است، مردم به صحرا می‌روند و مراسم کشتی برگزار میکنند، و بهترین لباسهایشان را در روز سیزده نوروز می‌پوشند.

● در «سیاه مرزکوه» یا «سیامرگو» گرگان، سیزده بدر با آداب و رسوم خاصی اجراء میشود دید و بازدید ها عید تا پیش از سیزده سال جدید انجام می‌گردد و «سیامرگوئی‌ها» سفره نوروزی و هفت سین را در سیزده نوروز جمع می‌کنند، در این روز اگر هوا خوب باشد به صحرا می‌روند و غروب روز دوازدهم در جلو خانه‌هایشان خار و خاشاک جمع می‌کنند و آتش می‌زنند و از روی آن می‌پزند و می‌خوانند:

- سیزده بدر

- چهارده بجا

دور ریختن سبزیها و شکستن ظروف و پیاله های کهنه که بدرشان نمی‌خورد در روز سیزده نوروز در سیاه مرزکوه متداول است و باور دارند که بدین ترتیب نحوست را از خود دور می‌کنند.

● در «عرقطو» ارواق و انزاب آذربایجان شرقی، مردم برای خوش و بش کردن به دهات اطراف می‌روند و معمولاً غذای خود را نیز با خود همراه می‌برند تا سربار میزبان نباشند و باتفاق آشنایانش و دوستانشان به صحرا رفته و به شادی و بزن و بکوب می‌پردازند.

سیزده نوروز تنها روزی است که پسران و دختران جوان می‌توانند همدیگر را از نزدیک ببینند و احیاناً درباره زندگی مشترک باهم تصمیم بگیرند.

پیرزنان و پیرمردان نیز که قادر بحرکت نیستند و یا چالاک نمی‌باشند به امامزاده «پیرانه» ی عرقطو رفته و به راز و نیاز با خداوند می‌پردازند.

سالروزها

سالروز ۱۵ بهمن

به یاد بود رفیع خطر از جهان شاهنشاه آریامهر و شکست توطئه خائنانه‌ای که در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۷ علیه استقلال و وحدت ایران فراهم آمده بود از ۱۴ بهمن میلیون‌ها نفر در سراسر کشور در مجالس و جلسات ویژه‌ای به نیایش پرداختند.

سالروز تأسیس

دانشگاه تهران

مراسم بزرگداشت چهلین سال تأسیس دانشگاه تهران ۱۸ بهمن با حضور جمعی از مقامات مملکتی و استادان دانشگاه در کتابخانه مرکزی برگزار شد. در این مراسم به چهارتن از استادان، منشور استادی ممتاز اعطاء شد. در آغاز نهادندی رئیس دانشگاه شهبی از تاریخچه تأسیس حیات دانشگاه تهران را بیان کرد و آنگاه نام چهارتن استاد ممتاز را بدین شرح اعلام کرد:

یحیی مهدوی از دانشکده ادبیات، عبدالله ریاضی از دانشکده فنی، شمس‌الدین جزایری از دانشکده اقتصاد، و غلامحسین صدیقی از دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

بزرگداشت سوم اسفند

سالروز سوم اسفند را که مصادف با کودتای ۱۲۹۹ است مردم ایران بمنوان يك نقطه عطف تاریخی و سرنوشت ساز همه ساله تجلیل می‌کنند و خاطره آنرا گرامی می‌دارند. سردار بسزرك ایران رضاشاه کبیر ۵۳ سال قبل در ظلمانی‌ترین دوران حیات ملی و زمانی که تشنگی و پراکندگی هستی ملت کهنسال ما را تهدید می‌کرد، حکومتی مستقل و آزاد را که پرفراخ و سرفرازی جامعه ایرانی انجامید پدید آورد و چهره‌ی نو به زندگی نسل‌های آینده بخشید.

روز درختکاری

شاهنشاه آریامهر در مراسمی که به مناسبت روز درختکاری برپا شد، دستور دادند که در تمام مناطق

کشوری کشور درختکاری شود همینطور آن قسمت از مناطق کوهستانی که قسمت‌هایی از آن بی‌سبزه و درخت مانده است باید تبدیل به فضای سبز شود. شاهنشاه آریامهر ۱۶ اسفند به ارتفاعات سد فرحناز پهلوی تشریف فرما شدند و به مناسبت روز درختکاری يك اصله درخت غرس فرمودند. در نخستین قسمت از نمایشگاه فعالیت‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، نمودارهای مربوط به تحقیقات در زمینه حفاظت خاک جنگلکاری و پارک تثبیت شن و مالچ که در زیر یک چادر ترتیب یافته بود دیدن فرمودند در این جا کیفیت تبدیل اراضی شنی به دشت‌های سرسبز از طریق انجام عملیات درختکاری و ایجاد پارک‌های جنگلی مورد توجه شاهنشاه آریامهر قرار گرفت. ضمن این بازدید آقای منصور روحانی وزیر کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت‌های مربوط به تأمین فضای سبز و پاسداری و بهره‌گیری از منابع طبیعی را به این شرح پرمض رسانید. تولید هجده میلیون اصله نهال درختان چوب‌زا و خاص جنگل در نهالستانی به مساحت ۱۵۰ هکتار برای تأمین نهال مورد نیاز برنامه‌های جنگلکاری خزانه سی میلیون درختچه و بوته‌های کویری در استان‌های پلوچستان - کرمان - خراسان - سیستان - یزد برای اجرای برنامه‌های تثبیت ماسه‌های روان و ایجاد جنگل‌های کویری، ایجاد ۷۰۰ هکتار پارک جنگلی دست کاشت در مجاور شهرهای یزرک و صنعتی مانند تهران، اهواز، رضائیه، تبریز، شیراز، توسعه کشت درخت اکالیپتوس در اطراف اهواز کسب الامر شاهنشاه آریامهر از سال ۴۹ شروع شده و تا امروز به وسعتی در حدود ۴۰۰ هکتار رسیده است و این برنامه تا یک هزار هکتار تعقیب خواهد شد. احیاء ۲۷۰۰ هکتار از جنگل‌های مضروبه از طریق کاشت درختان صنعتی و سوزنی برک به تعدادی بالغ بر ۵ میلیون اصله کشت ۳۷۰ هزار اصله نهال و بندری ۸۴ تن علوفه در ۹۰۰۰ هکتار آبخیز سدها در اجرای برنامه‌های آبخیزداری، کشت ۱۴ میلیون نهال از گونه‌های قاغ - گر - اترپیلکس در سطحی بالغ بر ۱۴ هزار هکتار و به منظور تثبیت ریزه‌های روان و جنگل - کاری کویری، بندر پاشی ۳۰۰ تن در شصت هزار هکتار اراضی کویر و ایجاد ۴۲۰ کیلومتر پادشکن جدید و تعمیر ۱۵۸ کیلومتر پادشکن قدیمی، ایجاد پارک جنگلی نور در رستم‌رود به مسافت ۴ هزار هکتار به منظور بهره برداری عمومی، جنگل‌کاری

حاشیه دریاچه سد فرحناز پهلوی به مساحتی بالغ بر ۵۰۰ هکتار، کشت سیصد هزار اصله درخت اقاچیا، زبان کنجشک، نارون، ارغوان، داغداغان و آبیاری آن‌ها با روش آبیاری قطره‌ای و اگذاری رایگان بیست میلیون اصله نهال غیر مشر به شهرداریها و عموم مردم به منظور تشویق و توسعه و قرق بیش از ۲۶ میلیون هکتار از مراتع فرسوده است. پس از آن شاهنشاه مدال طلای درختکاری را به سینه والا حضرت شاهپور معصود رضا پهلوی که در سال جاری در کار درختکاری در سطح کشور باسبز کردن ۵ میلیون درخت پسته در حوالی سیرجان مقام اول را بدست آورده بودند و نیز مدال نقره را به سینه آقای مومنی کشاورز نصر اول در سطح استان نصب فرمودند.

سالروز تولد سردار

بزرگ

۲۴ اسفند مصادف با سالروز تولد رضاشاه کبیر، بنیان‌گذار ارتش نو، فرهنگ جدید و سرانجام جامعه‌ی پیشرو برای حصول به آرمانهای ملی بود.

ملت ایران که امروز غرور تاریخی و هویت سیاسی و اجتماعی خود را بار دیگر احیاء شده می‌یابد هرگز فراموش نمی‌کند که همین سرفرازیها و نقش آفرینی‌های سازنده را در صحنه جهانی مدیون پایمردی کسی می‌داند که در ۲۴ اسفندماه در «آلاشت» پا بر سر جهان گذارد و دودمان پهلوی را بنیان نهاد.



جشن درختکاری درسد فرحناز



نارگل به آرامگاه رضاشاه کبیر بمناسبت سوم اسفند

فهرست رویدادها

۶۵	سالروزها
۶۶	عمران و آبادانی
۶۷	هنری
۶۷	فرهنگی
۶۹	اقتصادی
۷۲	کتابها
۷۳	ورزشی
۷۴	خبرهای کوتاه
۷۴	پیک تلاش
۷۶	کتاب بدانشجویان مقیم خارج
۷۷	متفرقه
۷۸	مشمولان پزشک

طرح شهر صنعتی رشت تصویب شد

اساسنامه شهر صنعتی رشت که ۵۰۰ میلیون ریال سرمایه لازم دارد در اجلاس مشترک وزیر آب و برق، معاونان وزارتخانه‌های کشاورزی و اقتصاد، مدیران عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی و سازمان آب و برق شمال به تصویب رسید. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران با قبول ۵۵ درصد سهام شرکت بیشترین رقم سرمایه گذاری را در این ناحیه صنعتی دارد و وزارت آب و برق، وزارت کشاورزی و وزارت اقتصاد هر یک ۱۵ درصد سرمایه گذاری را پذیرفته‌اند. شهر تازه صنعتی رشت در زمینی به مساحت ۲۰ میلیون متر مربع از زمین‌های ملی شده واقع در منطقه آبیاری سفیدرود بنیان گذاشته خواهد شد.

اعتبار بندر سازی در برنامه پنجم دو برابر شد

دولت ۲۷ میلیارد ریال بر اعتبارات بخش بنادر در برنامه پنجم افزود تا با احداث بندرهای تازه‌ای در جنوب کشور و سرعت بخشیدن به کارتوسه بندرها، مشکل کمبود جا در گمرک خانه‌های جنوبی کشور برطرف شود.

در طرح جامع ۱۵ ساله توسعه بندرهای ایران پیش‌بینی شده بود که در برنامه پنجم ۲۲۹۶ میلیارد ریال در این زمینه سرمایه گذاری شود ولی با تغییراتی که در برنامه پنجم داده می‌شود، حجم سرمایه‌گذاری تا ۴۹۹۶ میلیارد ریال افزایش می‌یابد و بسیاری از طرح‌هایی که قرار بود در برنامه ششم به مرحله اجرا در آید، در برنامه پنجم انجام خواهد شد.

احداث يك هتل ۵۰۰ اتاقی در

غرب تهران

تا قبل از پایان سال جاری يك گروه دیگر از سرمایه‌گذاران آمریکایی از شرکت هتل‌های زنجیره‌ای «هیت» بین‌المللی به ایران خواهند آمد تا در مراسم آغاز ساختن يك هتل ۵۰۰ اتاقه در غرب تهران شرکت کنند.

يك مقام «هیت» بین‌المللی گفت موافقتنامه احداث این هتل قبلاً به تصویب بانک عمران و «هیت» رسیده است. این هتل در شهرک تازه بنیاد فرحزاد و خواردين ساخته می‌شود و برای احداث آن ۱۷۲۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خواهد شد. «هیت» بین‌المللی که دارای هتل‌های زنجیره‌ای در جهان است با اداره هتل بانک عمران در مشهد نخستین فعالیت خود را در ایران آغاز کرد، دومین هتلی که با سرمایه‌گذاری بانک عمران در دست ساختن است و اداره آن را «هیت» در اختیار خواهد گرفت. هتل ۲۰۰ اتاقی نمک آبرود در شمال ایران است برای احداث این هتل که مراحل نهایی ساختمان‌را می‌گذراند ۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری می‌شود.

در جنوب شرقی تهران بازار ساخته می‌شود

در جنوب شرقی تهران بازاری با سبک معماری صفویه و با يك پارکینگ ۱۰ هزار متری احداث می‌شود. آزمون معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف ضمن اعلام خبر احداث این بازار گفت طرح نوسازی اماکن سید اسماعیل و محلات اطراف آن از طرف مهندسین سازمان اوقاف تهیه شده و برای اظهار نظر به سازمان حفاظت آثار ملی ارسال گردیده است. براساس طرح، اماکن سید اسماعیل که در جنوب شرقی پایتخت (خیابان سیروس) قرار دارد با حفظ معماری آن نوسازی می‌شود و مغازه‌ها و میدان اطراف آن خراب خواهد شد و بجای آن‌ها يك بازار با سبک معماری زمان صفویه احداث می‌شود. در کنار این بازار میدان بزرگی که هم‌اکنون وجود دارد بصورت پارکینگ درخواهد آمد. در اطراف اماکن نیز فضای سبز ایجاد می‌شود. مدرسه فیلسوف که از مدارس قدیم مذهبی تهران است نیز با حفظ معماری خود مرمت خواهد شد. بودجه‌ای که برای نوسازی این منطقه برآورد و تصویب شده ۱۰۰۰ میلیون ریال است. چون این منطقه در حال حاضر جنبه توریستی پیدا کرده است مغازه‌های بازاری که احداث می‌شود به کسانی فروخته خواهد شد که اشیاء و لوازم مورد نیاز توریست‌ها را بفروشند.

احداث سه رشته

راه آهن جدید

کار احداث چند رشته خط آهن جدید و مهم منتهی‌لرآمد آهن‌های کرمان به بندر عباس، اصفهان به ازنا و

فرح آباد به ساری در طول اجرای برنامه پنجم عمرانی کشور آغاز می‌شود و طول مسیر راه آهن کرمان به بندر عباس ۶۵۰ کیلومتر است. راه آهن اصفهان به ازنا نیز ۳۰۰ کیلومتر طول دارد و راه آهن اصفهان را به راه آهن سراسری ایران می‌پیوندند. يك مقام مطلع وزارت راه انگیزه اصلی احداث خط آهن کرمان - بندر عباس را وجود منابع زیرزمینی و مخصوصاً «ذغال سنگ» در منطقه کرمان که بهره‌برداری از آن‌ها در آینده اقتصاد کشور نقش مؤثر دارد، ذکر کرد. از سوی اجرای طرح دو خطه کردن راه آهن اهواز - تهران در سال ۵۳ آغاز خواهد شد. برای رسیدن به هدف اجرای این طرح که سرعت بخشیدن به حرکت قطارهای تا مرز ۱۴۰ کیلومتر در ساعت است، مشخصات و استانداردهای تازه‌ای در راه آهن ایران معمول خواهد شد. لذا در طرح دو خطه کردن راه آهن اهواز - تهران برای حرکت سریع قطار میزان شیب ده هزارمتر پدیده‌متر کاهش خواهد یافت و متقابلاً فاصله بین هر دو قوس مسیر قطار از ۲۲۰ متر به هزار متر افزایش می‌یابد. فرح آباد بصورت يك بندر مهم و با اسکله‌های بزرگ درخواهد آمد و با احداث ۵۰ کیلومتر خط آهن از بندر فرح آباد به ساری این بندر به خطوط سراسری کشور خواهد پیوست.

جزیره کیش مرکز

تفریحی خلیج فارس می‌شود

باتوجه به موقعیت استثنایی جزیره کیش در میان شیخ نشین‌های خلیج فارس، با بیش از نیم میلیارد ریال سرمایه‌گذاری سازمان عمران کیش این جزیره به صورت یکی از مراکز تفریحی و توریستی جهان درمی‌آید. این طرح با سرمایه‌گذاری بانک عمران و بخش خصوصی ایران (شرکت کازینو کیش) با ۱۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری، شرکت هتل کیش با ۴۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری، شرکت بازرگانی کیش با ۷۵ میلیون ریال سرمایه‌گذاری (اجرا خواهد شد) و قرار است با استفاده از این سرمایه‌دها هتل، رستوران، کازینو و مراکز مختلف بازرگانی در این جزیره ایجاد شود. با پیش‌بینی‌هایی که در طرح عمران جزیره کیش به عمل آمده در این جزیره يك هتل مجهز همراه با تعداد زیادی بنگالو، ویلا، و استخر شنا و مراکز تفریحات سالم و سالن‌های کف‌رانش احداث می‌شود و تفریحی داده خواهد شد که انواع کالاهای داخلی و خارجی از طریق شرکت

بازرگانی کیش توسط یوتیک و فروشگاه‌های مجهزی که در این جزیره تأسیس خواهد شد به قیمتی ارزان به خریداران و توریست‌های داخلی و خارجی عرضه شود.

از آب سد لار دوبار برق تولید خواهد شد

براساس طرحی که در وزارت آب و برق تهیه می‌شود در آینده با احداث تونلی میان دریاچه سد فرحناز و سد لار از اختلاف سطح این دو دریاچه هم که در حدود ۸۵۰ متر خواهد بود برای تولید مقادیر زیادی انرژی به صورت «بازافت» استفاده خواهد شد. به همین منظور میان دریاچه سد فرحناز در شمال شرقی تهران و دریاچه سد لار که تا سال ۱۳۵۷ آماده می‌شود يك تونل آب‌بر ایجاد می‌شود که آب رها شده از سد لار به دریاچه سد فرحناز هدایت می‌کند و از این آب دوباره برای تولید انرژی در نیروگاه‌های سد فرحناز استفاده خواهد شد. مشکلی که در اجرای این طرح وجود دارد، دره کلان است که در مسیر تونل واقع شده است و ناچار تونل را قطع می‌کند. وزارت آب و برق مشغول مطالعه است که در محل قطع تونل در این دره يك سد خاکی بوجود آورد که آب را در خود جمع کند.

دریاچه کوچکی که به این ترتیب پشت این سد خاکی بوجود می‌آید در حدود ۶۷ هزار متر مکعب ظرفیت خواهد داشت که پر کردن آن مشکل نیست و طبعی در جریان دایمی آب میان دو دریاچه نمی‌زنند. علاوه بر این مطالعاتی صورت گرفته است که در مسیر تونل در کنار دریاچه کلان يك نیروگاه که احتمالاً ۷۰ مگاوات قدرت خواهد داشت ایجاد شود، باید توجه داشت که اختلاف سطح ۸۵۰ متری آب دو دریاچه به سرعت کافی برای به کار انداختن این نیروگاه‌ها آب را به تونل می‌دهد.

بی‌خطر سازی جاده

تهران - قم

عملیات کسوف برداری و تغییر مسیر جاده تهران - قم بمنظور بی‌خطر کردن حوادث رانندگی، با هزینه‌ای معادل ۲۰۰ میلیون ریال همچنان ادامه دارد و تاکنون ۵۳ درصد عملیات ساختمانی این راه پایان رسیده و در دی ماه سال آینده تحویل وزارت راه خواهد شد. جاده تهران - قم یکی از خطرناک‌ترین جاده‌های کشور بود که به علت وجود پیچ‌های

کم دید تا بحال عدم کثیری از مسافران و رانندگان در مناطق کوهستانی این جاده جان خود را از دست داده‌اند. وزارت راه بمنظور برطرف کردن پیچ‌های خطرناک این جاده، اعتباری معادل ۲۰ میلیون تومان در نظر گرفت و ساختمان این جاده را به مقاصد کاران سپرد. عملیات ساختمانی این جاده و کسوف برداری در گردنه‌های حسن آباد، علی‌آباد، کوشک، نصر، منظره، ساری‌پلاغ، عزیزآباد، قلمه محمدعلیخان، نعلبندان، رودخانه شور و سه نقطه دیگر جمعاً بطول ۳۳ کیلومتر از اوایل سال ۱۳۵۱ آغاز شد و در حال حاضر ۵۳ درصد عملیات کسوف برداری و تغییر مسیر این جاده از قبیل پل سازی، زیرسازی، جدول‌بندی، خاکریزی و آسفالت آن بطول ۲۰ کیلومتر، از مسیر جدید انجام شده و عبور وسائط نقلیه، از مسیر جدید انجام می‌گیرد. عرض جاده در این نقاط و سایر نقاطی که فعلاً در دست ساختمان می‌باشد ۱۵ متر است که ۹ آن آسفالت و بقیه شانه‌های جاده است از ۱۲ منطقه کوهستانی، تا پل گردنه‌های حسن آباد، عزیزآباد و نعلبندان، قلمه محمد علیخان، ساری‌پلاغ تسطیح شده است و عملیات ساختمانی بقیه گردنه‌ها تا دیماه سال ۱۳۵۳ به پایان خواهد رسید. در این ۳۳ کیلومتر مسیر، جمعاً ۷۰ دستگاه پل به ابعاد مختلف ساخته شده و در دست ساختمان است که بزرگترین آنها یکی پل عسکرآباد و دیگری پل رودخانه شور است که هر کدام دارای ۵ دهانه ۱۸ متری است و سطح پل ۱۵ متر می‌باشد. با ساختمان این پل‌ها خطر سیل بردگی جاده بکلی از بین خواهد رفت.

پل‌های قدیم جاده تهران - قم نیز که سابقاً ۱۱ متر بود به ۱۵ متر تعریض شده است. باید توجه داشت که با برداشتن تپه‌ها و کوه‌ها و پیچ‌های خطرناک، به هیچوجه این جاده کوتاه نخواهد شد و مسافت آن از تهران همان ۱۴۴ کیلومتر است.

مناطق برق تهران

انشعاب می‌دهند

شرکت برق منطقه‌ای تهران نیمی از اختیارات خود را به بخش‌های دهگانه تهران واگذار کرد، با این اختیارات از این پس بخش‌های مذکور مجازند درخواست انشعاب برق خانگی و تجاری را تا سه فاز ۱۰۰ آمپر، راساً قبول کرده و پس از رسیدگی طبق مقررات نصب کنند. درخواست برق‌های تجاری قبلاً در امور بازرگانی شرکت واقع در میدان ژاله رسیدگی می‌شد، ولی با دادن اختیارات تازه به رؤسای نواحی دهگانه آنها اجازه یافته‌اند خود تصمیم بگیرند. گفته می‌شود

این تصمیم تعداد مراجعان و متقاضیان برق‌های خانگی و تجاری را به مرکز برق منطقه‌ای کم می‌کند و آنان خواهند توانست از این پس به بخش‌های محل سکونت خود مراجعه کنند.

ایران ۱۱ سد دیگر می‌سازد

وحیدی وزیر آب و برق ۱۷ اسفند اعلام کرد که علاوه بر ۱۲ سد موجود در کشور در آینده نزدیک ۱۱ سد دیگر بنیان گذاشته خواهد شد. وزیر آب و برق هنگامیکه همای خود را در امارات عربی در جریان پیشرفت‌های ایران می‌گذشت گفت در حال حاضر این امکان به وجود آمده که يك میلیون هکتار زمین‌های زیر سدها زیر کشت برود و با احداث ۱۱ سد دیگر پیش‌بینی می‌شود ۱۰ تا ۱۲ میلیون هکتار از زمین‌های کشور بایرنامه‌های منظم آبیاری زیر کشت برود. وزیر آب و برق افزود نخستین واحدهای شیرین کردن آب شور در چاه‌ها و بوشهر نصب خواهد شد. او ایجاد نیروگاه‌های اتمی در شمال و جنوب ایران را مسلم دانست و خاطر نشان ساخت که برای نیروگاه‌های اتمی ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌شود.

به سواحل خلیج فارس راه آهن

کشیده می‌شود

خطوط شبکه راه آهن ایران تا سواحل خلیج فارس امتداد می‌یابد و در نخستین مرحله راه آهن ایران بندر شاهپور را به بوشهر و بندر عباس متصل می‌کند و پتroleum تمام سواحل جنوبی را دربر می‌گیرد.

باید گفت که پروژه راه آهن ساحلی خلیج فارس آماده گردیده و بعضی تصویب در قاصه بنادر شاهپور - عباس و بوشهر به مرحله اجرا درخواهد آمد: ساختمان راه‌های کازرون، فراهین، بوشکان، اهرم، گناوه، دیلم نیز ساخته خواهد شد.

معاون وزارت پست و تلگراف اظهار داشت که تلفن راه دور بوشهر در اردیبهشت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و بنادر ریک و گناوه نیز دارای ارتباط خواهند شد و از طریق خارک با ماکروویو سراسری ایران مربوط می‌شوند.

همچنین مسؤولان گفتند در آینده دو فرودگاه، دو هتل و يك بیمارستان و چند واحد آموزش فنی برای کارگران در استان بوشهر ساخته خواهد شد و همچنین گذشته از احداث پالایشگاه، سد، برق اتمی يك شبکه آبرسانی مدرن بوشهر رازیر پوش خود قرار خواهد داد.

طرح خانه سازی برای ۸۰ هزار کارگر ذوب آهن

با بهره برداری از ۲۰۰ واحد مسکونی شهر ۳۰۰ هزار نفری آریاشهر در اصفهان گفته شد که قسمت اول عملیات ساختمانی شهر پولادسازان ۶ سال دیگر به پایان میرسد و با پایان گرفتن آن ۸۰ هزار نفر از کارکنان شرکت ملی ذوب آهن در این شهر اقامت خواهند گرفت.

يك مقام آگاه شرکت ملی ذوب آهن اعلام کرد که علاوه بر آریاشهر ۴ شهرک برای کارکنان ذوب آهن در کرمان، بافق، خسرومهر و سنکروند بنیان گذاشته است. در آریاشهر گذشته از ۲۰۰۰ واحد مسکونی، به صورت تک واحدی آپارتمان های دو تا پنج اتاقه، ۲۱۴ واحد در خسرومهر در حوزه بافق و ۹۶ دستگاه در شاه مهر کرمان برای کارکنان واحد های معادن ذغال سنگ و ۱۴۰ دستگاه در کوی کارمندان معدن سنکروند ساخته شده است. گذشته از این در همه مجموعه های شهر سازی، تأسیسات درمانی، فرهنگی، اجتماعی و تفریحی ساخته شده است. این تأسیسات هم زمان با گسترش شهر و ایجاد واحدهای تازه نسبت به جمعیت مناطق مسکونی گسترش خواهد یافت. در حال حاضر ذوب آهن برای اسکان ۳۲۵ هزار نفر از کارکنان خود و خانواده هایشان پیش بینی لازم را بعمل آورده است. به گونه ای که علاوه بر آریاشهر اصفهان که ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، در شهرک کرمان ۱۰ هزار نفر، بافق پنج تا شش هزار نفر، خسرومهر پنج هزار نفر و معادن سنکروند ۲ هزار نفر اقامت خواهند گرفت.

۶
خبر

بزرگداشت بیرونی و مولانا دردانشگاه نیویورک

کنگره بین المللی بزرگداشت هزارمین سال تولد ابوریحان بیرونی و هفتصدمین سال درگذشت جلال الدین مولوی ۸ بهمن با شرکت گروهی از دانشمندان ایران شناس کشور های مختلف جهان دردانشگاه نیویورک گشایش یافت. سرپرستی افتخاری را کمیته ای مرکب از اردشیر زاهدی سمیر شاهنشاه آریامهر در امریکا، شجاع الدین شفا معاون فرهنگی دبیران شایسته های ایران، سفیران هند و پاکستان در امریکا و رئیس دانشگاه نیویورک عهده دار است.

در نخستین روز کنگره که ویژه بزرگداشت بیرونی بود هشت تن از دانشمندان سخنرانی کردند و در روز دوم که مخصوص بزرگداشت مولوی بود هفت نفر از جمله سیدحسین نصر رئیس دانشگاه آریامهر، پرویز مروج و غلامحسین یوسفی از ایران سخن گفتند. در پایان کنگره برگزیده ای از اشعار مولانا خوانده شد.

هزاره ناصر خسرو بمناسبت هزارمین سال تولد ناصر خسرو شاعر و نویسنده و حکیم بزرگ خراسان در دهه آخر شهریور ۵۳ يك کنگره بزرگ جهانی در دانشگاه ادبیات دانشگاه مشهد برپا می شود.

ناصر خسرو در سال ۳۹۴ هجری قمری در قبادیان بلخ زاده شد و در سال ۴۸۱ در یمگان بدرود حیات گفت. او یکی از فرزندان نامدار خراسان است که آثار زیاد در شعر و نظم فارسی دارد. ناصر خسرو گذشته از شاعری یکی از برجسته ترین متفکران زمان خود به حساب می آمد. او از اسماعیلیان بود و از آنهاست که اهل مدح و ثنا نبود و همواره آزاده زیست.

نمایشگاه انتشارات دانشگاه

به مناسبت چهلمین سال تأسیس دانشگاه، نمایشگاه هایی از عکس ها و انتشارات دانشگاه تهران ترتیب داده شد. نمایشگاه عکس شامل عکس های تاریخی مربوط به دانشگاه، عکس هایی از تأسیسات کنونی دانشگاه و عکس هایی از مراسم و فعالیت های سه سال اخیر دانشگاه بود که در کتابخانه مرکزی تشکیل شد.

نمایشگاه آثار و انتشارات دانشگاه نیز که از سوی مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه برپا گردید شامل کلیه انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات از اولین تا آخرین شماره و نشریات علمی و تحقیقاتی تمام دانشکده ها و مؤسسات تابع دانشگاه از بدو تأسیس تا کنون بود.

نمایشگاه عکس

ایران در قاره سیاه بزرگترین نمایشگاه عکس ایران در قاره سیاه که از طرف وزارت اطلاعات ایران ترتیب یافته بود در اواخر ماه بهمن طی مراسمی با حضور آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر بوسیله آقای عبود دیوف نخست وزیر سنگال در اکار گشایش یافت.

گزارش رسیده حاکیست که در این نمایشگاه سیصد قطعه عکس بزرگ رنگی و سیاه و سفید و ۵۰ قطعه اسلاید به معرض نمایش گذاشته شده و نمایشگاه دارای غرفه های صنایع دستی، کتاب و فرش است.

نمایشگاه هفته

استان یزد

نمایشگاه های هفته استان یزد ۲۲ بهمن بوسیله سرکار علییه بانو فریده دیبا گشایش یافت. این نمایشگاه ها در محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در پارک فرح ترتیب یافته بود. در این مراسم وزیر کشور، استاندار یزد و جمعی از مقامات مملکتی و یزدیهای مقیم تهران شرکت داشتند.



مراسم بزرگداشت مولوی



ملاقات شخصیتهای یزد با آقای نخست وزیر

۶
خبر

۱۰۰ دبیرستان صنعتی تأسیس می شود

طرح پیش بینی دبیرستان های آموزش صنعتی کشور پس از تبادل نظر با مسؤولان آموزش و پرورش کشور که اینک در تهران اجتماع گردمانند تنظیم شده است. سهم تهران از دبیرستان های صنعتی بیش از سایر مناطق است. تهران سال آینده ۳۱ دبیرستان صنعتی یا رشته های مختلف خواهد داشت. در ۲۳ دبیرستان صنعتی تهران رشته برق، در ۱۵ دبیرستان رشته فلزکاری، در ۱۱ دبیرستان رشته ساختمان در ۹ دبیرستان رشته مکانیک، در ۳ دبیرستان رشته شیمی صنعتی، در ۳ دبیرستان رشته صنایع چوب، در یک دبیرستان رشته نساجی و رنگرزی و در یک دبیرستان رشته پروتزدندان دایر خواهد بود. بعضی از دبیرستانها چند رشته صنعتی خواهند داشت. همداز تهران استان های اصفهان، مازندران و فارس هر کدام با ۸ دبیرستان صنعتی در ردیف دوم قرار گرفته اند. سال آینده در اصفهان ۲۵۰۰ در مازندران ۱۵۰۰ و در فارس ۲۰۰۰ دانش آموز به مدارس صنعت خواهند رفت.

شهرهای دیگر که مدرسه صنعت خواهند داشت از این قرارند:

قم، اراک، تفرش، قزوین، محلات، ری، تجریش، مراغه، مرند، رضائیه، شاهپور، کرمانشاه، قصر شیرین، سنندج، همدان، ملایر، زنجان، بهبهان، خرمشهر، مسجد سلیمان، شهرضا، همایونشهر، نجف آباد، دورود، رشت، کاشمر، سبزوار، بیرجند، پایل، شاهی، گرگان، سمنان، آباد، فسا، لار، کوار، اقلیه، ممسنی، جیرفت، یزد، بنرعباس، زاهدان و بوشهر هر کدام يك دبیرستان صنعتی، کاشان، اهواز، کرمان و شیراز هر يك دو دبیرستان صنعتی و مشهد و ساری هر يك سه دبیرستان صنعتی، تبریز چهار دبیرستان و اصفهان ۵ دبیرستان صنعتی خواهند داشت. دبیرستان های

صنعت در آینده با توجه به احتیاجات صنعتی کشور افزایش خواهد یافت و بر تعداد رشته‌های آنها نیز افزوده خواهد شد.

در دبیرستان‌های صنعت ۵۰ درصد دروس نظری و ۵۰ درصد دیگر عملی خواهد بود. این دبیرستان‌ها هر هفته ۴ ساعت درس خواهند داشت. فارغ‌التحصیلان این دبیرستان‌ها هم می‌توانند در رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌ها به ادامه تحصیل بپردازند و هم می‌توانند جنب بازار کار شوند. فعلا برای مدارس صنعتی ۲۵ رشته در نظر گرفته شده است مثلا رشته برق خود رشته‌های فرعی الکترونیک، الکترونیک شامل رادیو و تلویزیون و فرمان‌های الکترونیک دارد. طبق برآوردی که درسمینار جاری تهران شده برای سال آینده ۳۰۰ معلم فنی مورد احتیاج خواهد بود که از فارغ‌التحصیلان دانشکده علم و صنعت و انستیتوی تکنولوژی و تربیت معلم فنی تامین خواهند شد. ضمناً هم مهندسی که اینک در دبیرستان‌های نظری تدریس می‌کنند پس از طی دوره کارآموزی به مدارس صنعتی منتقل خواهند شد. کلاس‌های کارآموزی در تابستان آینده در شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، بابل، شیراز و کرمانشاه تشکیل خواهند شد.

دانشکده پلی تکنیک

در یزد تأسیس

می‌شود

عبدالله سینا استاندار یزد گفت که در شهر یزد دانشکده پلی تکنیک ایجاد می‌شود تا نیاز صنعتی استان را از نظر نیروی انسانی ماهر تامین کند. استاندار یزد گفت که اخیراً پاکمک وزیر آموزش و پرورش یک انستیتو تکنولوژی در یزد تأسیس شده و هم‌اکنون ۱۲۰ هنرجو در آن به تحصیل اشتغال دارند.

در حال حاضر صنایع نساجی و صنعت قالی بافی (شامل نخ‌ریسی و پشم‌ریسی) در یزد فعالیت چشم‌گیری دارد و در آینده یک واحد صنعتی تهیه تریکو نیز در یزد ایجاد می‌شود تا با استفاده از نخ و پشم استان بافته‌های تازه‌ای در بازار مملکت عرضه کند. استاندار یزد افزود که یک واحد صنعتی فلز کاری نیز برای کمک به تامین نیاز مملکت مانند پمپال - کولر، آب‌گرکن و مانند آن در یزد ایجاد می‌شود. دکتر سینا گفت که از سوی دولت اجازه تأسیس یک کارخانه تولید سیمان به ظرفیت هزارتن در روز در استان داده شده و هم‌اکنون مشغول تهیه مقدمات برای خرید و نصب قطعات کارخانه هستند این کارخانه علاوه بر تامین نیاز ساختمانی استان

قسمتی از احتیاجات مملکت را نیز تامین خواهد کرد.

سهرشته تازه در دانشگاه تبریز

رئیس دانشگاه تبریز اعلام کرد که در سال آینده دوره های لیسانس اقتصاد و تغذیه و فوق لیسانس محیط زیست در این دانشگاه دایر خواهد شد و برای این رشته‌ها در کشور آینده‌دانشجو پذیرفته می‌شود. وی افزود که این اقدام با توجه به نیاز کشور به فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها صورت می‌گیرد. وی همچنین اعلام کرد که به منظور تحکیم مبانی خانواده‌ها و امکان دادن بیشتر به استعداد های محلی از سال آینده در برخی رشته‌ها صددرصد دانشجویان از بین منطقه‌ای‌ها انتخاب خواهند شد و در دیگر رشته‌ها نیز ۶۰ تا ۷۰ درصد دانشجویان منطقه‌ای خواهند بود. منطقه دانشگاه تبریز در کشور گنجانده شده است شامل آذربایجان شرقی و غربی، گیلان، زنجان و همدان بود.

دائرة المعارف

بزرگ ایرانی

بصورت یکی از

کاملترین

دائرة المعارف‌ها

منتشر می‌شود

بفرمان شاهنشاه آریامهر «دائرة المعارف بزرگ ایرانی» بصورت یکی از کاملترین دائرة المعارف‌های عصر حاضر در ایران تدوین و منتشر خواهند شد. آقای شجاع‌الدین شفا معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی و مدیر عامل کتابخانه پهلوی که این‌خبر را طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت، توضیح داد که مأموریت تدوین و نشر این دائرة المعارف که دوره کامل آن در حدود چهار جلد و بیش از چهار هزار صفحه پیش‌بینی شده، بفرمان مطاع همایونی به کتابخانه پهلوی محول شده است و این کتابخانه براساس مطالعات وسیعی که در سال جاری در این زمینه انجام داده است از آغاز سال آینده تهیه این مجموعه عظیم را که بزرگ‌ترین اثر فرهنگی ایران امروز خواهد بود آغاز خواهد کرد.

آقای شفا توضیح داد که در بررسی‌های ده‌ماهه اخیر، از طرف کتابخانه پهلوی با سازمان‌های مرکزی هشتاد دائرة المعارف که در حال حاضر در کشورهای مختلف پنج قاره جهان بیچاپ می‌رسند تماس گرفته شده و شیوه کار و برنامه‌های مختلف آنها مورد مطالعه قرار گرفته و اطلاعات لازم درباره تازم

ترین وسائل فنی و الکترونیک که امروزه برای طبقه‌بندی و تنظیم مطالب دائرة المعارف های جدید بکار می‌روند گردآوری شده و در عین حال به تهیه تمام دائرة المعارف‌های مهم جهان اقدام شده است تا مطالب آنها، همراه با سایر اسناد و مدارکی که توسط کتابخانه گردآوری می‌شود مورد استفاده گروه دانشمندان ایرانی و بین‌المللی که کار تدوین مقالات دائرة المعارف ایرانی را به عهده خواهند داشت و تعداد آنان بین یک تا سه هزار نفر خواهد بود قرار گیرد.

پزشکان و

دانشجویان ایرانی

در دانشگاه جانز

هایکینز دوره

خواهند دید

از چندی قبل از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و دانشگاه جانز-هایکینز که یکی از معتبرترین مراکز آموزش پزشکی جهان است مذاکراتی بعمل آمد و بموجب موافقت‌نامه‌ای که ۱۷ بهمن به امضاء رسید ترتیبی داده شده است که ۱۲ نفر از اساتید و متخصصان مرکز پزشکی جانز هایکینز در رشته‌های مختلف پزشکی هر یک به مدت یک‌ماه با مراکز پزشکی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در ایران همکاری کنند و ترتیبی داده شده است تا پزشکانی که دوره تخصص خود را در مرکز پزشکی رضا پهلوی شروع می‌کنند به نوبت برای مدتی به دانشگاه پزشکی جانز-هایکینز بروند، علاوه به بعضی از دانشجویان دانشکده پزشکی جندی‌شاپور اهواز که هم‌اکنون در مرکز پزشکی رضا پهلوی تحت تعلیم و آموزش هستند فرصت داده خواهد شد که برای کسب تجربه بیشتر به این دانشگاه اعزام شوند.

سهرشته تازه فوق

لیسانس در دانشگاه

تهران

شورای دانشگاه تهران در جلسه ۲۱ بهمن پیشنهاد تشکیل سه دوره جدید فوق لیسانس را تصویب کرد. دوره‌های تازه در رشته‌های «هواشناسی، کشاورزی، آب و هوا شناسی» (هیدرو-میتئورولوژی) و «فیزیک جو» تشکیل خواهد شد و از سال آینده دانشجویان خواهند گرفت. شورای دانشگاه تهران که به ریاست نهان‌وندی تشکیل شده بود سپس به پیشنهاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی پرداخت و به اتفاق آراء تصویب کرد که به مناسبت چهلمین سال تأسیس دانشگاه تهران و به پاس خدمات برجسته و تألیفات

علمی و اسلامی دو نفر از دانشمندان و علمای طراز اول ایران: علامه سید محمدحسین طباطبائی و حکیم حاج آقا رحیم ارباب‌اصفه‌ای درجه دکترای افتخاری دانشگاه تهران اعطاء شود.

دوره‌های فوق

لیسانس و دکترای

در دانشگاه آریامهر

رئیس دانشگاه آریامهر ۲۲ بهمن در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که با همکاری یکی از دانشگاه‌های انگلستان یک دوره فوق لیسانس و دکتری مشترک در دانشکده متالوژی دایر خواهد شد. او همچنین گفت که دانشگاه آریامهر مشغول مطالعه جدی برای تأسیس دوره‌های جدید فوق لیسانس مهندسی زیت و مهندسی ایمنی است و در این مصاحبه همچنین درباره همکاری‌های دانشگاه ام. ای. تی آمریکا با دانشگاه آریامهر سخن گفت و خاطر نشان ساخت که براساس توافق‌هایی که بین دو دانشگاه شده است، دانشجویان دانشگاه آریامهر برای ادامه و تکمیل تحصیلات خود به آن دانشگاه خواهند رفت. گذشته از اعزام دانشجویان دو دانشگاه روابط مبادله استاد نیز خواهند داشت.

از خدمات فرهنگی

پروفسور

کربن تجلیل شد

سی‌ام بهمن با حضور آقای امیر عباس هویدا نخست‌وزیر طی مراسمی که در تالار کتابخانه مرکزی مرکز استاد دانشگاه تهران برگزار شد، از خدمات فرهنگی پروفسور «هانری کربن» به فرهنگ و ادب ایران تجلیل شد و منشور استادی افتخاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به وی اعطاء گردید. آقای هویدا نخست‌وزیر بعنوان رئیس هیأت امنای دانشگاه تهران در این مراسم سخنرانی کرد و پس از اشاره به جنبه فلسفی و معنوی فرهنگ ایران از خدمات پروفسور هانری کربن برای معرفی فرهنگ ایران به جهان تجلیل کرد.

کمیته ملی پیکار

بایسوادای

طرح‌های تازه اجرا

می‌کند

۲۴ بهمن در حضور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی به کمیته ملی پیکار جهانی بایسوادای جلسه سالانه این کمیته در کاخ اختصاصی والا حضرت تشکیل شد. در این جلسه گزارش دبیر

کل کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سودای در زمینه فعالیت های مربوط به پیکار با بی‌سودای در سراسر کشور و نیز همکاری و اشتراک‌ساعی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش کار و امور اجتماعی، تعاون و امور روستاها و همچنین نیروهای مسلح شاهنشاهی و ژاندارمری و شهربانی و سازمان زبان در زمینه تهیه طرح لازم و راهنمایی و نظارت در حسن اجرای طرح‌های سوادآموزی خردسالان، بزرگسالان، سواد توأم با حرفه، تهیه مواد آموزشی، نگاهداری مواد جلوگیری از فراموشی نوبت آموختگان، بررسی روش‌های سوادآموزی در کشورهای مختلف جهان و تشکیل مرکز ملی آموزش در کشورهای همکاری یونسکو بمنظور برنامه‌ریزی، آموزش و پژوهش بر طبق اصول و موازین علمی برای سوادآموزی و تربیت نیروی انسانی کشور قرائت گردید. در همین جلسه آقای ولیان وزیر تعاون و امور روستاها طی گزارشی گفت سوادآموزی به اهالی روستاهایی که کمتر از ۲۵۰ نفر جمعیت دارند، از راه تعلیم و تربیت مدیران چند پشه در منطقه عمل شرکت‌های سهامی زراعی انجام می‌پذیرد.



تجلیلی از استاد هانری کربن ایرانشناس و فیلسوف معروف فرانسوی

هزینه تحصیل

دانش آموزان

پرداخت می‌شود

وزارت آموزش و پرورش تمام و یا قسمتی از هزینه دانش آموزانی که در قبضات کوچک آنها دبیرستان نظام جدید دایر نشود می‌پردازد.

وزیر آموزش و پرورش اضافه کرد: ما این دانش آموزان را از قبضات خود به نزدیکترین شهر منتقل می‌کنیم و مطابق استعدادشان آنها را به دبیرستان می‌گذاریم و چون از خانواده خود دور می‌شوند برایشان اقامتگاه‌هایی در نظر می‌گیریم و برای آنها سرپرست می‌گذاریم. وی افزود چون فعلا مدارس متوسطه جامع در مراکز استانها و شهرهای

بزرگ دایر می‌شوند ما در نظر داریم دانش آموزان بسیار مستعد راهنمایی تحصیلی را از شهرهای کوچک خود به این مدارس منتقل کنیم.

فلا در نظر است برای سال آینده حدود ۲۰ مدرسه جامع دایر شود. مدرسه متوسطه جامع همان مدرسه متوسطه نظری است که در آن دروس فنی نیز تدریس می‌شود.

ایران و سودان موافقت‌نامه فرهنگی امضاء کردند

۹ اسفند آقای هویدا نخست‌وزیر و آقای خلعت‌بری وزیر امور خارجه پس از امضای موافقت‌نامه فرهنگی بین ایران و سودان، یک ساعت با رئیس جمهوری سودان ملاقات و مذاکره داشتند. براساس این موافقت‌نامه که بعد از تصویب مجلسین صورت قانونی بخود می‌گیرد ایران و سودان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و آموزش و پرورش بایکدیگر مبادلاتی خواهند داشت. بین دو کشور مبادله استاد و دانشجو انجام می‌گیرد و بورسهای تحصیلی بین دو کشور مبادله خواهد شد.

کنکور مدارس عالی آموزشی سراسری شد

بموجب تصمیمی که رؤسای مؤسسات آموزش عالی در اجلاس دو روزه پی‌گیری مفاد قطعنامه‌های کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی اتخاذ کردند، برای سال تحصیلی آینده دانشجوی جدید را از طریق کنکور سراسری مؤسسات عالی آموزشی می‌پذیرند تاکنون نحوه پذیرش دانشجو در مؤسسات عالی براساس انتخابات اختصاصی خود مؤسسات آموزش عالی شیه کنکور سراسری دانشگاهها است در این کنکور ۳۰ هزار دانشجو برای دوره های شبانه و روزانه پذیرفته خواهند شد بهمین جهت پیش‌بینی می‌شود چند برابر این عده در کنکور شرکت کنند.

تأسیس آموزشگاه بهیاری در دانشگاه تهران

شورای دانشگاه تهران در جلسه ۱۹ اسفند تأسیس يك آموزشگاه بهیاری وابسته به مرکز پزشکی داریوش کبیر را تصویب کرد.

طرح تصویب دوره فوق لیسانس حسابداری در دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی نیز در

این جلسه از تصویب شورا گذشت. این دوره پس از تصویب جزییات برنامه در کمیسیون ویژه از آغاز سال تحصیلی آینده دایر خواهد شد.

ایران شناسان پل‌های پیروزی فرهنگ ایران

۲۵ اسفند آیین بزرگداشت سالروز تولد اعلیحضرت رضاشاه کبیر واعطای درجه دکترای افتخاری به ۱۱ تن از دانشمندان و محققان و ایران شناسانی که در راه نشر و توسعه زبان و ادبیات فارسی و متون قدیم و پژوهش در آثار تاریخی و تمدن باستانی خدمات برجسته‌ای انجام داده‌اند در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حضور نخست‌وزیر برپا شد. در این مراسم به ۱۰ تن از ایران شناسان درجه دکترای افتخاری داده شد و درجه دکترای افتخاری پروفیسور «جوسپه توجی» از ایتالیا نیز به سفیر ایتالیا در تهران اعطا گردید. قبل از این مراسم ایران شناسان به اتفاق همراهانشان به پیشگاه شهبانو بار یافتند.

پس از سخنان نهادهای، پرویز آموزگار به معرفی استادان پرداخت و زندگی نامه یكایك آنان را به اختصار شرح داد. آموزگار در مقدمه سخنان خود گفت اگر این استادان گرانقدر را پلهای پیروزی فرهنگ ایران در جهان بدانیم بهخطرات فدایم زیرا فرهنگ ایران با استفاده از این پلهای طلایی بود که دروازه‌های جهان را به روی تماشا گذاشت.

وی آنگاه به شرح فعالیت های فرهنگی و علمی ایران شناسان: ویلهلم آپلر (آلمان) جورج مورگن استیرن (فرور) - یحیی الخشاب (مصر) - جورج کامرون (امریکا) - توشی‌هی کویزوتسو (ژاپن) - ژاک دوش گینچن (بلژیک) - حامد الدین راشدی (پاکستان) - فریتس مایر (سوئیس) - والتر هاینز (آلمان) و فیلیپانی رانکی از ایتالیا پرداخت و آثار و کتابهای این استادان را در زمینه تحقیق و معرفی فرهنگ و ادبیات ایران يك يك بر شمرده.

اقتصادی

جزییات توافق ۹ میلیارد دلاری ایران و فرانسه

در پایان مذاکرات اقتصادی ایران و فرانسه در پاریس که به امضای يك پروتکل چند منظوره منتهی شد ایران رسماً به فرانسه پیشنهاد سرمایه گذاری در رشته‌های مورد علاقه خود را داد و زیست‌کارستانی وزیر اقتصاد فرانسه اعلام کرد که از آن استقبال می‌کند و همه گونه تسهیلات در راه چنین سرمایه گذاری را فراهم خواهد کرد. در پروتکل ایران و فرانسه که راه را برای تحویل مقادیر بیشتری نفت و گاز به فرانسه هموار می‌کند، آن کشور تحویل و نصب شبکه‌ای از نیروگاه‌های اتمی به قدرت ۵ هزار مگاوات را به هزینه ۱۲ میلیارد دلار تعهد کرده است.

دیگر سرمایه‌گذاریها بیشتر در زمینه ایجاد يك مجتمع بزرگ پتروشیمی، احداث خط لوله گاز مایع‌ر از ایران به ایتالیا، فرانسه، آلمان و بلژیک ایجاد يك واحد تولید فولاد مخصوص و مشارکت های صنعتی و کشاورزی متعدد دیگر به عمل خواهد آمد و جمع سرمایه‌های را که دو کشور فراهم می‌آورند از ۹ میلیارد دلار فراتر خواهد بود که تقریباً بطور مساوی تأمین می‌شود.

تولید برق اتمی در ایران که براساس توافق‌های پاریس آغاز می‌شود شبکه‌ای از چندین نیروگاه اتمی را در برمی‌گیرد که نیک‌زدایی آب دریا را نیز در برنامه دارند و قدرت نهایی آنها حدود ۵۰۰۰ مگاوات برآورد شده است.

در مورد نفت، ایران و فرانسه شمن توجه به همکاری های موجود بین دو کشور توافق کردند که در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی در کشورهای ثالث با یکدیگر همکاری کنند. ضمناً این کشور علاقه شرکت‌های نفتی این کشور را به شرکت در اکتشاف مناطق جدید در ایران از طریق مناقصه اعلام داشت. در زمینه گاز طرف فرانسه آمادگی خود را برای مشارکت در يك کنسرسیوم اروپایی جهت احداث خط لوله‌ای میان ایران و اروپا اعلام داشت.

این خط لوله امکان حمل ۱۵ تا ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران به اروپا را فراهم خواهد آورد کمیان فرانسه، آلمان، بلژیک و ایتالیا تقسیم خواهد شد، علاوه بر این دو کشور موافقت کردند چنانچه هنوز امکان تهیه مقادیر بیشتری گاز از ایران وجود داشته باشد، طرح مشترکی برای تولید گاز مایع به اجرا گذاشته

شود. برای حمل تولیدات این واحد ایران سفارش‌هایی در حدود يك میلیارد دلار برای ساختن کشتی‌های گازبر به فرانسه خواهد داد. در این زمینه و برای روشن کردن جزییات همکاری قرار است هیأتی از کارشناسان عالی رتبه فرانسه برای مذاکره با مقامات شرکت ملی گاز ایران به تهران بیایند.

ثبات سیاسی برای هر گونه سرمایه گذاری مساعد است

راکتلر بانکدار معروف امریکایی که چیس‌مانهاتان بانک امریکا را سرپرستی می‌کند مذاکرات تأسیس بانک تجارتی با سرمایه دو میلیارد ریال با مقامات ایرانی را که ۳۵ درصد پرداخت می‌شود رضایت بخشی خواند و گفت ثبات سیاسی و اقتصادی ایران برای هر گونه سرمایه گذاری مساعد است. راکتلر گفت در آینده نزدیک هیأتی برای بررسی تأسیس این بانک به ایران خواهد آمد.

در اولین دور مذاکرات قرار شد بانک صادرات ایران ۳۵ درصد، چیس‌مانهاتان بانک امریکا ۳۵ درصد، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران ۵ درصد و سایر بانک‌ها ۱۰ درصد، سهم شوند و ۱۵ درصد بقیه بصورت سهام به مردم واگذار شود. پیش‌بینی می‌شود مذاکرات بعدی با سفیریک هیأت بانکی از امریکا در فروردین آینده دنبال شود.

آلمان با طرح چند میلیون دلاری گاز موافقت کرد

هانس فریدریش وزیر اقتصاد آلمان غربی ۵ بهمن در سن‌موریتس با هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد ایران ملاقات و پیرامون طرح چند میلیون دلاری صدور گاز طبیعی ایران به آلمان مذاکراتی به عمل آورد. براساس گزارش های رسیده شوروی و آلمان فدرال در گفتگوهای خود پیرامون چگونگی تحویل گاز درخواستی آلمان غربی به توافق رسیده‌اند.

بدین صورت که ایران گاز را در مرزهای شمالی خود تحویل شوروی می‌کند و شوروی متقابلاً در آن سوی مرزهای خود به همان میزان گاز طبیعی به آلمان فدرال تحویل می‌دهد. آلمان فدرال در حال حاضر موافقت خود را با تأسیس يك پالایشگاه ۲۵۰ میلیون تنی نفت در ایران اعلام کرده و براساس مذاکراتی که در جریان است برای صدور گاز از ایران به آلمان يك خط لوله به

ارزش ۲ میلیارد دلار از طریق ترکیه، یونان، یوگسلاوی، اتریش به آلمان غربی کشیده خواهد شد.

توافق ایران و شوروی بر سر پاکسازی دریای خزر

ایران و شوروی دریایان مذاکرات چند روزه درباره جلوگیری از آلودگی آبهای خزر، بی‌آن که به يك طرح اجرایی امروزی دست یابند روی يك برنامه مشترک تحقیقاتی که تا سال ۱۹۷۶ ادامه خواهد یافت به توافق رسیدند و قرار شد دو کشور در این مدت و به کمک هم تمام کارخانه‌هایی را که در کنار دریای خزر پارودخانه‌هایی که به خزر می‌ریزند واقع شده یا بعداً احداث شود، مجبور به نصب دستگاه‌های تصفیه فاضلاب کنند. در قطعنامه‌ای که دوطرف هنوز درباره مفاد آن تصمیم قطعی نگرفته‌اند، تهیه يك برنامه سه‌ساله تحقیقاتی که ایران و شوروی تمام امکانات مادی و اجرایی خود را در آن متراکز خواهند کرد پیشنهاد شده است. این برنامه رده ویدل کردن اطلاعات مربوط به آلودگی دریای خزر، یکنواخت کردن روش های تحقیق، تعیین استاندارد های برای شناختن میزان آلودگی و تأثیر آن روی انسان، حیوان و محیط، اثر آلوده کننده‌ها روی موجودات دریای خزر و جنبه‌های بهداشتی مسأله را شامل می‌شود. هدف از این برنامه بطور کلی یافتن پایه های اساسی برای حل مشکل آلودگی آب‌های خزر است.

طرح توسعه پالایشگاه آبادان

شرکت ملی نفت ایران طرح توسعه پالایشگاه آبادان را از ۴۳۰ هزار بشکه به ۵۵۰ هزار بشکه در روز آماده کرد و اعلام شد که عملیات اجرایی در آینده نزدیک آغاز خواهد شد. توسعه ظرفیت پالایشگاه آبادان ۳۵ میلیون دلار (۲۸۴ میلیارد ریال) هزینه در بردارد که به مصرف نصب يك دستگاه تازه تقطیر به ظرفیت ۱۳۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. علاوه بر این بهتر کردن دستگاههای بازیابی فرآورده‌های نفتی و افزایش دستگاه‌های شستشو همچنین نصب خط لوله‌ای به طول ۱۲۲ کیلومتر و قطر ۲۴ اینچ از اهواز به آبادان برای انتقال نفت خام قسمت هایی از این طرح است.

ایران تولید مس را پیش فروش می کند

شرکت مس سرچشمه دست اندر کار اجرای يك طرح بزرگ بازاریابی برای تولیدات معادن مس کشور است. با آغاز بهره برداری از کان مس سرچشمه سالانه ۱۶۰ هزار تن مس تولید خواهد شد که ۳۵ تا ۴۰ هزار تن آن مصرف بازار در حال توسعه داخلی و بقیه به بازارهای خارجی صادر گردد. در اجرای این منظور مطالعاتی برای بررسی امکانات مربوط به صدور مس در جریان است و بزودی هیأت هایی برای بازاریابی به کشورهای مختلف اعزام می شوند. کشورهای صادر کننده مس و فسفات با استفاده از تجربیات کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) که در بدست آوردن حقوق خود پیشرفتهای قابل توجهی داشته اند اقدام به تأسیس اتحادیه صادر کنندگان مس و فسفات کرده اند و از آنجایی که ایران نیز بزودی در ردیف کشورهای بزرگ تولید کننده و صادر کننده مس قرار می گیرد امکان دارد ایران نیز به عضویت این اتحادیه درآید. براساس برآوردی که برای سرمایه گذاری در طرح بهره برداری از ذخایر مس سرچشمه به عمل آمده در این صنعت تا پایان برنامه عمرانی جاری حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیارد ریال سرمایه گذاری خواهد شد. در برنامه ششم سرمایه گذاری ها به دو تا سه برابر یعنی حدود ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد ریال خواهد رسید. در حال حاضر علاوه بر ذخایر مس سرچشمه کانهایی مس دیگری نیز در نقاط مختلف کشور کشف شده که استخراج آنها از هر نظر اقتصادی شناخته شده است.

تأسیس شرکت بیمه با ۵۰۰ میلیون ریال سرمایه

اجازه تأسیس يك شرکت جدید بیمه از طرف بیمه مرکزی ایران صادر شد. شرکت جدید بیمه بنام شرکت سهامی بیمه دانا (شرکت سهامی عام) با سرمایه پانصد میلیون ریال فعالیت خود را در بازار بیمه آغاز خواهد کرد. اجازه تأسیس این شرکت بدنبال پیشنهاد بیمه مرکزی ایران با نظر موافق شورای عالی بیمه تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران رسید.

ایران ۱۱۵ میلیون دلار کفش به امریکا فروخت

بیستم بهمن يك قرارداد خرید کفش ساخت ایران به مبلغ ۱۱۵ میلیون دلار توسط چند خریدار امریکایی با چند کارخانه تولید کفش امضاء شد و قرار است چندی بعد گروه دیگری از امریکا برای انعقاد يك قرارداد خرید ۱۰ میلیون دلاری کفش به تهران سفر کنند. انجام معامله کفش به میزان فوق برای اولین بار با غرب صورت می گیرد و از هم اکنون پیش بینی می شود، معاملات کفش با امریکامندمه مطلوبی است برای صدور کالاهای صنعتی به بازار نامحدود و وسیع امریکا. همزمان با فعالیت های بازرگانی امریکا در تهران گروه بازرگانان فرانسوی که نماینده بیش از ۵۰۰ فروشگاه بزرگ در سراسر فرانسه هستند، مذاکرات وسیعی را برای خرید کفش، تربیکو، صنایع دستی و میلان منزل با تولید کنندگان ایرانی تبادل می کنند.

کارخانه تولید پروتئین گیاهی

تأسیس می شود ۵۰ تن پروتئین گیاهی «سویا» با موافقت وزارت کشاورزی و منابع طبیعی وارد کشور می شود. براساس موافقت هیأت دولت واردات این پروتئین از پرداخت سود بازرگانی معاف خواهد بود. پروتئین وارداتی تحت نظر سازمان گوشت کشور قرار می گیرد. با وجودی که بررسی ارزش غذایی پروتئین گیاهی در دنیا انجام و همردیف گوشت شناخته شده، معهذاً مقامات بهداشتی مواد غذایی آزمایشات تازه ای بر روی پروتئین وارداتی انجام خواهند داد و در صورت لزوم دستور مصرف می دهند. چنانکه میزان مصرف پروتئین گیاهی «سویا» در ایران بعد تصاب رسد، يك کارخانه تولید پروتئین گیاهی در کشور دایر خواهد شد.

۵ میلیارد ریال برای زنده کردن صنعت ابریشم

با قراردادی که ۲۲ بهمن میان وزارت کشاورزی و يك شرکت مهندسی مشاور ژاپنی بسته شد ایران در پنج سال آینده رویه بیش از ۵ میلیارد ریال سرمایه برای توسعه صنایع ابریشم بکار می اندازد و صنعت تولید ابریشم را که به زوال افتاده بود دوباره رونق می بخشد. در اجرای این قرارداد وزارت کشاورزی ۴۰۰ هکتار توستان تازه در

گیلان احداث می کند که ۵۰ هزار نهال آن از فرانسه و ژاپن آورده خواهد شد. از این توستان به صورت تحقیقاتی و نه انتفاعی بهره گرفته خواهد شد و نتایجی که بدست می آید در ۳۶۰۰ هکتار توستان دیگر گیلان و مازندران پیاده می شود. برای احداث این توستان و مراکز تحقیقاتی آن وزارت کشاورزی ۵۰۰ میلیون ریال سرمایه گذاری می کنند. از سوی دیگر براساس قراردادی بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، صندوق توسعه کشاورزی، شرکت ابریشم گیلان و شرکت ژاپنی «کانبو» دست اندر کار اجرای طرح پررسمایی در ۳ هزار هکتار توستان گیلان و مازندران با ۴ میلیارد ریال هزینه شده اند که نیمی از آن به توتکاری و بقیه به احداث صنایع پرورین ابریشم و تولید پارچه های ابریشمی اختصاص یافته است. علاوه بر این بخش خصوصی نیز طرح هایی با سرمایه ۴۰۰ میلیون ریال در سطح ۴۰۰ هکتار پیاده می کند که جمع سطح باغها را به ۴ هزار هکتار می رساند.

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران نیز مأمور شده است کارخانه نخ ابریشم رشت را که اکنون ماشین های آن فرسوده شده است، همزمان با توسعه بهره برداری از توستان ها نوسازی کند. به گفته محافل وزارت کشاورزی، با اجرای طرح های یاد شده تولید ابریشم پارچه های ابریشمی از حدود نیازهای داخلی فراتر خواهد رفت و ایران به جای واردات فعلی ابریشم مقداری نیز به خارج صادر خواهد کرد.

يك میلیارد دلار وام بانک جهانی برای ایران

۲۷ بهمن اعلام شد که با وام ۷۵ میلیون دلاری تازه ای که بانک جهانی برای بخش خصوصی ایران تصویب کرده است ایران تاکنون بر رویه در حدود يك میلیارد دلار از اعتبارات این بانک را به خود اختصاص داده است. آخرین وام را بانک جهانی در اختیار بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران می گذارد. این بانک وام یاد شده را در طرح های صنعتی خود و با مشارکت های صنعتی با دیگر سرمایه گذاران ایرانی به کار خواهد انداخت. در بانک جهانی این انتظار وجود دارد که ایران با درآمدهای تازه ای که از نفت یافته است در آینده وام های کمتری از این بانک بگیرد، ایران اخیراً رسماً اعلام کرده است که حاضر است مقادیر زیادی از اوراق قرضه بانک جهانی را خریداری کند. پیش از این بانک جهانی در حدود ۹۲۵ میلیون دلار

وام در اختیار بخش عمومی و خصوصی ایران گذاشته است که مقادیر زیادی از آن مصرف شده است. کارخانه خوراك دام ۷۲۰ تنی برای فارس

۲۸ بهمن قرارداد احداث بزرگترین مجتمع تولید خوراك دام که در مرحله نهایی تا ۷۲۰ تن در روز تولید خواهد داشت، میان پیمانکار و وزارت کشاورزی و منابع طبیعی امضاء شد. این کارخانه در داخل شبکه صنعتی تولید گوشت و شیر فارس احداث خواهد شد و خوراك بیش از يك میلیون دمی را که در این مرکز متمرکز می شود تأمین خواهد کرد. کارخانه که براساس مفاد قرارداد در يك سال آماده بهره برداری می شود، از سال آینده با مالکان وزارت عطف اطراف مجتمع قرارداد کشت و تولید علوفه خواهد بست و هر سال یکصد هزار تن مواد دانایی و سب خواهد خرید. در حال حاضر کارخانه های کوچکی در کشور به تولید خوراك دامی مشغولند که ظرفیت آنها از چند تن در روز تجاوز نمی کند.

کارخانه ۷۲۰ تنی خوراك دام فارس علاوه بر تبدیل علوفه به «پلت» (خوراك فشرده و خشك)، کاه و دیگر علف ها را که دارای پروتئین کافی نیست، با افزودن ویتامین ها و مواد معدنی به خوراك پر قدرتی تبدیل خواهد کرد. ظرفیت کارخانه طوری پیش بینی شده است که مقداری نیز مازاد بر مصرف تولید کند، که در اختیار دامداران محلی قرار خواهد گرفت.

در «نکا» پالایشگاه احداث می شود

شرکت ملی نفت ایران دست اندر کار تهیه طرح يك پالایشگاه نفت تازه است که در منطقه «نکا» ی مازندران نصب خواهد شد. این پالایشگاه که ظرفیت آن ۱۳۰ هزار بشکدر روز پیش بینی شده است، احتمالاً اواخر ۱۹۷۷ یا اوایل ۱۹۸۸ در دست بهره برداری قرار خواهد گرفت. نفت خام مورد نیاز پالایشگاه از لوله ای تأمین خواهد شد که هم اکنون میان اهواز و تهران کشیده شده است. از همین خط لوله برای تأمین نیازهای پالایشگاهی نیز که در تبریز احداث می شود، نفت برداشت خواهد شد. پالایشگاه تبریز قرار است تا سال ۱۹۷۷ آغاز بکار کند.

ایران اوراق قرضه بانک جهانی را می خرد

در مذاکرات رئیس بانک جهانی با مقامات اقتصادی ایران، رابرت مک نامارا آمادگی بانک جهانی را برای گسترش همکاری در اجرای طرح های عمرانی ایران خاصه طرح های آموزش و پرورش، کشاورزی جمعیت و عمران شهری اعلام داشت و یادآور شد بانک جهانی در آینده اعتبارات بیشتری به اجرا طرح های عمرانی ایران اختصاص خواهد داد.

بدنبال مذاکرات رئیس بانک جهانی با مقامات اقتصادی ایران گفته شد ایران برای تقویت بنیه مالی این بانک بمنظور کمک به کشورهای در حال توسعه اوراق قرضه بانک جهانی را خریداری می کند و ایران نخستین کشور تولید کننده نفت جهان است که در این زمینه اقدام جدی بعمل آورده است. میزان خرید اوراق قرضه بانک جهانی تاکنون روشن نشده ولی منابع آگاه کمک ایران به بانک جهانی را چند صد میلیون دلار پیش بینی کرده اند.

موافقت نامه بازرگانی ایران - افغانستان مبادله شد

۲۷ بهمن موافقت نامه تازه بازرگانی بین ایران و افغانستان در تهران به امضاء رسید که حدود بیش از ۶۰۰ میلیون ریال انواع کالاهای صنعتی ایران به این کشور را در طول یکسال آینده امکان پذیر می کند. ظاهراً طرفین با رضایت کامل از مناسبات بازرگانی دو کشور در چند سال اخیر امیدوارند این مناسبات در سالهای آینده گسترش بیشتری یابد و بازارهای مصرف هر يك از دو کشور سهم بیشتری از کالاهای کشورهای دیگر را جذب کنند.

در موافقت نامه پیش بینی شده است که سال آینده بیش از ۶۰۰ میلیون ریال وسائط نقلیه، تراکتور، ماشین آلات و ادوات کشاورزی و صنعتی، مخازن و ظروف آهنی، دارو و مواد شیمیایی و روغن نباتی به افغانستان صادر شود که در مقابل انواع نخ، پشم و منسوجات، سیمان، حبوبات، بذره های زراعی و گیاهان طبی و دانه های روغنی، گوشت گوسفند، چرم و سایر مواد اولیه کشاورزی از این کشور به ایران وارد خواهد شد.

ایران و افغانستان پیش از دهال استروابط بازرگانی

دارند و در طول این مدت پیوسته این رابطه رو به گسترش رفته است، به طوریکه از سال ۱۳۴۱ حجم صادرات ایران از ۳۸ میلیون ریال به بیش از ۵۰۷ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱ افزایش یافته و به موازات آن واردات ایران از این کشور از ۱۶ میلیون ریال در سال ۱۳۴۱ به ۶۹ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱ بالغ شده است، با توجه به روند افزایش مبادلات دو کشور در سالهای اخیر پیش بینی می شود، با اجرای موافقت نامه جدید در سال های آینده حجم مبادلات دو کشور بیش از پیش افزایش یابد.

قرارداد همکاری اقتصادی ایران و هند

ایران و هند اوایل اسفند پروتکل مهمی امضاء کردند که براساس آن ایران برای تحویل مقادیر زیادتری نفت به آن کشور اعتبار ویژه می دهد و دو کشور برای گسترش صنایع یکدیگر به صورت طرح های اجرایی تدارک خواهند دید. پروتکل جدید همکاری های اقتصادی دو کشور را هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد از جانب ایران و «سواران سینک» وزیر خارجه هند از طرف آن کشور امضاء کردند.

براساس این پروتکل ایران موافقت کرد قسمت قابل توجهی از نیازهای نفتی هند را تأمین کند و تسهیلات مالی قابل توجهی برای کمک به هند برقرار سازد. از آن جمله است مشارکت ایران در اجرای طرح تجهیز و بهره برداری از معدن سنگ آهن «کوردماک» با هند، به این منظور تأمینان ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار در اختیار هند قرار خواهد گرفت که میزان متعاقباً بین سازمان های مربوط به دو کشور مورد مذاکره و توافق قرار خواهد گرفت. میزان تولید معدن مذکور در اهواز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بقیه تولیدات معدن کوردماک نیز برای مدت ۲۰ سال با شرایطی که بین سازمان های مربوط دو کشور توافق می شود، در اختیار شرکت صنایع فولاد ایران به قیمت خرید شرکت صنایع فولاد ایران قرار خواهد گرفت. و ایران به هند برای اجرای این طرح هند در خرید ماشین آلات و تجهیزات صنعتی مورد نیاز خود به تولیدات کارخانه ماشین سازی اراک و سایر کارخانه های ایران

حق تقدم قائل می‌شود. ایران همچنین موافقت کرد در اجرای يك طرح تهیه مواد معدنی آلومینا در هند همکاری کند و موافقت اصولی خود را با اعطای اعتباری برای اجرای این طرح اعلام کرد. طرفین توافق کردند که برای ایجاد شرایطی جهت استفاده از حداکثر ظرفیت کارخانه‌های هند برای تأمین احتیاجات دو کشور همکاری نزدیک داشته باشند.

طرفین باتوجه به امکان فروش ماشین‌ها و تجهیزات صنعتی در ممالك اروپا و امریکای شمالی موافقت کردند که نمایندگان سازمان‌های مسؤول دو کشور ظرف سه ماه در تهران ملاقات و در زمینه امکان تهیه برنامه‌ی برای همکاری مشترک مذاکره و تبادل نظر کنند.

هند موافقت کرد در سال ۱۹۷۴ معادل ۳۰۰ هزار تن سیمن و ۶۵ هزار تن آهن آلات و ریل راه آهن و نیز در سال ۱۹۷۵ معادل ۵۰۰ هزار تن سیمن به ایران تحویل دهد.

ایران صندوقی

برای کمک به

کشورهای کم رشد

تشکیل داد

در سومین روز اقسام رئیس بانک جهانی و رئیس صندوق بین‌المللی پول در تهران و به دنبال شرفیابی مک‌نامارا و ویت‌وین به پیشگاه شاهنشاه، نخست‌وزیر در يك مصاحبه مطبوعاتی غیرمنتظره، تشکیل «صندوق توسعه» را به ابتکار شاهنشاه اعلام کرد و مک‌نامارا این بنیاد را برای کشورهای در حال توسعه به اهمیت طرح مارشال برای کشورهای امریکای لاتین خواند.

ایران تعهد کرده است که از سرمایه ۲ تا ۳ میلیارد دلاری صندوق، اسال يك میلیاردش را پرداخت کند، مک‌نامارا و ویت‌وین که پدنبال اعلام آمادگی ایران برای اختصاص مبالغ هنگفتی از ذخیره ارزی ۱۹۷۴ خود برای کمک به کشورهای در حال توسعه، به تهران آمده بود، مذاکرات فشرده‌ی را با مقامات بلندپایه اقتصادی ایران دنبال نمودند.

«صندوق توسعه» که محل آن در واشینگتن خواهد بود به ابتکار شاهنشاه ایران تشکیل می‌شود که يك مؤسسه مالی بی‌طرف است که توسط کشورهای صنعتی بعنوان کشورهای کمک دهنده با همکاری ممالك در حال توسعه تشکیل می‌شود و وام‌هایی که می‌پردازد هیچگونه قید و بند سیاسی نخواهد داشت.

«صندوق توسعه» يك مجمع عمومی خواهد داشت با شرکت

سه گروه با حق رای مساوی از نمایندگان کشورهای نفت‌خیز، صنعتی و کشور-های وام گیرنده، این مجمع اعضای هیأت مدیره را از میان افراد بی‌طرف که شخصیت جهانی داشته باشند و از سوی رئیس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد شده باشند، انتخاب می‌کند. هیأت مدیره کمک به کشورهای رو به رشد را از طریق اجرای طرح‌های عمرانی ارزشیابی شده تصویب خواهد کرد. این طرح‌ها با بهره بسیار کم و مدت طولانی پرداخت می‌شود.

بودجه اولیه صندوق بین ۲ تا ۳ میلیارد خواهد بود که سالانه به همین میزان به آن افزوده می‌شود. «صندوق توسعه» که در داخل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول فعالیت خواهد داشت، اعتبارهای مالی خود را از طریق این دو سازمان دریافت خواهد کرد و مطابق قرار-دادی که بسته می‌شود ایران مستقیماً اعتبار تعیین شده را به صندوق بین‌المللی به عنوان وام با شرایط بازگشتی متداول پول می‌دهد.

جمع پرداختی ایران بابت این برنامه‌ها و همچنین خرید اوراق قرضه بین‌المللی که بانک جهانی انتشار می-دهد فعلاً از يك میلیارد دلار کمتر نخواهد بود.

در کنار این مصاحبه گفته شد، ایران همچنین تصمیم دارد تمام بدهی‌های خارجی خود را که از بانک جهانی، حکومت‌ها و بانک‌های خصوصی گرفته است بپردازد، بدهی‌ها در حدود يك میلیارد دلار است.

۷۴۰ میلیون ریال

در الکتروموتور

سازی تبریز سرمایه

گذاری می‌شود

برای احداث کارخانه الکتروموتور سازی در محوطه کارخانه ماشین‌سازی تبریز ۷۳۹ میلیون ریال سرمایه پیش‌بینی شده است. مقدمات تأسیس این کارخانه فراهم شده و کارخانه جدید بصورت شرکت سهامی اداره خواهد شد. در اجرای طرح توسعه کارخانه ماشین‌سازی تبریز و ایجاد تأسیسات در آن بایک کمپانی الکترو-موتور سازی امریکایی موافقت شد که این طرح اوایل سال آینده به مرحله اجرا درآید، ۴۰ درصد از سهام کارخانه الکتروموتور سازی وسیله کمپانی امریکایی تأمین می‌شود و ۶۰ درصد بقیه سهام را سازمان گسترش صنایع (۴۰ درصد) و بانک توسعه صنعتی (۲۰ درصد) تأمین خواهد کرد.

بعلاوه بزودی يك مرکز مطالعات و تحقیقات صنعتی در منطقه صنعتی آذربایجان ایجاد می‌شود، اعتبار طرح

ایجاد چنین مرکزی به مبلغ ۳۲۵ میلیون ریال تأمین شده است و سال آینده به مرحله اجرا درمی‌آید، طرح مزبور از جمله طرح‌های توسعه کارخانه ماشین‌سازی تبریز است که بصورت استیتو تکنولوژی دایر خواهد شد و متخصصینی در سطح بالا (همپایه مهندسی) تربیت خواهد کرد.

قارغ‌التحصیلان این مرکز جذب صنایع آذربایجان خواهند شد.

ظرفیت آلومینیوم

سازی اراك دو

برابر می‌شود

باتوجه به افزایش روز-«افزون» مصرف آلومینیوم در کشور و توسعه صنایع مربوط به تولید ظروف و وسائل آلومینیومی ظرفیت کارخانه آلومینیوم سازی اراك دو برابر می‌شود و از ۴۵ هزار تن ظرفیت فعلی به ۹۰ هزار تن در سال افزایش می‌یابد.

کارخانه آلومینیوم سازی اراك یکی از مدرن‌ترین واحدهای تولید آلومینیوم جهان است و براساس موافقت نامه‌ی که در چارچوب پیمان همکاری‌های عمران منطقه‌ی امضاء شده، با سرمایه‌گذاری مشترک ایران، پاکستان و بخش خصوصی امریکا احداث شده است. از کل سهام این واحد ۷۰ درصد در اختیار ایران، ۲۵ درصد امریکا و ۵ درصد بقیه در اختیار پاکستان قرار دارد و از ۴۵ هزار تن تولید سالانه این واحد حدود ۲۰ هزار تن در داخل کشور به مصرف می‌رسد و بقیه برای صدور به خارج اختصاص یافته است. براساس آماری که تهیه شده در ده ماهه اول سال جاری بیش از ۱۸ هزار تن شیش آلومینیوم به کشور های آسیای جنوب شرقی از جمله ژاپن، تایلند، و چین صادر شده که از این راه بیش از ۱۳۳ میلیون ریال ارز وارد کشور شده است.

واگذاری سهام

شرکتهای وابسته به

وزارت آب و برق

به کارکنان

۸ اسفند اعلام شد که آیین‌نامه اجرایی قانون سهم کردن کارکنان شرکت های وابسته به وزارت آب و برق در سرمایه گذاری و سود این شرکت‌ها از تصویب هیأت وزیران گذشته است و بزودی مطالعاتی آغاز خواهد شد که هدف آن تعیین شرکت‌هایی است که فروش یا واگذاری سهام آنها به کارکنانش برای بهتر کردن فعالیت شرکت مفید تشخیص داده می‌شود.

تمام شرکتهای وابسته به وزارت آب و برق هم‌اکنون در اختیار دولت است و لسی آیین‌نامه به وزارت آب و برق اجازه می‌دهد قسمتی از سهام شرکت‌ها را به کارکنان ثابت ایرانی منتقل کند.

آیین‌نامه، فروش یا واگذاری سهام به رئیس، اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرسان شرکت را منع می‌کند، تعیین روابط تعیین بدهی سهام را برعهده کمیسیون از نمایندگان وزارت دارائی، بانک مرکزی بانک توسعه صنعتی و معدنی و وزارت آب و برق می-گذارد. کارکنان ثابت ایرانی شرکت‌هایی که وزارت آب و برق قصد فروش سهام آن را دارد هنگام خرید موظف خواهند شد نیمی از بدهی سهام را نقد و بقیه را به اقساط بپردازند، این سهام غیرقابل انتقال است و سود سالانه زمانی پرداخت خواهد شد که صاحب سهم تمام بدهی خود را از بابت سهام سهم پرداخت کرده باشد.

پروتکل ایران و

اتریش

در پایان سومین اجلاس هیأت مشترک ایران و اتریش دو کشور برای همکاری در اجرای چند طرح مهم اقتصادی و صنعتی از جمله ایجاد يك مجتمع پتروشیمی و در صورت امکان پالایشگاه نفت و فعالیتهای جنبی آن و همچنین تولید فرآورده‌های شیمیایی و داروئی به توافق رسیدند. توافق طرفین حاوی نکات زیر است: در زمینه نفت و پتروشیمی بدنبال بررسی کمیسیون خاصی طرفین توافق نمودند که همکاری-های فیما بین می‌تواند یا در ایران بمنظور ایجاد يك مجتمع پتروشیمی در تبریز صورت گیرد که تولیدات آن به اتریش و بازارهای دیگری صادر شود و یا بشرط امکان تهیه نفت خام از ایران به صورت يك طرح مشترک مشتمل بر ایجاد يك پالایشگاه نفت و يك مجتمع پتروشیمی و فعالیت‌های جنبی و همچنین تولید فرآورده‌های شیمیایی و داروئی در اتریش انجام گیرد طرفین هم‌عقیده بودند که امکانات بسیاری برای همکاری‌های صنعتی بین دو کشور وجود دارد. در این زمینه پیشنهاد اتریش برای اجرای طرح مشترکی جهت ایجاد يك کارخانه فولاد مخصوص در ایران با ظرفیت تقریبی ۵۰۰۰۰ تن در سال مورد بررسی قرار گرفت ایران نیز آمادگی اصولی بخش دولتی ایران را برای مشارکت در این طرح مشروط بر اینکه بازارهای صادراتی آن بطور مطلع از طرف اتریش روشن شود اعلام داشت و قرار شد آ‌ه‌ا‌س‌ف‌ن‌ج‌ی

مورد نیاز این کارخانه از طرف ایران تأمین شود. به پیشنهاد اتریش ۱۳ طرح مشترک صنعتی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و جهت تهیه کوره‌های صنعتی، غلطک های کارخانجات نورد، سیلندرهای گاز صنعتی، برج‌های انتقال نیرو و لوله های اتصالی يك سله مذاکرات جدی انجام گرفت و مقرر گردید بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه سرمایه گذاری ایران برای تهیه گزارش توجیهی و اقتصادی و فنی طرح‌های مذکور با مؤسسات اتریش همکاری نمایند کمیسیون با توجه به اظهار علاقه طرف اتریش به اجرای يك طرح مشترک ایجاد مجتمع‌های شیر و گوشت در ایران موافقت نمود که مؤسسات مربوطه اتریش پیشنهاد خود را برای همکاری در این زمینه به وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ایران تسلیم دارند تا در هر مورد دنبال شود. امکان اعطای اعتباری از طرف ایران به اتریش بمنظور اجرای طرح‌های معدنی که با توافق طرفین تعیین خواهد شد مورد مذاکره قرار گرفت. کمیسیون، مبادلات بازرگانی به سال گذشته را بین دو کشور مورد بررسی قرار داد و براین عقیده بود که امکانات بیشتری برای افزایش مبادلات فیما بین وجود دارد، باتوجه باین نظر طرف ایرانی آمادگی خود را برای خرید پانصد واگن مخصوص حمل غله و ۱۵۰۰۰۰ تن ریل از اتریش اعلام داشت.

طرف ایران همچنین آمادگی خود را برای وارد نمودن ۳۰۰۰۰۰ تن آهن-آلات، ۵۰۰۰۰ تن کاغذ گرافت، ۱۵۰۰۰ تن کاغذ تحریر و کاغذ روزنامه، ۳۰۰۰۰ تن الیاف مصنوعی، ۱۰۰۰۰ تن پی وی سی، ۱۰۰۰۰ تن پلی اتیلن و ۵۰۰۰۰ تن ریسان نایلونی مورد استفاده در ساخت لاستیک اعلام نمود.

۵۶۰۰ میلیون ریال

بودجه دانشگاه

در جلسه هیأت امناء دانشگاه که ۱۲ اسفند به ریاست نخست‌وزیر و رئیس هیأت امناء برگزار شد، رئیس دانشگاه گزارش مربوط به بودجه سال ۱۳۵۳ دانشگاه را مطرح کرد. براین اساس گزارش بودجه سال آینده دانشگاه ۵۶۰۰ میلیون ریال است که ۱۷٫۶۲ درصد از بودجه سال گذشته بیشتر است.

در این بودجه از نظر توسعه کمی و کیفی دانشگاه، افزایش اعتبارات تحقیقاتی، رفاه دانشجویان، رفاه اعضای هیأت علمی، توسعه تجهیزات فنی و بیمارستانهای دانشگاه، رفاه کادر اداری پیشنهاد

هایی به هیأت امناء تسلیم شده بود که اصول بودجه پس از مذاکرات مفصل مورد موافقت قرار گرفت و برای رسیدگی نهایی به کمیسیون مالی هیأت امناء ارجاع شد. در این جلسه همچنین هیأت امناء تشکیل دو کمیسیون فرعی در مسائل اداری و استخدامی و مسائل مالی را تصویب کرد که در فاصله جلسات هیأت با سرعت بیشتری به مسائل مورد علاقه دانشگاه رسیدگی شود.

احداث کارخانه

واگن‌سازی در

اراك

سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران و «اینداستریال ایمپورت» رومانی برای احداث يك کارخانه واگن سازی در اراك به توافق رسیدند و اوایل سال آینده قرارداد عملیات اجرایی این طرح بسته شود. براساس این توافق‌ها قرار است کارخانه واگن سازی ایران در مراحل اول بهره‌برداری سالانه ۴۵۰ واگن راه آهن تولید و عرضه کند. از این تعداد ۲۰۰ دستگاه در رومانی و بقیه در ایران بکار گرفته خواهد شد. نخستین کارخانه واگن سازی ایران در اراك و در جوار کارخانه‌های ماشین-سازی و آلومینیوم سازی ساخته خواهد شد. و ماشین-آلات کارخانه از جانب رومانی در اختیار ایران گذاشته می‌شود.

خط لوله عظیم گاز

ایران - اروپا

ایران برای صدور گاز خشک خود به اروپا دوطرح مهم در دست دارد یکی احداث خط دوم سراسری که از جنوب به استارا موازات خط فعلی لوله گاز کشیده می‌شود از این لوله سالانه مقداری گاز به شوروی تحویل خواهد شد در مقابل شوروی معادل یا نزدیک به همین مقدار گاز از خط لوله غربی کشور خود، به آلمان باختری به حساب ایران تحویل خواهد داد.

خط دیگر، خط لوله عظیمی است که گاز خشک ایران را از جنوب ایران از راه ترکیه به اروپا می‌برد، برای احداث این خط که احتمالاً در جنب آن خط لوله بزرگ نفتی هم احداث می‌شود هم‌اکنون چندین کشور بزرگ اظهار علاقه کرده‌اند. کمپانی «انی» ایتالیایی در تلاش جمع‌آوری سرمایه و سرمایه‌گذاری و شرکت و خریدار برای این خطوط می‌باشد. خطوط لوله گاز ایران قادر است به چندین کشور بزرگ صنعتی اروپا گاز برساند باتوجه به اینکه در ده سال آینده گاز نقش مؤثرتر از نفت را پیدا می‌کند و همچنین قیمتی چند برابر

قیمت فعلی خود، و تقریباً بهای معادل نفت یا بیشتر از آن را بدست می‌آورد، ضرورت و عظمت و فوریت طرح فوق‌الحد برای ایران، و چه برای دیگر کشورهای اروپایی روشن می‌سازد.

توافق ایران و آلمان بر سر نفت و پتروشیمی

در پایان مذاکرات رسمی نخست‌وزیر ایران با رهبران آلمان غربی، روزنامه‌های معتبر آلمان غربی خبر دادند که دو کشور برای احداث یک پالایشگاه ۲۵ میلیون تنی و مجتمعی از پتروشیمی که ۱۲ میلیارد دلار هزینه برخواهد داشت به توافق رسیدند. که ظرفیت آن برابر ۵۰ درصد ظرفیت مجموع پتروشیمی آلمان خواهد بود. مالکیت پالایشگاه ۵۰۰ هزار بشکه در روز که در بوشهر ساخته خواهد شد ۵۰ درصد از آن ایران و ۵۰ درصد آن کسرسیومی از شرکت‌های نفتی خواهد بود که در آلمان غربی واقع شده‌اند. کارخانه پتروشیمی که همراه پالایشگاه ساخته می‌شود مشترکاً متعلق به ایران و شرکت‌های شیمیایی آلمان غربی خواهد بود. رئیس امور بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران که هویدا را همراهی می‌کرد در مصاحبه‌ای به خبرنگاران گفت پالایشگاه را شرکت آلمانی تیستی و شرکت آمریکایی فلورکور-پوریشن خواهند ساخت و یک سوم ظرفیت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه‌ای آن به صورت مواد پتروشیمی درخواهد آمد. هزینه مجتمع پتروشیمی نزدیک پالایشگاه یک میلیارد دلار خواهد بود و بایر و هوخست آلمان ۵۰ درصد آن را خواهند داشت.

قرارداد برای تأسیس صنایع غذایی در روستاها

۲۲ اسفند ۷۲ قرارداد برای استقرار صنایع غذایی و تأسیسات کشاورزی در مناطق روستایی بین وزیر تعاون و امور روستاها و سفیر بلغارستان در ایران امضا شد. این قراردادها بدنبال توافقی که چندی قبل در همین زمینه بین وزیران ایرانی و بلغاری در صوفیه انجام شد به‌ثمر رسیده و به موجب مفاد آن بلغارستان فروش و تحویل تجهیزات و ماشین‌های لازم و تأمین خدمات فنی و نصب بهره‌برداری آزمایشی از واحدهای صنعتی را در مناطق عمل شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی برعهده خواهد داشت. از جمله موارد این قرارداد احداث کارخانه تهیه پنیر بلغاری با ظرفیت

۲۰ تن شیر در روز و همچنین تجهیزات مربوط به ایستگاه‌های جمع‌آوری شیر مورد نیاز کارخانه، کارخانه تهیه کنسرو و میوه و سبزی و رب گوجه‌فرنگی با ظرفیت متوسط ۴۰ تن گوجه‌فرنگی در روز احداث واحد پرورش مرغ گوشتی با ظرفیت یک میلیون مرغ در سال با کشتارگاه و سردخانه مورد نیاز با ظرفیت مناسب - احداث کارخانه تهیه و تولید غذای دام و طیور با ظرفیت ۱۲ تا ۱۵ هزار تن در سال، احداث واحد سردخانه با ظرفیت ۱۵۰۰ تن برای نگهداری گوشت، میوه و سبزی. این واحدهای صنعتی در مناطق عمل شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید و شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی تأسیس می‌شوند تا ضمن تبدیل محصولات زراعت مناطق مجاور شرکت‌هایی که تاکنون زیر چتر تعاونی و یا شرکت‌های سهامی زراعی قرار نگرفته‌اند، وسایل افزایش درآمد روستاییان را از طریق بالا بردن ارزش افزوده محصولات آنان که فعلاً بصورت مواد خام بشهرها صادر می‌شود امکان‌پذیر کند و علاوه بر این برای کشاورزان و اعضای خانواده آنان نیز امکان اشتغال بیشتر و دریافت دستمزد از طریق کار در واحدهای صنعتی فوق نیز در محل فراهم گردد.

ایران به سودان اعتبار می‌دهد

ایجاد تسهیلات اعتباری از جانب ایران برای سودان، اجرای طرح‌های مشترک کشاورزی و صنعتی جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشور و واردات گوشت، دانه‌های روغنی و خامه گاو و گاو میش از سودان به ایران از جمله توافقهایی بود که براساس پروتکلی که ۲۳ اسفند بامضاء هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و ابراهیم منصور وزیر دارایی و اقتصاد ملی سودان رسید، صورت گرفت.

زمینه‌هایی برای همکاری بین دو کشور در مورد نفت پیش‌بینی شده و ایران موافقت نمود که تسهیلات اعتباری لازم را برای سودان فراهم نماید. علاوه بر این یک رشته توافقهایی اصولی، در مورد اجرای طرح‌های مشترک برای ایجاد یک مجتمع کشاورزی جهت تهیه گوشت و فرآورده‌های دامی و تأسیس یک کارخانه قند از نیشکر با ظرفیت دویست هزار تن در سال و همکاری در تولید منسوجات در سودان بین دو کشور صورت گرفته است. سودان موافقت کرد بدنبال امضای این پروتکل، مقادیر قابل صدور گوشت در سال ۱۳۵۳ و سالهای بعد را با اطلاع ایران برساند و با انتخاب صادرکنندگان واجد

۴۰

لیما پوشیچ مجموعه‌ایست که دو منظومه مائلی و خانیه سریویلی را در بردارد. این منظومه مائلی را نیما به هدایت تقدیم کرده است و در بر گیرنده سوز و سازهای ماهیگیری با بری پیکر دریایی است. در منظومه‌خانه سریویلی اهرمن شیبی طوفانی به‌خانه سریویلی شاعر پناه می‌آورد و صبح خانه او پر از ماران و گزندگان می‌شود و جنگ شاعر و اهرمن مایه این منظومه است. این مجموعه با اهتمام طاهباز در انتشارات امیرکبیر چاپ شده است.

«تندر» نشریه دانشجویان حقوق

دومین شماره «تندر» نشریه دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران منتشر شد. در شماره جدید این نشریه که از طرف انجمن پژوهشی دانشکده حقوق انتشار می‌یابد، چند مقاله تحقیقی در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی بقلم چند تن از دانشجویان این دانشکده، مقاله‌ای از دکتر مصطفی رحیمی، چند شمر و طرح و بالاخره بررسی و نقد چند کتاب تازه دیده می‌شود.

سالمی شتاب

«سالمی شتاب» یکی از بهترین قصه‌های بلند «اروتی گرمانی» است. نویسنده در این کتاب به تجزیه و تحلیل روح و روان زنی تنها و جوانی تازه پا به پهن بلوغ نهاده، اما هوشمند و آتشین خوی، می‌پردازد و عشق شورانگیز و شگفتی‌آور این دو دلباخته است که خطوط اصلی و سایه‌روشن‌های لطیف و دلپذیر عشقی بزرگ را تصویر می‌کند و خواننده و ماجراهای حیرت‌انگیز پدید می‌آورد. ناشر این کتاب مؤسسه انتشارات جاویدان است.

اسلام و تجدید حیات معنوی جامعه

«اسلام و تجدید حیات معنوی» تألیف جواد سعید تهرانی و از انتشارات شرکت سهامی انتشار می‌باشد. نویسنده در این کتاب به تفصیل پیرامون لزوم تجدید حیات معنوی در جوامع امروز گفتگو کرده و نقش سازندگی اصول و موازین اسلامی را در این راه بازگفته است. این کتاب برای نشان دادن راه‌هایی انسان‌های عصر ما از تنگنای تمدن مادی نوشته شده است و نویسنده همه‌جا در اثبات حقانیت اسلامی سخن رانده است.

سریویلی

شازدهمین دفتر از آثار

یامن طلوع کن

«یامن طلوع کن» نام مجموعه شعرهای تازه محمود مشرف تهرانی (م آزاد) است که توسط انتشارات اشرفی چاپ می‌شود.

بابام خروسی

مرد بود

آخرین کتابی که برای کودکان انتشار یافته‌است نوشته «نصرت‌الله نیکروش» که با نام «بابام خروسی» مرد بود» از طرف انتشارات پدیده منتشر شده است. قصه باثری روان و قابل فهم برای کودکان نوشته شده و از جذابیت و گیرایی لازم برخوردار است. بویژه که قهرمانان قصه حیوانات هستند و از زبان آنها پیام قصه به کودکان منتقل می‌شود.

مرداب انزلی

«مرداب انزلی» تازه‌ترین کتاب قصه کودکان است که توسط داریوش عبداللهی نوشته شده و انتشارات ابن‌سینا تبریز ناشر آن می‌باشد.

گاهواره

«گاهواره» مجموعه شش قصه از «شمس‌آل احمد» است. طرف سازمان نشر «تسوی» بخش خواهد شد. اولین و آخرین قصه این مجموعه «جلال» نام دارد. نویسنده در این شش قصه نمایی از چگونگی محیط تربیتی جلال آل‌احمد را بدست می‌دهد.

ستاره شناسی در دنیای جدید

اثر ب.آ. واردتف - ویلیانف - ترجمه ابوالفضل آزموده - در ۱۸۸ صفحه از انتشارات گوتبرگ - قیمت یکصد ریال.

لبخند تلخ

«لبخند تلخ» نام کتابی است حاوی داستانهای طنز-آمیز که به ترجمه بامداد از سوی انتشارات موج چاپ شده است. از این سری کتابها «سریازی از یک دوران سپری شده» و «زهرخند» منتشر شده است.

کریم خان زند و زمان او

«کریم خان زند و زمان او» کتاب تحقیقی از پرویز رجبی است که از طرف گروه فرهنگی مرجان و با همکاری انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این کتاب در شش فصل چگونگی بقدرت رسیدن کریم خان، طرز حکومت و وقایع سیاسی و سازمانهای اداری زمان کریم خان را تشریح و معرفی نموده است.

مائلی و خانه

سریویلی

شازدهمین دفتر از آثار

ای قوم به حج رفته

«ای قوم به حج رفته» یادداشت‌های سفر حج جواد محمادی است که از سوی انتشارات موج انتشار یافته است.

شش گفتار درباره

دین و جامعه

از دکتر محمود عنایت مجموعه مقاله‌ای تحت عنوان «شش گفتار درباره دین و جامعه» از طرف انتشارات موج منتشر شده است. در این کتاب مقالاتی تحت عنوان تجدید فکر دینی نزد اهل سنت - سیاست ایران‌شناسی، اهمیت شناخت انتقادی ارزشهای فرهنگی - درست و نادرست در اسلام شناسی - جمعیت اخوان مسلمین و دین و دولت در ایران قاجاریه را می‌خوانیم.

راه دور

«راه دور» مجموعه‌ای است از اشعار اسماعیل رنجبران که شاعر شعرایی از نیما، اخوان، فروغ، شاملو و احدی را نیز به مجموعه خود افزوده و آنها را بزبان انگلیسی ترجمه نموده است.

جای پای اسکندر

ماحصل گنت و گذار اسلام کاظمیه، در سیستان و بلوچستان را بزودی با نام «جای پای اسکندر» می‌خوانیم. این سفرنامه بصورت کتاب است و انتشارات نمونه کار چاپ و بخش آنرا به‌همه دارد.

کیفر شناسی

«کیفر شناسی» تألیف دکتر جواد صلاحی از طرف انتشارات آرش منتشر گردید. مؤلف با این اثر فرهنگنامه‌ای برای کیفرشناسی تدوین کرد.

جنگ داخلی

اسپانیا

«جنگ داخلی اسپانیا» نوشته دکتر مهدی سسار است که از طرف انتشارات خوارزمی چاپ و منتشر گردید.

زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان

جلد چهارم کتاب «زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان» نوشته عبدالحسین مسعود انصاری از طرف انتشارات این سینا منتشر گردید. مؤلف در این جلد نیز روش معمول خود را که نوشتن حوادث تاریخی معاصر در قالب داستان است با موفقیت دنبال کرده است. این مجلد به بیان داستان زندگی نویسنده در استهبان و فارس و افغانستان و پاکستان و هند اختصاص یافته است. این اثر در حقیقت تاریخ زنده‌ای از رویدادهای زمان ما است و بجای آنکه خشک توجه شود هم‌جا بگونه‌ی سخن رفته است که خواننده مطالعه‌ی آنرا با اشتیاق دنبال می‌کند.

جذابیت پنهان

بورژوازی

«جذابیت پنهان بورژوازی» فیلمنامه‌ی است از «لوی بونوئل» فیلمساز بزرگ که «بهرام‌ری‌پور» آنرا بفارسی روانی ترجمه کرده است.

مسائل خاورمیانه

«مسائل خاورمیانه» زیر نظر آلبرت حورانی و با ترجمه عبدالله گله‌داری برشته تحریر درآمده است. در این کتاب فصل شالوده علمی سوسیالیسم عرب‌ناصري نوشته فایض سابق، فصل اسب بازنده نوشته آلن کائینگهام، فصل مهاجرت ترکان، اعراب و یهودیان به فلسطین نوشته نویل مانسفلد، فصل تأثیر تجربیات لرد کروم در هندوستان نوشته راجر آون، فصل عزیز علی‌مصری و نهضت ناسیونالیستی عرب نوشته مجید خدوری آمده است. هر يك از این نویسندگان در موضوع مورد بحث از کارشناسان سیاسی بشمار می‌آیند.

هنر کتاب خواندن

«هنر کتاب خواندن» نوشته «آدرین جانس» و ترجمه اسمعیل اسعدی توسط انتشارات اقبال منتشر گردید. نویسنده در طی فصول این کتاب درباره‌ی راه و رسم آشنایی با کتاب و اصول مطالعه سخن گفته است و

مطالب خواندنی را تقسیم بندی کرده و راههای مختلف آشنا کردن کودکان با کتاب و ترغیب آنان به مطالعه را بررسی کرده است. فصلی از کتاب به روزنامه نویسی اختصاص یافته و به اختصار آثار مطبوعاتی را ارزیابی کرده است.

نشریه‌ها

اخیراً مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی چهارجلد شورای عالی فرهنگ و هنر کتاب و رساله از انتشارات را منتشر کرد که عبارتست از برخی چشم‌اندازهای فرهنگ ایران و درباره هنرموسیقی سینما و باستان‌شناسی در ایران. نشریات مذکور به زبان انگلیسی است.

حافظ، گزارش

از نیمه راه

اخیراً سه جلد کتاب توسط دانشگاه پهلوی منتشر گردید که هر يك در نوع خود ارزنده می‌باشد. «حافظ، گزارش از نیمه‌راه» تحقیق گرانبهایی است از مسعود فرزاد که به روش علمی متن حافظ را تصحیح کرده و نسخه‌ی مطمئن و بی‌نقص از غزلیات، قصائد، مثنویات و قطعات شاعر بلندپایه ایران می‌باشد. در این کتاب کلیه اشعار منسوب به حافظ نیز جداگانه چاپ شده و به دو قسمت جداگانه منقسم گردیده است. ۱- اشعار مشکوک، ۲- اشعار مردود. این مجموعه کوششی در زمینه تحقیق آثار حافظ است.

کتاب دیگر «مقالاتی در باره زندگی و اشعار حافظ» و دیگری «مقالاتی درباره زندگی و اشعار سعدی» است که به کوشش دکتر منصور رستگار منتشر شده است. کتاب مربوط به حافظ مشتمل بر ۳۳ مقاله و کتاب مربوط به سعدی مشتمل بر ۲۹ مقاله است.

جامعه‌شناسی معاصر

«جامعه‌شناسی معاصر» تألیف دکتر محمد مهدی صالحی از انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی انتشار یافت. هدف نویسنده ارائه جامعه‌شناسی و روش تحلیل اجتماعی است.

خلیج فارس و

کانال سوئز

مرکز مطالعات بین‌المللی دانشگاه تهران، اخیراً با همکاری جمعی از استادان برجسته دانشگاه اقدام به انتشار يك سلسله کتابهای تخصصی درباره رشته‌های مطالعات بین‌المللی نموده است. از این سری اخیراً کتابی با عنوان «مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی» نوشته دکتر رضا عیسوی با مباحثی درباره حدود، تعریف، شرایط و

خصوصیات مؤولیت حقوق بین‌المللی و کتاب دیگری تحت عنوان «خلیج فارس و کانال سوئز» تألیف دریادار هانری لایروس به ترجمه دکتر محمود خواجه نوری با مطالبی درباره این دو راه آبی مهم دنیا منتشر شده است.

طرح يك قصه

«ح. عابدی». تمیجانی، از قصه نویسان معاصر است که اخیراً سومین مجموعه قصه‌اش را با نام «طرح يك قصه» منتشر کرده است. در این کتاب دو قصه که حاصل دو سال کوشش اخیر اوست بطبع رسیده است. سوژه اکثر قصه‌هایی که در مجموعه داستان «طرح يك قصه» بطبع رسیده، قوی و بسیار درخور توجه است و از زندگی مردم الهام گرفته شده است.

رستاخیز

چهارمین کتاب شعر خانم سیمین بهمانی با نام «رستاخیز» منتشر شد. سوژه غزلی که این مجموعه را می‌سازد حاصل تجربه‌های دهاله شاعر است.

ازدواج کشیش

کاتولیک

«ازدواج کشیش کاتولیک» نوشته‌ی علی‌اصغر امیرمیر يك داستان واقعی از يك جوان نسطوری است که عاشق دختری همروستای خود می‌شود. وقتی که مرد کشیش نسطوریان شد زن سراغ او می‌آید و کشیش برای اینکه با او ازدواج کند به مذهب دیگر درمی‌آید. این داستان در میان ارامنه آذربایجان رخ داده است. ترجمه انگلیسی کتاب روان و تصاویرش زیبا است.



توزیع دعوتنامه‌های مسابقات آسیائی تهران

ورزشی

مسابقه دو صحرای نوردی انقلاب ششم

بهمن

بمناسبت سالروز انقلاب ششم بهمن یکدوره مسابقه دو صحرانوردی بنام جام ششم بهمن بمسافت ۵ کیلومتر در رشت انجام شد. در این مسابقه که ۳۰ تن از ورزشکاران شرکت داشتند «گل‌آرا» به مقام اول رسید.

«هما» قهرمان

بسکتبال تهران

تیم «هما» قهرمان مساله بسکتبال باشگاههای تهران هشتم بهمن با پیروزی بر دخانیات یکبار دیگر عنوان قهرمانی باشگاههای تهران را به خود اختصاص داد. تیم دخانیات اگرچه در این دیدار مغلوب هما شد اما در طول بازی نمایشی جالب از ریزه‌کاری‌ها و تکنیک پیشرفته این ورزش را به نمایش گذارد.

قبل از این مسابقه تیم‌های پاس و پرسپولیس برای کسب مقام‌های سوم و چهارم این مسابقه‌ها یکدیگر را دیدار کردند.

پاس در نیمه اول ۳۹-۴۸ و در پایان ۷۳-۸۸ بر پرسپولیس پیروز شد و به این ترتیب هما برای چهارمین سال پیاپی قهرمان بسکتبال باشگاههای تهران شد و تیم‌های دخانیات، پاس و پرسپولیس به ترتیب دوم تا چهارم شدند.

بسکتبال ایران در

کره

فدراسیون بسکتبال کره جنوبی از ایران دعوت کرده است که تیم زنان و مردان خود را برای سفر ۹ روزه و برگزاری ۶ دیدار به این کشور اعزام دارد. در این سفر که روز ۱۹ فروردینماه آغاز خواهد شد هنوز روشن نیست تیمهای برگزیده و همراهان چگونه خواهند بود.

مسابقات شمشیر

بازی قهرمانی

جوانان ایران

چهاردهمین دور مسابقات شمشیر بازی قهرمانی جوانان ایران سیزدهم اسفند با انجام مسابقه در رشته فلوره دختران پایان یافت و تیم شمشیر-بازی جوانان خوزستان با برتری قابل ملاحظه‌ی بمقام قهرمانی رسید. آخرین عنوان قهرمانی این دوره مسابقات را مهوش شقایق شمشیرباز هفده ساله تیم ملی دختران که عنوان قهرمانی آسیا را نیز در دست دارد تصاحب کرد.

دعوت از اعضاء فدراسیون بازیهای آسیایی

کمیته برگزارکننده بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران از ۲۲ کشور عضو فدراسیون بازیهای آسیایی خواسته بود تا در اسفند ماه برای يك اقامت سه روزه به تهران بیایند. هدف از اینکار، دعوت بصورت رسمی از کشورهای مزبور برای شرکت در بازی های آسیایی تهران است. که دعوت نامه ها در تهران به آنها داده شد. کمیته برگزار کننده بازیها ضمناً از هر کشور يك خبرنگار را نیز دعوت کرد.

مسابقات والیبال

قهرمانی تهران

پانزدهم اسفند ماه بدینال جدالی هیجان انگیز و سه ساعته که بیش از چهار هزار تماشاگر در يك سالن داغ و بی آرام شاهد برگزاری آن بودند، تیم دخانیات با شکست حریفی بزرگ چون تاج، جام قهرمانی مسابقات باشگاههای تهران را بدست آورد.

افتتاح کنگره

بازیهای آسیایی

۱۸ اسفند والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست عالییه کمیته ملی المپیک ایران و رئیس فدراسیون بازیهای آسیایی، کنگره بازیهای آسیایی تهران را طی مراسم خاصی افتتاح کردند. در این اجلاس، معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی، شهردار پایتخت، معاون وزارت اطلاعات، دبیر کل کمیته ملی المپیک و بازیهای آسیایی و معاون سازمان جلیبسیان هریک پیرامون مسائل مربوط به برگزاری بازیهای آسیایی که در شهریور ماه سال آینده در تهران برگزار می شود سخنانی ایراد کردند. این کنگره سه روز ادامه داشت و در آن طی برنامه هایی که تنظیم شده بود، نمایندگان شرکت کننده در کنگره، از دهگنده بازیها و مجموعه ساختمانهای ورزشی استادیوم آریامهر بازدید کردند.

خبرهای کوتاه

فیلمهای کشاورزی که همه ساه در برلین ترتیب می یابد، برنده جایزه طلا از قسمت اطلاعات این فستیوال شد.

* جلسه هیات مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ۲۲ بهمن در حضور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی تشکیل شد. در این جلسه آقای عبدالرضا انصاری مدیر عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی کارهای جاری انجام شده سازمان را گزارش داد.

* کارگران زن و مرد در برابر کنار مساوی از حقوق یکسان برخوردار می شوند و در کارگاهها و موسساتی که تابع قانون طبقه بندی مشاغل کارگران هستند متمرد کارگر بر اساس وظایف محوله و چگونگی انجام آنها بدون توجه به جنسیت تعیین و پرداخت خواهد شد.

* کار طبقه بندی مشاغل تاکنون در مورد ۱۶۰ هزار نفر از کارگران کشور اجرا شده و آنان احکام جدید خود را بر اساس طبقه بندی مشاغل دریافت داشته اند. مزایایی که به این عده بابت طبقه بندی تعلق می گیرد از اول مهرماه ۱۳۵۰ قابل پرداخت است.

* جلسات بزرگداشت قائم مقام فرهانی، شاعر، ادیب و سیاستمدار، از ۲۴ بهمن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تشکیل شد. در این

جلسات که به مناسبت دوستمین سال تولد قائم مقام برپا شد چند نفر از اساتید و محققان پیرامون زندگی، شعر، سیاست و افکار این شخصیت برجسته قرن سیزدهم سخنرانی کردند. * وزارت کشور با ایجاد يك سیستم ارتباطی مستقیم وسیله ۳۲ دستگاه تلکس با کلیه مراکز استان ها و فرمانداری کل و پنج شهرستان بزرگ (قصر شیرین، آبادان، بیرجند، گرگان، خرمشهر) ارتباط شبانه روزی برقرار کرد.

* سازمان جلب سیاحان اعلام داشت که اتحادیه يك میلیون و ۴۰۰ هزار نفری مصلان آمریکایی به دنبال مذاکراتی که از جانب این سازمان با هیات رئیسه اتحادیه بعمل آمد موافقت کرد که ایران را در برنامه گشت های خارجی اعضای اتحادیه قرار دهد و به همین جهت رئیس امور گشت های اتحادیه مذکور اواسط اسفند وارد تهران شد تا برای اعزام پانزده هزار نفر از مصلان آمریکایی بایران مذاکرات مربوط به اجرای طرح را با مقامات سازمان جلب سیاحان آغاز کند.

* گمرک ایران احکام ۲۰ درصد افزایش حقوق بازنشستگان و موظفین گمرک را در سراسر کشور قبل از پایان مهلت نخست وزیر صادر کرد.

* فیلم «فرشایش خاک» تهیه شده در اداره کل امور سینمایی کشور و به کارگردانی «ابراهیم هودیانی» در هشتمین فستیوال بین المللی

و به آنان ابلاغ کرد. يك مقام گمرک گفت علاوه بر صدور ترمیم حقوق کارمندان بازنشسته و موظفین کار افزایش ضریب حقوقی از ۵۰ ریال به ۶۰ ریال نیز افزایش یافته است.

* از طرف احمد هوشنگ شریفی رئیس دانشگاه ملی ایران احمد پرویز یکتامعاون طرح و برنامه دانشگاه با حفظ سمت به سرپرستی دانشکده علوم دانشگاه ملی ایران منصوب و مشغول بکار شد.

* از شش ماه قبل تاکنون ایرانیان مقیم آلمان و آلمانیان از مردم این کشور که بزبان فارسی آشنایی دارند می توانند همه روزه تنها با چند ساعت تأخیر روزنامه های ایرانی مورد علاقه خود را از کیوسک های دوازده شهر آلمان خریداری کنند اقدام وزارت اطلاعات در ارسال مطبوعات ایران به خارج از کشور بخصوص به کشور آلمان که هزاران ایرانی در آن مقیم هستند مورد استقبال فوق العاده قرار گرفته است.

* شهرداری مطالعاتی برای احداث سه پناهگاه، پارکینگ در نقاط مختلف پایتخت انجام داده و این طرح در سال آینده اجرا می شود. پناهگاهها در زیر میدان ارک، ایران نوین و بهارستان احداث می شود و در موارد عادی به عنوان پارکینگ از آن استفاده خواهد شد.

پیام

از نامه آقای ناصر معین از اصفهان
چرا در داخل مجله عکس های

کمتری دیده می شود

من یکی از دوستان و طالبان مجله شما بوده و هستم و این علاقه از مدت ها پیش در من ایجاد شده و همیشه بی صبرانه منتظر موعدی که این مجله منتشر می شود و دلبستگی خود را به جبهتی حس می کنم که می بینم این نشریه دارای مطالب خوب، خبرهای ارزنده، عکس های رنگین یا سیاه و سفید زیبا، صحافی مرتب و ... و که همه در سطح عالی و آیدال تهیه و تنظیم می شود. اما مطلبی که می خواستم بدانم این بود که چرا شما بسیاری از قسمت های مورد توجه را از نظر انداخته اید حال آنکه مقدار زیادی از جالب بودن مجله کاسته شده و این صرفاً از نظر من هست منجمله در داخل مجله عکس های کمتری دیده می شود ضمیمه ها همه حذف شده غزل شیوا و دل انگیزی که در اول هر مجله بچشم می خورد و هر خواننده بی را علاقه مند می کرد چرا و به چه علت دیگر نیست. من از این بابت گله دارم.

از نامه آقای گلزار استادی از پاکستان

ای کاش تمام شدنی نباشد

سلام گرم منو از فرسنگها راه دور بپذیرید از لطف و محبت شما بی اندازه متشکرم جدا که داشتم پر درمی آوردم وقتی مجله شیرین تلاش را بمن دادند واقعاً که از گرفتن آن خوشحال شدم باورم نمی شد که از شما گرفته ام مرتب روی پاکت را نگاه می کردم تا آدرس آشنایی را پیدا کنم، زیرا من آدرس خودمو به شما نداده بودم و بیشتر از این تعجب می کردم.

من از خواندن مجله تلاش بی اندازه لذت بردم. ای کاش تمام شدنی نباشد زیرا واقعاً موضوعات عالی در آن جمع آوری شده و تقریب شیرین و عالی را برایم فرستاده اید.

نامه آقای مهدی سعیدیان از امریکا

مهر وطن خرید و فروشی نیست

ضمن عرض سلام این عید سعید ملی را به جنابعالی و سایر کارمندان و کارکنان آن مجله تبریک عرض نموده موفقیت و سلامت از درگاه ایزد متعال برایتان آرزو می کنم. هر آن که مجله تلاش بدستم می رسد تلاش می افتم تا هر چه زودتر تحویلاتم را یا تمام رسانده به کشورم باز گردم و دین خود را بسرزمینی که در آن زائیده و بزرگ شده ام ادا نمایم از شما بی نهایت متشکر و سپاسگزارم که مرتب مجله را برایم می فرستید. درست نمی دانم چه کسی و چه دستگاهی معرف من برای شما بوده در هر حال از شما و آن کس و آن دستگاه تشکر می نمایم. مجله تلاش مجموعه بی از اطلاعات علمی و خبرهای جالب توجه داخلی کشور و نشان دهنده پیشرفت روز بروز کشور است.

من يك روستازاده از قراء اصفهان هستم و دريك خانواده ضعیف از لحاظ مالی و قوی از لحاظ علمی دنیا آمدم. از اولین روزیکه مرا به مکتب خانه گذاشتند به این فکر بودم که روزی باید مفید بحال خودم و مردم قریه ام که جزئی از خاک وطنم می باشد باشم. لفاظی نمی کنم دوره اول دبیرستان را که تمام کردم بدانشرای مقدماتی رفته و بعد از دوسال مفتخر به تدریس در سطح دبستان شدم ضمن تدریس وارد دانشگاه شدم و دوره

روانشناسی دانشگاه اصفهان را در خرداد ماه ۱۳۴۸ با تمام رساندم. ضمن تدریس و تحصیل تعداد دو باب مدرسه پسرانه و دخترانه با همکاری مردم قریه‌ام بنا نمودم و اکنون که شش سال از آن تاریخ می‌گذرد نامه‌یی از پدرم داشتم که مجموعاً روزانه و شبانه تعداد ۱۲۰۰ کودک مشغول تحصیل در آن دو مدرسه هستند آنوقت اشک شادی گونه‌ام را مرطوب ساخت و بیاد اولین روز مکتب‌خانه افتادم. من همواره نقاطی را برای تدریس انتخاب می‌کردم که دیگران حاضر به رفتن به آن نقاط نبودند. حتماً شما از شوره‌زارهای کوهپایه و نائین اصفهان بی‌خبر نیستید من دوره تدریس در دبیرستان را آنجا شروع کردم. موضوعی را می‌گویم خالی از لطف نیست. در نواحی مذکور آب بارانها را که از کوهستان‌ها سرازیر می‌شد جمع کرده وسیله جویهای کوچکی به آب انبارها انتقال می‌دادند. حال تصور کنید این آب چه بود؟ مخلوطی از هر چه که فکر کنید روزی يك بازرس بهداشتی به آن ناحیه که من بودم آمد و دید که آبها وسیله جویهای کوچک در حرکت است ولی نمی‌دانست بکجا می‌رود و بچه منظوری صرف می‌کرد. آقای بازرس بمن گفت شما به اهالی بگویید که از این آب به گاو و گوسفندان ندهند چون آب آلوده است و حیوانات را مریض می‌کند. من در جواب آقای بازرس گفتم: خیر، خیر مطمئن باشید که قطره‌یی از آن هم به حیوانات داده نمی‌شود چون خود اهالی که بنده هم یکی از آنها هستم می‌نوشیم ضمناً لیوان آبی را هم که در دفتر دبیرستان مستخدم شما داد از همین آب بود. من مرتب از دانش‌آموزانم در آن نواحی نامه دارم شنیده‌ام که تمام آن قراء وسیله اداره ابادانی و مسکن لولف کشی آب شده و برق منطقه‌یی هم همه دهات را روشن کرده است. وقتی دوره دانشگاه اصفهان را طی می‌کردم چندین بار به بیمارستان روانی رفتم تا بیمارانی را از نزدیک مشاهده کنیم. من از همانروز تصمیم گرفتم که دکتر در روانشناسی درمانی شوم و بوظنم باز کردم و برمدی که بعضی آنها را دیوانه بحساب می‌آورند خدمت کنم. در ژوئیه ۷۱ به آمریکا آمدم و ضمن کار یکساله فوق لیسانس روانشناسی درمانی را با معدل ۳٫۷۵ تمام کردم سال قبل شروع به دوره تخصص در مشاوره و روان درمانی شدم و امید است تا آذر ماه سال نو تمام نمایم. شاید یکی دو سال بعد طول بکشد تا آنچه که می‌خواستم بشوم، باور کنید و خدا شاهد است در قلب آمریکا هستم ولی دلم برای مردم قریه‌ام و شوره‌زارهای کوهپایه و نائین يك ذره شده است. می‌دانید چرا؟ «چون مهر وطن خرید و فروشی نیست، یاد دادن و یاد گرفتنی نیست. هر چه هست در خون ماست. در تمام اعضا در حرکت است و شاید همان حیات دهنده‌ای باشد که در وجود ما در جریان است بما امید می‌دهد و بما نوید می‌دهد.»

هفته قبل حدود ۴۵ دقیقه تمام تلویزیون‌های آمریکا سخنرانی شاهنشاه و پیشرفت‌های اخیر کشور را پخش می‌کرد و این خود نشان دهنده پیشرفت روز بروز کشور است.

از نامه آقای علی قهرمان از آمریکا

باعث افتخار هرایرانی

شائزده سال پیش که من باین مملکت آمدم بیشتر افراد امریکائی ایران را درست نمی‌شناختند و حتی آنهایی هم که نام ایران را شنیده بودند اغلب I-ran و I-run و E-run تلفظ می‌نمودند خوشبختانه در این ده سال گذشته کشور ما در اثر کوشش مردم فعال آن و رهبران فعال خود

گام‌های بزرگی برداشته که نه فقط در ایران بلکه در تمام ممالک غرب آشکار است. هفته گذشته تلویزیون آمریکا برنامه‌یی درباره ایران نشان داد که باعث افتخار هرایرانی است، پس از مصاحبه‌یی از شاهنشاه آریامهر که ترقیات مملکت ما را به مملکت آمریکا معرفی نمودند قسمت‌هایی از نیروی هوایی و دریایی را در حال مانور نشان دادند که از هر حیث جالب و قابل توجه بود.

از سوئد - آقای اقدسی

درباره هوانوردی مقاله‌ای

بنویسید

از لطف تو سپاسگزارم ولی ننیدونم چرا همیشه اینقدر منو منتظر می‌داری و یکماه و نیم تا دوماه پس از انتشار به اینجا می‌رسی ولی بهر حال بازهم ازت تشکر می‌کنم که در هر صورت به اینجا می‌رسی و منو در جریان اخبار و وقایع داخلی کشور می‌داری و مطلع می‌کنی.

تلاش عزیز من در رشته Aeronautic

تحصیل می‌کنم و می‌خواستم از سردبیر تقاضا کنم اگر ممکنه مقاله کوچکی درباره وضع هوانوردی ایران در حالا و چند سال آینده چاپ بشه. البته این مقاله میتونه برای خیلی‌ها جالب و آموزنده باشه، چه آنهایی که با این رشته مستقیماً سروکار دارن و چه آن عده‌یی که فقط علاقمند هستند. گذشته از این، این مقاله میتونه در تعیین رشته اختصاصی به خیلی‌ها منجمله خود من کمک مؤثری داشته باشه. در هر صورت قبلاً از لطف تو و تمام همکاران گرامی تو متشکرم.

* دوست عزیز از نامه پراز لطف شما متشکرم، مقاله مورد نظر شما پس از اینکه تهیه کردید در یکی از شماره‌های بعدی چاپ خواهد شد.

از سوئیس - آقای احمد شمس شرق

شادی آفرین است

پیش از هر چیز لازم می‌دانم از حضورتان تشکر بنمایم که لطف می‌فرمایید و این مجله جالب و خواندنی را برای محصلینی که در خارج از کشور هستند می‌فرستید.

رسیدن این مجله بدست محصلین در خارج واقعاً شادی آفرین است، چون وقتی دانشجویی مدتی است که از وطنش دور است و از پیشرفت‌های اخیر کشورش خبری ندارد باخبرهای خوشی که این مجله از پیشرفت‌های اخیر ایران برای دانشجویان به‌مراه می‌آورد واقعاً آنها را مسرور می‌سازد بخصوص اگر این مجله به موعود معین بدست ما برسد، مطلبی را که می‌خواستم متذکر شوم این است که چون این مجله در کشورهای خارج معمولاً بدست خارجیها هم ممکن است توسط محصلین برسد و آنها هم اکثراً مایلند نگاه کنند و ببینند که این مجله درباره چه چیز است و از آنجایی که فکر می‌کنم چاپ عکسهای خوب در هر مجله نظر خواننده را بآن بیشتر جلب می‌کند (البته منظورم از عکسهای خوب عکس سکی و اینطور چیزها نیست) بهتر است قدری بیشتر از عکسهای رنگی از آثار تاریخی ایران یا عکسی که پیشرفت‌های ایران را تا حدودی بهتر نمایان کند چاپ کنید و در صورت امکان اگر در وسط مجله عکس بزرگی بتوان جای داد فکر می‌کنم خیلی خوب باشد و همچنین در چاپ جلد آن مثلاً عکس‌های جلد شماره چهل و دوم عکسهای خوبی بودند نه تنها برای من، بلکه برای خارجیان هم که این مجله را دیدند خوششان آمد چون باین عکسها می‌توانند تا اندازه‌یی درک کنند که هنر دستی

ایران در چه پایه‌یی است.

* دوست عزیز نامه محبت‌آمیز شما رسید از لطفنان متشکرم، آدرس جدید شما ثبت گردید و از این بعد تلاش به‌نشانی جدید شما ارسال خواهد شد.

از آلمان - آقای محمود قوسی

در دانشگاه هامبورگ در رشته اکتشاف معدن مشغول تحصیل هستم. چندی پیش توسط یکی از دوستان دانشجویك شماره مجله تلاش دریافت کردم، مقالات و نوشته‌های مجله کاملاً جالب توجه بود طبق گفته ایشان می‌توان با مکاتبه با دفتر مجله تلاش این مجله را بآدرس خارج از کشور دریافت کرد. من علاقمندم که مجله تلاش را بطور مرتب دریافت کنم.

* دوست عزیز نامه شما رسید، نام و نشانی شما را جزء دریافت کنندگان تلاش ثبت کردیم و از این بعد بطور مرتب به نشانی شما ارسال خواهد شد.

از ترکیه آقای محمد ابراهیم کورش‌نژاد

عکس‌های بزرگ از تأسیسات

صنعتی

تاکنون دوشماره از مجله‌های ارسالی شما را که در شناساندن پیشرفت‌های مملکت بدانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور الحق سهم بسزایی دارد در منزل دوستان مطالعه کرده‌ام لطفاً در صورت امکان برای اینجانب که دانشجوی سال دوم کشاورزی دانشگاه آتاترک ترکیه نیز هستم ارسال فرمایید.

در ضمن پیشنهاد می‌کنم که اگر عکسهایی از تأسیسات صنعتی کشور البته در قطعه‌های بزرگ و رنگی در مجله بگنجانید در شناساندن پیشرفت‌های مملکت بخارجیان که اکثراً کشور عزیز ما را هنوز هم بچشم يك کشور مصرف کننده محصولات صنعتی نگاه می‌کنند گام مؤثری خواهد بود. پیشرفت روزافزون شما را در بالا بردن هر چه بیشتر سطح مجله از نظر کمی و کیفی و مخصوصاً توزیع آرزو مندیم.

نامه آقای غلامرضا شعبانی از انگلستان

مدت سه سال است که مجله تلاش را می‌خوانم از لطف بزرگی که با فرستادن مجله می‌فرمایید خیلی خیلی ممنون هستم هر بار که پس از مدت حداقل دوماه از اوضاع وطن بی‌اطلاع می‌مانم تلاش می‌رسد که از تمام وقایع گذشته باخبر می‌نماید. آنچه را که با بی‌صبری منتظر شنیدنش بودم به‌اضافه مطالب علمی و ادبی و هنری جدید که حیف است حتی یکی از آنها را نخوانده رها کرد.

عکس‌های جالب مجله تنها زبان بین‌المللی است که انگلیسی‌ها هم می‌فهمند، من چقدر از نشان دادن مناظر زیبای وطن به آنها احساس غرور می‌کنم. ایکاش عکسهای بیشتری از ایران مدرن چاپ می‌شد تا مردم غرب بدانند که نقاط پیشرفته دنیا تنها در اروپا و آمریکا متمرکز نشده‌اند.

نامه‌هایی دیگر از خوانندگان تلاش رسیده که از لطفشان سپاسگزاریم.

از تهران و شهرستان‌ها آقایان:

رامین خدایی، سید ابوالفضل ناصرچیان اراکی، خسرو پی‌آفرین

از آلمان خانها و آقایان:

نازی رضوان، سیدمرتضی عدالت‌پور، مهدی پورهننگ

از انگلستان آقایان:

علی‌اکبر محمدی حسن‌آبادی، محمدحسن بقال و بجوئی، فواد صابریان، محمدرضا افشار

به دانشجویان مقیم خارج کمک تحصیلی داده می‌شود

تصمیمات جدید شورای هماهنگی امور دانشجویان در پایان جلسات بوسیله سخنگوی دولت رسماً انتشار یافت.

این شوری زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر فعالیت دارد. سخنگوی دولت گفت بدنبال هیأتی که به منظور رسیدگی به وضع تحصیلی و زندگی و امور معاشی دانشجویان ایرانی مقیم هند و پاکستان عزیمت کرده بود، مقرر شد برای دانشجویانی که در حال حاضر در هند و پاکستان به تحصیل اشتغال دارند، در صورتی که بورسی از جایی دریافت نمی‌کنند در اجرای اوامر شاهنشاه، کمک هزینه تحصیلی در نظر گرفته شود.

معافیت پزشکان

سخنگوی دولت گفت به فرمان شاهنشاه آریامهر متولدین تا آخر سال ۱۳۲۲ از خدمت وظیفه عمومی معاف شده‌اند و شناسنامه آنان بمنزله برگ معافیت است (باستثنای پزشکان)، اما تسهیلات مهمی هم در مورد پزشکان در نظر گرفته شده که عبارتست از:

۱- بنابه استدعای آقای هویدا نخست‌وزیر و فرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر این دسته از پزشکان یعنی متولدین ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۲ در صورتیکه بایران مراجعت نمایند و پنج سال در سازمانهای درمانی و بهداشتی کشور خدمت نمایند از خدمت وظیفه معاف می‌گردند. ضوابط اجرایی مربوط را اداره وظیفه عمومی به آگاهی همگان خواهد رساند.

۲- پزشکان متخصص در هر موقع که وارد کشور شوند از مزایای فرمان همایونی بهره‌مند خواهند شد باین معنی که در طول ۶ ماه خدمت اولیه روزانه دو ساعت آموزش نظامی می‌بینند و دو ساعت نیز در مراکز بهداشتی و درمانی کشور بخدمت اشتغال می‌ورزند و بعد از ظهرها آزاد هستند که با استخدام مراکز بهداشتی و درمانی درآیند و یا برای خود مطب خصوصی دایر کنند و ۱۸ ماه بقیه خدمت خود را در دستگاههای درمانی و بهداشتی کشور (صبح‌ها) انجام دهند.

۳- پزشکان متخصص که در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۵۰ سن ۳۵ سال بیالارسیده باشند و دارای زن یا فرزند بوده‌اند با استفاده از کفالت از خدمت معاف خواهند بود.

دانشجویان مقیم انگلیس

سخنگوی دولت افزود: برای رسیدگی به کار گروه زیادی از جوانان ایرانی که بقصد تحصیل دانش واخذ تخصص بانگلستان رفته‌اند، ولی متأسفانه بعلمت وجود شرایط سخت و پیچیده برای ورود بدانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در انگلستان موفق بورود به دانشگاهها نشده‌اند تصمیم گرفته شد، هیئتی بمنظور جمع‌آوری اطلاعات دقیق در زمینه نیازهای استخدامی و شرایط کار به آن کشور عزیمت نماید تا با مراجعه بمؤسسات آموزش فنی و حرفه‌یی موافقت آنها را برای پذیرش تعدادی از داوطلبان

ایرانی جلب کند و بابررسی کافی ومذاکره فردی و سنجش استعداد و بضاعت تربیتی بدهد که این جوانان بتوانند در رشته‌های فنی مورد نیاز کشور به تحصیل اشتغال ورزند و در صورتیکه عدم بضاعتشان محرز ومدلل باشد، کمک هزینه تحصیلی به آنان پرداخت گردد.

همچنین مقرر شد برای آن دسته از جوانانی که رشته‌های فنی مورد نیاز را انتخاب می‌کنند، قرارداد استخدامی بمنظور بازگرداندن آنان بمیهن منعقد شود و حتی دولت هزینه تحصیلی آنانرا در مؤسسات آموزشی تعهد نماید.

ارزشیابی

سخنگوی دولت آنگاه به مسأله ارزشیابی اشاره کرد و گفت: درآینده ارزش تحصیلی دانشجویان، در هر نمایندگی باتوجه به ضوابط تعیین شده از طرف کشوری که دانشجوی در آن به تحصیل اشتغال دارد، تعیین خواهد شد و این ارزشنامه برای خدمت وظیفه عمومی نیز ترخیص انومیل و لوازم کافی خواهد بود.

مطلب مهمی که لازم بیادآوری است، دانشجویان ایرانی در موقعیکه برای استفاده از تعطیلات بایران می‌آیند بمنظور آنکه قیافه حقیقی کار بطور عملی برای آنان مجسم شود می‌توانند در رشته‌های تخصصی خود در بخش‌های خصوصی واداری بکارآموزی اشتغال ورزند.

سخنگوی دولت گفت بدستور نخست‌وزیر به شرکت بیمه ایران دستور اکید داده شد که برفور با راهنمایی وزارت علوم و آموزش عالی بمنظور تهیه امکانات بیمه کردن کلیه دانشجویان ایرانی مقیم خارج در برابر بیماری و حوادث طرح لازم تهیه کند.

آنها که عازم‌اند.

سخنگوی دولت در مورد کسانی که تصمیم دارند در آینده برای تحصیل بخارج عزیمت کنند مجدداً یادآوری کرد، که داوطلبان تحصیل در خارج باید بدون دست داشتن پذیرش معتبر از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و قبل از کسب اطلاعات لازم و کافی از شرایط پذیرش دانشگاهها، از عزیمت بخارج کشور خودداری نمایند و برای آنکه با مشکلات گوناگون مواجه نشوند، با مراجعه بدفتر امور دانشجویان وزارت علوم از امکانات فراوانی که برای آنان فراهم گردیده است استفاده نمایند. دفتر امور دانشجویان در امور مربوط به اخذ پذیرش، اخذ گذرنامه دانشجویی رایگان، استفاده از امتیاز مخصوص دانشجویان راهنمایی‌های لازم را بعمل خواهد آورد و اطلاعات کامل از وضع آموزشی، اقتصادی و اجتماعی کشور مورد نظر در اختیار داوطلبان و اولیای آنان قرار خواهد داد.

وضع مشمولان جدید

سخنگوی دولت با اشاره به وضع مشمولین اضافه کرد، براساس گزارش

هیئت‌های وظیفه عمومی که بمنظور رسیدگی بوضع دانشجویان به اروپا و امریکا عزیمت کرده بودند، مشکلات ایرانیان ودانشجویان مقیم خارج بکلی مرتفع گردیده است و از تاریخ اول فروردین ماه سال ۱۳۵۳ بمجردی که فرمان شاهنشاه آریامهر در مورد احضار مشمولان شرف صدور یابد، باستناد تبصره اصلاحی ماده ۲۲ قانون وظیفه عمومی هیأت‌های رسیدگی تشکیل خواهد گردید وباطلاع عموم ایرانیان مقیم در خارج خواهد رسید تا در محل، بکار مشمولیت آنان رسیدگی شود و دیگر احتیاجی به مراجعه بمرکز نخواهد بود و به مشمولان مقیم خارج که اقامت آنان از طرف نمایندگی‌های شاهنشاهی محرز باشد وآآماده بخدمت تشخیص داده شوند در صورتی که استطاعت کافی برای مراجعت بایران به منظور انجام خدمت وظیفه مقدس سربازی نداشته باشند هزینه سفر پرداخت می‌شود.

تعطیلات دانشگاهی

سخنگوی دولت در مورد چگونگی استفاده دانشجویان از تعطیلات دانشگاهی گفت: وضع تعطیل دانشگاهها، تابع شرایط اقلیمی است - مثلاً در هند و پاکستان فصل تعطیلات دانشگاهی بکلی باتعطیلات دانشجویان کشورهای غرب متفاوت است. دانشجویان هنگام تعطیلات دانشگاهی علاوه از ۴۰٪ تخفیف معمول در قیمت بلیط هواپیما از ۲۰٪ دیگر برای عزیمت بایران استفاده خواهند کرد و در پاره‌یی از کشورها که امکانات لازم فراهم باشد، هواپیمای دربست برای دانشجویان در نظر گرفته خواهد شد همانطور که نخستین پرواز دربست درسیام بهمن ماه سال جاری از آلمان بتهران انجام شد و دومین پرواز دربست نیز در اسفند ماه بعمل خواهد آمد.

سخنگوی دولت در مورد خروج این گروه از دانشجویان اظهار داشت: اجازه خروج این دانشجویان بمحض ورود بتهران از طرف دفتراور دانشجویان واقع در خیابان مدیری، برفور بنام آنان صادر می‌شود همانطور که اجازه خروج دانشجویان در پرواز دسته‌جمعی آلمان بهنگام ورود آنان در فرودگاه داده شد. اولیای دانشجویان لازم است در این خصوص به‌دو نکته توجه نمایند.

۱- دانشجویان هنگام عزیمت بایران باید از نمایندگان شاهنشاهی محل تحصیلشان گواهی اشتغال به تحصیل بگیرند تا کارشان در موقع مراجعت دچار وقفه نشود وچنانچه این گواهی لازم را به همراه نداشته باشند ناچار باید به هزینه خود آنان اشتغال یا عدم اشتغال به تحصیلشان از نمایندگی شاهنشاهی پرسش شود.

۲- دانش‌آموزانیکه بدون رعایت تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون وظیفه عمومی دایر به لزوم مراجعه قبلی واخذ صلاحیت بخارج از کشور عزیمت کرده‌اند فقط تا پایان سال ۵۲ مهلت دارند که این صلاحیت را از کمیسیون مربوط که مرتباً در دفتر امور دانشجویان خارج از کشور و اداره وظیفه عمومی تشکیل می‌شود بدست آورند نداشتن این برگ در سال آینده بکار این دانش‌آموزان لطمه خواهد زد.

دو شرکت توربستی ایرانی - ژاپنی تشکیل شد

ایران و ژاپن همکاری های گسترده ای را در زمینه احداث تأسیسات گوناگون جهانگردی آغاز خواهند کرد و برای پایه گذاری این همکاریها طبق قراردادی که ۱۷ بهمن به امضاء رسید، دو شرکت بنامهای «شرکت جهانگردی ایران و ژاپن» و «شرکت ایران گشت» تأسیس می شود که به ترتیب ۶۰ و ۴۰ درصد سهام آنها بایران تعلق خواهد داشت.

طبق قرارداد همکاری -

های جهانگردی ایران و ژاپن، احداث یک هتل بزرگ در تهران و نیز مطالعه برای ایجاد یک هتل بزرگ دیگر و تأسیسات تفریحی از قبیل لونا پارک در غرب تهران و هتل و هتل در شهرستانها در برنامه است. هتل کدیر مورد احداث آن در تهران توافق شد، عظیم ترین هتل ایران و بلندترین آسمان خراش تهران خواهد بود. این هتل که حداقل ۷۰۰ اتاق خواهد داشت با سرمایه ای در حدود سی میلیون دلار در کناره جنوبی پارک فرح ساخته می شود. این هتل، یک مجهز بیک سالن کنفرانس بزرگ برای برگزاری کنفرانس های بین المللی خواهد بود. یک باغ ژاپنی نیز در برابر هتل ساخته می شود. بزرگترین شرکت جهانگردی ژاپن قبول کرده است که برای بالابردن سطح اشتغال در هتل تبلیغات وسیعی را در ژاپن و سایر کشورها بعمل آورد، یکی از معماران برجسته جهان طرح هتل بزرگ تهران را می ریزد. این معمار که تا کنون نام دارد و هم اکنون در تهران بسر می برد طراح ساختمانهای المپیک جهانی توکیو بوده و صاحب سبک و روش تازه ای در معماری هتلهاست. همچنین ژاپنی ها موافقت کرده اند که برنامه های آموزشی برای تعلیم کارکنان هتل ۷۰۰ اتاقی و سایر تأسیسات جهانگردی که بتدریج در تهران و شهرستانها ایجاد می شود، از طریق اعزام مربیان ژاپنی بایران و قبول کارآموزان ایرانی در ژاپن اجرا می شود. منابع جلب سیاحان خاطر نشان ساختند، شرکت جهانگردی ایران و ژاپن که در قرارداد پیش بینی شده، یک شرکت مدیریت است که کار اداره هتلها و تأسیسات را که بتدریج بوجود خواهد آمد، به عهده می گیرد. شرکت ایران گشت نیز برای احداث هتل بزرگ تهران تشکیل می شود.

یک مرد، پرستار نمونه شناخته شد

برای اولین بار در ایران و شاید جهان، دانشگاه پهلوی شیراز یک مرد را به عنوان پرستار نمونه سال شناخت. این انتخاب در جشن پرستاری دانشگاه پهلوی صورت گرفت. در مراسمی که باین مناسبت در تالار پهلوی دانشگاه پهلوی شیراز برگزار شده بود آقای مرتضی حسن پور بعنوان پرستار ممتاز شناخته شد.

بیمه بیکاری از سال ۵۳ اجرا می شود

وزارت کار و امور اجتماعی بررسی های لازم را در زمینه تدوین مقررات مربوط به بیمه بیکاری آغاز کرده است. بنظر می رسد سازمان تشکیلات بیمه بیکاری در سال ۵۳ ایجاد و مقررات آن بصورت اجرا در آید. بیمه بیکاری یکی از پیش بینی های اساسی برنامه عمرانی پنجم در مورد برقراری حمایت های اجتماعی از کارگران کشور می باشد و استقرار این بیمه باید همگام با ایجاد یک شبکه مجهز و وسیع کاریابی اشتغال باشد زیرا در صورتی می توان متابع و مصالح کارگران را تأمین کرد که شبکه کاریابی بتواند در کوتاه ترین مدت ترتیب بکار گماردن کسانی را که بیکار می شوند بدهد. همین جهت برای هدایت جویندگان کار و نظارت بر امور شبکه های کاریابی یک شبکه اشتغال مجهز و گسترده در کشور بوجود خواهد آمد که بر ۹۰ شبکه کاریابی که تا آخر برنامه پنجم در مناطق مختلف کشور تشکیل خواهد شد نظارت خواهد داشت.

ششم بهمن ۱۷ مرکز جدید کاریابی نیز در مناطق مختلف کشور فعالیت خود را آغاز کردند. تا پایان سال جاری مراکز کاریابی و اشتغال شهرهای ساری - کرج - قزوین - سمنان - یزد - بندر عباس - خرم آباد - سمنان - بندر شاهرور - ایلام - همدان و شهر کرد فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

ایران و کره شمالی

سفیر مبادله می کنند
پاک لی هیون گاردار
سفارت جمهوری دمکراتیک کره در تهران بدون آنکه تاریخ مشخصی را ذکر کند گفت روابط دیپلماتیک دو کشور تا سطح مبادله سفیر ارتقاء خواهد یافت. هیون خاطر نشان کرد برقراری روابط دیپلماتیک تهران - پیونگ یانگ نمونه بارزی از روابط دوستانه دو کشور است که به دنبال آن تاکنون همکاریهای اقتصادی و اعزام گروه های ورزشی و دید و بازدیدهای مقامات دولتی را در برداشته است.

هیون به قرارداد اقتصادی اخیر دو کشور اشاره کرد و گفت در این قرارداد ایران حدود ۵۱۰ میلیون ریال پودر رختشویی، تریکو، شمش آلومینیوم و مواد غذایی به کره شمالی صادر خواهد کرد و در مقابل کره شمالی حدود ۳۳۰ میلیون ریال سیمان، فولاد و مواد شیمیایی به ایران وارد خواهد کرد و به گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دو کشور در آینده اشاره کرد و گفت جمهوری دمکراتیک کره در صدد است تا بعد از پایان قراردادی که اقتصادی اخیر، مبادلات بازرگانی دو کشور گسترش بیشتری یابد.

هیأت نمایندگی

ایران در لاهور

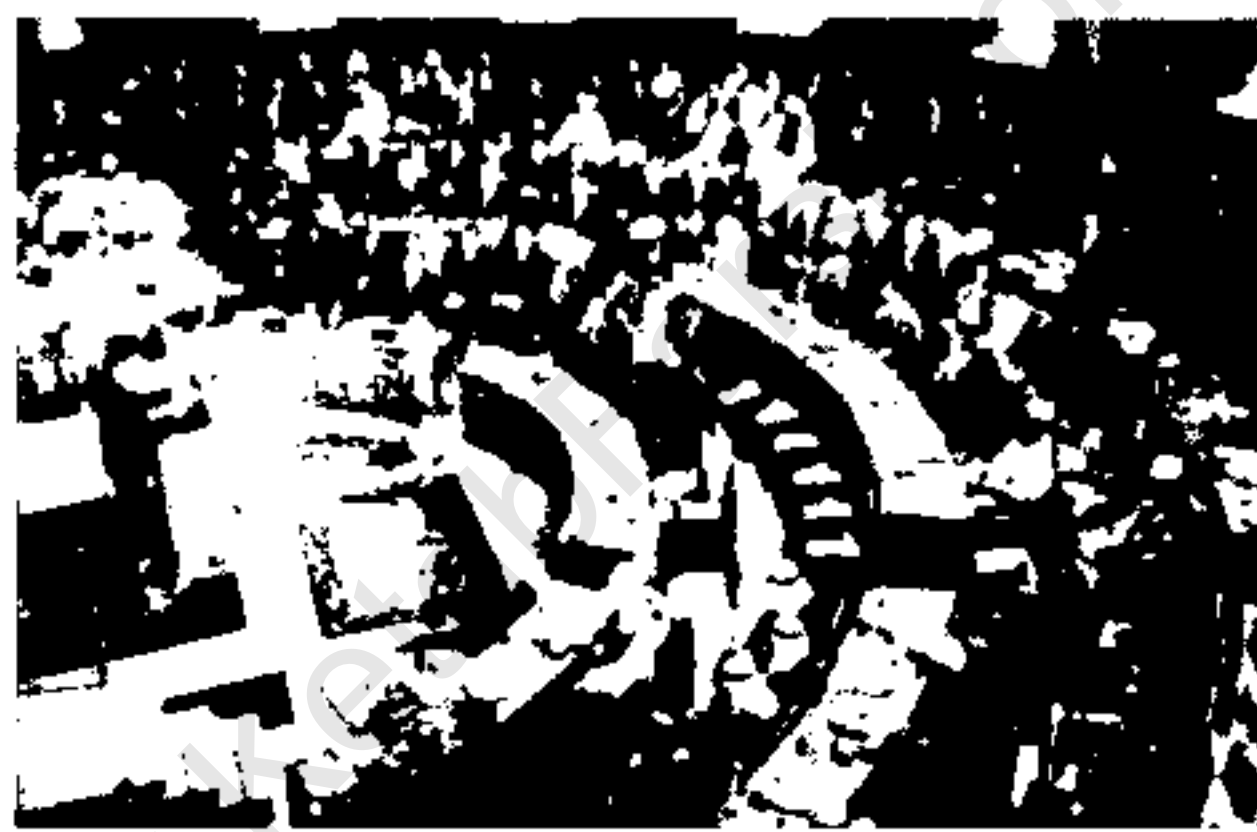
عباسی خلعتبری وزیر خارجه ایران ۲۸ بهمن تهران را در رأس یک هیأت چند نفری برای شرکت در کنفرانس اسلامی لاهور، ترک کرد.

جعفر ندیم معاون وزارت خارجه، ظلی وراثت سفیران ایران و پاکستان، عربستان، رضا قاسمی رئیس اداره اول سیاسی و امیر هوشنگ امیر مکرری رئیس اداره سازمان های بین المللی از همراهان او بودند. خلعتبری ریاست هیأت نمایندگی ایران را در کنفرانس عهده دار بود که سادات، ملک حسین، قذافی و سران دیگر کشورهای مسلمان ریاست هیأت های نمایندگی کشورهاشان را داشتند.

سفر خلعتبری به لاهور که یک روز قبل از کنفرانس انجام شد فرصت مناسبی برای مذاکرات خلعتبری با وزیران خارجه کشورهای اسلامی بود. منابع سیاسی تهران دلیل عدم شرکت مقامهای بالاتر ایرانی را حضور افرادی در کنفرانس لاهور که رویه ای آنان با روح وحدت اسلامی مغایرت دارد عنوان کردند.



امضاء موافقتنامه ایران و ژاپن برای احداث بزرگترین هتل ایران



افتتاح کنفرانس سران کشورهای اسلامی در لاهور



ضیافت اعلیحضرتین بافتخار رئیس جمهوری ژاپن و بانو

ایران ماهواره اختصاصی به فضا می فرستد

ایران یک ماهواره مخابراتی اختصاصی در مدار زمین قرار می دهد و این ماهواره دوازده کانال تلویزیونی و ۱۰ هزار خط «مایکروویو» خواهد داشت. ماهواره مخابراتی اختصاصی ایران که ظرف دو سال آینده فضا فرستاده می شود بیش از یکصد سال عمر خواهد داشت و کارهای مخابراتی آن از طریق یک ایستگاه فضایی کنترل می گردد. مقدمات خرید ماهواره مخابراتی اختصاصی ایران تا اوایل سال ۱۳۵۳ فراهم می شود و با بکار گرفتن این ماهواره علاوه بر تأمین کانال تلویزیونی آموزشی صد درصد جمعیت کشور زیر پوشش برنامه های تلویزیونی ملی قرار می گیرند باین ترتیب در حالی که در پایان برنامه پنجم گسترش شبکه تلویزیونی ملی فقط برای ۶۵ درصد جمعیت کشور پیش بینی شده بود به صد درصد جمعیت اعم از مناطق شهری و روستایی افزایش می یابد و برنامه های تلویزیونی در کلیه نقاط قابل رؤیت خواهد بود. به علاوه در اختیار گرفتن یک ماهواره مخابراتی اختصاصی این امکان را می دهد که میان یکصد و پنجاه شهر کوچک و بزرگ نیز ارتباط تلفنی مستقیم برقرار می گردد و این شهرها بایکدیگر از طریق «مایکروویو» ارتباط تلفنی مستقیم خواهند داشت.

رئیس جمهوری

زئیر در تهران

اوایل اسفند رئیس جمهوری زئیر، ژنرال موبوتو سسکو و بانو میهمان شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو بودند. در ضیافتی که بافتخار ریاست جمهوری زئیر در کاخ نیاوران ترتیب داده شد شاهنشاه قول هرنوع کمک و مساعدت را به قاره آفریقا دادند. حضرت رئیس جمهوری زئیر و بانو در مدت اقامت یک هفته ای خود در تهران از اصفهان و شیراز نیز دیدن کردند.

ارزش معاملاتی

اراضی داخل و

خارج محدوده

تعیین شد

کمیسیون تقویم املاک مرکب از نمایندگان انجمن شهر، ثبت اسناد و وزارت دارایی که برای تعیین ارزش معاملاتی سال ۵۳ تشکیل شده بود، پس از شش ماه مطالعه و بررسی در زمینه معاملات ارضی در بازار به کار خود پایان داد و ارزش معاملاتی

اراضی و ساختمان را در سال ۱۳۵۳ تعیین کرد و جهت اظهار نظر به شورای معاونین وزارت دارایی ارسال داشت. در ارزش معاملاتی سال ۵۳ برای نخستین بار اراضی خارج از محدوده شهر تهران و حومه قیمت رسمی خواهند داشت که این قیمتها با توجه به جریان معاملات تعیین شده است. بنابراین از فروردین ماه سال آینده مآخذ دریافت مالیات از خرید و فروش اراضی خارج از محدوده تهران و حومه تغییر می‌کند و طبق ارزش معاملاتی مالیات آن محاسبه می‌گردد. يك مقام مطلع در این مورد توضیح داد، هم اکنون مالکیت اراضی خارج از محدوده طبق اظهار خریداران و فروشندگان محاسبه می‌شود در حالیکه برای معاملات این نوع اراضی از سال آینده ارزش معاملاتی، مآخذ خواهد بود و قیمت ارزش معاملاتی از دو سوم قیمتی که مورد معامله قرار می‌گیرد بیشتر نیست. قیمت این نوع اراضی در ارزش معاملاتی سال ۵۳ با توجه به مرغوبیت آن متفاوت پیش‌بینی شده است. به علاوه در ارزش معاملاتی سال ۵۳ افزایش قیمت اراضی اعم از دایر و بایر در خیابانهای بالای شهر تهران در ارزش معاملاتی منظور شده و به قیمت آن ترقی محسوسی داده شده است. این مقام یادآور شد کمیسیون تقویم املاك در سایر شهرستانها نیز از چندی قبل شروع بکار کرده و این کمیسیون‌ها هم طی یکی دو هفته آینده ارزش معاملاتی سال ۵۳ هریک از شهرها را تعیین خواهند کرد.

سلطان عمان در

تهران

بدعوت شاهنشاه آریامهر، اعلیحضرت قابوس بن سعید، سلطان عمان ۱۱ اسفند برای يك دیدار رسمی يك هفته‌ای وارد تهران شدند و در مهرآباد مورد استقبال گرم و رسمی شاهنشاه قرار گرفتند. سلطان قابوس برای دومین بار است که در مقام سلطان عمان از ایران دیدن می‌کنند. نخستین سفر ایشان به ایران در مهر ماه سال ۵۰ و برای شرکت در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله صورت گرفت. در این سفر ایران به عمان قول داده است تا زمانیکه لازم باشد از ادامه کمک‌های نظامی به ارتش سلطان برای استقرار و آرامش وثبات در عمان و مرزهای آن دریغ نخواهد کرد.

از نظر ایران موجودیت عمان قوی و با ثبات از عوامل مهم در تأمین امنیت خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند بشمار می‌رود و آنچه اینک در مبارزه با تسلط بیگانگان در عمان دنبال می‌شود يك امر حیاتی

است. در مذاکرات تهران مسایل مربوط به همکاریهای دو کشور در خلیج فارس، بحران خاورمیانه و بسیاری دیگر از مسایل مورد علاقه و مشترک مطرح گردید.

ایران، ایستگاه

گیرنده اطلاعات

از ماهواره‌های

تکنولوژی نصب

می‌کند

ایران تصمیم گرفت به عنوان چهارمین کشور در جهان ایستگاه گیرنده اطلاعات از ماهواره‌های تکنولوژی منابع زمینی و ماهواره‌های هواشناسی نصب کند و مرکز تحقیقات فضایی امریکا «ناسا» با آن موافقت کرد. رئیس دفتر خدمات ماشینی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی اعلام کرد که بانصب این دستگاه ۷ سازمان دولتی ایران و وزارت کشاورزی، سازمان برنامه، وزارت آب و برق، سازمان زمین شناسی، سازمان جغرافیایی کشور، شرکت نفت و سازمان نقشه‌برداری از اطلاعاتی که از ماهواره‌های تکنولوژی منابع زمینی و آزمایشگاه فضایی و آزمایشگاه آسمانی (اسکای-لب) مستقیماً دریافت می‌شود استفاده خواهند کرد.

وی گفت که همزمان با نصب تأسیسات ارتباط مستقیم، ایران به ناسا اطلاع داده است که قصد دارد در تمام دوره‌های علمی، سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های علمی که در این زمینه تشکیل می‌شود شرکت کند و همواره آخرین اطلاعات رسیده را بگیرد. او گفت که ایران از اطلاعات مربوط به کشاورزی، جنگلداری، منابع آب، زمین شناسی، اکتشاف کان‌ها، خاکشناسی، نقشه‌برداری و رشته‌های دیگر که از ماهواره‌ها و آزمایشگاه آسمانی می‌رسد استفاده خواهد کرد و به تدریج برای تربیت کارشناسان ایرانی و آماده کردن آنها برای کار در این رشته، دوره‌های آموزشی با کمک کارشناسان خارجی تشکیل خواهد داد.

سفر هویدا به آلمان

امیر عباس هویدا نخست وزیر ۱۵ اسفند برای يك دیدار رسمی چهار روزه وارد بن شد. نخست‌وزیر در این دیدار همکاری‌های دراز مدت ایران و آلمان فدرال در زمینه انرژی را با مقامات دولت آلمان مورد گفتگو قرار داد. مهم‌ترین موضوع مذاکرات احداث پالایشگاه ۲۵ میلیون تنی بوشهر و همکاری‌های دیگر در زمینه مسائل نفتی است. ایران برای احداث يك کارخانه

پتروشیمی نیز پافشاری می‌کند.

صدور طولیل‌المدت گاز ایران به آلمان نیز در زمره مطالب اصلی مورد مذاکره بود. مملووعات آلمان از تحویل سالانه ۲۰ میلیون متر مکعب گاز برای مدت ۲۰ و ۲۵ سال به آلمان سخن می‌گویند.

سمینار ملی رفاه

اجتماعی

۱۸ اسفند سمینار ملی رفاه اجتماعی با بیانات اعلیحضرت سپاهنو در سالن حفاظتی وزارت کار گشایش یافت. اعلیحضرت سپاهنو در بیانات افتتاحیه سمینار فرمودند: بنام خداوند بزرگ بسیار خوشوقتم که امروز سمینار ملی رفاه اجتماعی را افتتاح می‌کنم. رفاه اجتماعی به معنای وسیع آن، یعنی از بزرگ‌ترین و مهمترین هدف برنامه عمرانی پنجم کشور است و تشکیل چنین سمیناری بمنظور بررسی مسائل مربوط بدان واجب می‌شود که با شرکت مسؤولین سازمانهای رفاهی و مسجلمانان در امور رفاهی تشکیل شده که ظرف پنج روز آینده مسائل رفاه اجتماعی را مورد بررسی و تبادل نظر قرار دهد و در پایان کار نتیجه امر از طریق شورای عالی رفاه اجتماعی و دبیرخانه شورا به سازمان‌های مسئول منعکس نماید تا مورد عمل قرار گیرد.

البته باید توجه داشت که مفهوم رفاه اجتماعی در کشور های مختلف یکسان نیست و هر کشور با توجه به اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی و اقتصادی خود رفاه اجتماعی را تعبیر و تفسیر می‌کند. بطور مثال وقتی یکی از کشورهای فقیر جهان صحبت از رفاه اجتماعی می‌کند مسلماً با مفهومی که رفاه اجتماعی در کشورهای پیشرفته خواهد داشت تفاوت فاحش دارد. از این رو لازم است که در کشور ما نیز چه در هنگام تهیه و تدوین برنامه‌ها و چه در حین اجرای آنها، مسائل و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مملکت و شرایط اقلیمی، آداب و سنن و حتی مسائل اخلاقی مردم را در نظر بگیریم تا موقعیت برنامه‌ها تضمین شود.

در کشور ما خدمات رفاهی

سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و حسن نوع دوستی مردم این سرزمین که بصورت کمکهای فردی و بوسیله وقف و غیره متجلی شده و می‌شود حاکی از توجه مردم به رفاه اجتماعی بوده است. ولی ارائه خدمات رفاهی به شکلی سازمان یافته و متبنی بر برنامه‌های پیش‌بینی شده از دوران سخت زمان جنگ دوم شروع شد و ثمرات آن نصیب هزاران نفر از مردم ستمدیده و نیازمند کشور گردید.

به همین سبب و بعزت وجود سنت دیرین عرضه خدمات اجتماعی در کشور، تشکیلات بزرگ و ریشه‌داری چون جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران به همت اعلیحضرت رضاشاه کبیر درست پنجاه سال پیش بوجود آمده و با جلب همکاری مردم رشد قابل ملاحظه‌ای نموده است و طی سالهای جنگ دوم جهانی بنگاه حمایت مادران و نوزادان به علت نیازهای خاص آن زمان بوجود آمد. سپس در سال ۱۳۲۵ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بنانهاده شد و خدمات رفاهی متعددی را به مردم نیازمند به کمک ارزانی داشت و سپس در طی چند دهه اخیر سازمانهای گوناگونی در پهنه خدمات رفاهی یا به عرصه وجود گذاشت. یکی از هدف‌های این سمینار اینست که بدون لطمه زدن بشکل بنیادی و حقوقی این سازمانها از طریق ایجاد فرصت تبادل نظر و بحث درباره الزامات آنی جامعه ما، يك هماهنگی و همکاری نزدیک‌تری بین سازمان‌ها بوجود آید.

از آغاز برنامه عمرانی چهارم خدمات رفاهی، به عنوان هدف برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و برنامه‌هایی در زمینه‌های مختلف پیش‌بینی گردید که بعزت وجود مشکلاتی از جمله روشن نبودن نحوه اجرای صحیح و دقیق آن توسط سازمان‌های موجود مملکتی، آشکار که باید و شاید به مرحله عمل درنیامد. به همین سبب و بعزت آنکه کلیه مسائل رفاه اجتماعی از مرجع واحدی هدایت و رهبری می‌شود و در نتیجه هماهنگی لازم وجود نداشت در سال ۱۳۴۲ شورای عالی امور اجتماعی که بعداً به شورای عالی رفاه اجتماعی تغییر نام داد، تحت ریاست خود من و با شرکت وزرای مسؤول تشکیل گردید تا امور رفاه اجتماعی را در جهت هماهنگی و اجرای هر چه بهتر برنامه‌های پیش‌بینی شده هدایت و رهبری نماید. مطالعات و بررسی‌هایی که طی برنامه چهارم در زمینه رفاه اجتماعی صورت گرفت و تجربیات حاصله از اجرای آن، کمک بزرگی به تدوین برنامه پنجم عمرانی نمود و براساس آن برنامه‌هایی تهیه و تنظیم گردید.

هدف این سمینار در وهله اول، یافتن بهترین راه‌های برنامه‌های پیش‌بینی شده است که مطلوبترین نتیجه از آن بدست آید و بیشترین تعداد افراد از اجرای این برنامه‌ها بهره‌مند گردند، و در مرحله دوم یافتن راه‌حلها و پیشنهادات جدید در مورد مسائل رفاه اجتماعی است که در تجدید نظر در برنامه پنجم



حیاط شاهنشاه آریامهر بافتخار سلطان عمان

مشمولان پزشک فارغ التحصیل خارج با ۵ سال کار در ایران معاف میشوند

بفرمان شاهنشاه آریامهر ، کلیه مشمولان پزشک متولد سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۲ که در خارج از کشور فارغ التحصیل شده‌اند، یا در آینده فارغ التحصیل خواهند شد، در صورت بازگشت به کشور و پنج سال خدمت در هر موسسه یا سازمان بهداشتی و درمانی ، از انجام خدمت‌زیر پرچم معاف خواهند بود .

اداره وظیفه عمومی یادآور شد که مشمولان پزشک فارغ التحصیل خارج ، پس از بازگشت به ایران بلافاصله در سازمان‌های درمانی و بهداشتی استخدام میشوند و اگر مایل به خدمت در موسسات خصوصی باشند می‌توانند در بنگاه‌های درمانی غیر دولتی نیز بخدمت پردازند و

چنانچه این بنگاه‌ها یا سازمان‌های بهداشتی مورد قبول دولت باشد ، پس از پنج سال می‌توانند برگ معافیت خود را دریافت دارند .

کلیه واحد های درمانی و سازمان های بهداشتی موظف خواهند بود که این گروه از پزشکان فارغ التحصیل خارج را بدون برگ معافیت ، استخدام کنند .

طبق یک آمار رسمی در حال حاضر پنج هزار پزشک ایرانی در ایالات مختلف آمریکا و اروپا مشغول کار هستند . بزودی این فرمان به کلیه سفارتخانه های ایران در کشور های خارج ابلاغ خواهد شد.

آنچه که در ملاقات نخست وزیر لسوتو با مقامات ایرانی مایه اصلی گفتگوها قرار می‌گیرد امکان سرمایه‌گذاری های ایران در کشور آفریقای لسوتو است. نخستین قرارداد بازرگانی دوسال پیش بین ایران و لسوتو میان مقامات دو کشور به امضا رسید که فروش تعدادی اتوبوس از جمله کالاهایی بود که به لسوتو صادر شد. نخست‌وزیر لسوتو را در سفر به ایران وزیر دارایی و بازرگانی و صنایع، کفیل سازمان برنامه و رئیس سازمان مرغداری آن کشور همراهی می‌کنند، لسوتو در جنوب آفریقا قرار دارد و بیش از ۹ میلیون جمعیت دارد.

ایران و عراق در شورای امنیت

بتوافق رسیدند با آغاز مأموریت رسمی حسین شهیدزاده سفیر ایران در بغداد و توافق تهران و بغداد نسبت به عبارات یک بیانیه شفاهی که از سازمان ملل می‌خواهد به مشکل و اختلافات مرزی ایران و عراق رسیدگی کند و بحران مرزی ایران و عراق را که از برخورد مرزی خونین ۲۱ بهمن گذشته ناشی گردید باید فروکش شده تلقی کرد.

۱۸ اسفند پرزیدنت احمد حسن البکر رئیس جمهوری عراق طی تشریفات رسمی سفیر ایران را پذیرفت. شهیدزاده در این مراسم پس از تسلیم استوارنامه‌ها، پیام شاهنشاه را تسلیم بکر نمود. ملاقات شهیدزاده با بکر درست یک هفته پس از ورود سفیر ایران به بغداد صورت گرفت و آغاز مأموریت سفیر ایران در بغداد آخرین مرحله مکملی در تجدید مناسبات سیاسی تهران- بغداد بشمار می‌رود، در بیانیه مورد توافق، شورای امنیت از کسورت والدنهام دبیر کل سازمان ملل خواست که نماینده‌یی برای رسیدگی به رویدادهای مرزی و شکایت عراق تعیین و ظرف ۳ ماه گزارش خود را تسلیم کند. بیانیه شورای امنیت اساس حقوقی مرزها، تعهد تمام کشورها به محترم شناختن قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد و اصولی که بر روابط دوستانه کشورها حکومت می‌کند را مورد تأکید قرار می‌دهد و اظهار امیدواری خواهد کرد که دو کشور از مناسبات تجدید یافته‌ی منفع‌حل مشکلات خود استفاده کنند. متن‌هایی بیانیه با حضور طرفین و از طریق مشورت رئیس شورای امنیت با دیگر اعضاء شورا تنظیم شد. این بیانیه مسائل مربوط به حدود وظایف هیأت بازرسی و همچنین مواد مربوط به چگونگی رجوع به قرارداد مرزی ۱۹۳۷ و تفسیر این قرارداد را روشن کرده است.

و برنامه‌های به‌مورد توجه قرار گیرد. البته این مسئله را نیز باید اذعان کرد که رفاه اجتماعی در ایران چه از نظر برنامه ریزی و چه از لحاظ اجرایی هنوز راه درازی در پیش دارد و باید با مطالعه و همت و پشتکار ، مشکلات کار را کم و کمتر کرد تا به هدف نهایی که تأمین رفاه اجتماعی برای عموم افراد ملت است رسید.

آموزش، اشتغال، درمان و مسکن و تغذیه ۵ رکن اساسی نیازهای اجتماعی ماست. با خوشوقتی بسیار میدانیم که برنامه آموزش و تغذیه دانش آموزان با صدور فرمان شاهنشاه آریامهر راه خود را یافته و مسؤولان امر هم‌اکنون سرگرم تهیه مقدمات اجرای این فرمان هستند در چند سال دیگر کدرا آمد سرانه ایرانی به پای پیشرفته‌ترین ممالک اروپایی خواهد رسید این مطالب خود به خود حل خواهد شد.

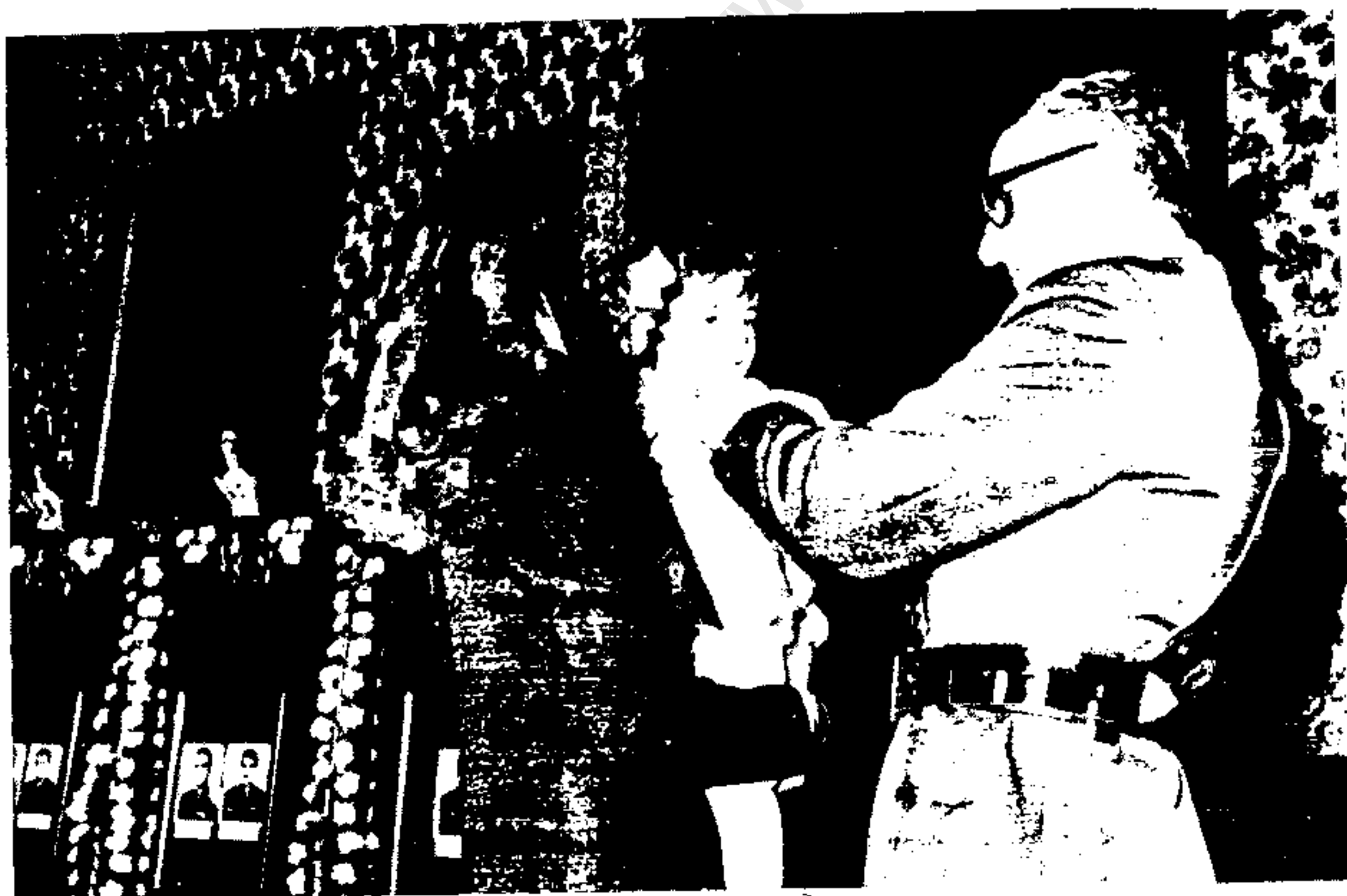
در پایان لازم می‌دانم توجه کمیته‌های این سمینار را به این نکته مهم جلب کنم که اجرای صحیح برنامه‌های تدوین شده اهمیت خاصی دارد و به همین سبب مسؤولین مؤسسات رفاهی، وظیفه‌شوار و سنگینی برعهده دارند که باید آنرا به عنوان کار اصلی خود در نظر داشته باشند به همین سبب لازمست که مسؤولین کلیه مؤسسات رفاهی تمام وقت خود را منحصراً در سازمان مؤسسه تحت نظارت خود صرف کنند.

بازماندگان شهدای سال ۵۲ نشان جاوید گرفتند

۲۰ اسفند در پیشگاه شاهنشاه آریامهر آیین جاوید در باشگاه افسران برگزار گردید در سال گذشته در نیروهای مسلح شاهنشاهی دو افسر ، ۳۶ درجه‌دار و سرباز و ۱۴ دلاور در راه سرفرازی میهن بافتخار شهادت نائل شدند و ۲۰ افسر و ۱۱۴ درجه‌دار و سرباز در راه انجام وظیفه جان داده‌اند. سپس شاهنشاه آریامهر، نشان های جاوید را به نزدیکترین بازماندگان شهداء اعطاء کردند. بهنگام اعطای نشان جاوید بازماندگان شهداء، سرود مخصوص خوانده شد و در پایان یکی از بازماندگان شهدا خطابه‌یی قرائت کرد. همزمان با برگزاری این مراسم، آیین جاوید در یادگان‌های کشور برگزار گردید و خانواده جانبازان بدریافت نشان جاوید مفتخر شدند.

نخست‌وزیر لسوتو

در ایران سی‌و‌آ جوانان نخست‌وزیر کشور آفریقای لسوتو ۲۵ اسفند وارد تهران شد.



آئین جاوید در باشگاه افسران

وزارت بهداشتی يك طرح بهداشتی و درمانی برای روستاها اجرا می کند

وزیر بهداشتی در يك گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرده که بنا به دستور شاهنشاه آریامهر ستادی برای هماهنگی بین سازمانها و مؤسسات گوناگون درمانی ایجاد می شود و وزارت بهداشتی مسؤولیت آنها به عهده خواهد داشت. وزیر بهداشتی در این مصاحبه که روز پنجشنبه تشکیل شد رئیس طرح بزرگی را که برای پوشش درمانی روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک آماده شده است اعلام کرد. بموجب این طرح يك برنامه آزمایشی در آذربایجان غربی تا دو سال اجرا می شود که از نتایج آن برای اجرای طرح در سراسر کشور استفاده خواهد شد و سازمان بهداشت جهانی که بموجب قراردادی با وزارت بهداشتی بر این برنامه آزمایشی سرپرستی دارد، آن را برای اجرا در کشورهای رو به رشد دیگر توصیه خواهد کرد. طرح آزمایشی خدمات بهداشتی و درمانی آذربایجان غربی از اوایل سال ۱۳۵۳ اجرا می شود و بررسیهای مربوط به وضع محلی و جمعیت و نیازهای بهداشتی و درمانی منطقه قبلاً انجام شده است. در اجرای این طرح ۳۹ خانه بهداشت در روستاهای آذربایجان غربی برپا می شود و در هر خانه بهداشت يك گروه دو نفری مرکب از بهداشتیار مرد و بهیار ماما (زن) به خدمت گذاشته خواهد شد. بهداشتیاران از میان دیلمها و بهیار ماماها از میان سپاهیان بهداشت دختر انتخاب شده اند و يك آموزش ۶ ماهه می بینند تا برای مراقبت های بهداشتی و انجام کمک های نخستین درمانی آماده شوند. بنابر محاسبات بهر ۲۰۰۰ جمعیت يك گروه بهداشتیار و بهیار ماما رسیدگی درمانی و بهداشتی خواهند کرد. وزیر بهداشتی در مصاحبه خود گفت برای اجرای این طرح در همه روستاها به ۲۰ هزار بهداشتیار و بهیار ماما نیاز است و در شهرهای کوچک به همین منظور ۳۰ هزار بهداشتیار و بهیار ماما تربیت خواهند شد و تعداد مراکز درمانی بخشها که اکنون ۱۲۰۰ است به ۳۰۰۰ افزایش خواهد یافت. همچنین قطب های بهداشتی و درمانی در مراکز استانها و فرمانداری های کل مجهز به بیمارستانها و پزشکان متخصص بوجود خواهد آمد این قطبها در واقع مراکز راهنمایی و آموزش برای مراکز درمانی

بخشها و بهداشتیاران خواهند بود.

تشکیلات وزارت راه تغییر می کند

تشکیلات وزارت راه تغییر می کند، سازمان هواشناسی و اداره کل هواپیمایی کشوری با کلیه کارکنان آنها از وزارت راه جدا می شوند و بوزارت جنگ منتقل می گردند. در لایحه جدید به وزیر اختیار داده شده تشکیلات هر يك از سازمانها و مؤسسات واحدهای تابعه یا وابسته به آن وزارتخانه را در صورتی که لازم تشخیص دهد، ادغام یا منحل نموده و تشکیلاتی براساس وظایف آن تنظیم کرده بموقع اجرا بگذارد. وزارت راه و ترابری بموجب این لایحه برای اجرای قسمتی از وظایف خود و سازمانهای وابسته می تواند با موافقت شورای عالی هماهنگی ترابری کشور و با رعایت شرایطی که شورای عالی مذکور تعیین خواهد کرد، شرکت بازرگانی تشکیل دهد و یا با بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی و همچنین مؤسسات دولتی ایرانی مشارکت نماید. بموجب لایحه جدید، وزارت راه و ترابری مجاز است آن قسمت از راهها، ایستگاههای راه آهن، محوطه های بارانداز بنادر و نظایر آنها را که مورد استفاده نیست پس از روشن شدن وضعیت ثبتی بارعایت مقررات بفروش برساند و وجوه حاصل را ظرف یکسال به مصرف خرید اراضی و مستحقات مورد نیاز برساند. همچنین بمنظور انجام خدمات باربری، تخلیه و بارگیری (به استثنای خدمات فرودگاهی) و انبار داری و گمرکات کشور رأساً یا با مشارکت بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی شرکت یا شرکت های تشکیل دهد.

بیمه درمانی برای همه بازنشستگان و مستمری بگیران

سینای ملی رفاه اجتماعی که ۲۲ اسفند بکار خود پایان داد در سند نهایی خود توصیه کرد که همه بازنشستگان و مستمری بگیران از بیمه درمانی استفاده کنند و نیز در میزان مستمریها در مهلت معینی به تناسب تغییرات شاخص هزینه زندگی تجدید نظر شود. قطعنامه پیشنهاد کرده است که برای پیشه وران و صاحبان مشاغل آزاد، که در حال حاضر از مزایای تأمین اجتماعی استفاده نمی کنند، مقررات لازم هرچه زودتر تهیه و تصویب شود و تماری موجود بین مقررات مختلف تأمین اجتماعی که در حال حاضر عامل بازدارنده پیشرفت تأمین اجتماعی در کشور است بایستی با تجدید

نظر در قوانین مربوط برطرف شود. قطعنامه تجدید نظر در برنامه های تأمین اجتماعی آمده در برنامه پنجم را نیز ضروری شناخته است. در قسمت مربوط به کودکان قطعنامه گسترش برنامه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را با افزایش تعداد پارکهای کودکان و نظارت در تهیه وسایل بازی کودکان از نظر آموزشی خواستار شده است و یادآوری شده که «اقدامات مربوط به نگهداری موقت اطفال گمشده و بی سرپرست در مراکزی تحت نظارت دانسراها شهرستانها متمرکز گردد».

درباره رفاه نوجوانان و جوانان قطعنامه، خواهان پژوهش و تحقیق درباره مسائل و خواسته های نوجوانان و جوانان است و اتخاذ شیوه های ارزشیابی و ارزیابی فعالیت های نوجوانان و جوانان در سازمان و نظام کار. درباره زنان گفته شده است که موارد تبعیض و نابرابری بین زن و مرد در قوانین (مانند ولایت، تابعیت، تمدد زوجات، اجازه مسافرت) با همکاری سازمان زنان بررسی گردد. در مورد سالمندان قطعنامه گفته است که «تأمین وسایل رفاه همه جانبه سالمندان در گروه های سنی شصت سال به بالا به عنوان مسؤولیت اجتماعی دولت شناخته شود و صندوق و بانک رفاه بازنشستگی سالمندان برای تأمین حداقل معیشت از نظر برقراری مستمری سالمندان تشکیل گردد».

بیمه مجانی افراد کم درآمد به مرحله اجرا درآمد

طرح بیمه درمان رایگان افراد کم درآمد و کم بضاعت تهیه و به مرحله اجرا درآمد. وزارت بهداشتی اعلام کرد براساس این طرح بیماران کم بضاعت که احتیاج به بستری شدن و درمان پیدا می کنند از طرف سازمان تأمین درمان به بیمارستان های بخش خصوصی که در مقابل اخذ وام با وزارت بهداشتی قرارداد منعقد کرده اند معرفی می شوند تا برای آنان مورد معالجه قرار گیرند. يك مقام آگاه در وزارت بهداشتی توضیح داد که این قرارداد بر مبنای بازپرداخت وامی است که وزارت بهداشتی برای ایجاد و توسعه بیمارستانهای خصوصی در اختیار مؤسسين آنها گذارده است.

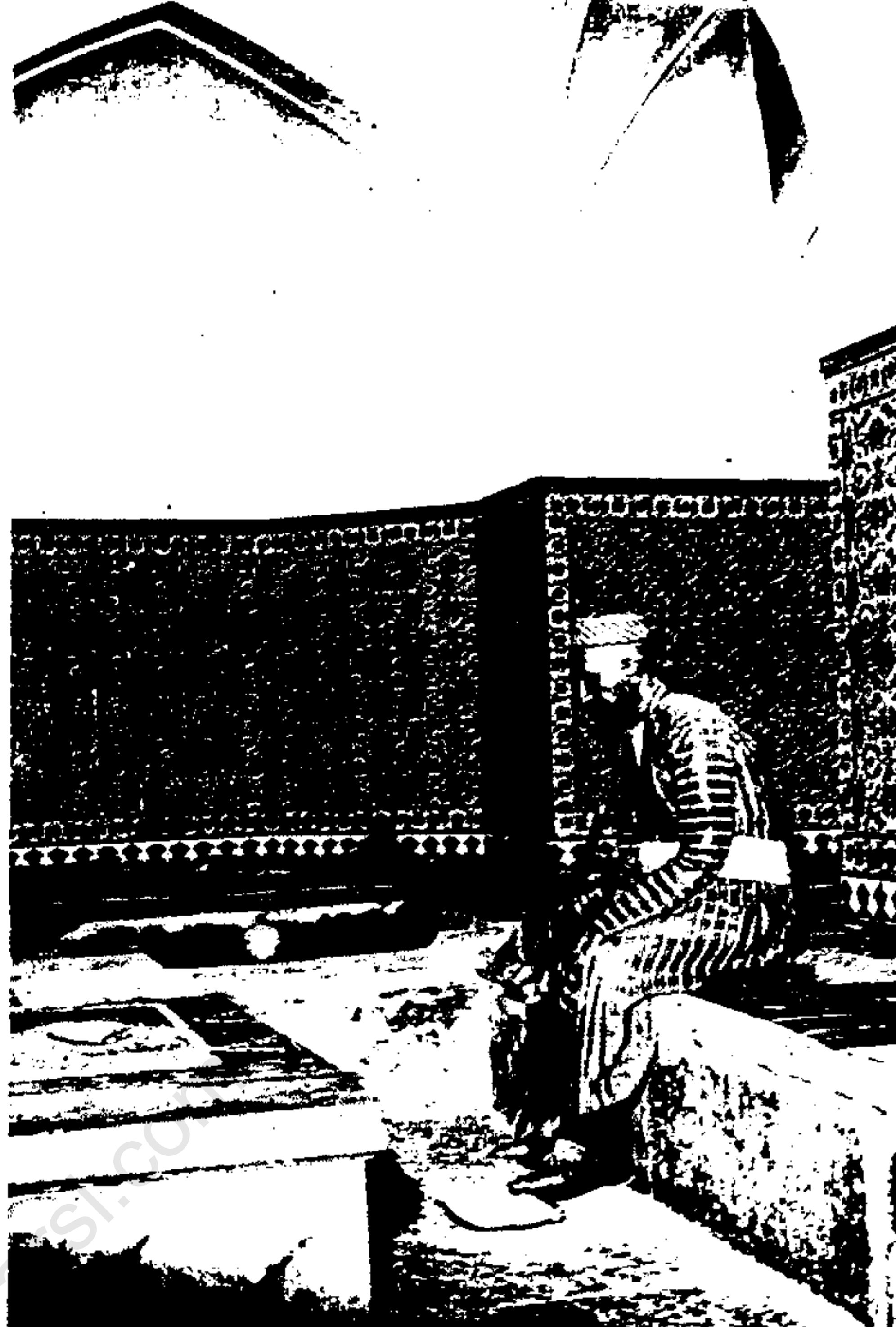
براساس آیین نامه یاد شده شرط استفاده از مزایای بیمه درمانی رایگان عدم استفاده و برخوردار نبودن از بیمه های دیگر می باشد. درباره نحوه بیمه این افراد این مقام خاطر نشان ساخت بیماران از طریق معرفی درمانگاه های عمومی خیریه از مزایای بیمه درمانی استفاده خواهند کرد. در صورتیکه بیمارستانهای طرف قرارداد آمادگی خود را برای پذیرش این قبیل بیماران اعلام نکنند وزارت بهداشتی بلافاصله نسبت به بازگرفتن وام اقدام خواهد کرد.

لطفاً در صورت تغییر محل، نشانی جدید را با ذکر نشانی قدیم، بدفتر تلاش اطلاع دهید



مسجد علی (کرمان) ↓

بازار کرمان ↑



مجمعی خان (کرمان) ↑

مدرسه ابراهیم ↓

